

افزون

سال پنجم / شماره ۶۲

تیرماه ۱۴۰۰ قیمت ۱۵۰۰۰ تومان

نخستین ماهنامه اقتصادی - اجتماعی دوزبانه

● هزار هزار میلیارد تومان خلق نقدینگی در یک سال

رشد شتابان نقدینگی

● رقابت منطقه‌ای در میدان افغانستان با خروج واشنگتن

پیامدهای اقتصادی طالبان برای ایران

● سرکوب قیمت‌ها به بهانه حمایت از مصرف‌کننده

قیمت گذاری دستوری آفت اقتصاد کشور

● جزئیات واردات کفش در ۸ سال گذشته

صنعت کفش؛ قربانی مافیای واردات

از انواع کلاهبرداری تا پولشویی
قطع برق و خروج سرمایه از ایران

مخاطرات پدیده رمزارز

Hidden aspects of
Tehran's peace initiative
for Afghanistan

US role in delaying
Iraqi parliamentary
elections

Who is Amirabdollahian,
president's pick
for next FM?

کاهش سرفاصله حرکت قطارهای متروی تهران و حومه از مهرماه ۱۳۹۶ تا کنون



پایگاه تحلیلی - خبری

افوق



www.ofoghetazenews.com

در پیچه‌ای رو به اخبار ایران و جهان

https://t.me/news_tadbir

ofoghetazeh@gmail.com



حسین سلاح‌ورزی
نایب‌رئیس اتاق ایران

چگونگی تحقق توسعه پایدار

آقای ریسی رییس جمهور منتخب ملت در دولت سیزدهم، لاجرم بیش از هر موضوعی در طول چهار سال آینده با مسئله اقتصاد سرو کار خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصاد ایران در طول دهه‌های گذشته تفاوت نگرش فعالان اقتصادی بخش خصوصی و دولتمردان به مفاهیم و مسائل اساسی نظام اقتصادی است.

در این چند سطر کوشیده‌ام مختصر و مفید تصویری از نگرش فعالان بخش خصوصی به این مفاهیم و مسائل ارائه کنم؛ با این امید که این طرح نظر مقدمه‌ای برای گفت‌وگوی مولد میان دولت و بخش خصوصی برای رونق تولید و تحقق توسعه پایدار باشد. تورم؛ فعالان بخش خصوصی و دولتمردان در این نکته متفق‌القول‌اند که تورم بالای معیشت ملت و مانع تقویت تولید است؛ اما برخلاف عموم دولتمردان که تورم را ناشی از گرگان‌فروشی فعالان اقتصادی می‌دانند؛ ما معتقدیم عمده‌ترین عامل تورم افزودن بودن خرج دولت نسبت به دخل اوست. برای مهار تورم انضباط مالی را بر امور دولت حاکم بفرمایید.

نظام بانکی؛ اهل سیاست برای دهه‌ها نظام بانکی را به مثابه کانال توزیع پول دولت دیده‌اند، اما فعالان بخش خصوصی گمان می‌کنند این نگاه ریشه فساد در نظام بانکی و مروج رانت و موجب سرکوب بهره‌وری در نظام تولید و تجارت است. بانک کسب‌وکار خرید و فروش «اعتبار» است و مثل هر کسب‌وکار دیگری بهترین عملکرد آن در شرایطی حاصل می‌شود که مداخله دولت در نظم طبیعی فعالیت‌هایش به حداقل‌های ضروری کاهش یابد. ارز؛ این که سیاستمداران ارز را منبعی راهبردی برای مدیریت اقتصاد کشور می‌بینند، میراث شوم اقتصاد تک‌محصولی نفتی و توسعه‌محور مرکز‌گرای مبتنی بر آن است. بازار ارز برای رسیدن به ثبات نیازمند تعمیق از طریق توسعه ابزارهای مشتقه، تسهیل شرایط برای تقویت تجارت خارجی و البته (همان‌ترجیح‌بند تکراری یعنی؛) پرهیز دولت از مداخلات نمایشی و غیر کارشناسی است.

بورس؛ بخش مهمی از رشد اقتصادی مبتنی بر کارآفرینی ناشی از خلق امکان معامله ریسک در نظام اقتصادی است و بورس مهم‌ترین زمینه نهادی برای انجام این معاملات است. سیاستمداران مسوول سود و زیان سهامداران و وضعیت شاخص بورس نیستند.

کافی است معاملات شفاف و منصفانه و آزادانه در بورس را تضمین کنید تا بورس به کارکرد حقیقی خودش یعنی خلق ارزش افزوده از طریق فراهم کردن زمینه معامله ریسک و کمک به تأمین مالی بنگاه‌ها بازگردد. مجوزها و مقررات‌زایی؛ مقررات‌زایی غیر ضرور دهه‌هاست که به نام حفاظت از حقوق ملت انجام می‌شود، اما در واقع، چاه ویلی است که آبی برای معاش ملت و ارتقای عملکرد اقتصاد ندارد و تنها خاصیتش نان رساندن به مشتی فاسد در حاشیه بدنه دولت و گروهی رانتجو در فعالان بخش خصوصی است. اگر عزم کمک به شکوفایی تولید و معاش مردم دارید؛ این چاه را کور کنید که راه به دوزخ دارد. تجارت خارجی؛ ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای رشد اقتصادی پایدار است. بدون تعارف و پرده پوشی امروز مشکل اصلی تجارت خارجی ایران بیرون‌از زمین اقتصاد و در دست سیاستمداران است. موانع سیاسی پیوستن ایران به نظام مالی بین‌المللی و حضور در بازارهای جهانی را حذف کنید؛ فعالان بخش خصوصی راه‌وروش‌فرازها و شکوفایی تجارت خارجی را به خوبی می‌دانند. قیمت‌گذاری؛ در واقع شکل خاصی از همان مقررات‌زایی غیر ضروری است، اما آن قدر مهم است که باید جداگانه به آن پرداخت. نظام قیمت‌گذاری هم مانند سایر اشکال مقررات‌زایی غیر ضرور با شاعر حمایت از مردم ساخته شده، اما در واقع بخش مهمی از مافیای فساد در نظام اقتصادی و عامل اصلی سرکوب انگیزه‌های تولید است. خلع بازار از کار کرد و جایگاه کشف قیمت و سپردن آن به نهادهای بروکراتیک، اقتصاد را از انجام کارکرد اصلی‌اش یعنی تخصیص بهینه منابع برای تحقق رشد پایدار باز می‌دارد. برهم زدن رسم کهنه مداخله دولت در قیمت‌گذاری قدرت و اراده عظیمی می‌خواهد؛ اما اگر توفیق یابید کاری کرده‌اید کارستان. خودکفایی؛ از دید بسیاری از سیاستمداران موجب قدرت کشور است، اما در واقع ایده‌ای خطرناک است. براساس فهمی غلط از ماهیت اقتصاد. آنچه اقتصاد به آن نیاز دارد تاب‌آوری است و نه خودکفایی و تاب‌آوری، همان‌طور که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی اشاره شده است، حاصل توازن میان درون‌زایی و برون‌گرایی. خودکفایی حتی اگر به فرض محال ممکن باشد؛ موجب کاهش کارایی و تاب‌آوری است و اقتصاد و کشور را مستعد آسیب‌های بسیار جدی می‌کند. تولید، سرمایه‌گذاری و بهبود فضای کسب‌وکار؛ حرف و شعار در موردش زیاد است، ولی بهترین کاری که هر دولتی برای کمک به این حوزه می‌تواند انجام دهد؛ اصلاح رفتارهایش در مورد مسایلی است که پیش از این در موردش سخن گفتیم.

■ صاحب امتیاز و مدیر مسئول: **امیر دیانی**

■ رئیس شورای سیاست‌گذاری: **سید ابوالفضل بهره دار**

■ قائم مقام مدیر مسئول: **محیا سادات بهره دار**

زیر نظر شورای سردبیری

■ تحریریه: **دکتر روح اله رحمانی فر - جواد صالحی**

اصفهان - تریتا پارسی - امیر بی پروا

عبدالرحمن فتح الهی - علی اصغر سمیعی

یوسف موناپر - دکتر مجتبی لشکر بلوکی

مهدی تدینی - حسین پارسیان

سید عبدالجواد موسوی - فرید زاوه

ابراهیم علیزاده - فرهنگ فرزنان

حسین آهن - پژمان صالحی - سمانه اشرف

علی ناظمی - امیر آقا کوچک - شهره پولاب

هنریک مولر - سارا اسلامی

شهریار صادقی - محمد میرزایی

پیام عابدی - نسترن فرخه

فرزانه پیری - شهریار صادقی

■ **واحد بازرگانی: سید محسن بهره دار**

■ **ترجمه: فاطمه دیانی**

■ **گرافیک و صفحه‌آرایی و عکس: استودیو برنز**

■ **چاپ: گل آذین**

■ **توزیع: پدیده نوین**

استفاده از مطالب این ماهنامه تنها با ذکر منبع «افق تازه»
بلامانع است.

آدرس: میدان هفت تیر - ابتدای خیابان کریمخان زند

رو به روی داروخانه ۱۳ آبان - مجتمع تجاری اداری

کریمخان - برج A - طبقه ۵ - واحد ۸۵۱

تلفن: ۸۸۸۶۷۵۲۴ - فکس: ۸۸۳۴۶۳۷۷

www.ofoghetazenews.com

ofoghetazeh@gmail.com

ofoghetazeh@yahoo.com



در این شماره می خوانید



مُدلِ حکمرانی
چینی

۱۰



مسکن استیجاری بسازیم
یا نه؟

۴۰



دلالتان میدان دار بازار
مصالح ساختمانی

۴۶



سیستم مالیات ستانی
ناکارآمد

۵۶

- ۴..... چشم انداز سیاست خارجی ایران
- ۶..... بایدن در تنگنای بازگشت به برجام!
- ۸..... ۲ اختلاف اصلی در مذاکرات وین
- ۱۲..... ایران بر سر دوراهی ها
- ۱۴..... افزایش خطر طالبان برای چین و ایران
- ۱۶..... مشکل غرب با ایران چیست؟
- ۱۸..... پیامدهای اقتصادی طالبان برای ایران
- ۲۰..... لزوم بازسازی چرخه معیوب اقتصاد
- ۲۲..... شفافیت لازمه تالار شیشه ای
- ۲۴..... مخاطرات پدیده رمزارز
- ۲۶..... بهبود مسیرهای ترانزیتی با توسعه حمل و نقل ریلی
- ۲۸..... رشد شتابان نقدینگی
- ۳۰..... گام های اقتصادی سرنوشت ساز دولت سیزدهم
- ۳۲..... لزوم هدفمند کردن یارانه پنهان صنعت هوایی
- ۳۴..... راهبردهای توسعه
- ۳۶..... آشفته بازار ارز ترجیحی
- ۳۸..... جولان بیش از ۱۰۰۰ صرافی غیرمجاز در فضای مجازی
- ۴۰..... مسکن استیجاری بسازیم یا نه؟
- ۴۲..... خرید شاسی بلند با ماهی ۳۳۰ دلار!
- ۴۴..... دلالتان میدان دار بازار مصالح ساختمانی
- ۴۶..... مکانیزم های بازگشت اعتماد به بازار سرمایه
- ۴۸..... قیمت گذاری دستوری آفت اقتصاد کشور
- ۵۰..... بازار مسکن «زنده» شد؟
- ۵۲..... دولت سیزدهم و نفت ۱۰۰ دلاری!
- ۵۴..... بی سامانی در سامانه های توزیع کالا
- ۵۶..... سیستم مالیات ستانی ناکارآمد
- ۵۸..... سایه سنگین تغییرات اقلیمی بر سر اقتصاد جهان
- ۶۰..... صنعت کفش؛ قربانی مافیای واردات
- ۶۲..... اولویت اقتصادی دولت سیزدهم
- ۶۴..... چشم انداز بازار سرمایه
- ۶۶..... هیس! کارگرها فریاد نمی زنند
- ۶۸..... پادشاهان رفاه جای خود را به رعیتان فقیر داده اند
- ۷۰..... بیمانکاران را از میان بردارید!

چشم انداز سیاست خارجی ایران

علی اصغر زرگر *



دارد؛ شاید در همین تصمیم گیری نیز طرف‌های غربی به این نتیجه برسند که امتیازهای بیشتری به ایران بدهند و توافق از این مسیر شکل گیرد. این مساله رابطه مستقیمی با تحولات منطقه دارد که یکی از مهمترین آن خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان است. آمریکا همچنین به دنبال تجدید نظر سیاست‌های خود در عراق بوده و همانطور که شاهد هستیم برای حل بحران یمن نیز در تلاش است. ضمن اینکه خبرهایی مبنی بر خروج سامانه‌های پاتریوت از خاک عربستان نیز به گوش می‌رسد و شاید آمریکا به دنبال سیاستی باشد که در آن مواضع کشورهای عربی و اسرائیل نسبت به ایران تعدیل شود. در مجموع باید دید واکنش آمریکا نسبت به موضع سرسختانه ایران چیست. اگر آنها بخواهند از میزان تنش‌ها با ایران بکاهند امکان این وجود دارد که از بهانه‌های خود دست بردارند و بر اساس اصول کلی با ایران مذاکره کرده و ماجرا را خاتمه دهند. با در نظر گرفتن این احتمال این امکان وجود دارد که مواضع ایران، آمریکا و کشورهای غربی را در موضع نرمش قرار دهد که طی آن به این نتیجه برسند که در نهایت باید تنش از بین برود تا خاورمیانه به منطقه امن تری تبدیل شود. وجود چنین شرایطی به حوادث آینده بستگی دارد اما به احتمال زیاد تا پایان سال شاهد تغییرات چندانی در سیاست خارجی نخواهیم بود.

* تحلیلگر مسائل بین‌الملل

و غیره صورت پذیرد. ضمن اینکه با روی کار آمدن دولت جدید می‌توان انتظار هماهنگی‌های بیشتری را بین دولت، مجلس و رهبری داشت که همین امر موضوع دوصدایی در کشور را حل خواهد کرد. بر همین اساس تصمیمات و سیاست‌هایی که به وزارت امور خارجه برای اجرا ابلاغ می‌شوند بر مبنای تصمیم کلی و جمعی خواهد بود. در چنین شرایطی اگر توافق حاصل شود می‌توان انتظار داشت که در آینده شاهد گشایش‌های دیگری نیز باشیم و مذاکراتی فراتر از توافق هسته‌ای صورت گیرد. همین امر حتی شاید منجر به این شود که ایران به غرب نزدیک‌تر و تحریم‌ها نیز سریع‌تر لغو شوند. البته در این بین فرض دیگری نیز وجود دارد و آن این است که دولت بعد در گام بعد یک روند تند را در دستور کار قرار دهد و عنوان کند تا زمانی که کل تحریم‌ها لغو نشود ایران مذاکره‌ای نخواهد داشت و متعاقباً به تعهدات هسته‌ای خود نیز عمل نخواهد کرد. با این تفکر باز هم مسیر سیاست خارجی مشخص می‌شود و از دوگانگی خارج می‌شود و عواقب آن نیز از نزدیک مشاهده می‌شود. در این سناریوی می‌توان متصور بود که برجام در حاشیه قرار بگیرد و ایران با تاکید بر استفاده از ظرفیت‌های داخلی عنوان کند که تعاملات بین‌المللی خود را از راه دیگری به پیش می‌برد. در این صورت امکان پرتنش شدن روابط ایران با غرب وجود

در صورت احیای توافق برجام فرضی که وجود دارد این است که دولت سیزدهم یک روند تند را در دستور کار قرار دهد و عنوان کند تا زمانی که کل تحریم‌ها لغو نشود ایران مذاکره‌ای نخواهد داشت و متعاقباً به تعهدات هسته‌ای خود نیز عمل نخواهد کرد. با روی کار آمدن دولت سیزدهم مذاکرات برجامی وین همچنان مانند قبل ادامه خواهد داشت و به نظر نمی‌رسد که شاهد رویکردهای دیگری باشیم چرا که اساساً سیاست خارجی ایران با تغییر دولت‌ها دستخوش تغییر نخواهد شد. علت این امر را می‌توان در بیانات رهبر معظم انقلاب جستجو کرد که فرمودند سیاست خارجی در کشور توسط دولت‌ها تعیین نمی‌شود، بلکه اصول و استراتژی سیاست خارجی در درده‌های بالای حاکمیت طراحی و تعیین می‌شود و سپس وزارت امور خارجه ابلاغ و این وزارتخانه به عنوان مجری آن را به مرحله اجرا می‌گذارد. بر همین مبنا می‌توان انتظار داشت که سیاست خارجی ایران یک شبه تغییر کند البته احتمال تغییرات جزئی در تاکتیک‌ها وجود دارد اما باید در نظر داشت که این تاکتیک‌ها نیز بر اساس مقدرات کشور مدون می‌شوند و مشخصاً مقدرات کشور نیز در کوتاه مدت تغییر نخواهند کرد. رئیس‌جمهور منتخب ایران نیز در اظهارات قبلی خود موافقت با برجام را تایید کردند و می‌توان انتظار داشت که با توافق اولیه امکان مبادلات بانکی و خرید و فروش نفت

تأمین منافع ملی در صدر

اولویت‌هایی
سیاست خارجی
دولت سیزدهم

محمد مهدی مظاهری

بعد از هفته‌ها اما و اگر طیف‌های مختلف جامعه و گروه‌ها و احزاب سیاسی، سرانجام انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد و حال رئیس‌جمهوری منتخب می‌تواند ۴۵ روز بعد از اعلام نتایج، زمام امور کشور را به دست گیرد. هر چند در عرصه داخلی اولویت‌های مختلفی پیش روی دولت قرار دارد که یادگار و حاصل مشکلات ساختاری کشور در طی دهه‌های متمادی است و از بین آن‌ها می‌توان به مواردی همچون سامان دادن به اقتصاد، مقابله با فقر، تبعیض و بی‌عدالتی، مهار اپیدمی کرونا و توسعه واکسیناسیون، توسعه فرهنگی، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، رفع تبعیض‌های جنسیتی، اعتدالی فرهنگ ایرانی-اسلامی و مباحثی از این دست اشاره کرد؛ اما بواسطه شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی خاص کشور، رویکرد سیاست خارجی دولت جدید نیز بسیار مهم و حائز اهمیت است.

در مقطع کنونی ایران در عرصه بین‌المللی با دولت جدیدی در آمریکا مواجهه است که می‌کوشد ضمن تلاش برای تداوم فشارها و تحریم‌های دوران ریاست جمهوری ترامپ بر کشورمان، برجام را نیز به نحوی احیا کند و به جمع کشورهای

مانده در این توافق بین‌المللی برگردد. از سوی دیگر در عرصه منطقه‌ای نیز تنش و اختلاف نظر با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، حضور رژیم صهیونیستی در این منطقه و باز شدن باب مناسبات دیپلماتیک آن با برخی کشورهای عربی و خروج آمریکا از افغانستان و امکان ظهور مجدد طالبان مهمترین چالش‌های سیاست خارجی ایران در مقطع کنونی را شکل می‌دهند. هر چند بر اساس اعلام نظر مقامات دیپلماتیک کشورمان، فرایند بازگشت آمریکا به برجام و رفع تحریم‌های کشور مراحل نهایی خود را طی می‌کند و احتمالاً پرونده آن در دولت دوازدهم بسته می‌شود، اما سابقه کار با دولت آمریکا و کشورهای اروپایی نشان داده حتی دستیابی به توافق نیز به معنای پایان خصومت‌ها و سنگ اندازی‌های طرف مقابل نخواهد بود و از این رو دولت سیزدهم نیز به احتمال زیاد با ابعادی از این پرونده مواجه خواهد شد و باید بکوشد از نظر حقوقی و سیاسی آمادگی لازم برای مواجهه با آن را داشته باشد. از سوی دیگر تعامل با روسیه و چین و استفاده از اختلاف و شکاف‌های موجود بین آنها و آمریکا برای پیشبرد منافع ملی نیز از دیگر اولویت‌های کشور در عرصه بین‌المللی خواهد بود. در عرصه منطقه‌ای نیز اولویت دولت جدید باید حل اختلاف با دولت‌های عرب و مسلمان حوزه خلیج فارس باشد؛ دولت دوازدهم با ارائه «طرح صلح هرمز» و فرستادن پیام‌های دوستانه و امنیت‌ساز متعدد، تلاش کرد نگرش خصمانه دولت‌های این منطقه را تغییر دهد و آنها را به سمت تشکیل یک سیستم امنیتی درون‌گرا فارغ از مداخلات قدرت‌های بیگانه سوق دهد. روسیه نیز با ارائه طرحی به شورای امنیت گام‌های مشابیهی در همین زمینه برداشت؛ اما وابستگی دولت‌های عرب حوزه خلیج فارس به آمریکا و البته باز شدن پای اسرائیل به

این منطقه استراتژیک تاکنون مانع به نتیجه رسیدن تلاش‌ها در این زمینه شده است. بنابراین گام نخست دولت سیزدهم باید تلاش برای رفع عوامل و موانع زیر بنایی بهبود روابط ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس باشد. مذاکره با دولت افغانستان و طالبان و تلاش برای سوق دادن آنها به سمت یک حکومت چند حزبی که در آن همه اقوام و گروه‌های سیاسی سهم متناسب خود را داشته باشند و بتوانند با توافق یکدیگر به سمت امنیت و ثبات افغانستان گام بردارند، از دیگر اولویت‌های مهم دولت سیزدهم در عرصه سیاست منطقه‌ای است. بی‌شک چنانکه بعد از خروج کامل نیروهای آمریکایی، سناریوی سقوط دولت رسمی و شکل‌گیری جنگ و آشوب و یا سناریوی حکومت مطلق طالبان در افغانستان اتفاق بیفتد، تهدیدات امنیتی جدی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌شود که نامی مرزها، به خطر افتادن جان دیپلمات‌ها و شهروندان ایرانی ساکن در افغانستان و نیز افزایش دوباره موج مهاجران افغان به ایران بخشی از آنها خواهند بود. بر این اساس دولت منتخب در ایران باید بکوشد با رویکردی فرا جناحی و دور از رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی و درون‌گروهی که بیشترین آسیب را به تأمین منافع ملی می‌زند، نقشه‌راهی برای مقابله با چالش‌ها و تهدیدات بین‌المللی و منطقه‌ای طراحی و تدوین کند و برای برخورد کنشی با آنها آماده باشد. از سوی دیگر برخورد حذفی، نادیده گرفتن تلاش‌ها و دستاوردهای کادر سیاست خارجی در دولت پیشین (دوازدهم) و تلاش برای طرد و جابه‌جایی گسترده نیروها از اشتباهات اساسی است که انتظار می‌رود در دولت سیزدهم شاهد آن نباشیم و به جای آن اصل بر شایسته‌سالاری، تخصص و تعهد افراد برای خدمت به کشور، تأمین منافع و امنیت ملی قرار بگیرد.

سناریوهایی که پیش بینی می‌شود

بایدن در تنگنای بازگشت به برجام!

صابر گل‌عنبری*

دیگر برنامه‌های ایران در سطح موشکی و منطقه منجر شود؛ یا این که به همین دلایل، قید احیای برجام را بزنند که در این صورت هم با مشکل گریز هسته‌ای و رسیدن برنامه هسته‌ای ایران به نقطه غیر قابل بازگشت مواجه می‌شود.

از این رو، پیداست که آمریکا راه سومی را در نظر دارد؛ آن هم احیای برجام بدون مابه ازای جدی برای ایران در مساله رفع تحریم‌ها. اینجا در واقع، مخالفت واشنگتن با راستی آزمایی لغو تحریم‌ها مطابق نظر و خواست ایران در جریان مذاکرات وین موید این مدعا و نگرانی از تبعات جدی آن است. از این نظر، با توجه به لاینحل ماندن اصل و دیگر مظاهر نزاع آمریکا و ایران، انتظار این که واشنگتن اهرم‌های فشار خود در قبال تهران را صرفاً در قبال احیای یک توافق، آن هم برای حل و فصل موقت یکی از پرونده‌ها که عمر آن در سال ۲۰۲۵ به سر می‌رسد، کان لم یکن کند، غیر واقع‌بینانه است.

به هر حال، اگر هم فرضاً در قبال احیای برجام تحریم‌ها به شکل مؤثر، بر طرف شوند، به احتمال زیاد این امر موقت خواهد بود و دوباره در آینده‌ای نه چندان دور همین تحریم‌ها به دلایل دیگری غیر هسته‌ای بازگردانده می‌شوند؛ به ویژه که احتمال پیروزی جمهوری خواهان در انتخابات میانه دوره‌ای کنگره زیاد است و همین فشار مضاعفی را بر بایدن وارد خواهد کرد. لب کلام این که در برابر این تنگنای راهبردی، احیای برجام در هر سطحی لزوماً به کاهش تنش‌ها با آمریکا و متحدان آن در آینده منجر نخواهد شد و احتمال تشدید تنش‌ها در آینده چه با احیا چه بدون احیای برجام بالاست.

* کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل

هسته‌ای ایران از کنترل بین‌المللی خارج می‌شود و هر چه احیای برجام بیشتر به تعویق بیفتد، این برنامه بیشتر توسعه و گسترش پیدا می‌کند؛ به گونه‌ای که دیگر آن محدودیت‌های پیشین حتی در صورت اعمال مجدد می‌رود که کارایی خود را از دست دهند. همچنان که اگر هم با احیای برجام از طریق رفع مؤثر تحریم‌ها موافقت کند، معتقد است که این مساله و آزادسازی منابع مالی هنگفت و عادی شدن مراودات تجاری ایران به تقویت هر چه بیشتر نقش منطقه‌ای و برنامه موشکی آن خواهد انجامید و ایران پس از

سرکار آمدن دولتی اصولگرا و یکدست شدن میدان و سیاست به شکل منسجم‌تر و فشرده‌تر از قبل، این دو برنامه خود را پیش خواهد برد. این مساله از آن جهت برای آمریکا حائز اهمیت است که خود قصد کاهش حضور منطقه‌ای خود در خاورمیانه و تمرکز بر حوزه پیرامونی چین را دارد. اما این مهم می‌طلبد که قبل از آن منطقه پر آشوب خاورمیانه آرام گیرد و وضعیتی نسبتاً آرام و کم تنش پیدا کند، ولی بر این باور است که خلق چنین وضعیتی از طریق برداشتن جدی و مؤثر تحریم‌ها امکان‌پذیر نیست. این انگاره اخیراً در آمریکا پس از نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایران پررنگ شده است و این باور جدی مطرح است که برنده احیای برجام در این حالت، ایران خواهد بود و به معنای سپردن خاورمیانه به آن است.

حال، در سایه چنین خوانشی، آمریکا در برابر یک تصمیم و انتخاب بسیار دشوار قرار دارد؛ این که به برجام برگردد و تحریم‌ها را به شکل موثری بردارد تا برنامه هسته‌ای ایران مجدداً تحت کنترل و نظارت شدید بین‌المللی قرار گیرد، اما در آن سو، این روند به تقویت

شش دور از مذاکرات وین انجام شده و قرار است دور هفتم آن در میان بیم و امید اوایل جولای شروع شود. طرف ایرانی نسبت به رسیدن به توافق بسیار خوشبین و آن را به نوعی تحقق یافته می‌داند. البته اینجا بیشتر منظور دولت است و اظهارات دیروز رئیس جمهوری نشان داد که اختلاف نظری میان دولت و بقیه تصمیم‌گیران در این حوزه وجود دارد. دیروز روحانی گفت که جنگ اقتصادی را به پایان رسانده و همین امروز اگر به مذاکره کننده ارشد اختیارات داده شود به وین بر می‌گردد و ظرف چند روز توافق را امضا می‌کند. اما در آن سو، دیگر طرف اصلی برجام یعنی آمریکا با احتیاط فراوان درباره نتایج مذاکرات وین سخن می‌گوید و نسبت به حصول توافق در دور هفتم و آینده نزدیک تردید دارد. به هر حال، فارغ از این خوشبینی‌ها و بدبینی‌ها، واقعیت این است که آمریکا با یک تنگنای راهبردی مواجه بوده و همین تصمیم‌گیری برای آن را بسیار سخت کرده است.

آمریکا از یک سو با برجامی روبه روست که تهی از محتوا و مضمون شده، اما همچنان آن را بهترین راه حل برای کنترل برنامه هسته‌ای ایران می‌داند و به این علت، به دنبال احیای این توافق برای اعمال مجدد محدودیت‌ها و نظارت‌های سختگیرانه بر این برنامه است. اما با پافشاری ایران بر رفع مؤثر و کارآمد تحریم‌ها و خودداری از بازگشت به تعهدات هسته‌ای بدون راستی آزمایی روبه روست. تنگنای آمریکا اینجا این است که اگر با رفع تحریم‌ها این کیفیت صرف نظر از کمیت و تعداد آنها موافقت کند، در واقع عملاً اهرم فشار خود را برای پیگیری دیگر پرونده‌های محل مناقشه با ایران از دست می‌دهد و از سوی دیگر هم اگر موافقت نکند، برنامه

خطر همسایگی دوباره با طالبان

اکبر مختاری*

مهم ترین حادثه در حوزه سیاست خارجی ایران در سال ۱۳۷۷ سقوط کابل و مزار شریف و تصرف افغانستان به دست طالبان بود. همزمان با سقوط مزار شریف هشت دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی به شهادت رسیدند.

در آن زمان سفیر ایران در افغانستان بدون آگاهی از شرایط رخ داده تحلیل درستی از سقوط زودرس کابل و مزار شریف نداشت؛ اتفاقی تلخ که جهان سیاست و منطقه خاورمیانه و بخصوص ایران را درگیر خویش ساخت. حجم جنایت های طالبان طی چهار سال به حدی رسید که سرانجام پس از حادثه یازده سپتامبر و توجیه همکاری طالبان و القاعده نتوانهای حاکم در آمریکا با هدف انتقام حمله به برج های دوقلو، حمله نظامی فراگیری به افغانستان کردند و طالبان برای مدتی از دیدگان حذف شد اما از بین نرفت و به زندگی در جغرافیای سیاسی افغانستان و پاکستان ادامه داد: "در

سرزمین آشوب زده و بحرانی افغانستان، گویی روی سر طالبان لباسی پوشانده شد تا دیده نشود."

طالبان با آن ایدئولوژی ستیزه جویانه اش، ایدئولوژی که به خود اجازه میدهد به مدارس دختران حمله انتحاری کند و در روز روشن خبرنگاران را ترور کند و بکشد بار دیگر در حال قوت گرفتن در افغانستان و همسایگی با ماست.

طالبان اواخر دهه هفتاد خورشیدی مشروعتش را از سه دولت پاکستان و سعودی و امارات گرفته بود و آنها این جریان را برسمیت شناختند ولی دولتهای غربی و قدرتهای بزرگ هیچ گاه طالبان را برسمیت نشناختند.

اما طالبان امروز میتواند خطرناکتر باشد چرا که رهبران این گروه با مذاکرات صلح با ایالات متحده آمریکا و برخی قدرت های منطقه ای خود را دارای مشروعت را بیشتر احساس می کند، در حالی که همچنان به ایدئولوژی سابق خود پایبند است، وانگهی علاوه بر احساس مشروعت بیشتر نگاه دولتهای قبلی که طالبان را به رسمیت می شناختند (عربستان سعودی، امارات و پاکستان) نیز تغییر چندانی نکرده است.

اساسا طالبان نه تنها از نظر ایدئولوژی یک با ایران امروز در تضادست بلکه از لحاظ نگرش فرهنگی و ملی نیز تضاد فراگیر با ایران و هویت ایرانی دارد.

طالبان در دورانی در حال تصرف دوباره افغانستان است که در آمریکا نیز فضای موجود در افکار عمومی و حتی سیاستمداران آمریکایی، کمتر نگرش مداخله گرایی نظامی با هدف حفظ ارزشها در حوزه های مختلف را دارد.

آمریکا از زمان پیروزی ترامپ سیاست خارجی نسبتا درونگرا را در پیش گرفت و دکترین خروج را مورد لحاظ قرار داد و اگرچه در دوران ترامپ خروج از توافقات مهمی را هم شامل شد، اما در دوران بایدن نیز بخش مربوط به خروج نیروهای آمریکایی در مناطق بی ثباتی چون افغانستان و عراق مورد پیگیری قرار گرفته است.

زمان زیادی تا پایان قطعی و کامل خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان نمانده است؛ این درحالیست که از هم اکنون طالبان دستکم نیمی از افغانستان را به اشغال و حاکمیت خویش در آورده است. از آمریکای بایدن نمیتوان توفیقی برای مداخله داشت چرا که فضای درون ساختاری سیاسی آمریکا حداقل تا سال ۲۰۲۴ به نفع مداخله گرایی نظامی نخواهد بود چرا که بازسازی اقتصادی و توجه به درون ساختار سیاسی اولویت یافته است اما در چنین شرایطی ایران نمی تواند بی توجه از خطر طالبان عبور کند.

اگرچه برخی به اصطلاح کارشناسان سیاسی در داخل می گویند که طالبان و خطرش را کم اهمیت کرده و با بزک این گروه حتی از این گروه در ستیز با ایران و ایرانی، بعنوان "جنبش اصیل منطقه" یاد کنند اما خطر طالبان در مرزهای ایران روبه فزونی است.

در آخرین گزارش از روزنامه "وال استریت ژورنال" آمریکا امکان سقوط کابل تا شش ماه دیگر محتمل است و در برابر برخی کارشناسان دیگر آمریکا این خطر را تا یک سال دیگر برآورد کرده اند. این درحالیست که حامیان خروج نیروهای آمریکایی معتقد بودند که تا دو سال آتی احتمال سقوط دولت حاکم در افغانستان به دست طالبان کم خواهد بود.

بسی طالبان در حال پیش روی در اکثر نقاط افغانستان است؛ همان طالبانی که روزی دیپلمات های ایرانی را به رگیار بست و مجسمه های بودا را نابود ساخت. طالبان، نه تغییر عقیده داده است نه دل رحم تر شده است و حالا گام به گام می رود که به مرزهای شرقی ایران نزدیکتر شود؛ نزدیکی که میتواند سبب ساز بی ثباتی بیشتر و افزون سازی هزینه امنیت برای ایران شود. پس وقت آن است که تحلیل های کم اهمیت ساز خطر طالبان را کنار نهیم و خطر قدرت گرفتن طالبان را بیش از پیش جدی بگیریم.

*مدرس علوم سیاسی

نیویورک تایمز خبر ۱۵

۱۲ اختلاف اصلی در مذاکرات وین

علی آزادی

نیویورک تایمز پیروزی ابراهیم رئیسی به عنوان کاندیدای مورد حمایت محافظه کاران را فرصتی مغتنم برای دولت جو بایدن جهت احیای توافق هسته‌ای در هفته‌های آینده و قبل از روی کار آمدن دولت جدید ایران دانسته است.

با مشخص شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران، روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای با عنوان «پیروزی رئیسی، بهترین فرصت بایدن برای احیای توافق هسته‌ای است» به قلم فرناز فصیحی و دیوید سنگر، نوشته است با پیروزی ابراهیم رئیسی به عنوان کاندیدای مورد حمایت نیروهای محافظه کار و تندرو، فرصتی مغتنم برای دولت جو بایدن جهت احیای توافق هسته‌ای در شش هفته باقی مانده تاروی کار آمدن دولت جدید ایران فراهم شده است.

قدرت‌های اروپایی، علی‌رغم تلاش‌ها نتوانستند سود این توافق را برای ایران زنده نگه دارند، تهران تصمیم گرفت با گام‌های تدریجی و مؤثر به نقض عهد دولت آمریکا پاسخ دهد.

■ **برآورد آمریکا از موقعیت هسته‌ای ایران**

به ادعای نیویورک تایمز، طبق برآوردهای اطلاعاتی آمریکا، ایران اکنون در صورت اراده با داشتن سوخت کافی برای تولید چند سلاح هسته‌ای (زمان گریز هسته‌ای) چند ماه فاصله دارد، این بدان معنا نیست که از نظر فنی آمادگی لازم را برای انجام این جهش به دست آورده است.

برآورد اطلاعاتی آمریکا که در ماه آوریل به طور علنی منتشر شد، نتیجه گرفت که «ایران در حال حاضر فعالیت‌های اساسی مربوط به تولید سلاح هسته‌ای را انجام نمی‌دهد، زیرا به نظر ما آنچه برای توسعه فعالیت‌های هسته‌ای در سطح سلاح ضروری است را در اختیار ندارد».

اما رزیابی اسرائیلی‌ها برآورد اطلاعاتی آمریکا اختلاف دارد و به گفته ناظران این تقریباً نخستین بار است که برآورد اطلاعاتی اسرائیل درباره زمان گریز هسته‌ای ایران بیشتر از برآورد آمریکا است.

در سال‌های اخیر مقامات اسرائیلی بارها مدعی شده بودند که ایران فاصله اندکی تادستیابی به سلاح هسته‌ای دارد، اما در اوایل سال جاری یک شبکه تلویزیونی اسرائیل به نقل از مقامات موساد گزارش داد که زمان گریز هسته‌ای ایران به بیش

ظرفیت‌های درون کشور در برابر واشنگتن ایستاد و طولی نکشید که اقتصاد کشور را احیا کرد.

■ **سران قوا**

ولی نصر، استاد علوم سیاسی در دانشکده مطالعات بین‌المللی دانشگاه جان هاپکینز که به مذاکرات نزدیک است، گفت: «اگر کسی غیر از محافظه کاران این توافق را با بایدن پیش ببرد، آن‌ها بر نمی‌تابند و مانع پیشرفت آن می‌شوند».

آقای نصر که در وزارت خارجه دولت باراک اوباما به عنوان مشاور ارشد در مسائل خاور میانه خدمت می‌کرد، افزود: «قمار بر سر این است که فقط آن‌ها می‌توانند از پس این کار بر بیایند، نه هیچ کس دیگری». موضوعی که خود آقای رئیسی نیز در مناظره‌ها یادآور شد: «برجام را یک دولت قوی باید اجرا کند ... شما نمی‌توانید».

به نوشته نیویورک تایمز، اگر قمار آقای بایدن کار ساز باشد و یک دولت تندرو مسیر تحقق وعده مبارزات انتخاباتی وی برای احیای برجام را هموار کند این آخرین پیچش عجیب در توافقی است که کمابیش از ابتدا هیچ‌یک از دو طرف را چندان خوشحال نکرده است.

آقای ترامپ و پمپئو پیش بینی کرده بودند که با شروع تحریم‌ها، رهبران این کشور خواهان توافق می‌شوند و با شرایطی که برای ایالات متحده و شرکای غربی آن مطلوب‌تر است، کنار می‌آیند. رهبران ایران چنین کاری را نکرده‌اند و پس از آنکه

نیویورک تایمز مدعی شد: «صعود یک دولت تندرو در ایران ممکن است در واقع در بجهای منحصر به فرد و فرصتی کوتاه به دولت بایدن برای انعقاد توافق بازگشت به برجام می‌دهد».

به ادعای این روزنامه مقامات ارشد می‌گویند، در حقیقت، هفته‌ها پیش در راندهای قبلی مذاکرات متن دقیق توافق احیای برجام، کمابیش تدوین شده است اما از آن زمان مذاکرات بسیار کند پیش رفته و متن عمدتاً دست نخورده باقی مانده است. با این حال با پایان یافتن پروسه انتخابات، هفته‌های منتهی به مراسم تحلیف، بهترین فرصت برای نهایی کردن توافق بازگشت متقابل به توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ است. این گزارش می‌افزاید: نشانه‌های بروز یافته در مذاکرات حاکی از این است که «تصمیم نهایی برای از سرگیری پیروی از تعهدات برجامی در هفته‌های پایانی دولت میانه‌رو روحانی قابل دستیابی است».

■ **نتیجه ضمنی احیای برجام در فضای سیاسی ایران**

نیویورک تایمز مدعی است این بدان معناست که در صورت رفع تحریم‌ها اینطور به نظر خواهد رسید که اقتصاد کشور به دلیل تسلیم میانه‌روها در مقابل غرب آسیب دیده است. در عین حال دولت جدید محافظه کار تحت امر آقای رئیسی می‌تواند اعتبار صعود اقتصادی ناشی از رفع تحریم‌ها در دولت روحانی را به خود اختصاص دهد و این رویکرد را تقویت کند که یک دولت تندرو با توجه کردن به

از یک سال رسیده است.

به گفته رابرت اینهورن، کارشناس مسائل کنترل تسلیحات در اندیشکده بروکینگز و مذاکره کننده هسته‌ای در دولت باراک اوباما، چنین تناقضی، آن هم در شرایطی که حجم ذخایر و غلظت غنی‌سازی اورانیوم ایران به اوج خود رسیده است، احتمالاً با این نیت است که به غرب بگوید «نیازی به عجله برای توافق با ایران نیست».

■ موانع اصلی توافق: درخواست متقابل تعهد کتبی

هفته‌ها است که تیمی به سرپرستی رابرت مالی، نماینده ویژه وزارت خارجه در امور ایران، که وابسته به وزیر خارجه آنتونی بلینکن به دبیرستان مشترک آن‌ها در پاريس برمی‌گردد، در حال رفت و آمد به وین است تا با دیگر شرکا توافقی را که خود آقایان بلینکن، مالی و دیگران در دولت اوباما برای حصول آن مذاکره کردند را احیا کنند. آقای مالی در ماه آوریل گفت: «مانتیجه کمپین فشار حداکثری رادیده‌ایم. این شکست خورده است».

■ مذاکرات برجامی وین رابرت مالی و اتریکه مورا

افراد حاضر در مذاکرات می‌گویند دو مانع عمده وجود داشته است که هنوز هم می‌تواند تلاش‌ها برای احیای توافق را از بین ببرد. و هر دو این ضرب المثل را اثبات می‌کنند که «در دیپلماسی، مانند زندگی، هیچ به خانه رفتن واقعی وجود ندارد».

■ مطالبه ایران: تعهد عدم خروج مجدد از برجام

نخست اینکه ایرانی‌ها خواستار تعهد مکتوب شده‌اند که هیچ دولت آینده آمریکا نمی‌تواند مانند آقای ترامپ این توافق را نقض کند.

به نوشته نیویورک تایمز آنچه مقامات ایران مطالبه می‌کنند توافقی دائمی یا معاهده است که به زعم یک مقام ارشد آمریکایی «یک خواسته منطقی است که البته هیچ دموکراسی واقعی نمی‌تواند چنین تضمینی را ارائه دهد». توافق برجام، یک معاهده نبوده و نخواهد بود، زیرا آقای بایدن، مانند باراک اوباما، هرگز نمی‌تواند رضایت دوسوم سنای آمریکا را بدست آورد؛ رأی لازم برای تصویب یک عهدنامه که با موازنه جناحی کنونی در مجلس سنا آن هم

در پرونده‌ای مانده برنامه هسته‌ای ایران، عملاً غیرممکن است.

بنابراین برجام یک «موافقت‌نامه اجرایی» تلقی می‌شود که هر رئیس جمهور آینده آمریکایی می‌تواند دقیقاً مانند آقای ترامپ آن را نقض کند.

■ مطالبه آمریکا: تعهد به ادامه مذاکرات پس از توافق

دومین مورد این است که دولت بایدن نیز کاملاً از کاستی‌های توافق سال ۲۰۱۵ آگاه است و واشنگتن هم تقاضایی دارد. اینکه ایران موافقت کند و کتباً متعهد شود که بلافاصله پس از احیای توافق هسته‌ای اصلی دوباره به میز مذاکره برگردد و پروسه تعامل برای یک توافق گسترده‌تر که به گفته آقای بلینکن «طولانی‌تر و مستحکم‌تر» باشد را آغاز کند.

بر اساس این گزارش، طبق مفاد توافق اصلی، ایران در سال ۲۰۳۰ مجاز خواهد بود به هر میزان که بخواهد سوخت هسته‌ای تولید کند و این یعنی حتی اگر نخواهد به سمت تسلیحات حرکت کند، ذخایر سوخت کافی را برای تولید نسبتاً سریع آن در اطراف خود خواهد داشت.

■ چشم‌انداز تعامل پس از احیای برجام

مایکل ماندلباوم، محقق و مورخ، در ماه مارس نوشت: «دولت در آنجا امیدوار است که بتواند هر دو را داشته باشد؛ توافق قدیمی را احیاء و آن را به سنگ بنای مذاکره برای یک توافق جدیدتر و قوی‌تر تبدیل کند».

وی در مورد چشم‌انداز دستیابی به توافق قوی‌تر گفت: «این یک سناریو بعید است، زیرا به محض اینکه ایالات متحده تحریم‌هایی که بیشترین آسیب را به ایران زده لغو کند، اهرم لازم برای بهبود توافق را به میزان قابل توجهی از دست می‌دهد». برخی از مقامات ارشد دولت مخالف این ایده هستند. آن‌ها می‌گویند در جریان مذاکرات در ماه‌های اخیر، ایرانی‌ها به روشنی اعلام کرده‌اند که رفع تحریم‌ها در سال ۲۰۱۵ به اندازه کافی پیش‌رفت و این اجازه را به ایران نداد تا طیفی از معاملات مالی

بین‌المللی را انجام دهد، از جمله مبادلات پولی از طریق سیستم سوئیفت (SWIFT)؛ یک سیستم پیام‌رسانی پیچیده و ایمن که توسط مؤسسات مالی برای تسویه حساب‌های بین‌المللی مورد استفاده

قرار می‌گیرد.

بنابراین شرط آقای بایدن این است که اهرمی برای وی باقی بماند و این ممکن است برای گسترش محدودیت‌های تولید سوخت هسته‌ای ایران به بیش از سال ۲۰۳۰ و محدود کردن تحقیق و توسعه سانتریفیوژهای پیشرفته کافی باشد. اسرائیلی‌های گویند که آنها حاضر نیستند ریسک کنند و عقیده رایج این است که مוסاد در دو انفجار در تأسیسات هسته‌ای ایران در نطنز دست داشته است.

به نوبه خود، ایرانیان گفته‌اند که قصد تغییر شرایط توافق را به طریقی که تولید سوخت هسته‌ای تهران را بیش از پیش محدود کند، ندارند. همچنین، همانطور که آقای رئیسی و سایر نامزدها در طول مبارزات انتخاباتی اصرار داشتند، تهران هر گونه محدودیت در

توانایی موشکی یا تغییر رویکرد منطقه‌ای خود (حمایت از بشار اسد رئیس جمهور سوریه، هم‌پیمانان شیعه در عراق، حماس و جهاد اسلامی فلسطین، حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن) را رد خواهد کرد. بنابراین بعید است دو مانع یاد شده در مسیر احیای برجام،

پیش از حصول توافق بطور قابل اطمینانی حل شوند؛ به این معنی که ایران و آمریکا احتمالاً تا حدی با کوتاه آمدن از این ۲ مطالبه حداکثری، پیش از آغاز به کار دولت جدید ایران، برای بازگشت به برجام به توافق می‌رسند. و در این صورت توافق برای هر ۲ طرف تا حدودی آسیب‌پذیر باقی خواهد ماند. این آسیب‌پذیری آقای بایدن است: اگر او فقط بتواند توافق اصلی را احیا کند، اما نتواند امتیاز بیشتری برای گسترش توافق بگیرد، گارد وی در مقابل انتقاد مخالفان باز می‌شود؛ اینکه دولت وی فقط توافقی را بازسازی کرده که پیش‌تر نتوانسته است سایر مسائل مهم با ایران را حل کند. دولت جدید آقای رئیسی هم به نوبه خود با چالش خاصی مواجه است: آمریکا به وضوح نمی‌تواند تضمین دهد که توافق با ایران را با تصویب دوسوم آرای مجلس سنا به معاهده و توافق دائمی تبدیل کند. و اگر آقای ترامپ نتوانست در سال ۲۰۱۸ از این توافق خارج شود، چه چیزی مانع یک رئیس‌جمهور دیگر که قصد انجام همان کار را مثلاً در سال ۲۰۲۵ دارد، خواهد شد؟

آیا کشورهای خاورمیانه می‌توانند مثل چین شوند؟

مدل حکمرانی چینی

محمود سریع القلم



جایگاه ویژه‌ای دارد. دنگ شائوپینگ در داد و ستدهای سیاسی درون حزبی نیز بارها یادآور شده بود که حکمرانی بر یک میلیارد نفر فقیر هیچ افتخاری ندارد. آنچه زمینه را در حاکمیت چین به سوی اجماع سازی سوق داد، «درک مشترک از شرایط و واقعیت‌های درون و بیرون» بود زیرا که حکمرانی تنها یک تعریف معقول دارد: نهایت بهره‌برداری از آنچه امکان و واقعیت دارد. گاهی جامعه، تشکل و نظام حزبی دارد و از طریق این سازماندهی گفت و گو می‌کند، با دولت دیالوگ برقرار می‌کند و بر فکر و تصمیم آنان اثر می‌گذارد، مانند انگلستان، آمریکا، سوئیس و نروژ. اما در کشورهای جهان سوم که جامعه سازماندهی ندارد و اجازه داده نمی‌شود که تشکل یابد یا اصولاً فرهنگ تشکل را نیاموخته است، تغییر و امید به تغییر در فهم، درک، تشخیص و ظرفیت اجماع سازی دولت خلاصه می‌شود. در

تا ثروت و مازاد (Surplus) نباشد، ارکان دیگر قدرت معطل می‌مانند. با آنکه سلسله مراتب حزب کمونیست از دهه ۱۹۳۰ و عنفوان جوانی، با جزمیت‌های کمونیستی شکل گرفته بود ولی ناسیونالیسم و تبحر روشی و تئوریک در فهم واقعیت، آن‌ها را در مسیری سوق داد که درآمد سرانه چین را از زیر ۱۰۰ دلار در سال ۱۹۶۰ به بالای ۱۰۰۰۰ دلار در سال ۲۰۲۱ با جمعیتی ۱,۴ میلیارد نفری برسانند.

اگر حاکمیت چین، اندیشه‌های خود را تغییر نمی‌داد، منطق قدرت در نظام بین‌الملل را نمی‌پذیرفت و در داخل خود به انسجام نمی‌رسید، چین به قطب دوم اقتصاد و سیاست جهانی تبدیل نمی‌شد. در امتداد درک واقع بینانی، «مسئولیت حکمرانی» است که از قدیم در راهروهای قدرت و بوروکراسی متمرکز چینیه‌ها رایج بوده است. مسئولیت در مکتب کنفوسیوس

آیا خاورمیانه‌ای‌ها می‌توانند مدل چینی را در کشورهای خود اجرا کنند؟ به نظر می‌رسد حکمرانی از نوع چینی آن، مختص شرق آسیاست و در منطقه خاورمیانه زمینه مستعدی ندارد. در میان ده‌ها علت، دو علت بنیادی وجود دارد که رشد و حکمرانی مطلوب از نوع چینی آن را توضیح داده و نشان می‌دهد که چرا در خاورمیانه تحقق آن بعید است. به این دو علت در زیر می‌پردازیم:

الف: علت اول، تغییرات جدی فکری در میان حکمرانان و فراقسیون‌های نهاد حاکمیتی یعنی حزب کمونیست چین است. با حس قدرتمند ناسیونالیستی که از قدیم در چین وجود دارد، عاقلان حزب کمونیست در دهه ۱۹۷۰ با اطمینان به این نتیجه رسیدند که واقعیت‌های جهان آن نیست که صاحب منصبان در کرملین تعریف می‌کنند. درست یا غلط، جهان بر اساس سرمایه، تولید، فن-آوری، یادگیری و تجارت مدیریت می‌شود.

کنفوسیوسی و ویژگی‌هایی وجود دارد که غربی‌ها بیش از چند قرن برای تحقق آنها تلاش کرده‌اند: پرسیدن فراوان، گوش کردن، زود قضاوت نکردن، سکوت کردن، وارد نشدن در حیطه‌ای که تخصص فرد نیست (Functionalism)، دقیق بودن و کارآمد بودن.

مختصات فرهنگ کنفوسیوسی سابقه طولانی در چین دارد که امروز لازمه صنعتی شدن، رشد اقتصادی و سازماندهی کارآمد اجتماعی است. اما فعال کردن این مختصات نیاز به تشخیص و درک واقعیت‌ها و حاکمیت داشت. اگر چینی‌ها واقعیت‌های جهان را متوجه نمیشدند، این سرمایه‌های اجتماعی کنفوسیوسی بلااستفاده باقی می‌ماندند. از این رو، در صد اهمیت علت الف در این متن، یعنی فهم واقعیت از ناحیه حاکمیت چین تا ۶۰-۷۰ درصد است.

حکمرانی چین، کره جنوبی، سنگاپور، ویتنام و اندونزی در سی سال گذشته نشان می‌دهد که «توان فکری و تشخیص واقعیت‌ها و ظرفیت‌های حکمرانی دولت‌ها» از اهمیت بیشتری نسبت به ماهیت نظام سیاسی یک کشور برخوردار است. در نیمه دوم قرن نوزدهم و از سال‌های ۱۸۶۰ به بعد بود که حاکمیت ژاپن با تشخیص دقیق واقعیت‌های جهان، این کشور را به تدریج با یادگیری از عموم کشورها به سوی صنعتی شدن، رشد اقتصادی و توانمندی ملت ژاپن سوق داد.

متوجه آینده شدن، فهمیدن رقم، دوری جستن از پیش قضاوتی و از همه مهم‌تر درک واقعیت و آشنا بودن با لوازم علمی و سیستماتیک حرکت از نقطه A به نقطه B، تحول در جامعه را به ارمغان می‌آورد. شاید در آینده با اتکا به واقع بینی، چینی‌ها به این نتیجه برسند که آزادی‌های مدنی و سیاسی برای یک جامعه با ثبات و ثروتمند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و دموکراسی را نیز قدم به قدم با ایجاد نظام حزبی، آزادی رسانه‌ها، انتخابات آزاد و گردش قدرت تحقق بخشند.

گرفته از تعالیم کنفوسیوسی است. بر خلاف سیاست و فرهنگ خاورمیانه که در آن، تک‌روی، خودمحوری، قهرمان پروری، تفرّد، خودحق‌بینی (self-righteousness) و نارسیم موج میزند، فرهنگ چینی، جمعی، اجتماعی و مبتنی بر وفاداری به جامعه است. نمونه‌هایی از این فرهنگ جمعی: با هم کار کردن، مشورت کردن، هماهنگ بودن، منافع جمع را دیدن، متمرکز بودن، منظم بودن، قابل اتکا بودن، به زمان حساس بودن، قانع بودن، سهم خود را از یک کلیت درست انجام دادن، درست دنبال کردن آیین‌نامه‌ها، وفادار بودن، سرعت در انجام وظیفه، مسئولیت قبول کردن، تخصص را پذیرفتن. به ندرت این ویژگی‌ها در مصر،

چین کشورهایی، افرادی مانند نلسون ماندلا، ماهاتیر محمد، مهاتما گاندی و یا جوئلای پیدا می‌شوند که تشخیص خود را در میان عموم فراکسیون‌های حاکمیت به اجماع رسانده و با فکر، اندیشه و تغییر قرائت‌های قدیم، تحول ایجاد می‌کنند.

فکر و روش جدید بدون فهم «واقعیت» امکان پذیر نیست. وقتی ترامپ رئیس جمهور شد، بلافاصله با معاهده موجود نفتا (NAFTA) مخالفت کرد و گفت باید از اول مذاکره و توافق شود. دولت عاقل مکزیک در مقابل ترامپ نایستاد و بحث نکرد، توثیتهایی که تیم ترامپ را مسخره کند نرفتاد، سخنرانی آتشین نکرد و برای کاخ سفید خط و نشان نکشید، بلکه بلافاصله تجدید نظر و مذاکره را قبول کرد.

پس از شش ماه مذاکره، طرفین به توافق رسیدند و معاهده نفتا با مقداری جرح و تعدیل به معاهده آمریکا-مکزیک-کانادا تغییر یافت و مکزیک کماکان سالانه بالای ۶۰۰ میلیارد دلار با آمریکا تبادل می‌کند.

سیاست مداران هوشمند مکزیک متوجه شدند که به خصوص در دوره تیلرسون، ترامپ به دنبال این بود که متفاوت بودن خود را از دموکرات‌ها نشان دهد. اصل قضیه، رضایت روانی بود. کانون تئوریک بر خورد حکیمانانه و عاقلانه مکزیک در این بود که «واقعیت رئیس جمهور شدن ترامپ» را پذیرفت و او را با الفاظی مانند نادان خطاب نکرد. رهبران مکزیک و دستگاه متبخر دیپلماسی مکزیک که اقتصاد جهان و سیاست آمریکا را دقیق، عمیق و واقع-

بینانه درک می‌کنند نشان دادند که اعمال منافع ملی ابتدا از فهم واقعیت‌ها شروع می‌شود. رهبران چین نیز بعد از ریاست جمهوری ترامپ با او مذاکره کردند و در عین سخت‌گیری و تداوم گفت و گوها، مانع از بدتر شدن فضای سیاسی میان آمریکا و چین شدند؛

ب: علت دوم در موفقیت‌های اقتصادی و دیپلماتیک چین، فرهنگ عمومی و نشأت

حکمرانی چین، کره جنوبی، سنگاپور، ویتنام و اندونزی در سی سال گذشته نشان می‌دهد که «توان فکری و تشخیص واقعیت‌ها و ظرفیت‌های حکمرانی دولت‌ها» از اهمیت بیشتری نسبت به ماهیت نظام سیاسی یک کشور برخوردار است.

سوریه، عراق، یمن، لبنان و افغانستان دیده میشوند. بدون این سرمایه‌های اجتماعی، شاید امکان پذیر نبود که چین تولید ناخالص خود را از ۶۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۰ به ۱۴۳۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ برساند و یا از ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱ بتواند اقتصاد خود را هفت برابر کند. جامعه چینی به شدت هرمی، نخه‌گرا و بر اساس تقسیم وظایف و مسئولیت شکل گرفته است. در فرهنگ

راهبرد دولت رئیسی در ۳ سناریو ایران بر سر دوراهی‌ها

علی آزادی

در میان حدس و گمان‌های فراوان درباره نزدیک شدن ایران به توافق مجدد با قدرت‌های جهانی درباره برنامه هسته‌ای خود، این کشور ابراهیم رئیسی را به عنوان رئیس جمهور جدید خود انتخاب کرد. این تحلیلگر ارشد الجزیره که یک مرجع برجسته در حوزه‌های سیاست خارجی ایالات متحده، خاورمیانه و امور استراتژیک بین‌المللی محسوب می‌شود، بر این باور است که رئیس دولت جدید فرصت احیای اقتصاد ایران، بهبود روابط دیپلماتیک و تقویت ارتباط ژئوپلیتیکی در خاورمیانه و فراتر از آن را خواهد داشت. وی در ادامه این مطلب نوشته است:

مروان بشاره، تحلیلگر ارشد سیاست خارجی الجزیره در مطلبی درباره راهبرد احتمالی دولت ابراهیم رئیسی ۳ سناریوی کلی را پیش‌بینی، و پیامدهای منطقه‌ای هر یک را مختصراً تبیین کرده است.

مروان بشاره، استاد سابق روابط بین‌الملل در دانشگاه آمریکایی پاریس و تحلیلگر شناخته شده سیاست خارجی در شبکه خبری الجزیره، در مطلبی با عنوان «ایران بر سر دوراهی‌ها؛ سه سناریو» با طرح این پرسش که «پیامدهای ریاست جمهوری محافظه کاران ایران و احیای توافق هسته‌ای برای منطقه چیست؟»، نوشته است:

۲. رویکرد عمل‌گرایانه، بهبود نسبی، حفظ کلیت روند موجود

سناریوی دوم، رئیسی همچنین می‌تواند رویکردی تا حدودی عملگرایانه در پیش بگیرد و با تکیه بر درآمد حاصل از افزایش قیمت نفت و سرمایه‌گذاری‌های بیشتر خارجی پس از احیای احتمالی توافق هسته‌ای، کلیات وضعیت موجود را حفظ کند.

او می‌تواند به آرامی حرکت کند تا بر اساس «احترام متقابل و منافع مشترک» (عبارت دیپلماتیک مورد علاقه تهران) دست دوستی و همکاری به سوی همسایگان ایران و قدرت‌های اروپایی دراز کند.

ایران به دلیل نقش مهم خود در منطقه از اهرم بیشتری در عراق، سوریه، لبنان و یمن برخوردار است. دولت رئیسی می‌تواند از این طریق با کمک به بازگرداندن امنیت، صلح و ثبات به این کشورها، روند اعتمادسازی و نشان دادن حسن نیت را آغاز، و از این دریچه، اعتبار زیادی کسب کند.

این کشور حتی می‌تواند ضامن امنیت منطقه شود، زیرا ایالات متحده تعهدات نظامی خود را در منطقه کاهش می‌دهد. همین امر برای

ایرانیان که به دلیل تحریم و انزوای دهه‌های سختی را گذرانده‌اند، استفاده کند.

اما برای اطمینان از تحول اقتصادی، دولت باید اصلاحات سیاسی را نیز انجام دهد تا بتواند اعتبار سیستم را در میان بخشی از شهروندان خود ارتقا دهد. با توجه به کاهش مشارکت در انتخابات اخیر و تشدید تنش بین مؤلفه‌های جمهوریت و اسلام‌گرایی در جمهوری اسلامی، این اعتبار نیاز به ترمیم دارد.

چنین رویکردی در مقیاس گسترده‌تر، به معنای تغییر در سیاست خارجی، مهار هزینه سیاست‌های منطقه‌ای ایران به نفع تجارت سالم و همکاری با همسایگان است. اما هیچ اصلاح اقتصادی، سیاسی و استراتژیک بدون مقابله با فساد و سوءمدیریت در کشور و کنترل فعالیت‌های گروه‌های ذی‌نفع امکان‌پذیر نیست. آیا رئیسی فرصت را غنیمت شمرده و مسیری متفاوت را پیش روی ایران ترسیم می‌کند؟ با قضاوت از شرایط کلی و سوابق او، پاسخ به نظر منفی است.

احتمال وقوع: هنوز هم من به این سناریو ۰ تا ۵ درصد احتمال وقوع را می‌دهم.

«اساس حکمرانی اولویت بندی است و گزینه‌هایی که رئیس جمهور جدید ارائه می‌کند در این مقطع حساس می‌تواند اهمیت بیشتری داشته باشد. این که ابراهیم رئیسی به عنوان یک چهره محافظه کار، اولویت‌های خود را چگونه انتخاب می‌کند و نتایج بالقوه حاصل از احیای احتمالی توافق هسته‌ای را چگونه مدیریت می‌کند، در شکل‌گیری آینده کشور و خاورمیانه بسیار مؤثر خواهد بود.

با توجه به مجموع شرایط از نگاه بسیاری انتظار می‌رود رئیسی ۶۰ ساله در آینده یک گزینه بالقوه و محتمل برای آینده ایران باشد. رئیس جمهور جدید ایران در بستر فعلی می‌تواند یکی از این سه مسیر را برای اداره دولت و آینده کشور انتخاب کند.

۱. اصلاحات ساختاری اقتصادی-سیاسی، مبارزه ریشه‌ای با فساد و سوءمدیریت سناریوی نخست، رئیسی می‌تواند اولویت را در سرمایه‌گذاری و اصلاحات اقتصادی قرار دهد؛ با ارسال یک پیام روشن که دولت وی قصد دارد از مزایای اقتصادی حاصل از توافق هسته‌ای و گشایش‌های بین‌المللی جدیدی که به تبع آن ارائه می‌شود، برای بهبود معیشت



خلاء حضور آمریکا را به جدیت بیشتری پیگیری کند. احتمال وقوع: من به این سناریو نسبتاً بدبینانه ۶۰ تا ۶۵ درصد احتمال وقوع می‌دهم.

پی‌نوشت‌ها

- مهم است که به یاد داشته باشید که سیاست‌های ایران، همانند سیاست‌های منطقه، ایستا نیستند. روابط غرب و شرق نیز چنین نیست. بهر حال احتمالاً آشفتگی‌های جدید در بیشتر کشورهای منطقه و تنش‌های بالقوه میان رقبای منطقه‌ای وجود خواهد داشت و ایران نیز ممکن است با ریسک‌هایی مواجه باشد.

- به همین ترتیب، بازخوانی منافع و بازسازی اتحادها می‌تواند معادلات و محاسبات سیاسی ایران تحت هدایت رئیسی را تغییر دهد و او را تحت فشار بگذارد تا به خاطر منافع خود، منافع ملی و بله، منافع منطقه‌ای، سناریوی دوم را بپذیرد.

- او همچنین می‌تواند، به طور معجزه آسایی، سناریوی سازنده نخست را بپذیرد و الگویی برای منطقه باشد. رؤیای پردازی هیچ ضرری ندارد.»

■ مروان بشاره، تحلیلگر ارشد سیاست خارجی الجزیره

در سناریوی سوم، رئیس‌جمهور جدید ایران می‌تواند تصمیم بگیرد که دیدگاه‌های محافظه‌کارانه تندتر خود را کاهش دهد و از درآمد حاصل از قیمت‌های بالاتر نفت و سرمایه‌گذاری‌های جدید برای تأمین بودجه گروه‌های حامی خود، که از گسترش نفوذ تهران و هم‌پیمانان شیعه در سراسر منطقه نیز پشتیبانی می‌کنند، استفاده کند و رویکرد منطقه‌ای موجود را گسترش دهد. این به معنای تقویت بیشتر شبه نظامیان متحد ایران در خاورمیانه است که ممکن است به خشونت و بی‌ثباتی بیشتر در منطقه بیانجامد. فقدان بازدارندگی استراتژیک اعراب برای دلسرد کردن تهران از پیگیری منافع خود در منطقه، بدون شک دولت‌مردان جدید ایران را به استفاده از فرصت ترغیب می‌کند. به همین ترتیب، اتحاد کوتاه‌بینانه اخیراً اعلام شده بین چند کشور کوچک خلیج فارس و اسرائیل به خوبی می‌تواند به هم‌پیمانان تهران جسارت بخشد تا در برابر آن‌ها، با شدت عمل بیشتری بر خورد کنند. سلب مسئولیت نظامی ایالات متحده در منطقه - هر چند محدود - و کاهش تعهدات استراتژیک خود در قبال - متحدان سنتی، می‌تواند رئیس‌جمهور جدید ایران را بیشتر تشویق کند تا بازی قدرت برای پر کردن

ایجاد ثبات و بهبود روابط ایران با همسایگان خلیج فارس ثمربخش است، به ویژه ترمیم روابط با عربستان سعودی که می‌تواند یک پیروزی برای مردم هر دو طرف باشد. مطمئناً، دولت رئیسی موضع ایران در قبال اسرائیل را تغییر نخواهد داد، و البته در چنین سناریویی همسایگانش که در حال این تغییر موضع هستند را هم بایکوت نخواهد کرد. با توجه به اینکه ناتو نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کند، تلاشی برای ایفای نقش مشترک در این کشور در کنار پاکستان و ترکیه امتحان‌گویی برای اهداف و مشی رئیس‌جمهور جدید ایران خواهد بود.

روند بهبود روابط با ایالات متحده پس از چهار دهه خصومت رسمی متقابل بسیار بیشتر طول خواهد کشید اما برای پیشبرد چنین سناریویی در درازمدت تا حدودی اجتناب‌ناپذیر است. اعمال تحریم علیه شخص ابراهیم رئیسی از سوی آمریکا، که دو سال پیش با ادعای نقش وی در نقض حقوق بشر پیاده شده است، قطعاً کمکی به بهبود روابط در کوتاه مدت نمی‌کند. احتمال وقوع: من به این سناریوی کمی واقع‌بینانه‌تر، ۳۰ تا ۳۵ درصد احتمال وقوع

می‌دهم.

۳. تقویت نفوذ منطقه‌ای

افزایش خطر طالبان برای چین و ایران

حسین رجایی

پیشروی های فوق العاده سریع طالبان در این روزها، مشکوک و یادآور اشغال چند روزه بیش از نیمی از عراق توسط داعش است. بی عملی آمریکایی های در برابر این اتفاق، شک تحلیلگران را بیشتر نیز می کند. مگر قریب ۲۰ سال حضور در افغانستان و کشتن دهها هزار انسان بیگناه و مجروح و آواره کردن صدها هزار نفر دیگر به بهانه مقابله با همین گروه طالبان نبوده است؟!

گرچه سالهاست طالبان با ایران روابط خصمانه نداشته و اکنون به شیعیان افغانستان امان نامه هم داده است ولی چقدر می توان به گروه های سلفی از این دست اعتماد داشت؟! اگر این گروه توانست کل افغانستان را به زیر سلطه خود در آورد، چقدر می توان نسبت به عدم تغییر ماهیت ایدئولوژیک آن و عدم جهش در سطح آرمان ها و اهداف آن، اطمینان داشت؟! به دنبال قضاوت در خصوص گروه طالبان نیستیم ولی تجربه نشان داده است که گروه های سلفی بعضاً به هنگام تنگناها یاد پی آرمان های بزرگ از معامله با آمریکایی ها ابایی ندارند. طالبان در نقش یک گروه جهادی با طالبان در نقش حاکم یک امارت اسلامی، ملزومات متفاوتی خواهد داشت، آیا به عنوان مثال، نیازهای مالی، آن را بیش از گذشته به سمت دولت های ثروتمند خلیج فارس خواهد کشاند؟!

نگارنده پیش تر در مطلبی با عنوان: «پاس گل آمریکا به چین و ایران؟»، به این نکته اشاره نمودم که با خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، نوع چینش نیروها و وضعیت توازن قوا در منطقه دستخوش تغییر خواهد شد. چنین تغییراتی، احتمالات متفاوتی را پیش روی آینده منطقه قرار می دهند. احتمالاتی که روی برخی شان آمریکایی ها خیلی حساب باز کرده اند. به همین جهت، دولت های چین و ایران نیاز دارند که خود را برای سناریوهای گوناگون مجهز کرده و تمهیدات پیش دستانه هر یک را فراهم آورند.

های جهادی سلفی در عراق و سوریه حاوی دستاوردهایی بوده، در افغانستان، سود چندان به آن هان رسانده است. به عبارت بهتر، آنقدری که ایالات متحده توانسته از امثال داعش و النصره برای تقابل با دشمنان خود در منطقه بهره بگیرد، در استفاده از طالبان چندان موفق نبوده است. چه اینکه می بینیم این گروه طی سالیان اخیر، روابط خصمانه ای با ایران و روسیه نداشته و علیه منافع این دو کشور عملیات نکرده است. شاید به همین جهت است که پس از اضمحلال داعش در عراق و سوریه، آمریکایی ها سعی کردند، ته

گرچه سالهاست طالبان با ایران روابط خصمانه نداشته و اکنون به شیعیان افغانستان امان نامه هم داده است ولی چقدر می توان به گروه های سلفی از این دست اعتماد داشت؟! اگر این گروه توانست کل افغانستان را به زیر سلطه خود در آورد، چقدر می توان نسبت به عدم تغییر ماهیت ایدئولوژیک آن و عدم جهش در سطح آرمان ها و اهداف آن، اطمینان داشت؟!

مانده های این گروه را به افغانستان منتقل کنند و به این ترتیب، فجایع خونبار دو سال اخیر در این کشور را رقم زنند.

اما در حالیکه روز به روز هزینه های حضور آمریکا در افغانستان افزایش می یابد راهبرد انتقال داعش هم توفیقی نیافت چون اساساً در برابر رقیب بزرگی به نام طالبان، داعش فرصت رشد و نمود نداشت. به نظر می رسد همه این مسائل، آمریکایی ها را به این جمع بندی رسانده است که بجای راهبرد حضور نظامی در افغانستان هم، از همان راهبرد بهره گیری از گروه های سلفی جهادی بهره ببرند.

فهم آنچه امروز در افغانستان می گذرد، بدون توجه به مناسبات ژئواستراتژیک جهان امروز ممکن نیست. در رأس همه این مناسبات، افول ابر قدرت حاضر (ایالات متحده) و ظهور یک ابر قدرت جدید (چین) قرار دارد. برای تبیین تحولات اخیر، اجمالاً می توان به

سه منطق راهبردی اشاره نمود:

۱- آمریکا باید هزینه های خود را کاهش داده و توان خود را صرفه جویی کند.

۲- آمریکا باید تمرکز و انرژی بیشتری را معطوف چین نماید.

۳- ثبات در منطقه غرب آسیا، به ضرر آمریکا و به نفع ایران و چین است.

ایالات متحده از سمت شرق و جنوب شرق آسیا، چین را در محاصره دولت های متحد و نیروهای نظامی خود قرار داده و بدین ترتیب از سمت دریا به مهار قدرت رقیب دست زده است. اما از سمت غرب، وجود دشمنی به نام ایران از سویی و عدم توفیق در ایجاد

یک دولت غربگرای باثبات در افغانستان از سوی دیگر، کار را برای آمریکایی ها مشکل نموده است. عدم اتصال ترانزیتی چین با ایران و ایران با مدیترانه، همواره یکی از اهداف راهبردی ایالات متحده بوده که دقیقاً در تقابل با طرح "یک کمربند، یک راه" چین

قرار دارد. طرحی که چین بواسطه آن میکوشد از تنگناهای راهبردی که آمریکا برای آن ساخته است فرار کند. ایجاد چین اتصال، منافع گسترده برای دورقیب جهانی و منطقه ای آمریکا دارد و می تواند روند پیشرفت و توسعه قدرت آن ها را تسریع کند. کمک

به خلق گروه های تکفیری تروریستی مثل داعش و اشغال افغانستان از جمله راهکارهایی هست که ایالات متحده تا کنون برای جلوگیری از برقراری چنین اتصالی از آن بهره برده است.

به نظر می رسد هر قدر استفاده آمریکا از گروه

افزایش احتمال پذیرش احیای توافق هسته‌ای از سوی ایران

سیمون واتکینز

در رابطه با پوشش خبری مذاکرات در حال انجام در وین درباره توافق هسته‌ای ایران که ایالات متحده در ماه مه ۲۰۱۸ به طور یکجانبه از آن خارج شد، یک سری فرضیه‌های نادرست وجود دارد. قابل توجه‌ترین آن‌ها به ویژه پس از پیروزی ابراهیم رئیسی در انتخابات ریاست جمهوری، توصیف سیاستمداران ایرانی تحت عنوان «میانه رو» یا «تند رو» است. یک منبع ارشد نزدیک به دولت ایران به «اوایل پرایس» گفت: «تبدیل شدن به یک سیاستمدار جدی در ایران بدون اعتقاد به اصول اساسی کسانی که جمهوری اسلامی را تأسیس کرده‌اند، غیرممکن است.» یکی از مهم‌ترین مفاهیم در میان این اصول، ولایت فقیه است، به این معنی که همه اختیارات جدی سیاسی و مذهبی به روحانیت شیعه سپرده می‌شود. این منبع در ادامه گفت: «در عمل، تصمیمات مهم شامل سیاست خارجی، سیاست دفاعی، سیاست اقتصادی و سیاست اطلاعاتی گرفته تا هرگونه سیاست داخلی باید به تأیید رهبری برسند.» در حقیقت، تمایز قائل شدن میان سیاستمداران ایرانی به عنوان «میانه رو» یا «تند رو» در جریان گفت و گوها با غرب و به صورت یک طرفند مذاکراتی آغاز شد.

با توجه به این مساله، اهمیتی ندارد که رئیس جمهوری ایران از کدام جناح است و اهمیتی ندارد که عمدتاً از رئیسی تحت عنوان یک شخصیت «اصول‌گرای تند رو» یاد می‌شود. تصمیم‌گیری نهایی با رهبری است و ساختارهای دیگری هم در جمهوری اسلامی برای کسب اطمینان از تداوم سیاست‌ها فارغ از دولت، وجود دارد. حتی مجلس ایران که در حال حاضر تحت کنترل

اصول‌گرایان تندرو است نیز نمی‌تواند تأثیرات قابل توجهی بر سیاست خارجی از جمله بر روند مذاکرات وین بگذارد.

این شرایط، به طرز عجیبی چشم‌انداز احیای توافق هسته‌ای را تضمین می‌کند چرا که در حال حاضر، رهبر ایران به خوبی می‌داند که این کشور به فضای تنفس اقتصادی نیاز دارد و منابع مالی که تحت اجرای مجدد برجام آزاد می‌شوند، می‌توانند این فضا را فراهم آورند. منبع آگاه ایرانی در این باره گفت: «مشکل اساسی اقتصادی که ایران با آن مواجه است، کاهش ذخایر ارزی به حدود ۱۰ میلیارد دلار آمریکا [در مقایسه با ۱۱۴ میلیارد دلار پیش از خروج آمریکا از برجام در ماه مه ۲۰۱۸] و کاهش ذخایر طلاست.

این بدان معناست که ایران دیر یا زود در حمایت مالی از متحدانش و کسب اطمینان از عملکرد شبکه نیابتی تضمین‌کننده نفوذ آن در منطقه از جمله در تأثیرات عملیاتی مهم یمن، لبنان و سوریه، با مشکل مواجه خواهد شد، چرا که پرداخت‌ها به

دلار آمریکا هستند یا به طلا. در صورتی که روند کنونی ادامه پیدا کند، ذخایر ارزی ایران ممکن است در سه ماه آینده به صفر برسد. منبع آگاه ایرانی افزود: «از چین هم نمی‌شود انتظار راه نجات داشت چرا که به رغم توافق بزرگ امضا شده در سال ۲۰۱۹، چین بسیار مراقب است تا با اقداماتی آشکار که ایالات متحده نتواند آنها را نادیده بگیرد، آمریکا را در مساله ایران تحریک نکند. و چنین سطحی از دشواری اقتصادی می‌تواند به تغییر در سیاست بیانجامد. ایران در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ و پس از پیوستن اتحادیه اروپا به ایالات متحده در افزایش تحریم‌ها و مواجهه با کاهش ۵۰ درصدی ذخایر ارزی در یک سال، به درخواست‌ها برای مذاکره درباره محدودیت در غنی‌سازی اورانیوم رضایت داد.» از دیدگاه دولت پیشین ترامپ، ضعف اصلی برجام امضا شده در ۲۰۱۵ این بوده که برنامه موشک‌های بالستیک ایران را شامل نمی‌شود.

بندهایی مربوط به جلوگیری از توسعه

موشک‌های دوربرد ایران که توانایی مورد اصابت قرار دادن اروپا یا ایالات متحده به طور مستقیم را داشته باشند به صورت «به رسمیت شناخته شدن پیوند ناگسستی بین برنامه غنی‌سازی هسته‌ای و برنامه موشک بالستیک از سوی ایران» و «خودداری از تکثیر موشک‌های بالستیک» در پیش‌نویس اولیه مورد نظر گروه فنی باراک اوباما وجود داشت، اما ایالات متحده نهایتاً تحت فشار فرانسه و آلمان با حذف این بندها موافقت کرد. گروه سیاست خارجی ترامپ می‌خواست ایران را به پذیرش این بندها وادارد.

اکنون، برخی ناظران باور دارند که با توجه به فشار اقتصادی موجود، ایران حاضر به مصالحه نسبی خواهد بود. نشانه‌ای از این مساله راهم می‌توان در روایت مغفله‌آمیز حسین امیرعبداللهیان، دستیار ویژه رئیس مجلس ایران در امور بین‌الملل، مشاهده کرد که گفته جو بایدن، رئیس جمهوری ایالات متحده، نباید «مسائل منطقه‌ای یا موشکی» را وارد برجام کند. منبع ایرانی به «اوایل پرایس» گفت که مساله در حقیقت دو گانه است و دو موضوع «موشک‌ها به طور کلی» و «موشک‌های منطقه‌ای» را در بر می‌گیرد و ایران به خوبی می‌داند که ایالات متحده هیچ اهمیتی به موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد آن نمی‌دهد: «ایالات متحده فکر می‌کند که تهدید موشک‌های کوتاه‌برد ایران عملاً سعودی‌ها را برای محافظت به آمریکا وابسته‌تر می‌کند و می‌تواند به صدها میلیارد دلار قرارداد دفاعی بین ریاض و واشنگتن منجر شود.

از این رو، تمایز قائل شدن بین برنامه موشکی به طور کلی، و موشک‌های منطقه‌ای، می‌تواند آخرین مانع در برابر تعامل مجدد ایران و ایالات متحده در توافق احیا شده را از بین ببرد، چرا که ایالات متحده پیشتر با حذف تحریم‌های اساسی در بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی و خودرو، و حتی برخی از تحریم‌های مربوط به بخش بانکی موافقت کرده است.»

■ منبع: اوایل پرایس

برجام و حقوق بشر، بهانه‌های واهی برای فشار بر تهران مشکل غرب با ایران چیست؟

بشیر اسماعیلی*

محدود کردن قدرت ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد. در بزنگاه تاریخی بعد از جنگ جهانی دوم، خروج انگلستان از شرق کانال سوئز فرصت تاریخی برای بازگشت بحریه به سرزمین مادری را فراهم آورد اما اعلام ناگهانی محمد رضا شاه مبنی بر آمادگی واگذاری حاکمیت بحریه، این فرصت تکرار نشدنی را از میان برد.

الا گروه امپراطوری باستان خود را احیا خواهد کرد. اینک که در تابستان قرار داریم، زمانه واقعه تاریخی پیوستن کشور بحرین در قالب یک کشور مستقل به سازمان ملل متحد است. رخدادی که بارها و بارها از آن گفته شده و در زمره حوادث بحث برانگیز تاریخ معاصر ایران قرار گرفته است اما از این دیدگاه، برای شاهدهی بر مدعای تلاش بیگانه در

نه الزاماً ایران در زمانه جمهوری اسلامی ایران، که ایران به عنوان یک کشور باستانی که هر گاه فرصت یافته به قدرتی عظیم بدل شده است. زمانی توران و انیرانیان، در برهه‌ای رم و یونان، بعدها عثمانی و روسیه و اینک غرب در برابر قدرت گرفتن ایران ایستادگی می‌کند. هنری کیسینجر در سال‌های اخیر دو مرتبه هشدار داده که ایران را باید مهار کرد و

و انگلستان راهی جز تن دادن به نقشه استراتژیک آن‌ها برای نقشه جدید خلیج فارس نداشت. وی بازگشت خود به قدرت را مدیون کودتای انگلیس و آمریکا بود، روابط گسترده تجاری و نظامی با آن‌ها داشت و غرب را تضمینی برای مصون ماندن ایران از اتحاد جماهیر شوروی تلقی می‌کرد. با آن میزان از وابستگی، سیاست خارجی مستقل چگونه می‌توانست امکان پذیر شود؟ چنان بود که تمامیت ارضی ایران با مذاکراتی نه چندان پیچیده از دست رفت و محمد رضا شاه در ۲۴ دی در سخنرانی در جمع کارکنان وزارت امور خارجه با اعتراف تلویحی به شرایط تحمیل شده گفت: «انگلیس، این جزیره را به ایران پس نخواهد داد و من نمی‌توانم چون دن کیشوت رفتار کنم». جمهوری اسلامی ایران در سال‌های بعد از انقلاب، قادر شده تا با قطع رابطه با آمریکا و به تبع خلاص شدن از ملاحظات و محدودیت‌های ناشی از همپیمانی، سیاست خارجه خود در منطقه را بسط دهد. سقوط صدام، بیداری اسلامی یمن، مهار داعش

می‌گوید: «انگلیسی‌ها که تازه به دلیل همکاری با امریکایی‌ها نفوذ خود را در خلیج فارس کم کرده بودند، نمی‌خواستند ایران که کرانه وسیعی در خلیج فارس دارد، در این طرف خلیج هم نفوذی داشته باشد. برای اینکه صورت قانونی به این جدایی بدهند، سر ویلیام لوس، مأمور بلندپایه وزارت امور خارجه انگلستان چندبار بی‌سر و صدا به ایران آمد و با مقامات گوناگون از جمله محمدرضا شاه دیدار کرد. از سوی دولت ایران خسرو افشار مأمور گفت و گوها و برنامه‌ریزی با او شد و به زودی مساله بسیار ساده و آسان توسط رده‌های بالایی هر دو کشور حل شد!». بله! مشکل اصلی با بسط نفوذ منطقه‌ای ایران در خلیج فارس بود؛ مشکلی که هنوز هم بزرگ‌ترین چالش بین المللی غرب با ایران را سبب شده است و برجام و حقوق بشر و غیره، بهانه‌های این سد نفوذ هستند. اما تفاوت عمده دوره شاه با وضعیت فعلی جمهوری اسلامی، نوع مناسبات ایران با غرب است؛ شاه به دلیل همپیمانی با آمریکا

اهمیت بحریه در خلیج فارس به لحاظ استراتژیک قابل وصف نیست و در صورتی که ایران این نقطه حساس ژئوپولیتیک را حفظ کرده بود، برد استراتژیک آن عربستان سعودی و امارات متحده عربی را زیر چتر نفوذ خود می‌برد و نیروی دریایی ایران قادر بود با در اختیار داشتن جایگاه فعلی ناوگان پنجم آمریکا در بحرین، بر کل خلیج فارس و به تبع شاهراه انتقال انرژی دنیا مسلط باشد. محمدرضا شاه در مصاحبه با روزنامه گاردین لندن در شهریور ۱۳۴۵ گفته بود: «بحرین با توجه به اینکه ذخایر مروارید در سواحل آن به پایان رسیده است، از نظر ایران اهمیتی ندارد!». پیرو این اظهار نظر عجیب و غریب شاه در آن روزگار، بحرین هرگز استان چهاردهم ایران نشد و یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های بالقوه ایران در خلیج فارس از دست رفت. اینک باید به این سؤال بازگردیم، چرا بحرین، چنین ساده و مرموز از دست رفت؟ اسفندیار بزرگمهر در کتاب کاروان عمر



نظر آنها ایران مرده است؛ ایرانی تجزیه شده، درگیر جنگ‌های داخلی و فروپاشیده از داخل. این واقعیتی است که افکار عمومی در داخل کشور باید بر آن وقوف داشته باشند، ناکارآمدی و سوء مدیریت در حاکمیت نباید به قیمت تضعیف قدرت ملی و عملی شدن نقشه‌های دشمنان ایران تمام شود.

ما در یک حقیقت تاریخی و جبر جغرافیایی انکار ناپذیر متولد شده‌ایم، در کشوری که همواره عزم و پست دشمنانش بر تضعیف و مهار قدرت ذاتی آن بوده است و این برنامه همچنان هم ادامه دارد. اگر میهن ما در موقعیت ژئوپولیتیک ایسلند و نروژ بود، طبعاً چنین میزان از هوشیاری و حساسیت برای حفظ تمامیت ارضی و موجودیت آن لزومی نداشت. اینک اما، نمی‌توان لحظه‌ای پلک زد، رسالت تاریخی ایرانیان مقاومت و تلاش برای افزایش قدرت در دنیای بی رحم و پر از عداوتی است که از جان گرفتن این کشور کهن بیمناکند.

*عضو هیات علمی دانشگاه آزاد

با آمریکا را از میان برد. او نشان داد آمریکا به دنبال این نیست که ایران از فشار خارج شود و قدرتش افزون شود.

کاپلان، تحلیلگر مسائل بین‌الملل در آمریکای گوید ایران در منطقه خاورمیانه تنها بازیگری است که می‌تواند به قدرتی بزرگ بدل شود چون فلات ایران از دیرباز به مفهوم واقعی یک کشور بوده است.

بقیه کشورهای اطراف ایران، همگی بعد از جنگ‌های جهانی و فروپاشی عثمانی به وجود آمده‌اند اما ایران یک قدرت تاریخی است. اسرائیل و عربستان به این پتانسیل ژئوپولیتیک، فرهنگی و تاریخی ایران برای احیا قدرت سنتی خود واقف هستند. آمریکا و بریتانیا هم این مسأله را به خوبی می‌دانند، پس مهمترین استراتژی برای جلوگیری از یک ایران قدرتمند که منافع آنها را تهدید کند، حفظ فشار اقتصادی، جنگ تبلیغاتی، موازنه نظامی و تضعیف مستمر ایران است. اگر حتی غربگراترین حکومت هم در ایران مستقر شود، آمریکا نمی‌تواند تن به ریسک قدرت گرفتن ایران بدهد. بهترین ایران از

و حفظ سوریه، سلسله حوادث منطقه‌ای بودند که موجب تقویت نفوذ و قدرت ایران شدند. اینک نه انگلستان و نه آمریکا، هیچ یک قادر نیستند با توسل به مذاکره، ایران را از پایگاه‌های منطقه‌ای خود عقب بنشانند. از این بابت، فشار همه جانبه‌ای در قالب تحریم‌های شدید علیه جمهوری اسلامی ایران در حال اعمال است.

آمریکا در حال استفاده از برگ برنده قدیمی خودش در پیشبرد اهداف سیاست خارجی یعنی سلطه بر اقتصاد جهانی است. با این وجود، به عکس زمان پادشاه، راه ساده‌ای برای تسلیم قدرت منطقه‌ای وجود ندارد. ایران در این مورد خاص، یا تا آخر این خط را مقاومت می‌کند یا مثل اسطوره‌هایش ایستاده می‌میرد.

با اینکه به نظر می‌رسد هم‌پیمانی با غرب مزایای زیادی برای کشورهای به ارمان می‌آورد اما مسأله بحرین نشان داد دست کم این مورد، از جمله مزایای برکنار ماندن از اتحاد با غرب است. دونالد ترامپ فرصت تاریخی عادی‌سازی روابط ایران

رقابت منطقه‌ای در میدان افغانستان با خروج واشنگتن پیامدهای اقتصادی طالبان برای ایران

علی آزادی



مورد اهداف خود در این کشور گفتگو کنند و زمینه‌ساز بیانیه مشترکی شد که در آن طالبان به صراحت «حمله به غیر نظامیان، مدارس، مساجد و بیمارستان‌ها را محکوم کرد و خواستار مذاکره و توافق در مورد راه حل سیاسی برای آینده افغانستان شد. هیأت دولتی افغانستان را محمد یونس قانونی، معاون پیشین رئیس جمهوری، و ریاست هیأت طالبان را شیرمحمد عباس استانکزی، معاون هیأت مذاکره‌کننده گروه طالبان در قطر به عهده داشت. ظریف به هیأت طالبان گفت که ممکن است مجبور به تصمیم‌گیری‌های سخت شوند و افزود «شجاعت در صلح مهمتر از شجاعت در جنگ است»، چرا که شهامت در فدا کردن خواسته‌های حداکثری و شنیدن صدای طرف مقابل نمود می‌یابد. ظریف همچنین گفت که ادامه درگیری‌ها بین

ملی‌شان را در قبال وضعیت جدید محافظت یا تقویت کنند. اما ایران به نوعی نسبت به سایرین پیشگام بود و بازمنه‌چینی برای رایزنی طرف‌های درگیر در تهران، هم نزدیکی فرهنگی دو ملت را برجسته کرد و هم در نشان دادن حسن نیت و اعتمادسازی، توفیق نسبی حاصل کرد. پاتریک ویتور دبیر دیپلماتیک روزنامه گاردین در مطلبی با عنوان «ایران و روسیه برای پر کردن خلاء دیپلماتیک افغانستان اقدام می‌کنند» نوشته است: به تبع خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و پیشروی‌های نظامی طالبان، ایران، ترکیه، پاکستان و روسیه برای پر کردن خلاء نظامی و دیپلماتیک در این کشور وارد عمل شده‌اند. به نوشته گاردین، جواد ظریف در تهران با مذاکره‌کنندگان طالبان دیدار کرد تا در

روزنامه انگلیسی گاردین در گزارشی نوشته است که کشورهای منطقه از جمله ایران و روسیه برای پر کردن خلاء ناشی از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان که با پیشروی فزاینده طالبان نیز همراه شده، وارد عمل می‌شوند. همزمان با پیشروی طالبان و عقب‌نشینی نیروهای دولتی افغانستان که با فرآیند خروج نیروهای آمریکایی شتاب می‌گیرد، وزیر خارجه ایران ضمن دیدار با مذاکره‌کنندگان طالبان و دولت افغانستان، بستر مذاکره طرفین را در تهران فراهم کرد، ترکیه نیز نیروهای خود را برای محافظت از فرودگاه کابل پیشنهاد داد. به نظر می‌رسد، ایران، ترکیه و دیگر بازیگران مؤثر اعم از روسیه و چین تا پاکستان و هند نیز به دقت وضعیت را تحت نظر دارند تا در صورت لزوم هریک به نوبه خود منافع

دولت و طالبان پیامدهای "نامطلوبی" برای افغانستان خواهد داشت و بازگشت به مذاکرات بین‌افغانی "بهترین راه حل" بوده است. با این حال ایران در مذاکرات دوحه که بیش از دو سال است متوقف شده شرکت نکرد.

■ نگرانی تهران از سرریز مصائب همسایه؟

گاردین مدعی شد: سه هیئت افغان دیگر به طور همزمان در تهران بودند. در حالی که ارزش بیانیه مشترک که نویدبخش گفتگوهای بعدی است هنوز محل بحث است، اما تکاپوی دیپلماتیک تهران نشانگر نگرانی ایران از سرریز احتمالی مصائب ناشی از یک جنگ داخلی بلندمدت در مرز طولانی مشترکش با افغانستان است.

بر اساس گزارش گاردین، تخمین‌ها حاکی از آن است حدود ۱ میلیون افغان برای پرهیز از رویارویی با حاکمیت طالبان به سوی مرزها سرازیر شوند. رسانه‌های اجتماعی ایرانی تصاویری را منتشر می‌کردند که نیروهای افغان در حال ترک ۲ تا ۳ گمرک موجود در امتداد مرز اسلام‌قلعه و فراه هستند. با حدود ۷۰۰ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان که اکنون در دست طالبان است، ایران چاره‌ای جز دیپلماسی فعالانه در قبال موضوع ندارد.

■ نگرانی متفاوت روسیه و ترکیه

از سوی دیگر روسیه به دنبال این اطمینان است که طالبان اجازه نخواهد یافت از مرزهای شمالی افغانستان به عنوان پایگاهی برای حملات به جمهوری‌های جداشده از شوروی سابق استفاده کند. ترکیه در اقدامی که تا حدی برای جلب رضایت ایالات متحده و همچنین پیشبرد منافع آنکارا طراحی شده است، به طور مشروط نیروهای ترک را برای اجرای پروژه ناتو جهت حفاظت از فرودگاه بین‌المللی کابل پیشنهاد داده است. رئیس‌جمهور رجب طیب اردوغان پیشنهاد کرده است که نیروهای ترکیه را در یک اتحاد احتمالی بعید با مجارستان برای حفاظت از

این فرودگاه فراهم کند.

ترکیه قبلاً از فرودگاه محافظت کرده است اما موج جدید مهاجرت نیز نگرانی دیگری است. همچنین ترکیه ممکن است این ایفای نقش نظامی را به عنوان راهی برای بازگشت به لیست خوب‌های واشنگتن ببیند.

■ مناقشه بر سر نحوه برخورد تهران با طالبان

در داخل ایران بحث روشنی در مورد نحوه برخورد با طالبان در جریان است. برخی تحلیلگران معتقدند که مهاجرت گسترده از افغانستان ناشی از شورش طالبان ممکن است به اقتصاد ایران کمک کند و ایران نباید با تصرف طالبان مخالفت کند.

ایران با بحران جمعیتی روبرو است و من معتقدم که بهترین، نزدیک‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای غلبه بر این بحران جمعیتی پذیرش مهاجر از افغانستان است علاوه بر اینکه ثبات در افغانستان برای امنیت ملی ایران اهمیت دارد، می‌تواند به بحران پیری و اقتصاد ایران نیز کمک کند.

به نوشته گاردین تخمین زده می‌شود که ایران در حال حاضر میزبان ۷۸۰ هزار پناهنده ثبت شده افغان است و شمار پناهجویان غیرمستند که در ایران زندگی می‌کنند بین ۲,۱ تا ۲,۵ میلیون تخمین زده می‌شود.

■ **فرصت اقتصادی طالبان برای ایران**
این روزنامه انگلیسی در ادامه نوشت: سعید لیلاز، مفسر برجسته اصلاح‌طلب و مشاور دولت‌های اسبق، گفت: «ایران با بحران جمعیتی روبرو است و من معتقدم که بهترین، نزدیک‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه برای غلبه بر این بحران جمعیتی پذیرش

مهاجر از افغانستان است.»
تحلیل سعید لیلاز از آینده بازار و تولید خودرو لیلاز می‌گوید علاوه بر اینکه ثبات در افغانستان برای امنیت ملی ایران اهمیت دارد، می‌تواند به بحران پیری و اقتصاد ایران نیز کمک کند. وی گفت: «طالبان بدون حمایت واقعی سیاسی نمی‌توانستند اینقدر زنده بمانند و اکنون ممکن است منافع دیپلماتیک منطقه‌ای ایران را تأمین کنند.»
لیلاز با بیان اینکه «طالبان دیگر طالبان گذشته نیستند» گفت که آنها همچنین فهمیده‌اند که «باید با جهان تعامل داشته باشند و با کشورهای منطقه همکاری کنند.»
طالبان جدا از ملت افغانستان نیستند رسول موسوی، مدیر کل دفتر غرب آسیا در وزارت امور خارجه ایران نیز به نوعی با قاطعیت بیشتر با این ایده همراه است. موسوی گفت: «طالبان از مردم افغانستان هستند. آن‌ها از جامعه سنتی افغانستان جدا نیستند و همیشه بخشی از آن بوده‌اند. علاوه بر این، آن‌ها قدرت نظامی دارند. ایالات متحده جنگ را باخته است و دیگر نمی‌تواند علیه طالبان عملیات نظامی انجام دهد.» صادرات از گمرکات شرق ایران به افغانستان، از رقم سه میلیارد دلار در سال ۹۹ گذشت و سازمان توسعه تجارت انتظار داشت تا پایان سال ۱۴۰۰ به پنج میلیارد دلار برسد. بخش زیادی از این تجارت به صادرات کالا از ایران اختصاص دارد برخی تحلیل‌گران اعتقاد دارند بازگشت طالبان به قدرت با توجه به چندپارگی که بر افغانستان حاکم می‌کند می‌تواند بر روند تجارت دو کشور در میان مدت اثر بگذارد و این اتفاق برای اقتصادی که به شدت به صادرات و ارزآوری نیاز دارد از دست رفتن این فرصت می‌تواند برای ایران هزینه داشته باشد. بازار اسکناس هرات نیز ارتباط تنگاتنگی با بازار ارز تهران دارد اختلال در این بازار نیز بی‌اثر بر بازار ارز ایران نیست بنابراین برگشت طالبان می‌تواند تجارت و روند تراز پرداخت‌های ایران را با ابهام همراه کند.

چالش‌هایی که دولت سیزدهم با آن‌ها مواجه است

لزوم بازسازی چرخه معیوب اقتصاد



متوسط رشد سرمایه‌گذاری در طی این دهه منفی و رشد اقتصاد کشور در حد صفر است. متوسط نرخ تورم ۳۰ درصدی و نرخ بیکاری دو رقمی در طی چند دهه گذشته بی سابقه است. سیل رشد نقدینگی ۴۰ درصدی و حجم قریب ۴ هزار هزار میلیارد تومانی آن، تومار هر سیاست اصلاح اقتصادی را در هم می‌پیچد. ناترازی بودجه و انفجار اثرات بدهی‌های نوپدید در سبب بدهی‌های جدید دولت آتی، بویژه سررسید اوراق، بدهی به صندوق توسعه ملی و بانک مرکزی سیاست‌های اصلاحی را از کنترل خارج می‌کند. به گفته علیشیری، حوزه‌های توسعه بخشی هم متأثر از این شاخص‌های اقتصاد کلان حال روز خوبی ندارند. شاخص‌های توسعه صنعتی، تولید نیروگاه‌ها، ایجاد زیربنای اساسی، تولید مسکن مناسب، ناترازی تولید

مسئولیت مهم کرده است. این اقتصاددان افزود: از آنجایی که این حس برای برون رفت از چالش‌های کنونی صرفاً در حد پیش‌نیازهای اولیه است، همانطور که دولت‌های پیشین هم با این احساس مشترک وارد عرصه شدند و وعده‌های جذاب متعددی ارائه دادند و شکست خورده رفتند یا می‌روند؛ لازم است نکاتی را یادآور شوم تا شاید بتوان این چرخه‌های معیوب را قطع کرد.

■ کشور با چه شرایطی تحویل رئیسی می‌شود؟

معاون اسبق وزیر اقتصاد یادآور شد: حتماً رئیس‌جمهور جدید از وضعیت اقتصاد کشور مطلع است. شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران در طی یک دهه گذشته به شدت نزولی شده است. کشور در شرایط رکود-تورمی مزمّن ساختاری قرار دارد.

یک اقتصاددان با برشمردن چالش‌های اقتصادی پیش روی دولت سیزدهم تأکید کرد: سازمان برنامه نقش محوری در توسعه دارد و داوطلبان وزارتخانه‌ها باید متعهد شوند که برنامه‌های خود را خارج از منابع عمومی و با اتکا به بازارهای پولی و مالی داخلی و بین‌المللی ارائه دهند.

بهر روز علیشیری با اشاره به اینکه در دوره جدید آغاز به کار دولت سیزدهم، اقتصاد ایران چگونه به ریل توسعه باز خواهد گشت؟ اظهار داشت: اینکه جناب آقای رئیسی پذیرفت تا در شرایط سخت کنونی اقتصاد ایران این مسئولیت مهم را بعهده بگیرد، نشان از شجاعت و عزم ایشان برای اصلاح و تمشیت سریع آن دارد و حتماً هم برنامه‌هایی در ذهن و بروی کاغذ دارد که این حس امیدوارانه را زمینه ساز پذیرش این

و مصرف انرژی، بحران آب، در برگیری چتر حمایت‌های اجتماعی بویژه در حوزه بهداشت و درمان، ناکارآمدی و ورشکستگی صندوق‌های بیمه و بازنشستگی، نابسامانی مطلق در مدیریت و بازدهی شرکت‌های دولتی و نیمه دولتی، بروز پدیده کژکاری در مدیریت مناطق آزاد و ویژه اقتصادی، بازدهی حداقلی شهرک‌های صنعتی، عدم بلوغ نهادهای مالی و پولی، ناموزونی توسعه مناطق و افزایش شکاف طبقاتی، گسست میان نهادهای آموزشی و اجرایی و افت شدید کیفیت تحصیلات عالی از جمله پرونده‌های بیماری اقتصاد ایران است.

■ مشکل اقتصاد ایران، اقتصادی نیست
این اقتصاددان تصریح کرد: ممکن است عده‌ای با رجوع به نص اعلام کنند که با انجام برخی از جراحی‌ها و اعمال اصلاحات اساسی در اقتصاد ایران می‌توان این چرخه‌های معیوب تشدید کننده ناموزنی توسعه را قطع کرد. در این صورت باید گفت که چرا انجام اصلاحاتی از این دست که در گذشته به وقوع پیوسته است، یک به یک در فهرست آثار ملی بازندگان قرار گرفته‌اند؟

وی با طرح این پرسش که سرانجام اصلاح سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و خصوصی سازی، سیاست‌های اصلاح قیمت‌های انرژی، بهبود فضای کسب و کار، اصلاح نظام بودجه ریزی، اصلاح نظام مالی و مالیاتی، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، و نهادهای نوپدید نظیر صندوق توسعه ملی، و امثال آنها چه شده و چه سرنوشتی داشته‌اند؟ اظهار داشت: چرا ما تجربه ناکامی در اجرای سیاست‌های اصلاح اقتصادی کشور داریم؟ چرا همه مقامات ارشد خود را موفق و وزرای مربوطه خود را بهترین می‌دانند، اما حال و روز اقتصاد ملی آن است که شمه‌ای از وصف آن را در بالا گفتیم. تبیین دقیق این دسته از چالش‌ها و سؤالات نشان خواهند داد که مشکل اقتصاد ایران، اقتصادی نیست! وی تاکید کرد: می‌شود باره حل کاملاً ساده و

قابل لمس بدون پیچیدگی‌های فن، گذر واژه توسعه کشور را رمز گشایی کرد تا کشور را به کارگاه کسب و کار و تلاش و سازندگی تبدیل کرد.

■ نرخ رشد متوسط ۸ درصدی به ۴۰۰ میلیارد دلار منابع نیاز دارد

علیشیری خطاب به رئیس جمهور منتخب کشور اعلام کرد: اقتصاد ایران بر پایه سیاست ابلاغی رهبر معظم انقلاب باید سالیانه از متوسط نرخ رشد هشت درصدی برخوردار شود. این نرخ رشد باید در حوزه‌های توسعه بخشی نظیر نفت و انرژی، صنعت و معدن، آب و برق، کشاورزی، ارتباطات و

که باید رفتارهای خود را با ضربان بخش‌های تخصصی بالا هماهنگ کنند. متوجه هستیم که در این مدل نقش سازمان برنامه کشور محوری است و توپخانه و فرمانده توسعه است.

■ ملاک ارزیابی برنامه وزرای پیشنهادی توانایی آنها برای جذب منابع باشد

به گفته این استاد دانشگاه، این مساله ساده در اختیار وزرای داوطلب این وزارتخانه‌های تخصصی قرار بگیرد و آنها باید متعهد شوند که خارج از بودجه عمومی دولت حاصل از فروش نفت و درآمدهای مالیاتی که باید صرف امور جاری و خدمات رسانی مطلوب دولت شوند، این منابع را از بازارهای پولی و مالی ملی و بین‌المللی تجهیز کنند و تنها ملاک ارزیابی رئیس جمهور منتخب و مجلس و مردم از عملکرد وزراء همین شاخص و اندازگیری سالیانه آن باشد.

این اقتصاددان ادامه داد: در این صورت هم مجلس هم سایر دستورات را از اقدامات جاری حذف کند. طرح‌ها، نطق‌ها، تذکرات و نظایر آن! مجلس باید مواد ۲۳۷ تا ۲۴۰ قانون الحاق موادی به قانون آیین نامه داخلی خود را احیاء کند و به مدد کمیسیون‌های تخصصی خود صرفاً گزارش عملکرد از وزراء و رئیس جمهور اخذ کند و سالیانه بر آن نظارت کند. وزرای ضعیف و ناموفق را اخراج کند و در صورت نصاب لازم عزل وزراء با رئیس جمهور تعیین تکلیف کند! سالیانه و مستمر.

علیشیری تصریح کرد: با این اقدام ساده مسیر اقتصاد کشور به آرامی لیکن مستمر به ریل توسعه باز خواهد گشت. اصلاحات ساختاری قابل فهم، نظام اداری ضد توسعه و فساد آفرین اصلاح، مسیر انتخاب بر پایه شایستگی و صعود حرفه‌ای از نردبان شغلی احیاء، ساختارهای مالی و پولی در مسیر تکامل، شاخص‌های اقتصادی صعودی، مردم سالاری با ماهیت توسعه‌گرا چگونگی تحقق توسعه پایدار بی‌جایگزین، و کشور کارگاه کسب و کار خواهد شد.

از انجایی که این حس برای برون رفت از چالش‌های کنونی صرفاً در حد پیش‌نیازهای اولیه است، همانطور که دولت‌های پیشین هم با این احساس مشترک وارد عرصه شدند و وعده‌های جذاب متعددی ارائه دادند و شکست خورده رفتند یا می‌روند.

خدمات رخ دهد. برای وقوع این اتفاق ساده و بر پایه متوسط نرخ بهره وری عوامل تولید، کشور سالیانه معادل ۴۰۰ میلیارد دلار منابع مالی برای تزریق به این بخش‌ها نیاز دارد. این رقم به طور تقریبی معادل ده هزار هزار میلیارد تومان خواهد بود. وی افزود: لذا سهم هر یک از وزارتخانه‌های تخصصی بخشی در توسعه کشور یعنی نفت، صنایع و معدن، نیرو، کشاورزی، راه و شهرسازی، ارتباطات برای تأمین مالی معادل ۶۵ تا ۷۵ میلیارد دلار در سال خواهد بود. سایر نهادهای ستادی کشور نظیر وزارت اقتصاد و بانک مرکزی و نهادهای واسط مالی و دیپلماسی اقتصادی نقش تکمیل کننده خواهند داشت،

استقبال فعالان بازار سرمایه از برنامه‌های بورسی دولت سیزدهم

شفافیت لازمه تالار شیشه‌ای

محبوبه فکوری

سیزدهم برای جلب اعتماد سهامداران، باید برنامه عملیاتی داشته باشد؛ اگر رئیس جمهور منتخب می‌گوید که دولت سیزدهم از بورس به عنوان فلک و ابزار تأمین کسری بودجه استفاده نخواهد کرد، باید برای این کار حتماً برنامه عملیاتی طراحی و اجرا شود.

وی افزود: برخی تحلیلگران بازار سرمایه، کانال‌های اطلاع‌رسانی‌شان مدتی است دیگر فعال نیست و برایشان پرونده تشکیل شده است؛ تعهد هم گرفته‌اند که فعالیت اطلاع‌رسانی به سهامداران نداشته باشند. البته ما به عنوان فعالان بازار سرمایه با سیگنال فروشی به هیچ عنوان موافق نیستیم و نباید اطلاعات خرید و فروش شوند؛ اما نباید جلوی جریان ارائه آموزش و اطلاع‌رسانی به مردم گرفته شود.

دهقان گفت: برخی از فعالان بازار سرمایه صاحب سبک بوده و استراتژی‌های خاص خود را برای سرمایه‌گذاری دارند؛ اما متأسفانه کانال‌های اطلاع‌رسانی آنها به سهامداران مسدود شده است؛ ما هم معتقدیم با افرادی که در بازار تشنج ایجاد کرده و اطلاعات خود را برای سرمایه‌گذاری دارند؛ اما متأسفانه کانال‌های اطلاع‌رسانی آنها به سهامداران مسدود شده است؛ ما هم معتقدیم با افرادی که در بازار تشنج ایجاد کرده و اطلاعات خود را برای سرمایه‌گذاری دارند؛ اما متأسفانه اجازه اطلاع‌رسانی به مخاطبان خود را داشته باشند.

وی افزود: با اقداماتی که رئیس جمهور منتخب در مورد بورس اعلام کرده، موافق هستیم و معتقدیم اگر این برنامه‌ها عملیاتی شوند، حتماً می‌توان امیدوار به رونق بازار سرمایه بود؛ ضمن اینکه باید شکایات مردم در بورس نیز مورد پیگیری قرار گیرند.

بروز نااطمینانی در بازار می‌شود؛ پس رئیس جمهور منتخب و تیم اقتصادی کابینه باید اصلاحات متعددی انجام بدهند تا یک بازار سهام حقیقی بر مبنای فضای رقابتی شکل بگیرد.

وی تصریح کرد: دولت سیزدهم باید زمینه‌ای فراهم کند که سیاست‌ها و سازوکارهای دولت

برخی از فعالان بازار سرمایه صاحب سبک بوده و استراتژی‌های خاص خود را برای سرمایه‌گذاری دارند؛ اما متأسفانه کانال‌های اطلاع‌رسانی آنها به سهامداران مسدود شده است؛ ما هم معتقدیم با افرادی که در بازار تشنج ایجاد کرده و اطلاعات غلط به سهامداران می‌دهند برخورد کنند.

قبل در بورس متوقف شده و بازار سرمایه ایران مانند تمامی بازارهای جهانی، شفاف شود؛ ضمن اینکه ابزارهای بازار نیاز به روزرسانی دارد و باید روزآمد شوند.

وی ادامه داد: مایه تأسف است که برخی شرکت‌ها یکسال است سود سهامداران را پرداخت نمی‌کنند. دهقان همچنین گفت: سود بانکی نیز باید کاهش یابد و بازار برای سرمایه‌گذاران جذاب شده و در عین حال دامنه نوسان نباید دستکاری شود.

این تحلیلگر بازار سرمایه بیان کرد دولت

یک تحلیلگر بازار سرمایه با تأکید بر اینکه باید تخلفات بورسی با هدف جلوگیری از فساد در بازار مورد پیگیری دولت جدید قرار گیرد، گفت: بازار سرمایه باید بر اساس عرضه و تقاضا بر روی تابلو کار کند.

افشین دهقان با استقبال از سخنان رئیس‌جمهور منتخب در خصوص جهت‌گیری‌های دولت برای بازار سرمایه گفت: متأسفانه هم‌اکنون بازار سرمایه با برخی بی‌تدبیری‌ها در تصمیم‌گیری مواجه است؛ به این معنا که در بازار تخلفاتی صورت می‌گیرد که زمینه‌سازی برای آن برآمده از بدنه سازمان بورس است؛ مثلاً یکسری از شرکت‌ها عرضه اولیه انجام داده و قیمت‌های بی‌ربطی را اعلام کرده‌اند که پس از عرضه اولیه نیز تعهدات مرتبط با آن انجام نشده است.

این تحلیلگر بازار سرمایه افزود: قوه قضائیه به خوبی می‌داند که چه مشکلاتی در بازار سرمایه وجود دارد و چه افرادی باریشه‌هایی که در بورس دارند اختلال در بازار ایجاد می‌کنند؛ ضمن اینکه تماس‌هایی با سهامداران گرفته می‌شود که در اثر آن، کدهای سهامداری آنها مسدود شده و یا در عین حال به برخی از شرکت‌ها گفته می‌شود که باید سهام خود را منفی یا مثبت کنند؛ در حالی که بازار سرمایه باید بر اساس عرضه و تقاضا بر روی تابلو کار کند و کسی نباید در آن دخالت نماید.

وی تصریح کرد: متأسفانه طی یکسال و نیم گذشته، تصمیمات به صورت شبانه در بازار سرمایه اتخاذ می‌شود که تبعات آن دامن سهامداران را می‌گیرد و منجر به

غریبگرایان وطنی، مأیوسی نشوید!

هومان دوراندیش

موج پنجم کرونا در حالی در کشور سر بر آورده است که ایران بیش از هر کشور دیگری در دنیا، واکسن کرونا ساخته است! اینکه این همه واکسن به چه کار مردم می آید، سوالی است که جوابش ناپیداست، ولی احتمالاً در کنار کاسبان تحریم، با پدیده‌ای به نام کاسبان واکسن هم مواجهیم که این همه واکسن ساز در این سرزمین مظلوم قد علم کرده‌اند. وقتی هفت هشت نوع واکسن داخلی ساخته شده ولی کرونا با سرعت سرسام آوری در حال درنوردیدن کشور از جنوب تا شمال است، منطقاً باید گفت که واکسن داخلی تا به حال دردی از دردهای ملت را دوا نکرده است. پس چرا واکسن خارجی چنانکه باید در دسترس نیست؟ شاید چون اگر واکسن خارجی به میزان بالا خریداری شود، کسی سراغ واکسن داخلی نمی‌رود. جواب فوق، بدبینانه است. جواب خوش‌بینانه این است که مادر اثر تحریم‌های آمریکای ناچیز، نمی‌توانیم واکسن خارجی به مقدار کافی بخریم، رفقایمان در چین و روسیه هم چنانکه باید هوای ما را ندارند. لاجرم اوضاع همین است که هست. باید صبر کنیم انواع و اقسام واکسن‌های وطنی و بومی، به تولید انبوه برسند بلکه بعد از عبور موج پنجم کرونا، موج ششمی در کار نباشد. از طرف دیگر، شرایط سیاسی کشور هم به کام ما غریبگرایان طبقه متوسط جدید نیست. در انتخابات اخیر، اکثریت ما از رأی دادن به کاندیدایی که می‌خواست زیر میز بزند و عاقبت دور میز نشست، پرهیز کردیم و کسانی هم که گنجشک را با قناری اشتباه گرفتند، مغلوب آرای باطله شدند. در هر صورت، انتخابات اخیر به غریبگرایان وطنی حالی کرد که شما کارهای در این مملکت نیستید و بهتر است یک گوشه بنشینید و نان و ماستتان را بخورید و حرف زیادی نزنید که عصر بیست ساله تأثیر گذاری و در دسر آفرینی شماها از طریق صندوق رأی، سپری شده است. اشکالی هم ندارد. کار جهان همیشه بر وفق مراد آدمیزاد نمی‌گردد. به قول کارل مارکس: «انسان‌ها تاریخ خودشان

را می‌سازند، اما نه چنانکه می‌خواهند.» ما هم با رأی دادن به خاتمی و موسوی و روحانی (و البته نمایندگان مجلس ششم و مجلس دهم که سخت بی‌خاصیت از آب درآمد) تاریخ خودمان را ساختیم، اما نه چنانکه می‌خواستیم.

کسانی هم که باب مشارکت سیاسی ما را بسته‌اند، مشغول تاریخ‌سازی‌اند؛ اگر چه ممکن است نهایتاً از آنچه ساخته‌اند سخت پشیمان شوند! هر ساختمانی، دلخواه از آب در نمی‌آید. تاریخ، تا بوده چنین بوده. اما این غریبگرایان وطنی دقیقاً چه کسانی‌اند؟ واقعیت این است که این افراد اکثریت مردم شهرهای بزرگ ایرانند. به یک معنا، اکثریت مردم ایرانند. غریبگرایی آن‌ها را از سبک زندگی‌شان می‌توان دریافت. البته این غریبگرایی به معنای فرونهادن همه مولفه‌های دینی و سنتی جامعه ایران نیست. در یکی دو دهه گذشته، چیزی به نام "منطق زندگی" در ایران سر بر آورده است که ربط عمیقی به سکولاریسم و لیبرالیسم دارد. منطق زندگی به جدی گرفتن "دنیا" و "فردیت" و "لذت" مرتبط است. هم از این رو در ایران امروز، علیرغم همه تارخا صیاتی‌های موجود، کسی اسلحه به دست نمی‌شود برای ایجاد تغییرات سیاسی. این کارها، کار چریک‌ها و انقلابیون اواخر دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ بود. چریک، هر چه داشته باشد، منطق زندگی ندارد. انقلابی هم، اگر قلابی نباشد، مثل چریک جان بر کف است. اما اکثریت مردم ایران امروزه دیگر علاقه‌ای به این قهرمان بازی‌ها ندارند. خوش ندارند برای ساختن تاریخ، بکشند یا کشته شوند. اکثریت مردم آشکارا شبیه حاج سعید قاسمی نیستند که سال‌هاست با عصبانیت انقلابی‌اش مشغول تهدید این و آن است و اخیراً هم مردم را تهدید کرد که اگر جرات دارید، به خیابان بیایید. شبیه حسن عباسی و رفقایش هم نیستند. این آقایان، خوب یا بد، مقید یا نامقید، از جنس اکثریت مردم ایران نیستند. ایرانی‌ها در طول تاریخ میانه‌رو بوده‌اند و همین خصلتشان مایه دوام ایران و ایرانی در درازنای تاریخ پرتهاجم این سرزمین بوده است. تندروها، به لحاظ فرهنگی و روانی، سرشت ایرانی ندارند. همه می‌دانند که اکثریت ایرانیان در حوزه خصوصی‌شان، متفاوت از تصویری هستند که این تندروها از "انسان ایرانی امروز" ترسیم می‌کنند. موزیکی که مردم گوش می‌دهند، فیلمی که می‌بینند، رقص و شادی‌شان

در مهمانی‌ها و عروسی‌ها و جشن تولدها، حتی تیپ و پوشش و ظاهرشان شبیه سعید جلیلی و سعید قاسمی و سعید امامی نیست. این واقعیت را هر توریستی که چند صبحی در ایران سر می‌کند، به راحتی درمی‌یابد. اما وقتی بنا بر نفی و انکار واقعیت باشد، حتی اگر مقیم این کشور هم باشی، این آفتاب فاش را نمی‌بینی.

از اصل سخن دور نیفتیم. سخن بر سر این بود که کرونا در کشور بیداد می‌کند و غریبگرایان وطنی هم که از سال ۷۶ تا سال ۹۶ مشارکت چشمگیری در انتخابات داشتند، از شرایط موجود عمیقاً ناراضی‌اند. ضمناً اکثریتشان خوش ندارند در خیابان‌ها کشته شوند. در چنین شرایطی چه می‌توان کرد جز اینکه انسان در خلوت خودش معنایی برای بودنش بیابد و بکوشد که از زندگی‌اش لذت ببرد؟ آدم سیاست‌زده، اگر اوضاع سیاسی را خوش نداشته باشد، دچار افسردگی یا رادیکالیسم می‌شود. اما کسی که به سیاست بیش از حد صریب نمی‌دهد، آن قدر پختگی دارد که بداند در بدترین شرایط سیاسی هم می‌توان از زندگی لذت برد. این روزها می‌توان بیشتر کتاب خواند و بیشتر فیلم دید و بیشتر فکر کرد. خوشبختانه جام ملت‌های اروپا هم در حال برگزاری است و میلیون‌ها فوتبالیست ایرانی می‌توانند دل به تماشای این تورنمنت تماشایی بدهند. به زودی المپیک هم از راه می‌رسد. اگر کمی بیشتر به دور و برمان نگاه کنیم، هزار و یک چیز وجود دارد برای لذت بردن. اما جدا از لذت زندگی، باب نیکوکاری یا عمل صالح هم همیشه باز است. ۹ میلیون نفر در تهران زندگی می‌کنند که دست کم نیمی از این افراد دستشان به دهنشان می‌رسد. چرا این چهارونیم میلیون نفر در شرایط بحرانی کنونی، به مردم سیستان و بلوچستان کمک مالی نکنند برای کاهش قربانیان کرونا در این استان محروم و - به لحاظ استراتژیک - فراموش شده؟ کودکان کار و انبوه تهی‌دستانی که در جنوب و اطراف تهران و در استان‌های محروم ایران زندگی می‌کنند، مصائب زندگی‌شان می‌تواند دستاویزی باشد برای افزایش انسبیت اقشار مرفه و نسبتاً مرفه جامعه. دستگیری از افتادگان، حتی در اوج ناامیدی سیاسی هم میسر است. ناکارآمدی "سیستم" را "افراد" حتی المقدور می‌توانند جبران کنند. تا دریای تاریخ، فردا چگونه توج کند.

از انواع کلاهبرداری تاپولشویی، قطع برق و خروج سرمایه از ایران مخاطرات پدیده رمزارز

در چند ماه گذشته کشورهای متعددی مصمم به ممنوعیت معاملات و استخراج رمزارزها شده‌اند و در حال حاضر مخاطرات دنیای ارزهای مجازی برای اقتصاد ایران و سرمایه‌گذاران داخلی در حال افزایش است. در روزهای گذشته چند استان در چین استخراج بیت‌کوین را ممنوع اعلام کردند؛ این در حالی است که

چین نزدیک به نیمی از تولید بیت‌کوین در جهان را در اختیار دارد ولی در حال حاضر به دنبال تدابیر و رویکرد جدید دولت چین برای سختگیری درباره استخراج و معاملات رمزارزها، برخی استخراج‌کنندگان چینی به فکر تغییر مکان استخراج از چین به سایر کشورها افتاده‌اند.

استخراج غیرمجاز و قاچاقی رمزارز در ایران اما با تعرفه برق خانگی (هر کیلووات ساعت ۸۰ تومان)، تنها ۲۴ میلیون تومان هزینه دارد و این یعنی بر مبنای دلار ۲۴ هزار تومانی، حدود ۱۰۰۰ دلار هزینه برق استخراج هر رمزارز تخمین زده می‌شود که نسبت به قیمت حدود ۳۶ هزار دلاری بیت‌کوین در بازار جهانی بسیار هزینه ناچیزی است. اما جای سؤال و ابهام کماکان باقی است که در روزهای پیش رو رشد افسارگسیخته معاملات و استخراج رمزارز، کشور را می‌تواند با چه معضلات جدیدی مواجه کند.

خرید خانه در ترکیه با بیت‌کوین؛ مسیر جدید خروج سرمایه
در حال حاضر بحث خروج سرمایه از کشور به وسیله استخراج رمزارزها و انتقال آن به خارج از کشور جدی است و هر لحظه خطر آن برای کشور بیشتر احساس می‌شود. خطری از جنس سوءاستفاده از انرژی ارزان ایران و انتقال سرمایه به کشورهای همسایه از روشی نوین! که در سال‌های اخیر رگورد هم زده است. در همین رابطه، ناصر حکیمی معاون اسبق فناوری اطلاعات بانک مرکزی اظهار داشت: «اکنون بیت‌کوین استخراج

قبیل «پولشویی»، «خروج سرمایه»، «تأمین مالی فعالیت‌های مجرمانه»، «آلودگی محیط زیست»، «بستر سازی فرار مالیاتی»، «صرف انرژی قابل توجه»، «نوسانات شدید قیمتی»، «فقدان قوانین و مقررات»، «مشخص نبودن هویت متعاملین»، «تضعیف جایگاه نظارتی بانک‌های مرکزی» و مواردی از این دست مربوط می‌شود.

تهدید رمزارزها برای اقتصاد ایران
در روزهای اخیر قطعی گسترده برق و تأثیرات مخرب آن بر صنعتگران و مراکز بهداشتی و درمانی تلنگری بود که بیش از گذشته مسئولان کشور را نسبت به عواقب سوء استخراج بی‌ضابطه و زیرزمینی رمزارزها آگاه کرد و همین مسئله موجب شد، شخص رئیس‌جمهور دستور توقف هرگونه استخراج مجاز و غیرمجاز رمزارز را تا پایان شهریور اعلام کند. صرفه قابل توجه استخراج پنهانی و زیرزمینی انواع رمزارز با نرخ ترجیحی برق خانگی باعث شده بود، در ماه‌های گذشته استخراج رمزارز رشد چشمگیری را تجربه کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد، با وجود میانگین نرخ ۱۴۰۰ تومانی به ازای هر کیلووات ساعت برق مصرفی در دنیا،

چرا ممنوعیت استخراج رمزارز در کشورهای مختلف در حال افزایش است؟
به گزارش خبرگزاری رویترز، عمده استخراج بیت‌کوین در جهان توسط چین صورت می‌گیرد ولی با محدودیت‌های اخیر که دولت اعمال کرده، آمار تولید بیت‌کوین کاهش یافته است و اکنون چین قصد توسعه رمزارز ملی اختصاصی خود را در جهت تثبیت قدرت حاکمیتی و نظارتی دارد. از طرف دیگر، ترکیه نیز در ماه‌های گذشته به قطار کشورهای ممنوع‌کننده رمزارزها پیوست. به گفته بانک مرکزی ترکیه، ارزهای دیجیتالی یا هر چه که از فناوری نردبان غیرمتمرکز استفاده کند، چه به طور مستقیم و چه غیرمستقیم نمی‌تواند برای پرداخت بهای کالا و خدمات مورد استفاده قرار گیرد. هند نیز به طور جدی در حال تصمیم‌گیری برای ممنوعیت استخراج، مبادله یا نگهداری ارزهای دیجیتالی است تا معاملات غیرمتمرکز رمزارز به سیستم پولی و مالی این کشور آسیب نرساند. بر همین اساس، عمده دلایلی که کشورها بر اساس آن، اقدام به ممنوعیت رواج این ارزهای مجازی در مبادلات مالی می‌کنند، به مخاطراتی از



تکنیکال را برای رصد معاملات رمز ارز ندارند و از سوی دیگر ذات پریسک معاملات این ارزها خطر نابودی یک‌شبه دارایی آن‌ها را تشدید کرده است. برای یک سرمایه‌گذار این امکان وجود دارد که به شکل ناگهانی و در چند دقیقه تا ۵۰ درصد سرمایه‌اش را از دست رفته ببیند. با این اوصاف قشر زیادی از جامعه ایران باریسک نوسانات سنگین و خطر نابودی مجدد سرمایه خود مواجه هستند. فقدان تشکیلات متمرکز در زنجیره بلاکچین، به نوعی نظارت مرکزی و پاسخگو را برای این رمز ارزها ناممکن کرده است. این ویژگی که برای مصونیت ارزش زنجیره بلوک از سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها شکل رفت، حالا کاربران را دچار نوسان‌گیری سهام‌داران و ثروتمندان شبکه کرده است. مخاطرات فقدان نهاد ناظر در بازار رمز ارز به نوسانات قیمتی و انواع کلاهبرداری ختم نمی‌شود، بلکه به طور مثال اگر فردی رمز بوری خود را گم و یا فراموش کند، به راحتی در ارتباط با کارگزاری‌ها می‌تواند آن را بازیابی کند، اما اگر فردی رمز درگاه خرید ارز دیجیتال خود را گم کند مساوی با نابودی تمام دارایی وی است.

استفاده می‌کنند و با فروش یا انتقال آن به خارج کشور، هیچ تعهدی برای بازگشت ارز آن به کشور ندارند و این همان اتخاذ سیاست یک بام و دو هواست. پشت پرده ایمیل‌های خرید خانه در ترکیه! همچنین، پرویز جلیلی کامجو کارشناس اقتصادی و استاد دانشگاه در همین باره گفته است: «ایمیل‌هایی به افراد ارسال می‌شود، مبنی بر اینکه با بیت کوین می‌توانید خانه و زمین در ترکیه خریداری کنید. پیش از این اگر شخصی سعی بر خروج چند صد دلار از ایران را داشت با دشواری‌های متعددی رو به رو بود، اما اکنون بسیاری از افراد توسط ارز دیجیتال به دنبال خروج پول خود از کشور هستند و به وسیله صرافی‌های دیجیتال به راحتی سرمایه خود را تبدیل و ارقام چند هزار دلاری را از کشور خارج می‌کنند»

■ زنگ خطر نابودی مجدد دارایی‌های

مالباختگان بورس

خرداران رمز ارزها که عموماً قشر مالباخته بورس و اقشار آسیب‌پذیر جامعه هستند، بر اساس رفتار هیجانی اکنون با مخاطرات پدید آمده رمز ارزها مواجه شده‌اند. از یک سو بسیاری از این افراد دانش لازم مثل تحلیل

می‌کنند ولی هیچ تعهدی به کشور بابت ارزی که بابت ماینر از کشور خارج شده و برق ارزانی که مصرف شده ندارند؛ در حال حاضر با این وضعیت می‌توانند با دستگاه ماینر بیت کوین استخراج کرده و در ترکیه خانه بخرند! در این حالت ارز کشور به راحتی خارج می‌شود و خروج سرمایه بالایی خواهیم داشت.» حکیمی با

اشاره به مخاطرات ناشی از نوسانات شدید قیمتی رمز ارزها افزود: «بیت کوین یک دارایی است که موجی می‌آید خرید بالا می‌رود و برعکس؛ یک نفر توییت می‌زند، قیمت آن بالا می‌رود و دوباره توییت می‌زند، قیمت آن کاهش پیدا می‌کند. نوسانات بیت کوین بستگی به اعتبار اشخاصی دارد که راجع به آن صحبت می‌کنند و رفتار آن اشخاص هم اصلاً قابل پیش‌بینی نیست.» گفتنی است، بر اساس مقررات بانک مرکزی، اکنون از صادرکننده‌ای که جنس خود را به خارج از کشور صادر می‌کند، تعهد گرفته می‌شود که ارز حاصل از صادرات خود را به داخل کشور بازگردانده شود، این در حالی است که استخراج کنندگان غیرمجاز رمز ارز از برق ملی و سرمایه‌ای که ارزی بابت دارد به راحتی

مشکلاتی که توسعه حمل و نقل ریلی در کشورمان را تهدید می کند

بهبود مسیرهای ترانزیتی با توسعه حمل و نقل ریلی

پژمان صالحی

عتبات عالیات را بسیار راحت نماید. بنابراین سرمایه گذاری و مدیریت پروژه‌ها به منظور تکمیل به هنگام آن‌ها از ضروریات مهم توسعه حمل و نقل ریلی به شمار می‌رود که لازم است در اولویت فعالیت‌های دولتمردان قرار گیرد. بهره‌گیری از پتانسیل‌های بخش خصوصی در این زمینه بسیار می‌تواند مفید به‌فایده باشد. از سوی دیگر توسعه خطوط ریلی مستلزم ایجاد زیرساخت‌ها، وجود ابزارها و امکان استفاده از فن‌آوری‌های مناسب و نیز ریل باکیفیت است. عدم وجود زیرساخت‌هایی نظیر فن‌آوری‌های علائم و سیگنالینگ به‌روز و مدرن و نیز ریل باکیفیت و همچنین کم‌توجهی به فرایند توسعه و بهبود ساخت ریل ملی مزید بر دلایل عدم توسعه است.

برخی از مهم‌ترین مشکلاتی که توسعه حمل و نقل ریلی را در کشورمان تهدید می‌نماید به نبود بودجه و تخصیص اعتبار کافی باز و فقدان بودجه کافی برای نوسازی ناوگان حمل و نقل ریلی و ارتقای زیرساخت‌ها بازمی‌گردد. از طرفی نیز همه‌گیری ویروس کرونا آسیب‌های جدی را به پیکر صنعت حمل و نقل ریلی وارد نموده تا آنجا که درآمدهای این صنعت را تا حد بسیار زیادی کاهش داده است که جبران آن تنها از طریق مساعدت جدی دولت و اهتمام آن به این بخش امکان‌پذیر خواهد بود. در هر صورت توسعه ریل و انجام تعهدات مرتبط با پروژه‌های ریلی مناسب‌ترین شیوه برای رسیدن به توسعه پایدار و استقرار حمل و نقل سبز و کارآمد برای جهش تولید و رونق اقتصادی است که تنها با مانع‌زدایی‌ها، پشتیبانی، عمل به تعهدات و اجرای طرح‌ها و برنامه‌های حوزه ریلی میسر خواهد بود.

یادشده در تاریخ مقرر نیز میسر نخواهد بود. هرچند برخی مسئولان و سیاست‌گذاران صنعت حمل و نقل ریلی در مصاحبه‌های خود اذعان داشته‌اند که در صورت مشارکت کامل و سرمایه‌گذاری جدی چینی‌ها در برخی پروژه‌ها مانند تهران-اصفهان و نیز تأمین سرمایه‌ها و منابع کافی در حوزه‌های مالی و اعتباری، تحقق چنین هدفی دور از دسترس نخواهد بود. راه‌اندازی و تکمیل پروژه‌های ریلی در کشور افزون بر تسهیل تردد شهروندان در کریدورهای منتهی از شرق به غرب و شمال به جنوب؛ ظرفیت مطلوبی را برای حمل بار و کالا تا دورترین نقاط به نحو مؤثر فراهم آورده و پتانسیل‌های آن را برای رونق اقتصادی تا حد قابل قبولی بهبود می‌بخشد. این تخمین بر اساس برخی آمارها تا بیش از ۵۰ میلیون تن برای حمل بار برآورد شده است. از سوی دیگر لازم است برخی از کریدورهای ترانزیتی نه فقط از منظر حمل کالا بلکه از دیدگاه حمل و نقل مسافر و افزایش ظرفیت‌های گردشگری مورد توجه ویژه مسئولان این حوزه قرار گیرد. به عنوان یک مثال ملموس می‌توان به کریدورهای شمال و جنوب با توجه به اتصال مراکز مهم گردشگری و تجاری و صنعتی اشاره نمود که از آن جمله می‌توان به نقاط گردشگری مورد علاقه گردشگران نظیر آستانارا یا موارد مشابه اشاره نمود که می‌تواند از منظر کسب درآمدهای پایدار بسیار حائز اهمیت باشد.

از سوی دیگر برخی کریدورهای استراتژیک نظیر اتصالات مناطق غربی کشور از طریق توسعه راه‌آهن می‌تواند امکان اتصال خطوط ریلی ایران به عراق و سهولت تردد زائران ایرانی و عراقی را فراهم نماید و رساندن مسافران به

شیوع و فراگیری ویروس کرونا آسیب‌های فراوانی را به صنعت حمل و نقل ریلی وارد نمود. کاهش شدید درآمد منتج از آن و نیز از دست دادن بسیاری از درآمدها که در اثر محدودیت‌های ناشی از کرونا گریبان صنعت حمل و نقل ریل را گرفت در روزهای کرونا این صنعت را با چالش‌ها و بحران‌های مالی جدی مواجه ساخت.

این مسئله در کنار تحریم مزید بر علت شد تا این بخش از صنعت متحمل فشارهای فراوانی شود. بنابراین مشکلات رکود بسیار شدید اقتصادی ناشی از آن سبب شده بودجه حمل و نقل ریلی تا میزان قابل ملاحظه‌ای کاهش یابد.

از سوی دیگر بر اساس اسناد چشم‌انداز مشاهده می‌شود شریان‌های مهم ارتباطی از طریق حمل و نقل ریلی ابزار بسیار مناسبی را برای اتصالات شمال به جنوب، شرق تا غرب و نیز راه‌اندازی قطارهای پرسرعت نظیر تهران-مشهد و یا تهران قم و اصفهان

است که جملگی مستلزم انجام سرمایه‌گذاری عظیم و بلندمدت است و این در حالی است که اکتفای صرف به توان مالی بخش خصوصی بر دشواری راه می‌افزاید از سوی دیگر وضع تحریم‌های سخت‌گیرانه یافتن سرمایه‌گذار خارجی را بسیار سخت و نیز دور از دسترس نموده است. بنابراین وجود تحریم و فقدان بودجه مناسب و کافی روند پیشبرد پروژه‌های ریلی را با دشواری‌های مضاعف مواجه نموده است.

با وجود مزایای بی‌نظیر بهره‌برداری از پروژه‌های ریلی، تاکنون پیشرفت مورد انتظار در این حوزه حاصل نگردیده است. در این صورت امکان بهره‌برداری از پروژه‌های

نقش پر رنگ دلالی مسکن بر افزایش قیمت آن

بهروز جانی پور*

داد که بسیار تعجب بر انگیز می باشد اقتصاد آنلاین (مرداد ۱۳۹۷)، موضوع فوق را اینگونه نقل کرده است: «این روزها شرایط زندگی به گونه ای است که خیلی از افراد جامعه تلاش می کنند نقدینگی خود را وارد حوزه پولساز مسکن کنند تا سود بالایی نصیبشان شود. در این میان برخی از پزشکان که از تمکن مالی بالایی برخوردارند با دریافت مجوز مشاور املاک وارد حوزه پولساز معامله و ساخت و ساز در بخش مسکن شده اند تا جایی که مصطفی قلی خسروی رئیس اتحادیه مشاوران املاک استان تهران از ورود ۴۰۰ پزشک به این حوزه خبر می دهد. همچنین به گفته وی صنف مشاوران املاک توانسته طرفدارانی نیز در بین روحانیون برای

اما چرا باید دلالی مسکن اینقدر پولساز باشد؟ پولسازی دلالی مسکن به جز اینکه قیمت مسکن را گرانت کند چه تأثیر دیگری در موضوع مسکن دارد یا می تواند داشته باشد؟ اصولاً چرا باید مقوله خرید و فروش مسکن به دست دلالان بیفتد و بدون هیچگونه مزاحمتی آزادانه بدون کمترین زحمتی و تعهدی پول زیادی از به اصطلاح جوش دادن معاملات ملکی بدست بیاورند؟

خود دست و پا کند. او می گوید: تاکنون ۱۲۰ روحانی وارد این عرصه شده اند. اما چرا باید دلالی مسکن اینقدر پولساز باشد؟ پولسازی دلالی مسکن به جز اینکه قیمت مسکن را گرانت کند چه تأثیر دیگری در موضوع مسکن دارد یا می تواند داشته باشد؟ اصولاً چرا باید مقوله خرید و فروش مسکن به دست دلالان بیفتد و بدون هیچگونه مزاحمتی آزادانه بدون کمترین زحمتی و تعهدی پول زیادی از به اصطلاح جوش دادن معاملات ملکی بدست بیاورند؟ اتحادیه صنف مشاوران املاک برای ق

الزحمه معاملات ملکی تعرفه هائی وضع کرده که درصدی از قیمت ملک مورد معامله (از ۰,۲۵ تا ۰,۵ درصد) است. بنگاه های معاملات ملکی صرفاً برای ایجاد ارتباط غیر مستقیم بین فروشنده و خریدار معمولاً چند برابر بیشتر از تعرفه های مصوب، حق دلالی مطالبه می کنند و برای اینکه درصد حق دلالی خودشان بالا و بالاتر برود، تمایل شدیدی نسبت به بالا رفتن قیمت ملک از خود نشان می دهند! در طی سالیان متمادی، این بالا بردن قیمت مسکن به شکلی تدریجی توسط دلالان مسکن اتفاق افتاده و به مرور باعث شده قیمت مسکن تا به امروز به حدی برسد که بسیار بیشتر از قیمت تمام شده آن است و اگر همین گونه پیش برود، دیگر به حد غیر قابل معامله ای خواهد رسید و اتفاقاً خود دلالان مسکن را نیز قربانی طمع خودشان خواهد کرد. پس نظام مند و کنترل کردن چگونگی فعالیت تمامی بنگاه های معاملات ملکی و کوتاه کردن دست دلالان مسکن از روند خرید و فروش خانه در سراسر ایران می تواند یکی از راهکارهای مهم در کنترل قیمت تمام شده مسکن و حتی کاهش قیمت آن باشد. امروزه با شتاب گرفتن گستره خدمات دولت الکترونیکی و راه افتادن استارت آپ های فراوان در حوزه خرید و فروش مسکن و ملک، حتی اگر دولت هم هیچ اقدامی نکند، خواه ناخواه به مرور دست دلالان مسکن از حوزه خرید و فروش خانه کوتاه خواهد شد و این فرصتی خواهد بود تا قیمت مسکن در هر موعده بر اساس نظریات کارشناسان حرفه ای و خبره تعیین و در سامانه های الکترونیکی به اطلاع خریداران و فروشندگان رسانیده شود تا معاملات خودجوش در استارت آپ های خصوصی و سامانه های کنترل شده دولتی بر اساس قیمت های واقعی انجام گیرد. امید است این موضوع از سوی متولیان مسکن و شهرسازی جدی گرفته شود.

*عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

یکی از مسائل مهمی که به صورت علمی و اصولی در مقوله معاملات مسکن تعریف نشده، دلالی در خرید و فروش آن است. با اینکه اتحادیه صنف مشاوران املاک وجود دارد ولی ظاهراً از پس رفتارهای غیر اصولی بسیاری از افرادی که وارد این حرفه شده اند بر نمی آید. توقع خریداران مسکن از خانه ای که خریداری می نمایند باید به گونه ای باشد که آن خانه تا حد ممکن اسباب راحتی و آسایش و آرامش آنان را فراهم نماید. با بالا رفتن سطح آگاهی های عمومی نسبت به کیفیت مسکن، و سواس و دقت نظر در خرید خانه مناسب، بسیار بالا خواهد رفت و همین امر به تنهایی می تواند تعداد زیادی از آپارتمان های مسکونی موجود را بی خریدار کند. بنابراین فروشندگان اینگونه خانه ها به مرور به خاطر نقص و عیب و ایرادهائی که خانه های آنها دارند، مجبور به کاهش قیمت به میزان زیادی خواهند شد. پس از مبحث رشد آگاهی های عمومی (که می تواند قیمت را پائین بیاورد)، مبحث چگونگی خرید و فروش مسکن، در تعیین قیمت آن بسیار تأثیر گذار است. اصولاً مقوله خرید و فروش مسکن نباید مسئله مهمی در تعیین قیمت تمام شده آن باشد، اما در ایران متأسفانه به خاطر وجود موضوع ناشایست و ناپسند دلالی مسکن، خرید و فروش آن روند خوب و مناسبی ندارد و دست بر قضا همان دلالی مسکن (توسط بنگاه های املاک) یکی از بدترین عوامل افزایش قیمت مسکن نیز بوده است.

دلالی مسکن در کشور ما، سالیان سال از تجارت های بی دردسر و پر سود بوده به نحوی که در چند سال قبل رئیس محترم اتحادیه صنف مشاوران املاک تهران نیز آمار جالبی از ورود افراد متعددی به این شغل ارائه

هزار هزار میلیارد تومان خلق نقدینگی در یک سال

رشد شتابان نقدینگی

شهریار صادقی

پولی متغیر پولی تورم ساز دیگر نیز در پایان دومین ماه سال به نزدیکی ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است، بر این اساس رشد ماهانه این متغیر پولی حدود ۶ درصد برآورد می‌شود. نرخ رشد ماهانه پایه پولی در اردیبهشت ۱۴۰۰ پس از رشد ۷,۴ درصدی اسفند ۹۸، بالاترین نرخ رشد ماهانه به ثبت رسیده از ابتدای سال ۹۳ تا کنون است. در این گزارش به آخرین وضعیت و تغییرات متغیرهای پولی یا تورم ساز پرداخته شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ به طور میانگین ۹۰۳ میلیارد تومان در روز پول چاپ شده است، این در حالیست که میانگین چاپ پول روزانه در یکسال گذشته تنها ۳۱۵ میلیارد تومان بوده است. در واقع رشد چاپ پول در این ماه امسال ۲,۸ برابر متوسط سال قبل بود.

مقدار نقدینگی موجود در اقتصاد ایران در پایان اردیبهشت ۱۴۰۰ مرز ۳ هزار و ۶۰۰ هزار میلیارد تومان را رد کرده است. مقدار پایه

تومان به نقدینگی افزوده شده است. رشد نقطه به نقطه نقدینگی نیز در اردیبهشت ۱۴۰۰، ۳۸,۸ درصد به ثبت رسیده است. این افزایش به ارزش یک هزار و ۷ هزار میلیارد تومان است. پس می‌توان گفت که از اردیبهشت سال گذشته تا اردیبهشت جاری روزانه ۲,۷ هزار میلیارد تومان در اقتصاد کشور خلق نقدینگی صورت گرفته است.

■ حجم پول در حال شتاب گرفتن

رشد ماهانه حجم پول در اردیبهشت ماه ۵,۱ درصد به ثبت رسیده که بر این اساس حجم پول یا به بیان دیگر اسکناس، مسکوکات و سپرده‌های دیداری موجود در اقتصاد ایران به رقم ۶۹۴ هزار میلیارد تومان رسیده است. رشد مثبت بالغ بر ۵ درصد در دومین ماه سال در حالی رقم خورده است که رشد ماهانه فروردین ماه منفی ۴,۳ درصد به ثبت رسیده بود. همچنین رشد دوم ماهه این متغیر پولی (از ابتدای سال تا پایان اردیبهشت) تنها ۰,۴ برآورد می‌شود. علت اینکه رشد

نقطه‌ای اردیبهشت پایه پولی نشان می‌دهد که این شاخص در مدار افزایشی قرار گرفته است، چراکه در اسفند ۹۹ این شاخص در حدود ۲۸ درصد به ثبت رسیده بود که در فروردین به حدود ۲۶ درصد رسید. حال شاهد آن هستیم که رشد نقطه به نقطه ۲۶ درصد فروردین به بالغ بر ۳۰ درصد در اردیبهشت ماه رسیده است.

■ افزایش یکساله نقدینگی؛ بالغ بر

هزار هزار میلیارد تومان

حجم نقدینگی موجود در اقتصاد ایران در پایان اردیبهشت ماه به عدد ۳ هزار و ۶۰۱ هزار میلیارد تومان رسیده است بر این اساس رشد ماهانه نقدینگی در اردیبهشت ماه ۳,۲ درصد برآورد می‌شود، این در حالیست که رشد ماهانه این متغیر در فروردین ماه تنها حدود ۰,۴ درصد به ثبت رسیده بود. تغییرات دوم ماهه نقدینگی نیز ۳,۵ درصد بوده که به عبارت دیگر از ابتدای سال تا پایان ماه دوم حدود ۱۲۵ هزار میلیارد

■ رشد ماهانه پایه پولی در قله ۱۴ ماهه

کل مقدار پایه پولی در پایان اردیبهشت ماه با افزایشی ۶ درصدی نسبت به فروردین به رقم ۴۸۹ هزار میلیارد تومان رسیده که این افزایش به ارزش ۲۸ هزار میلیارد تومان است. درصد رشد ماهانه پایه پولی در اردیبهشت ماه از اسفند سال ۹۸ تا کنون بی سابقه بوده است. افزایش دو ماهه این متغیر پولی نیز ۷,۲ درصد به ثبت رسیده است، به بیان دیگر از ابتدای سال جاری تا پایان اردیبهشت ماه ۳۳ هزار میلیارد تومان پول چاپ شده است.

همچنین رشد نقطه به نقطه پایه پولی در دومین ماه از سال ۱۴۰۰، ۳۰,۶ درصد به ثبت رسیده است، به جهت مقداری نیز پایه پولی افزایش ۱۱۵ هزار میلیارد تومانی را به ثبت رسانده است. بر این اساس می‌توان گفت که در یکسال منتهی به اردیبهشت سال جاری به طور میانگین روزانه ۳۱۵ میلیارد تومان پول چاپ شده است. رشد



پولی رشدی معادل با ۴,۳ درصد را تجربه کرده است که این رشد به ارزش ۱۲۲ هزار میلیارد تومان است. رشد نقطه به نقطه شبه پول در اردیبهشت ماه نیز ۳۲,۹ درصد به ثبت رسیده است.

در نتیجه می‌توان گفت که از حدود یک هزار هزار میلیارد تومان افزایشی سالانه نقدینگی منتهی به اردیبهشت ۱۴۰۰ حدود ۷۷,۸ درصد متأثر از افزایش در شبه پول و مابقی در اثر افزایش در حجم پول بوده است. به بیان ساده‌تر ۷۷,۸ درصد نقدینگی افزوده شده در یک سال گذشته به حساب‌های بلند مدت بانکی رفته و ۲۲,۲ درصد مابقی تبدیل به اسکناس، مسکوکات و حساب‌های جاری شده است. با توجه به بالا بودن سهم حجم پول در افزایش نقدینگی در ۱۲ ماه گذشته نسبت به سال‌های قبل‌تر، می‌توان نتیجه گرفت که در سال گذشته تورم انتظاری بالا بوده است.

حدود ۲,۷ درصد برآورد می‌شود، در نتیجه می‌توان گفت در اردیبهشت ماه بالغ بر ۷۸ هزار میلیارد تومان به حساب‌های بلند

دو ماهه نزدیک به صفر و رشد ماهانه بالغ بر ۵ درصد است، رشد منفی و کاهش ۳۰ هزار میلیارد تومانی حجم پول در فروردین ماه است.

رشد نقطه‌ای این متغیر پولی نیز در دومین ماه سال ۱۴۰۰ نیز ۴۷,۲ درصد رسیده است. علی‌رغم اینکه رشد ماهانه حجم پول در اردیبهشت افزایش یافته است اما رشد نقطه‌ای نسبت به فروردین کاهش پیدا کرده است چرا که رشد نقطه‌ای فروردین نزدیک به ۵۴ درصد برآورد شده بود. برخی گزارشگران با استناد به این بازه از نوسانات رشد حجم پول در روند یکساله تلقی کاهش انتظارات تورمی دارند. اما زمانی که بازه مورد بررسی را کوتاه‌تر می‌شود شاهد سیگنال‌هایی از افزایش انتظارات تورمی در بازه ماهانه خواهیم بود.

■ حساب‌های بلند مدت بانکی در چه وضعیتی قرار دارند؟

رشد ماهانه شبه پول در اردیبهشت ماه



به‌رغم منازعات ژئوپلیتیکی خلیج فارس، منافع زیست‌محیطی کشورهای منطقه در چارچوب بازی غیرمجموع صفر تأمین می‌شود. یعنی نه امکان حل کردن یک جانبه مشکلات وجود دارد و نه منافع حل این مشکلات منحصراً فقط به یک کشور می‌رسد.

مدت بانکی افزوده شده است. همچنین از ابتدای سال تا پایان ماه دوم نیز این متغیر

وقتی عدم تعادل های مالی اقتصاد، تورم می آورد

گام های اقتصادی سر نوشت ساز دولت سیزدهم

مریم فکری

مساله های که امروز با یک نظام بانکی معیوب و پیچیده روبه رو هستیم که دیگر علاقه ای به به روز رسانی و درمان خود ندارد.

■ عدم تعادل های مالی اقتصاد

این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: باید بپذیریم که ریشه تورم مزمن در عدم تعادل های مالی اقتصاد است که آن نیز ریشه در عواملی مانند ناترازی منابع و مصارف دولت، سیاست های حمایتی نادرست، ناکارآمدی نظام بودجه ریزی، عدم شفافیت مالی دولت، مأموریت های موازی دولت و بخش خصوصی، رابطه مالی بی قاعده بین دولت و بانک مرکزی، رابطه بی قاعده بین بانک مرکزی و صندوق توسعه ملی و نقش تورم زای نفت در اقتصاد دارد. سلیمی بروجنی متذکر شد: تکالیف بودجه ای تعیین شده برای بانک ها نیز هر سال از طریق مسیرهای قانونی، خلاف قواعد و اصول بانکداری تکالیفی را به بانک های کشور تحمیل می کند. وی ادامه داد: درگیر کردن بانک ها در جهت اهداف حمایت از سپرده گذاران بازار سرمایه، حمایت از بنگاه ها و رشته فعالیت های خاص، حمایت از گروه های اجتماعی خاص و نظایر آن، به تحمیل ناکارایی و زیان انباشته به بانک های کشور منجر خواهد شد. این کارشناس اقتصادی با بیان این که دلارهای نفتی با وجود حساب ذخیره ارزی و صندوق توسعه ملی، بدون قاعده وارد چرخه اقتصادی می شوند و موجب بی ثباتی مالی دولت، نوسانات نرخ ارز و بی اثر شدن سیاست پولی می شود، گفت: این ها تنها نمونه هایی هستند از مواردی که نشان می دهد لازم است پیش از اصلاح سیاست های پولی و مالی، ابتدا قوانین و قواعد حاکم بر بانکداری مرکزی و بانک ها، قواعد حاکم بر نحوه هزینه کرد درآمدهای ارزی نفت، نحوه ثبت درآمدها و هزینه های دولت، نسبت کسری بودجه و بدهی دولت و نظایر آن به گونه ای اصلاح شود که تضمین کننده اجرای سیاست های پولی بانک مرکزی و سیاست های مالی دولت باشد.

این کارشناس اقتصادی با ذکر این نکته که ابرچالش های اقتصاد ایران در این سال ها رشد کردند و بزرگ شدند، گفت: از روزی که فشار خارجی وارده به پیکر اقتصاد ایران افزایش یافت و تحریم ها راه تنفس را بست، سیاستمداران، عدالت را درازان کردن مصنوعی و اداری همه چیز دیدند، نتیجه اش این بود که دو دسته ناترازی را در اقتصاد کشور دیدیم، سلیمی بروجنی تصریح کرد: یکی، مجموعه ای از ناترازی های مالی است که هر ساله خود را در پوشش کسری بودجه دولت ها، وضعیت نگران کننده صندوق های بازنشستگی و تأمین اجتماعی و شرایط نامساعد نظام بانکی منعکس کرد و دیگری، ناترازی در طبیعت بود که ابرچالش های آب و محیط زیست و انرژی را در برمی گیرد. وی عنوان کرد: طی چند سال اخیر بارها شاهد هشدار کارشناسان بودیم که ابرچالش ها در حال بزرگ شدن هستند و طولی نخواهد کشید که برای حل و فصل آنها، سرمایه اجتماعی و مالی زیادی را باید خرج کرد. این کارشناس اقتصادی با بیان این که ما می توانستیم با اصلاحات ساختاری و صرف هزینه کم ابرچالش ها را مهار کنیم، اما امروز باید قطع عضو کنیم، گفت: ناترازی مهم دیگر مالی، بودجه دولت است که از اوایل دهه ۵۰ به این سو همواره با کسری بسته می شود و هیچ گونه تناسبی میان مخارج دولت و مسوولیت هایی که پذیرفته و منابعی که جمع آوری می کند، وجود ندارد، بنابراین به طور مداوم کسری بودجه بزرگ تر شده است. سلیمی بروجنی افزود: در دو دهه گذشته کسری تراز عملیاتی که نشان دهنده ظرفیت درآمدهای عمومی غیر نفتی برای تأمین مخارج جاری است، به سرعت رشد کرده است. این شاخص هم چیزی نیست که فکر کنیم با برداشته شدن تحریم کوچک می شود، چرا که یک طرف تراز عملیاتی، مالیات و یک طرف آن، هزینه های جاری است. وی عنوان کرد: در کنار این ها، ابرچالش نظام بانکی نیز یک

پس انتخاب سید ابراهیم ریسی به عنوان رییس دولت سیزدهم، امروز این سؤال بسیار مطرح می شود که ضرب العجل های سر نوشت ساز او برای بهبود و اصلاح اقتصاد ایران چه خواهد بود؟ کارشناسان، تحلیلگران و فعالان اقتصادی، هر یک البته پیشنهاداتی را برای رییس دولت آینده داشته اند: از مهار تورم تا حل مشکل کسری بودجه و یا حمایت از تولید و صادرات. در این میان، گروهی نیز اعتقاد دارند پیش از اصلاح سیاست های پولی و مالی، قوانین و قواعد حاکم بر بانکداری مرکزی و بانک ها، قواعد حاکم بر نحوه هزینه کرد درآمدهای ارزی نفت، نحوه ثبت درآمدها و هزینه های دولت، نسبت کسری بودجه و بدهی دولت و نظایر آن باید به گونه ای اصلاح شود که تضمین کننده اجرای سیاست های پولی بانک مرکزی و سیاست های مالی دولت باشد. در این خصوص، مجید سلیمی بروجنی در گفت و گو با خبرگزاری خبرآنلاین اظهار داشت: بیش از ۴۰ سال است که تورم ایران از میانه تورم دنیا بالاتر است. طبق آمار و ارقام، در ۱۰ سال اخیر در رتبه چهارم کشورهای با تورم بالا بوده ایم. وی با بیان این که سالانه حداقل ۲۰ درصد رشد قیمت ها را شاهد بوده ایم، افزود: میانگین رشد اقتصادی دهه اخیر تقریباً صفر بوده است. به بیان ساده، هر ۱۰ سال قدرت خرید خانوار ایران با درآمد ثابت یک سوم شده و این همه به رغم اقدامات پرنوسان همه دولت ها برای مهار قیمت ها است. این کارشناس اقتصادی تصریح کرد: تورم مانند چالش محیط زیست یا فساد اداری و بانکی نیست که درک آن نیازمند تخصص خاصی باشد، بلکه مردم به راحتی آن را با پوست و استخوان درک می کنند. سلیمی بروجنی گفت: بدون تردید یکی از گرفتاری های بزرگ کشور در طول چند سال گذشته رشد اقتصادی بوده که متأسفانه پیامدهای سنگینی همچون بیکاری و کاهش رفاه را به مردم تحمیل کرده است.

■ ناترازی های اقتصاد ایران

لزوم سیاستگذاری های صحیح در بازار کار

فاطمه عزیزخانی

بی ثباتی قابل ملاحظه‌ای در سطح اقتصاد کلان ایجاد خواهد شد و نقطه پایانی این بی ثباتی‌ها تخریب بنگاه‌های خرد و از بین رفتن اشتغال و کاهش سطح درآمد مردم است.

■ توصیه‌های سیاستی:

در وهله نخست، برای کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال، می‌بایست ایجاد ثبات اقتصاد کلان در راس برنامه‌های دولت آینده قرار گیرد.

■ فروش زمین ۲۵۵ متری چسبیده به بافت مسکونی

• بدیهی است که بازار کار ارتباط تنگاتنگی با تحولات سایر بخش‌ها و بازارهای یک اقتصاد دارد؛ بی ثباتی اقتصاد کلان، شرایط نامساعد محیط و کسب و کار و نظام بنگاه‌داری، تحولات روابط تجاری و منطقه‌ای، ضعف‌های نظام تأمین مالی، تغییر قوانین و مقررات، سیاست‌های مالی و شرایط بودجه‌ای دولت و بسیاری دیگر از ابعاد و حوزه‌های سیاست‌گذاری یک اقتصاد و حتی تحولات سیاسی کشور چه در بُعد داخلی و چه در بُعد روابط خارجی، در نهایت اثر خود را بر بازار کار نمایان می‌سازد و برآیند این تحولات بر میزان اشتغال و بیکاری اثر گذار خواهند بود. بنابراین در وهله نخست، برای کاهش نرخ بیکاری و افزایش اشتغال، می‌بایست ایجاد ثبات اقتصاد کلان در راس برنامه‌های دولت آینده قرار گیرد. • همچنین رفع معضل بیکاری و کاهش ناامنی و نارضایتی اجتماعی از این محل، نیازمند هماهنگی و انسجام همه جانبه در بدنه اجرایی و مدیریتی کشور است. در حالی که تاکنون این پتانسیل در نظام تصمیم‌گیری کشور ایجاد نشده است. لذا دولت آتی می‌بایست در جهت ایجاد این انسجام تلاش و تدبیر نماید. همچنین برای تحقق اشتغالزایی، می‌بایست دولت سیزدهم محورهای زیر را مورد توجه قرار دهد:

• در اولویت قرار دادن رفع چالش‌های بازار کار از جمله عدم تطابق شغلی و نرخ بالای بیکاری جوانان تحصیلکرده با اصلاح نظام آموزشی کشور، رفع عدم توازن منطقه‌ای، ایجاد اشتغال پایدار و تقویت اشتغال رسمی با گسترش نظام تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری. ایجاد زنجیره ارزش و ایجاد ارتباط بین بنگاه‌های بزرگ و کوچک با همکاری و مشارکت وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیربط توصیه می‌شود.

• همچنین می‌بایست نگرش حمایتی و توانمندسازی ایجاد اشتغال، که تاکنون محور اصلی سیاست‌های اشتغالزایی بوده است تغییر کند. زیرا تجربه نشان داده است که این رویکرد، صرفاً با نگرش پوپولیستی منجر به تزیق منابع بی‌هدف و ایجاد اشتغال ناپایدار شده است. حال آنکه تغییر نگرش به رویکرد توسعه‌ای اشتغال، با لحاظ عدم توازن‌های منطقه‌ای و شناسایی مزیت نسبی هر منطقه، منجر به ایجاد اشتغال پایدار و سطح رفاه و درآمد مناطق مختلف کشور خواهد شد. در این راستا ایجاد زنجیره ارزش و ایجاد ارتباط بین بنگاه‌های بزرگ و کوچک با همکاری و مشارکت وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی ذیربط توصیه می‌شود.

• اصلاحات تقنینی در جهت تسهیل سازی شرایط استخدام و اخراج و افزایش انعطاف‌پذیری دستمزد در قانون کار می‌تواند سهم بزرگی در کاهش اشتغال غیررسمی داشته باشد.

* پژوهشگر اقتصادی

بازار کار، بازار بسیار پیچیده و در هم تنیده‌ای است زیرا بازار کار عرصه تعامل بازیگران اجتماعی متعددی از جمله جمعیت، خانوارها، کارگران، جوانان، اقشار تحصیل کرده، بنگاه‌ها و کارفرمایان اقتصادی است و همین امر یکی از دلایل مهم ضرورت توجه و دقت در سیاستگذاری در این حوزه است.

علاوه بر این عمق مشکلات بازار کار در اقتصاد ایران یکی دیگر از ضرورت‌های سیاستگذاری صحیح و بهنگام درباره این بازار است. به طوری که طی ده سال اخیر، افزایش عدم توازن منطقه‌ای بالاخص شکاف بین مناطق مرزی و محروم کشور با سایر مناطق، افزایش عدم تطابق شغلی، افزایش اشتغال بی کیفیت و شاغلین فقیر، افزایش جمعیت غیرفعال و نرخ بالای بیکاری جوانان و قشر تحصیلکرده، به صورت یک بیماری مزمن و پنهان نهادینه شده در این بازار است که در صورت عدم توجه و سیاستگذاری صحیح در این خصوص، احتمال بروز بحران‌های اجتماعی، امنیتی و سیاسی را تشدید می‌نماید.

علاوه بر این شواهد نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۹، با شیوع شوک ویروس کرونا، تحولات جدی در روند برخی از شاخصهای بازار کار (جمعیت فعال، جمعیت غیرفعال و تعداد شاغلین) رخ داده است به طوری که روند پنج ساله و رو به رشد این متغیرها (جمعیت فعال و شاغل) به یک باره تغییر مسیر داده و از سیکل قبلی خارج شده است. در این میان وجود چالش‌های مزمن در بازار کار نیز شدت این تغییرات و عمق آسیب‌پذیری از شیوع ویروس کرونا را بیشتر کرده است. اگر در شرایط فعلی، دولت سیزدهم راهبرد مشخصی برای رفع چالش‌های بازار کار نداشته باشد و صرفاً در پی تزریق مسکن‌های مقطعی و سیاستگذاری‌های شتابزده باشد، وضعیت بازار کار مخربتر و به تبع آن، بی‌ثباتی قابل ملاحظه‌ای در سطح اقتصاد کلان ایجاد خواهد شد. مضاف بر اینکه بررسی‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های مقابله با کرونا عملکرد رضایت‌بخشی نداشته و استان‌های مرزی و محروم نیز کمترین برخورداری را از اجرای این سیاست‌ها داشته‌اند. علاوه بر اینکه عملکرد سیاست‌های اشتغالزایی طی سال‌های اخیر نیز (اجرای قانون اشتغال روستایی و بندالف تبصره ۱۸ قوانین بودجه سال‌های ۱۳۹۸، ۱۳۹۷ و ۱۳۹۹) دستاورد مثبتی را نشان نمی‌دهد و همزمانی اجرای این سیاست‌ها با شیوع بیماری کرونا، تلاطمات شدید در بازار ارز و افزایش بی‌سابقه قیمت‌ها، منجر به تخریب بسیاری از مشاغل، افزایش جمعیت غیرفعال و بدتر شدن شرایط معیشتی جامعه شده است و ادامه این وضعیت طبیعتاً نارضایتی اجتماعی در پی خواهد داشت.

بنابراین اگر در شرایط فعلی، دولت سیزدهم راهبرد مشخصی برای رفع چالش‌های بازار کار نداشته باشد و صرفاً در پی تزریق مسکن‌های مقطعی و سیاستگذاری‌های شتابزده باشد، وضعیت بازار کار مخربتر و به تبع آن،

برنامه ایرلاین‌ها برای افزایش ۴۰ درصدی نرخ بلیت هواپیما لزوم هدفمند کردن یارانه پنهان صنعت هوایی

سعید مؤذنی



محمدحسن ذبیح‌خس، سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری، در این باره می‌گوید: افزایش قیمتی که اخیراً از سوی شرکت‌های هواپیمایی در پروازهای داخلی اعمال شده بود، بدون هماهنگی با سازمان هواپیمایی کشوری بود و قطعاً با شرکت‌های متخلف برخورد قانونی خواهد شد. به گفته وی، سازمان هواپیمایی در این برهه با افزایش قیمت بلیت پروازهای داخلی مخالفت است، افزایش قیمت بلیت باید در شورای عالی هواپیمایی کشوری مطرح شود و حتماً وزیر راه و شهرسازی نیز در این باره اعمال نظر دارد. سخنگوی سازمان هواپیمایی کشوری با بیان اینکه در اوایل هفته پیش رو جلسه شورای عالی هواپیمایی در این باره برگزار خواهد شد، گفت: درخواست شرکت‌های هواپیمایی بابت افزایش قیمت بلیت هواپیما در به شورای عالی هواپیمایی مطرح و بررسی می‌شود بنابراین افزایش قیمت بلیت در حال حاضر مورد تأیید سازمان هواپیمایی کشوری نیست و غیر قانونی است و باید نتیجه آن جلسه مشخص شود.

■ **دلایل شرکت‌های هواپیمایی برای افزایش نرخ بلیت پروازهای داخلی**
از سوی دیگر شرکت‌های هواپیمایی هم

شرکت هواپیمایی مجاز به افزایش قیمت، بالاتر از سقف تعیین شده نیست. ذکر این نکته نیز ضروری است که عوارض ایمنی پیش از این مبلغ ۱۰ هزار ریال بود که طبق مصوبه جدید سازمان هواپیمایی کشوری از اواخر خرداد امسال، ۲۰ هزار ریال افزایش یافت و به رقم ۳۰ هزار ریال روی بلیت پروازهای داخلی رسید، بنابراین در نرخ‌نامه بالا، باید ۲۰ هزار ریال افزایش قیمت اعمال شود.

بررسی پیشنهاد ایرلاین‌ها درباره افزایش نرخ بلیت در جلسه این هفته شورای عالی هواپیمایی‌بنابر این گزارش یکی دور روز پیش از ولادت امام رضا (ع) بود که شرکت‌های هواپیمایی نرخ بلیت پروازهای داخلی را افزایش دادند و در مسیری نظیر تهران-مشهد، قیمت‌های ارائه شده از سوی شرکت‌های هواپیمایی از سقف نرخ تعیین شده عبور کرد. پس از بروز این اتفاق و اطلاع‌رسانی رسانه‌ها، سازمان هواپیمایی کشوری به سرعت ورود و اعلام کرد که هرگونه افزایش قیمت بلیت پروازهای داخلی غیر قانونی است و شرکت‌های هواپیمایی در صورت تقاضای افزایش نرخ بلیت، باید این موضوع را در شورای عالی هواپیمایی مطرح کنند.

شرکت‌های هواپیمایی که این روزها به دنبال حذف الزام قانونی فروش ۶۰ درصد ظرفیت هواپیما هستند، برنامه دارند با استناد به همین موضوع، در جلسه شورای عالی هواپیمایی تقاضای افزایش ۴۰ درصدی قیمت بلیت هواپیما را مطرح کنند و مصوبه بگیرند.

۲۴ آبان ۹۹ بود که با تصویب شورای عالی هواپیمایی کشوری، افزایش ۱۰ درصدی قیمت بلیت پروازهای داخلی نسبت به جدول نرخ اعلام شده توسط انجمن شرکت‌های هواپیمایی در خرداد ۱۳۹۹، مصوب شد.

آن جلسه شورای عالی هواپیمایی کشوری که ساعت‌ها به طول انجامید با حضور نمایندگان وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت امور خارجه، عضو ناظر کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، سازمان برنامه و بودجه، دادستانی عمومی و انقلاب تهران، عضو مطلع شورای عالی هواپیمایی کشوری، مدیرعامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران و نماینده شرکت‌های هواپیمایی داخلی برگزار شد. همچنین در آن جلسه مقرر شد محدودیت ارزان‌ترین نرخ برای شرکت‌ها از جدول نرخ حذف شود و هیچ حداقل قیمتی وجود نداشته باشد همچنین همچنین هیچ

هر لیتر ۶۰۰ تومان و بابت پروازهای باری (کارگو) سوخت مطابق با نرخ فوب خلیج فارس هر لیتر بیش از ۶۰۰۰ تومان، به شرکت‌های هواپیمایی عرضه می‌شود، در واقع بابت هر لیتر سوخت، دولت ۵۵۰۰ تومان یارانه به استفاده‌کننده از حمل و نقل هوایی پرداخت می‌کند و هزینه اصلی هر پرواز هم، مصرف سوخت است.

البته بماند که همین قیمت‌های سوخت ارزان موجب شده است شرکت‌های هواپیمایی توجه چندانی به میزان مصرف سوخت ناوگان خود نداشته باشند در حالی که در شرکت‌های هواپیمایی دنیا در صورت تغییر محدود مصرف سوخت، سود شرکت‌ها، کم و زیاد

می‌شود. به هر حال این یارانه‌ها به جای آنکه در مدل‌هایی نظیر حمل و نقل ریلی به عنوان حمل و نقل سبز و ایمن مصرف شود، صرف حمل و نقل هوایی می‌شود در حالی که می‌توان با آزادسازی نرخ سوخت برای پروازهای مسافری و به طبع آن آزادسازی صحیح نرخ بلیت، یارانه‌های پنهان صنعت هوایی را هدم‌فمند کرد و این یارانه‌ها را به سمت مدل‌های دیگر حمل و نقل هدایت کرد که سهم بزرگ‌تری در جابه‌جایی مسافر کشور

دارند که البته دولت بعد می‌تواند این موضوع را در دستور کار قرار دهد. در این میان نباید موضوع سودهای کلان برخی شرکت‌های هواپیمایی و خدماتی که ایرلاین‌ها باید بدهند و نمی‌دهند، فراموش شود، همین امروز با وجود آنکه شرکت‌های هواپیمایی مدعی زیان هستند، چندین شرکت هواپیمایی در آستانه اخذ موافقت اصولی یارانه‌اندازی است یا موافقت اصولی را گرفته‌اند. به عقیده برخی کارشناسان وقتی مالکان کارخانه‌های مواد غذایی هم به دنبال تأسیس شرکت هواپیمایی هستند، این نظریه که اخذ مجوزهای تأسیس شرکت هواپیمایی به قصد دریافت ارز و تسهیلات و پولشویی، است، قوت می‌یابد که در گزارشات بعدی به طور مفصل به این موضوع پرداخته می‌شود.

* کارشناس حمل و نقل

در موضوع افزایش قیمت بلیت پروازهای داخلی، چندین محور قابل بررسی است. اول آنکه قانون برنامه در مورد آزادسازی نرخ بلیت پروازهای داخلی سال هاست مصوب شده است، قرار بود از سال سوم برنامه پنجم، آزادسازی نرخ خدمات حمل و نقل هوایی اجرا شود که در حال حاضر این قانون که به اذعان اغلب دست‌اندرکاران صنعت حمل و نقل هوایی قانونی مترقی محسوب می‌شود، اجرا نشده است. در این قانون نرخ، تابع عرضه و تقاضا تعیین می‌شود و نرخ‌گذاری دستوری و تکلیفی نیست، در حالی که در شرایط فعلی به نظر می‌رسد نرخ‌گذاری تکلیفی است. موضوع مهم دیگر قابل بررسی، ضرورت برداشت یارانه‌ها از پروازهای مسافری است، البته در همه جای دنیا به حمل و نقل مسافری یارانه می‌دهند اما در کشور ما در شرایطی که کمتر از ۵ درصد جابه‌جایی مسافر بر عهده ناوگان حمل و نقل هوایی است، (حدود ۹۰ درصد جاده‌ای و ۷ درصد ریلی) چه ضرورتی دارد یارانه در این حوزه اعمال شود؟ این کار در واقع اختصاص یارانه برای اقشار مرفه جامعه محسوب می‌شود. باید دید در حال حاضر افزایش قیمت بلیت هواپیما دغدغه چند درصد مردم کشورمان هست؟ قشر ضعیف جامعه که سالانه یک بار هم نمی‌تواند از مدل حمل و نقل هوایی استفاده کند، قشر متوسط هم ممکن است سالانه به همراه خانواده حداکثر یک الی ۲ بار از حمل و نقل هوایی استفاده کند، در حالی که درصد زیادی از مسافران این مدل حمل و نقلی، استادان، پزشکان و تاجران پروازی، در صدی کارکنان ادارات دولتی بابت انتقال به محل مأموریت و در صدی دیگر اقشار بالای جامعه هستند که از هواپیما جهت سفرهای گردشگری استفاده می‌کنند و برخی در هفته ۶ تا ۸ پرواز دارند. حال به چه دلیل باید از جیب همه مردم، یارانه به قشری که از سفرهای هوایی زیاد استفاده می‌کنند اختصاص یابد؟ به چه دلیل باید بنزین با قیمت یارانه‌ای به این مدل حمل و نقلی اختصاص یابد؟ در حال حاضر بابت پروازهای مسافری سوخت با نرخ

مدعی هستند نرخ‌های تعیین شده مربوط به سال قبل بوده است و باید امسال با احتساب تورم، نرخ‌های جدید در پروازهای داخلی اعمال شود. «افزایش قیمت دلار نسبت به سال گذشته و ارزی بودن بیش از ۵۰ درصد هزینه شرکت‌های هواپیمایی»، «افزایش حقوق و دستمزد پرسنل»، «افزایش زیاد قیمت انواع قطعه هواپیما» همچنین «الزام اجرای موضوع فاصله‌گذاری اجتماعی و رعایت فروش فقط ۶۰ درصد ظرفیت پرواز»، از دیگر مواردی است که شرکت‌های هواپیمایی از دلایل ضرورت افزایش قیمت بلیت هواپیما مطرح می‌کنند. الزام فاصله‌گذاری در پروازها یکی از موضوعات مورد نقد شرکت‌های هواپیمایی است که از اول آبان ۹۹ الزامی شد؛ شرکت‌های هواپیمایی معتقد هستند وقتی فاصله‌گذاری ۶۰ درصدی در پروازهای خارجی هواپیماهای خودشان ضرورتی ندارد و این موضوع در هیچ یک از پروازهای شرکت‌های هواپیمایی دنیا هم اجرا نمی‌شوند، الزام شرکت‌های داخلی به فروش فقط ۶۰ درصد پرواز داخلی، در واقع به نوعی اجحاف در حق آنها است.

■ برنامه شرکت‌های هواپیمایی برای طرح افزایش ۴۰ درصدی قیمت بلیت هواپیما
یک منبع آگاه در این باره می‌گوید: شرکت‌های هواپیمایی برنامه دارند در جلسه آینده شورای عالی هواپیمایی موضوع افزایش ۴۰ درصدی قیمت بلیت هواپیما را با محوریت قرار دادن «الزام فروش فقط ۶۰ درصد صندلی هواپیما» مطرح کنند. وی اظهار کرد: بدین ترتیب با طرح دلایل شرکت‌ها، احتمالاً شورای عالی هواپیمایی کشوری با بخشی از این افزایش قیمت مطالبه شده شرکت‌های هواپیمایی موافقت می‌کند و شاید در موضوع فروش فقط ۶۰ درصد ظرفیت پروازهای داخلی هم تجدید نظر شود. وی تأکید کرد: ضرورت دارد وزیر راه و شهرسازی در این موضوع ورود کرده و به دقت بر رفتار و عملکرد شرکت‌ها و شورای عالی هواپیمایی نظارت کند.

■ توزیع ناعادلانه یارانه در مدل‌های حمل و نقلی

کارشناسان و فعالان اقتصادی چشم انداز ۴ بازار ایران را بررسی کردند

راهبردهای توسعه

مریم فکری

بازار، سطح مداخله دولت در اقتصاد، توزیع ثروت، تجارت خارجی و مواردی از این دست نشانه‌هایی برای شکل‌گیری انتظارات بازیگران اقتصاد، صاحبان کسب و کارها و تصمیمات سرمایه‌گذاری شهروندان هستند.

اما بورس یکی از چالشی‌ترین بازارها در یک سال گذشته بود و در خرداد ماه به نیمه کانال ۱۰۱ میلیونی رسیده بود. شاخص کل بورس بیش از برگزاری انتخابات در سطح یک میلیون و ۱۴۷ هزار واحد قرار داشت و حالا وارد کانال یک میلیون

و ۲۰۰ هزار واحد

شده است.

در این شرایط، تحلیلگران اقتصادی درباره وضعیت آتی بورس معتقدند که در حال حاضر از یک طرف تکلیف برجام مشخص نیست و از طرف دیگر مشخص نیست تیم اقتصادی دولت جدید چه رویکردی نسبت به برخی سیاست‌هایی که روی شرکت‌های بازار

سرمایه‌تاثیر گذار هستند، داشته باشد. در عین حال، باید دید قیمت‌های جهانی در چند ماه آینده چگونه خواهند بود.

به باور آنها، این ابهامات پیش‌بینی بازار در بلندمدت را سخت می‌کند، اما اگر قیمت‌های جهانی ریزشی را تجربه نکنند، بازار تا پایان سال سقوطی نخواهد داشت.

در همین رابطه، میثم هاشم‌خانی، کارشناس بازار سرمایه با ذکر این نکته که بورس خوب، بورسی است که با دخالت مثبت یا منفی روبه‌رو نشود، می‌گوید: شاخص کل بورس در ۶ ماه آینده نمی‌تواند رشد محور باشد.

به اعتقاد او، همان‌ها که خوشحال بودند از صحبت‌های رییس‌جمهور در خصوص دعوت مردم به بورس، چند ماه بعد مواضعی متفاوت گرفتند که نباید دولت در بورس دخالت کند.

روش‌ها است که می‌تواند باعث تغییرات شود.

به گفته وی، درباره ارز و اقتصاد هم اگر بنا باشد مسوول بعدی هم روش فعلی را ادامه دهد، معجزه‌های اتفاق نمی‌افتد و نتیجه هم همین خواهد بود که مشاهده می‌شود.

رییس اسبق کانون صرافان با ذکر این نکته که فرمول‌های علم اقتصاد به مجریان حساسیت نشان نمی‌دهد، ولی به اجرا حساس است، می‌گوید:

چشم‌انداز پیش‌رو را دو گونه می‌شود دید. یا با واقعی و واحد شدن قیمت‌ها و کنترل شدید تورم و کاهش حجم نقدینگی و اصلاحات اقتصادی، شیب افزایش نرخ ارز را کم می‌کنیم و با تحکیم اقتصاد آرام آرام ثبات را به بازار هدیه می‌کنیم، یا با ادامه تلاطم‌های مخرب، گاهی با سرکوب نرخ‌ها به ضرب تزریق بیش از تقاضا، فنر قیمت جمع می‌شود و گاهی هم با فرار فنر، قیمت به شدت افزایش می‌یابد و با هر تلاطمی ضربه‌ای بر پیکر نحیف به اقتصاد کشور وارد می‌شود.

■ **بازار سهام چه شرایطی را خواهند گذراند؟**

گفته می‌شود بورس دماسنج اقتصاد هر کشور است و معمولاً اخبار و تحولات اقتصادی و سیاسی خیلی سریع بر روندهای قیمتی بازار سهام تأثیر می‌گذارد. انتخابات ریاست‌جمهوری یکی از رخداد‌های مهم سیاسی کشور است که همواره بر انتظارات فعالان در بازار ارز و دارایی‌ها تأثیر داشته است.

با توجه به اینکه رویکرد سیاسی و اقتصادی روسای جمهور و اعضای هیات دولت بر وضعیت اقتصاد کشور تأثیر مستقیم دارد، این رویکردها به فعالان اقتصادی پیام‌های متفاوتی می‌دهد.

رویکرد روسای جمهور نسبت به سیاست خارجی، قواعد و بازیگران

نوسان قیمت در بازارها همچنان ادامه دارد؛

تا جایی که خودرو، مسکن، طلا، سکه، ارز و بورس هر روز قیمت جدیدی به خود می‌گیرد.

اما نوسان قیمت‌ها در حالی است که این روزها خبرهای دلگرم‌کننده‌ای از روند مذاکرات و انجام توافق برجامی به گوش نمی‌رسد؛ توافقی که مدت‌هاست بازارها را به انتظار گذاشته تا بلکه قیمت‌ها سیر نزولی را به خود گیرد. آن‌طور که مسوولان اعلام کرده‌اند، روند مذاکرات طولانی خواهد بود و هنوز در برخی مسائل مهم و تفسیری

توافقی حاصل نشده است.

با این وجود، فعالان بازارها در انتظار نشستند تا ببینند دولت سیزدهم چه تدبیری برای ساماندهی بازارها خواهد اندیشید. بر همین اساس است که این سؤال این روزها بسیار از ذهن می‌گذرد که مسیر بازارها در دولت آینده چگونه خواهد بود؟

در این خصوص، در طول یک هفته گذشته کارشناسان و فعالان اقتصادی پیش‌بینی‌هایی از وضعیت بازارها در دولت سیزدهم دارند و البته احتمالاتی را مطرح می‌کنند.

■ **چه نرخی در انتظار دلار است؟**

ارز، یکی از مهم‌ترین متغیرها در تغییر قیمت‌ها در بازارها است که از ابتدای امسال با وجود بالا و پایین شدن قیمت‌ها، اما با این حال تغییر آن چنانی نداشته و بیشتر در مسیر نزولی حرکت کرده است. این در شرایطی است که در سال گذشته پیش‌بینی‌هایی در خصوص دلار ۱۵ هزار تومانی اتفاق می‌افتاد، اما امروز دلار در بازار در

کانال ۲۴ هزار تومان قرار دارد.

تحلیلگران بازار ارز معتقدند از این پس نیز نرخ دلار بستگی به سیاست‌های دولت و فرمول‌هایی دارد که به کار می‌بندد. به اعتقاد علی اصغر سمیعی، رییس اسبق کانون صرافان، تغییر آدم‌ها نیست که تغییر ایجاد می‌کند، بلکه تغییر بر نامه‌ها و

وی با اشاره به اینکه مثبت بودن گزارش‌های شرکت‌ها می‌تواند در مثبت شدن شاخص نقش داشته باشند اما تنها دلیل این تغییر روند نیست، افزود: سیر تحولات سبب شده است که انتظار بازگشت تورم به اقتصاد شکل بگیرد از سوی دیگر بعد از ریزش ۹ ماهه اخیر، بسیاری از سهم‌ها به نقاط جذابی رسیدند.

حمید میر معینی، کارشناس بازار سرمایه نیز با اشاره به روند مثبت بورس در روزهای اخیر، عنوان می‌کند: تداوم این روند بستگی به رویکرد دولت آینده دارد و ترکیب تیم اقتصادی و حتی سیاسی دولت آینده می‌تواند بر مسیر حرکت بورس تاثیر گذار باشد.

وی متذکر می‌شود: برخی بازدید آقای ریسی از تالار بورس را مهم می‌دانند، اما ورود یک فرد به تالار بورس از نظر من مهم نیست. قبل از ورود به تبلیغات، تمام کاندیداها و تیم‌های تبلیغاتی آنها می‌دانستند ضرب نفوذ بازار سرمایه در خانوارهای کشور افزایش یافته و تبلیغ روی این محور می‌تواند جذابیت ایجاد کند. پس بسیاری از صحبت‌ها می‌تواند در قالب تبلیغ ارزیابی شود.

میر معینی می‌گوید: اگر قائل به اثر گذاری بازار سرمایه در اقتصاد هستیم، باید حقوق سرمایه گذار را حفظ کنیم و بگذاریم طبق مکانیزم بازار آزاد در کشور عمل شود و رقابت اقتصادی رخ دهد. او تاکید می‌کند: اگر قرار است بازار سرمایه رشد کند، نقدینگی ورودی به بازار نباید صرف سفته‌بازی و بازی با اعداد و ارقام شود. لازم است برای برنامه‌ریزی بهتر جایگاه ویژه‌ای در دولت برای رییس سازمان بورس تعریف شود تا این فرد بتواند در دولت حضور داشته باشد و از بازار سرمایه دفاع کند. میر معینی یادآور می‌شود: رییس جمهور نیز به نظرم باید خواستار تدوین دوباره ۵ ساله و یادو ۱۰ ساله شود تا روشن شود در جهت توسعه بورس چکار می‌توانیم بکنیم.

■ بازار مسکن چه شرايطی را می‌گذراند؟

بازار مسکن این روزها حال خوشی ندارد؛ این موضوع را می‌توان از اعداد و ارقام منتشر شده در باره قیمت مسکن پیدا کرد. به گواه کارشناسان، عمده‌ترین دلیل بی‌حالی بازار، کمبود مسکن است؛ اگر چه از نقش دلالتان در بازار مسکن

نمی‌توان گذشت. آخرین گزارش رسمی درباره قیمت مسکن نشان می‌دهد که در اردیبهشت ماه امسال متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی شهر تهران ۲۸۸ میلیون تومان بوده است. در حال حاضر کارشناسان و فعالان بازار مسکن معتقدند که رکود در بازار به دلیل جهش بیش از ۴۰ درصدی قیمت‌ها در سه سال اخیر ادامه خواهد داشت. در این میان، برخی واسطه‌های ملکی می‌گویند که شرایط بازار مسکن از حالت انتظار برای تحرک نسبی، به حالت انتظار برای دیدن عملکرد دولت آینده تغییر جهت داده است. بیت‌الله ستاریان، کارشناس اقتصاد مسکن می‌گوید: موضوعاتی مثل رشد اقتصادی، بودجه عمرانی، افزایش نقدینگی، چشم‌انداز گشایش اقتصادی ناشی از مذاکرات برجام و ارتباط با چین، نشان دهنده این است که بردارهای کلان اقتصادی در حوزه مسکن به سمت رکود یا کاهش قیمت پیش نمی‌رود. با وجود این تحلیل، برخی دیگر از کارشناسان مثل رییس اتحادیه مشاوران املاک به آینده بازار مسکن خوشبین هستند. مصطفی قلی خسروی با بیان اینکه آیت‌الله رئیسی، رشد تولید و رونق بازار مسکن را در اولویت برنامه‌های خود قرار داده است، می‌گوید: افزایش عرضه منجر به ثبات قیمت مسکن می‌شود و انتظار داریم در نیمه دوم سال جاری آثار برنامه‌های منتخب مردم به شکل ثبات و حتی کاهش قیمت مسکن بروز پیدا کند. خسروی تاکید می‌کند: پیش‌بینی بنده این است که در آینده متغیرهایی که منجر به کاهش قیمت مسکن می‌شود، بر متغیرهای افزایشی غلبه می‌کند. بدین ترتیب انتظار داریم قیمت‌ها به ثبات برسد. همچنین از رکود فعلی خارج خواهیم شد.

■ بازار خودرو از رکود خارج می‌شود؟

صنعت خودرو در چند سال اخیر با چالش‌های بسیاری همراه بود و به دلیل گرانی بازار خودرو و کاهش توان خرید مردم، خرید و فروش به پایین‌ترین حد خود رسیده است. رکود بی‌سابقه در بازار خودرو سبب شد تا خودروسازان داخلی با مشکلات بسیاری همراه شوند. بسیاری

از کارشناسان معتقدند که صنعت خودرو در دولت آینده به رشد می‌رسد، اما رفع مشکلات موجود قطعاً در بلندمدت محقق می‌شود. برخی کارشناسان در این میان پیش‌بینی می‌کنند در آینده در خودرو داخلی ما مجدداً افزایش نرخ خواهیم داشت، اما چقدر آن مشخص نیست. ولی از نگاه آنها، خرید خودروی خارجی بسیار ریسکی است، چون امکان ریزش آن وجود دارد. در مقابل، گروهی عنوان می‌کنند بازار خودرو در ۴ سال آینده نمی‌تواند بحرانی شود و وضعیت قیمتی آن نسبتاً با ثبات خواهد بود. به باور آنها، حذف قیمت‌گذاری، کاهش تعرفه و آزادسازی واردات تنها عواملی هستند که مشکل بازار خودرو را حل می‌کنند. در این خصوص، فرید زاوه، کارشناس صنعت خودرو می‌گوید: صنعت خودرو به دلیل دخالت‌های مکرر مدیران دولتی، به سمبل و ویرترین ناکارآمدی و فساد حاصل از مدیریت دولتی تبدیل شده است. وی می‌افزاید: به نظر می‌رسد رییس جمهور منتخب، فرصت زیادی برای تصمیمات سخت در کلان اقتصاد و تمام اجزا و تک‌تک زنجیره‌های بازار خودرو ندارد؛ چرا که مشکلات آنقدر عمیق هستند که تعارف‌پذیر نیستند و ادامه مدیریت شعاری هم مخاطرات زیادی دارد. این کارشناس صنعت خودرو تصریح می‌کند: شاید اگر بخواهیم توقعات اقتصاد ایران را از دولت جدید در یک کلمه خلاصه کنیم، باید به آزادسازی بازار و صنایع اشاره کنیم. بازارها همواره محل تقابل منافع مصرف‌کنندگان و عرضه‌کنندگان است.

زاوه می‌افزاید: توجه ویژه به صنعت خودروی تجاری و راه‌اندازی زنجیره گسترده از شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند انتظار اشتغال از این صنعت را به درستی حل کند، موضوعی که در تعریف غلط کشور متوقف شده است.

وی تاکید می‌کند: ایجاد منابع مالی ارزان قیمت خصوصاً بین‌المللی می‌تواند جهش تولید در کشور شود و سایه بحران را از شرکت‌های خودروسازی هم دور کند. منابع ارزان ارزی و استفاده از خطوط فاینانس و ری‌فاینانس می‌تواند امکان فروش اقساطی را میسر سازد که مقابله با رکود گریزناپذیر بازار را امکان‌پذیر می‌کند.

زمزمه‌های حذف لبنیات هم از سفره مردم به گوش می‌رسد

آشفته بازار ارز ترجیحی

سیده زهرا محمودی

بود که قیمت مصوب شیر ۴ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام شد. اما با این قیمت به فروش نمی‌رفت و اصلاً صرفه‌ای برای تولیدکنندگان نداشت؛ از این رو مانند نان هر روز خبر از افزایش قیمت شیر به صورت غیررسمی از یک استان به گوش می‌رسید و هر چند مسئولان زیر بار افزایش قیمت شیر نمی‌رفتند، اما شیر با قیمت بالاتر از قیمت مصوب به فروش می‌رفت.

■ نهاده‌هایی که گران می‌شود و شیری که تغییر قیمت ندارد

قیمت نهاده‌های دامی در سال جدید افزایش زیادی داشت؛ با این وجود قیمت شیر تغییری نداشت و دامداران نیز متحمل فشارهای زیادی شدند؛ اما اخیراً خبر افزایش قیمت سبوس دامداران را به ستوه آورده است. افزایش قیمت سبوس از سوی ستاد تنظیم بازار انجام شد و این افزایش قیمت در حالی صورت می‌گیرد که مشخص نیست چرا در کنار افزایش قیمت سبوس که یکی از نهاده‌های اصلی دام به شمار می‌رود، قیمت شیر افزایش نداشت؟

■ سیاست‌های غلط پابر جا

آنچه این روزها بازار کالاهای اساسی را هدف قرار داده، دو سیاست مخرب قیمت‌گذاری دستوری و نیز ارز ترجیحی است؛ ارز ترجیحی که همانطور که هشدار داده می‌شود به موقع و به اندازه کافی به کالاها تخصیص نمی‌یابد و بود و نبودش برای دامدار...

تفاوتی نمی‌کند، اما سبب غذایی مصرف‌کننده و تولید تولیدکننده با آن زیر و رو شده است. از سوی دیگر نیز دولت نمی‌خواهد بپذیرد برای محصولات دامدار قیمت تعیین نکند و این دو سیاست سه سال است که هیچ رمقی برای مصرف‌کننده و تولیدکنندگان بر جای نگذاشته است و تقریباً همه بر درست نبودن آن اتفاق نظر دارند؛ اما اراده‌ای برای حذف این دو سیاست وجود ندارد.

■ یک سر و هزار سودای نهاده‌های دامی
مشکل در تأمین نهاده‌های دامی حدود یک سال و نیم است که دامداران را گرفتار خود کرده است؛ نهاده‌های دامی مشمول ارز ترجیحی هستند و فسادی که این ارز در بازار نهاده‌ها ایجاد کرده است نیز مانند سایر بازارها مشخص است. نهاده‌های دامی از اصلی‌ترین هزینه‌ها در تولید محصولات دامی چون گوشت، شیر، مرغ... به شمار می‌رود؛ از این رو قیمت نهاده‌ها بر قیمت نهایی این محصولات تأثیر بسزایی دارد. اما دولت یک سال و نیم است که نه می‌تواند نهاده مورد نیاز دامداران را تأمین کند و نه حاضر است از سیاست قیمت مصوب دست بکشد و آثار این سیاست‌های غلط تنها گریبانگیر تولیدکننده و مصرف‌کننده شده است.

برای بررسی سرخ ماجرای قیمت شیر بهتر است به آذرماه پارسل نگاهی بیندازیم؛ درست زمانی که دولت پس از انکارها و تکذیب‌های بسیار پذیرفته بود که در تأمین نهاده مورد نیاز دامداران عاجز است؛ اما به جای برداشتن قیمت مصوب و تکیه بر سازوکارهای بازاری، قیمت مصوب شیر را از ۲۹۰۰ تومان به ۴۵۰۰ تومان رساند؛ اما این موضوع تنها مدت کوتاهی جواب داد و به مرور مشکلات دامداران در تأمین نهاده افزایش یافت؛ بنابراین لازم بود که قیمت شیر هم افزایش پیدا کند؛ اما این اتفاق هیچ وقت نیفتاد.

■ بازاری که کار خود را می‌کند و مسئولانی که نمی‌پذیرند

بعد از عید، دامداران و تولیدکنندگان خواستار افزایش قیمت شیر شدند و ۳۰ اردیبهشت امسال سخنگوی انجمن صنایع فرآورده‌های لبنی از افزایش ۴۰ درصدی نرخ شیر خام خبر داد. در آن زمان گفته می‌شد قیمت تمام‌شده شیر خام برای دامداران بیش از ۶ هزار تومان است و این در حالی

شاید ۳ سال پیش وزمانی که سیاستمداران به سیاست ارز ترجیحی روی آوردند، تصور نمی‌کردند که روزی این سیاست تمام بازارها را به خود گره بزند و این گره آنقدر کور شود؛ اما اکنون بعد از سه سال این اتفاق افتاده و هیچ بازاری از این ارز آرامش ندارد؛ حتی بازارهایی که مشمول ارز ۴۲۰۰ تومانی نیستند؛ در ابتدا مشکلات بازارهای مرتبط با این ارز مانند مرغ، گوشت، روغن و... آغاز شد و حال بازارهای وابسته نیز تحت تأثیر قرار گرفته‌اند و نتیجه این تأثیر در سفره افراد به ویژه دهک‌های پایین درآمدی نمودار شده است. روز به روز یکی از اقلام از سبد غذایی خانواده‌ها حذف شد و این روزها زمزمه‌های حذف لبنیات از سفره‌ها هم به گوش می‌رسد.

■ گرانی لبنیات از کجا شروع شد و به کجا رسید؟

گرانی لبنیات از ابتدای سال جاری آغاز شد و با توجه به گزارش مرکز آمار قیمت شیر، تخم مرغ و پنیر در فروردین سال جاری نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۷۷،۴ درصد افزایش داشت؛ از آنجایی که غالب این لبنیات به شیر وابسته هستند، قیمت آن بر روی قیمت سایر لبنیات نیز اثرگذار است. قیمت شیر پس از عید به صورت غیررسمی افزایش یافت؛ البته این افزایش قیمت مثل همیشه از سوی مسئولین تکذیب شد ولی چیزی که آشکار بود، این بود که شیر با قیمت مصوب به فروش نمی‌رسید. دامداران نیز مدتی است که خواستار افزایش قیمت شیر به دلیل افزایش قیمت نهاده‌های تولید هستند؛ اما کسی در ابتدا بدان توجه نکرد و این افزایش قیمت به بعد از انتخابات موکول شد و حال زمزمه‌های افزایش قیمت در هفته‌های نگرانی‌های بسیاری را برای تعطیلی کارخانه‌های کوچکی که شیر می‌فروشد و سفره‌هایی که خالی خواهد شد، به وجود آورده است.

توسعه در گرو تعامل سازنده با جهان

سعید قصابیان

نگاهی به کشورهای پیشرفته امروزی نکات جالب و حائز اهمیتی را در بر دارد. کشورهای جهانی که امروز جهان را جایی برای تعامل و در جهت نیل به توسعه می‌دانند و این رویه را جایگزین جهانی بدور از خشونت و درگیری نظامی و پیش به سوی توسعه کرده‌اند. بهتر است در این زمینه نگاهی به کشورهای هم‌چون ژاپن و چین داشته باشیم.

الف) تجربه ژاپن: هیچ کشوری بیش از ژاپن تحت فشار و بمب اتمی و تحقیر امپریالیسم آمریکا قرار نگرفت. نفوذ آمریکای فاتح به هیچ وجه استقلال ژاپن را بر نمی‌تابید و آمریکا در اولین گام، ژاپن را اشغال و از داشتن ارتش محروم کرد. اولین ضربه به عزت نفس ژاپنی‌ها.

ژاپنی‌ها بعد از جنگ متوجه شدند که علی‌رغم اینکه کشوری صنعتی هستند، بدلیل شکست در جنگ و بدلیل تصمیماتی که فاتحان می‌گرفتند، در مقابل حریف در موضع ضعف کامل قرار دارند و جایی برای عریضه کشی و هل من مبارز وجود ندارد. لذا از تقابل مستقیم با دشمن امتناع کردند و بجای شاخ آمریکا به پستان شیرده آن نظر دوختند. لذا سیاستشان بر این قرار گرفت که دانشجو به آمریکا بفرستند و علم و تکنولوژی را بیاموزند. متوجه شدند که در انزوای نمی‌توانند رشد کنند و خرابه‌های جنگ را بسازند. لذا درهای اقتصاد را باز کردند و به آمریکا و غربی‌ها اجازه دادند که سرمایه‌شان را به ژاپن بیاورند و باعث رونق و اشتغال در کشور شدند. ژاپنی‌ها نه تنها سرمایه‌گذاران غربی را غارتگر خطاب نکردند بلکه امنیت سرمایه آنها را تضمین کردند. این‌ها در حالی بود که آمریکا در خاکشان پایگاه داشت و سربازان امریکایی هر توهین و جسارتی را به اتباع ژاپن روا می‌داشتند. ژاپنی‌ها دندان سر جگر

گذاشتند و دم بر نیاوردند و با کمک سرمایه و تکنولوژی غربی و به اتکای تلاش شبانه روزی خودشان، با تولید کالاهاى ارزان شروع کردند و با توجه به ارتباط خوب با دنیا توانستند بازار پیدا کنند. کم کم کمیت و کیفیت کالاهايشان بهتر و عالی شد و حالا دنیا را بدون شلیک حتی یک گلوله تسخیر کرده‌اند. حالا دیگر آمریکا نمی‌تواند به ژاپن بگوید بالای چشمت ابروست. حالا ژاپن با بارباب پیشین در موضع برابر می‌نشیند. ژاپن حالا یک ارتش محدود دارد اما از آن مهمتر پاناسونیک و سونی و تویوتا دارد. ژاپن، حالا هم بدنبال یکی بدو کردن با آمریکا نیست. دنبال تعامل است که هر دو بتوانند سود کنند در بازار جهانی. حالا آمریکا و ژاپن شریک هستند نه دشمن.

ژاپنی‌ها بجای شاخ و شانه کشیدن برای دشمن، تشنج زدائی کردند و به پستان شیرده آن آویختند و با دنیا تعامل سازنده برقرار کردند و ملت خودشان را از یک مخروبه شکست خورده جنگی به اقتصاد سوم / چهارم جهان رساندند. ب) تجربه چین: کشور چین نه بدلیل جنگ، بلکه بدلیل بالای هولناک مائوئیسم و اقتصاد اشتراکی و انقلاب فرهنگی دار و دسته مائو در دهه پنجاه و شصت به فقر و فلاکت افتاده بود. پس از مرگ مائو در ۱۹۷۶، دنگ شیائو پینگ به نیکی متوجه عقب ماندگی کشورش شد و دریافت که در آن واحد نمی‌تواند هم با شوروی در بیفتد و هم با آمریکا. دریافت که در مقابل هر دو حریف در موضع ضعف کامل قرار دارند و بویژه از سمت شوروی تهدید نظامی می‌شود. متوجه شد که جایی برای عریضه کشی و هل من مبارز وجود ندارد. پس از آنکه از رفاقت با شوروی ناامید شد، باب مذاکره و عادی سازی رابطه با آمریکا را که از زمان نیکسون ناتمام مانده بود با جیمی کارتر جلو برد و علی‌رغم اختلاف شدید بر سر تایوان به رفع تشنج با آمریکا تن داد. این کار ساده‌ای نبود بخصوص با حضور مائوئیست‌هایی که حاضر نبودند پرچم مرگ بر آمریکا را پایین بیاورند و دنگ را بخاطر کوتاه آمدن در قضیه تایوان به خیانت متهم می‌کردند. پیمان عادی

سازی روابط چین و آمریکا در دسامبر ۷۸ امضا شد. دنگ شیائو پینگ در قضیه تایوان امتیاز داد و سر خم کرد تا بتواند کشورش را از فقر و فاقه نجات بدهد. راه نجات کشورش را تشنج زدایی با دشمن قدیمی دید. دنگ متوجه شد که چین در انزوای نمی‌تواند رشد کند. اولین کاری که کرد اعزام دانشجو به آمریکا بود. همان کاری که ژاپنی‌ها کردند. چینی‌ها دست از فحش دادن به آمریکا برداشتند و راه تعامل با آن را در پیش گرفتند تا بتوانند تکنولوژی و سرمایه وارد کشورشان بکنند و برای مردمشان شغل و رفاه بیاورند. چینی‌ها نه تنها سرمایه‌گذاران غربی را غارتگر خطاب نکردند بلکه امنیت سرمایه آنها را تضمین کردند.

چینی‌ها سال‌ها کارگر کمپانی‌های غربی در خاک خودشان بودند. دندان سر جگر گذاشتند و با تلاش شبانه روزی تکنولوژی را از مهمانان و روسای چشم آبی آموختند. آن‌ها هم با تولید کالای ارزان شروع کردند و با کمک ارتباط خوب با دنیا توانستند بازار پیدا کنند. کم کم کیفیت محصولاتشان بهتر و عالی شد. حالا دنیا را بدون شلیک حتی یک گلوله، تسخیر کرده‌اند. حالا آمریکا به چین هم نمی‌تواند بگوید بالای چشمت ابروست. چین حالا هم بدنبال یکی بدو کردن با آمریکا نیست. چین و آمریکا حالا دو رقیب هستند نه دشمن. آمریکا اخیراً متوجه شده که ای داد بیداد، دارد قافیه را به چین می‌بازد و کج خلقی را شروع کرده. اروپا هم بدنبالش. رقابت هم مثل بازی ست. اشکنک دارد، سر شکستک دارد. گاهی برد دارد و گاهی باخت. چینی‌ها بجای شاخ و شانه کشیدن برای دشمن، تشنج زدائی کردند و به پستان شیرده آن آویختند و با دنیا تعامل سازنده برقرار کردند و ملت خودشان را از یک ویرانه مائو زده به اقتصاد دوم جهان رساندند.

ج) اگر چین و ژاپن (و به تبع آندو، کره جنوبی و سنگاپور و اندونزی و مالزی و اخیراً ویتنام و بنگلادش) با دنیا تعامل سازنده برقرار کردند و از آن طریق ملت خودشان را به رشد اقتصادی و رفاه نسبی و ثروت رساندند، چرا ما نتوانیم؟

صرافی‌های آنلاین موجب تکرار بحران مؤسسات مالی خواهند شد؟

جولان بیش از ۱۰۰۰ صرافی غیرمجاز در فضای مجازی

است که کلاهبرداران با اشتراک‌گذاری درگاه جعلی یک صرافی که دقیقاً مشابه وب‌سایت اصلی آن است، اقدام به ضبط اطلاعات محرمانه و سپس هک کردن حساب‌های فرد متقاضی ارزی می‌کنند. سرهنگ علی محمد رجبی رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتا ناجا، آذرماه سال گذشته با اشاره به روند رو به رشد شیوع صرافی‌های غیرمجاز تأکید کرده بود، احتمال فروش ارزهای تقلبی توسط این کلاهبرداران بسیار بالاست که همراه داشتن این ارزهای تقلبی خصوصاً در کشور دیگر می‌تواند برای شهروندان دردسراًفرین باشد.

رشد قارچ‌گونه صرافی‌های غیرمجاز و بی‌نام‌ونشان در فضای مجازی، زنگ خطر تکرار بحران‌هایی مشابه بحران مالباختگان مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز در سال ۹۶ را به صدا درآورده است. اردیبهشت ماه امسال بود که پایگاه خبری پلیس در بیانیه‌ای به شهروندان در خصوص شگردهای جدید کلاهبرداری و سرقت از حساب‌های بانکی متقاضیان معاملات ارزی هشدار داد. براساس این بیانیه، کلاهبرداران با ایجاد صرافی‌های تقلبی، صفحات جعلی فیشینگ و یا تیم‌های پشتیبانی تقلبی در صدد فریب معامله‌گران هستند. صفحات جعلی و فیشینگ در حقیقت عملیات متقلبانه‌ای



باره هشدار داده بود، کانون صرافان تاکنون نزدیک به ۱۰۰۰ معامله‌گر ارزی غیرمجاز را بارصداً فضایی مجازی به نهاد‌های ذیربط معرفی کرده تا با آنها برخورد قانونی صورت گیرد اما شاهد آن هستیم که همین افراد مجدداً با تغییر ماهیت به معاملات غیرمجاز برمی‌گردند. از طرف دیگر، رئیس مرکز تشخیص و پیشگیری جرائم سایبری فتا نیز توضیح داده بود، کلاهبرداران در

نمونه برخی از این صرافی‌های غیرمجاز با استفاده از عناوین جذاب و ایجاد وابستگی به نهادهای ارزشی و انقلابی مثل آستان قدس رضوی سعی در جذب و به دام انداختن مخاطبان خود هستند. این در حالی است که براساس وب‌سایت معاونت اقتصادی آستان قدس رضوی، هیچ‌گونه صرافی ذیل این معاونت فعالیت ندارد. کامران سلطانی زاده رئیس کانون صرافان ماه گذشته در همین

■ جولان بیش از ۱۰۰۰ صرافی غیرمجاز در فضای مجازی

عمده عملیات کلاهبرداری صرافان غیرمجاز به واسطه فضای مجازی و جذب مالباختگان از طریق صفحات اینستاگرام و تلگرام صورت می‌گیرد. با نگاهی گذرا به عناوین و توضیحات صفحات مجازی این کلاهبرداران، به آسانی می‌توان به غیرمجاز بودن این صرافی‌ها پی برد. برای

علی‌الخصوص اینستاگرام با انبوه صفحات صرافی‌های غیرمجاز و بی‌نام و نشان ارز دیجیتال مواجه هستیم.

در همین رابطه، سردار حسین رحیمی رئیس پلیس پایتخت در اوایل خردادماه تأکید کرده بود که تا به این لحظه حتی یک صرافی نیز مجوز خرید و فروش رمز ارزها را دریافت نکرده است. محمدباقر قالیباف رئیس مجلس نیز در اردیبهشت‌ماه طی نامه‌ای خطاب به رئیس کل بانک مرکزی و وزیر امور اقتصادی و دارایی، خواستار مسدودسازی درگاه پرداخت الکترونیک صرافی‌های ارز دیجیتال شده بود.

■ آیا بحران مؤسسات مالی و اعتباری تکرار خواهد شد؟

منابع ارزی و شریان‌های نقل و انتقال آن در کشور از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که نهاد قانونگذار برای شیوه تأسیس و نظارت بر عملکرد صرافان و نیز مجازات معامله‌گران متخلف ارزی، قریب به ۷ قانون، آئین نامه و دستورالعمل اجرایی تهیه و تدوین کرده است. «قانون پولی و بانکی کشور مصوب سال ۵۱»، «قانون تنظیم بازار غیر متشکل پولی مصوب ۸۳»، «دستورالعمل اجرایی ناظر بر تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها مصوب ۹۳»، «احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مصوب ۹۵»، «قانون برنامه پنجساله ششم توسعه کشور مصوب ۹۵»، «قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲» و «قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۶۹ و پروژ شده سال ۹۹» از جمله این قوانین و مقررات است. در همین راستا به نظر می‌رسد پلیس امنیت اقتصادی به عنوان ضابط قضایی حوزه اقتصاد، دادستان کل کشور به عنوان مدعی العموم و نیز بانک مرکزی و کانون صرافان به عنوان نهاد ناظر، بایستی هر چه سریع‌تر به طور هماهنگ برای ساماندهی صرافان غیرمجاز اقدامات لازم را انجام دهند تا مجدداً شاهد تکرار بحران‌های امنیتی-اقتصادی همچون بحران مؤسسات مالی و اعتباری غیرمجاز سال ۹۶ از ناحیه صرافی‌های غیرمجاز در کشور نباشیم.

غیررسمی را برای نقل و انتقالات پول‌های قاچاقچیان ایجاد کرده‌اند که این مقوله در فضای مجازی گسترده‌تر شده است.

به‌طور کلی دو نوع جواز فعالیت برای صرافی‌ها صادر می‌شود. نوع اول آن دسته از شرکت‌های صرافی هستند که تنها برای خرید و فروش نقدی ارز، مجاز به فعالیت بوده و در مقابل، شرکت‌های صرافی نوع دوم که در کنار معاملات نقدی ارز، اجازه انجام مبادلات ارزی و ارائه خدمات ارزی برون مرزی بر طبق مقررات ارزی را نیز دارند. با این حال، در شرایط فعلی شاهد آن هستیم که برخی از صرافی‌های نوع اول که اجازه حواله و نقل و انتقالات برون مرزی را ندارند با همکاری برخی تجار متخلف اقدام به قاچاق ارز و خروج سرمایه از کشور می‌کنند. بنابراین

پوشش صرافی و با تبلیغ کانال‌ها و صفحات شبکه‌های اجتماعی، کارمزددردیافتی خود را بسیار پایین‌تر از دیگر صرافی‌های مجاز اعلام می‌کنند و همین امر باعث شده تا افرادی که نیاز مبرم به حواله کردن مبالغی به صورت ارزی به کشورهای همسایه دارند، به آن‌ها مراجعه کرده و وجوه هنگفتی را به آن‌ها بدهند تا در زمانی معین به دست فردی در خارج از کشور برسانند. لازم به ذکر است مرجع رسمی صدور مجوز برای صرافی‌ها، بانک مرکزی است و در حال حاضر تنها حدود ۶۸۳ شرکت صرافی (تضامنی و سهامی خاص) دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی هستند که فهرست و اطلاعات مربوط به آنها در پایگاه اطلاع رسانی بانک مرکزی در دسترس است.

■ صرافان‌نماها در خدمت قاچاق، قمار، شرط بندی و خروج سرمایه

از سوی دیگر هدف دیگر این کلاهبرداران از تأسیس صرافی‌های صوری و غیرمجاز کمک به قاچاق کالا و ارز و همچنین نقل و انتقال پول‌های کثیف قمار و شرط بندی به خارج از کشور است. بخش دیگری از فعالیت غیرمجاز این صرافان نیز معطوف به پشتیبانی از صادرکنندگان متخلف برای عدم بازگشت ارز صادراتی و عدم ثبت جابه‌جایی ارز در سیستم معاملاتی بانک مرکزی است که در نهایت منجر به خروج سرمایه از کشور می‌شود. با انجام تبادلات ارزی در بستری خارج از سامانه‌های نظارتی بانک مرکزی (نیما و سنا)، تأمین مالی ارزی و ربالی قاچاقچیان توسط این صرافان تسهیل می‌شود. علاوه بر این، اخیراً همزمان با شیوع سایت‌های شرط‌بندی و قمار، نقل و انتقال پول برای شرکت در سایت‌های شرط‌بندی و قمار نیز به فهرست فعالیت‌های غیرقانونی این صرافان‌نماها افزوده شده است.

کامران سلطانی زاده رئیس کانون صرافان در اردیبهشت‌ماه با اشاره به صرافی‌های غیرمجاز در کشور تأکید کرده بود، معامله‌گران ارزی غیرمجاز باید کک کشیدن نام جعلی صرافی برای خود، بازار سیاه و

منابع ارزی و شریان‌های نقل و انتقال آن در کشور از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که نهاد قانونگذار برای شیوه تأسیس و نظارت بر عملکرد صرافان و نیز مجازات معامله‌گران متخلف ارزی، قریب به ۷ قانون، آئین نامه و دستورالعمل اجرایی تهیه و تدوین کرده است.

جای خالی نظارت بانک مرکزی بر این‌گونه صرافی‌ها احساس می‌شود.

■ تابلوی «صرافی ارز دیجیتال مجوز دار» حقه جدید کلاهبرداران

در حال حاضر بانک مرکزی برای معاملات رمزارز به تعداد محدودی از صرافی‌های بانکی مجوز فعالیت در این حوزه را داده است و طبق ضوابط بانک مرکزی ماینرهای مجوزدار می‌توانند در راستای تجارت خارجی (تأمین ارز واردات) ارز دیجیتال خود را به فروش برسانند. با این حال در فضای مجازی و

نحوه تعیین اجاره بهای مسکن حمایتی به چه صورت است؟

مسکن استیجاری بسازیم یا نه؟

این طرح، زوجین جوان می‌توانند تا ۵ سال در واحدهای استیجاری سکونت داشته باشند و پس از توانمند شدن، باید جای خود را به خانواده‌های دیگر بدهند؛ همچنین در طرح مذکور آمده که شهرداری‌ها ملزم به تعیین اجاره بها ۲۰ درصد کمتر از متوسط همان شهر هستند.

بر اساس آن شهرداری‌ها مکلف به احداث مسکن استیجاری در شهرهای بالای ۲۵۰ هزار نفر هستند که تعداد این واحدها بر اساس جمعیت هر شهر، از ۵۰۰ تا ۵ هزار واحد متغیر خواهد بود. در این طرح پیشنهادی، بیشترین تعداد مسکن استیجاری با ۵ هزار واحد به شهرداری تهران اختصاص دارد. بر اساس

گرچه احداث مسکن استیجاری به عنوان یکی از برنامه‌های دولت و مجلس، امری شایع در دنیا است، اما برای اجرای آن در ایران باید ملاحظات در خصوص سرمایه‌گذاری در این بخش در نظر گرفته شود. اخیراً طرح تعدادی از نمایندگان مجلس توسط هیئت رئیسه اعلام وصول شده که

شود، هم می‌تواند اثر مثبت داشته باشد و هم مخرب. کارشناس اقتصاد مسکن تصریح کرد: در دیگر کشورها هم شهرداری‌ها در مسکن استیجاری دخیل هستند؛ ولی باید سازوکار آن مشخص شود؛ اینکه شهرداری به عنوان جزئی از این طرح باشد، امر پذیرفته‌ای است؛ ولی نباید شهرداری‌ها به عنوان اصل در نظر گرفته شوند؛ بلکه بخش خصوصی باید این کار را انجام دهد.

■ احتمال بروز فساد در صورت «مالک

مسکن استیجاری» بودن شهرداری‌ها
وی افزود: در حال حاضر دنیا به این نتیجه رسیده که مالکیت مسکن استیجاری از سوی شهرداری‌ها، کارآمد نیست؛ اینکه شهرداری بخواهد هم سازنده باشد و هم گرداننده مسکن استیجاری، رویکرد بهینه‌ای نیست؛ چون نهادهای عمومی سازنده‌های خوبی نیستند و معمولاً هدر رفت منابع و فساد مالی در چنین پروژه‌هایی رخ می‌دهد؛ ولی شهرداری‌ها می‌توانند به مدیریت این طرح‌ها، تخصیصی منابع، مشارکت در عوائد آن و...

ساماندهی تولید و عرضه مسکن را به کمیسیون اقتصاد دولت داده تا در صورت تصویب در این کمیسیون و سپس هیئت دولت و ابلاغ آن به وزارت راه و شهرسازی، بخش خصوصی با دریافت مشوق‌هایی همچون معافیت‌های مالیاتی یا هزینه‌های صدور پروانه ساخت، در حوزه مسکن استیجاری سرمایه‌گذاری کند. در حال حاضر راه اندازی مؤسسات اجاره داری حرفه‌ای، یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های وزارت راه و شهرسازی است.

عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات مسکن؛ بخش خصوصی سرمایه‌گذاری کند؛ شهرداری‌ها، مدیریت فخرالدین زاوه رئیس پژوهشکده اقتصاد و مدیریت مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی درباره طرح مسکن استیجاری اظهار کرد: اصل ساخت مسکن استیجاری در دنیا یک ایده پذیرفته شده است ولی نکته این است که باید برای تخصیص منابع به این بخش کمی تأمل کرد؛ به این معنا که ممکن است منابعی که به عنوان تسهیلات تکلیفی بالا جبار به حوزه مسکن سوق داده

■ چند سال طول می‌کشد تا ایرانی‌ها بتوانند خانه دار شوند؟

یکی از ایراداتی که به این طرح وارد است، این است که باید فاصله مدت زمان توانمند شدن خانوارها برای خرید مسکن در ایران با دیگر کشورها هم در نظر گرفته شود. مدت زمان خانه دار شدن در ایران به گفته برخی اعضای کمیسیون عمران مجلس در حال حاضر به ۸۰ سال رسیده است.

مسکن استیجاری؛ طرح نمایندگان مجلس قوی‌تر است یا آئین نامه وزارت راه و شهرسازی؟

با این حال در طرح مذکور که به کمیسیون عمران مجلس ارجاع شده، خبری از تأمین منابع مالی مورد نیاز نیست. احتمالاً شهرداری‌ها می‌بایست از محل منابع داخلی خود و درآمدها از محل عوارض مختلف از جمله عوارض ساختمانی اقدام به ساخت این واحدها کنند. این طرح مجلس در حالی است که معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی نیز اصلاحیه آئین نامه قانون

جایگاه مهمی دارد؛ نمی‌توانیم به یک خانواده بگویی قرار است ۵ ساله ساکن شود؛ اما قرارداد یک ساله ببندیم و سپس در پایان همان سال به او اعلام کنیم که واحد مورد نظر را تخلیه کند.

یک شهرساز: واحدهای استیجاری به خانه‌های مجردی تبدیل نشودغزال راهب مدیر گروه شهرسازی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی درباره طرح مسکن استیجاری و احداث مسکن برای اسکان موقتی و اجاره‌ای زوج‌های جوان از سوی شهرداری‌ها گفت: نفس مسکن استیجاری کار درستی است در تمام دنیا هم مسکن اقبال کم درآمد از طریق مسکن استیجاری تأمین می‌شود. وی ادامه داد: در برنامه‌های ۵ ساله توسعه هم بارها این موضوع دیده شده، ولی هیچ‌گاه موفق نبوده است؛ دلیل عمده آن این است که زیرساخت‌های قانونی آن فراهم نشده است؛ زیرساخت قانونی به این معنا که رابطه دولت‌های ملی با محلی و سرمایه‌گذار مشخص نشده است؛ ابهامات زیادی دارد. راهب افزود: به دلیل همین ابهامات قانونی و نبود حمایت‌ها، بخش خصوصی ترغیب به سرمایه‌گذاری در این حوزه نمی‌شود؛ با تدوین قانون صریح و روشن در این زمینه می‌توان، آن را اجرایی کرد. وی درباره جایگاه شهرسازی در احداث مسکن استیجاری گفت: خانه‌های حمایتی مشکلی که دارند، تمرکز مجموعه‌های ساخته شده در یک مکان است؛ این تجمع‌سازی، اشتباه است چون ساکنان این واحدها، امکان توانمندسازی یکدیگر را ندارند. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی گفت: شهرداری طرحی دارد که می‌خواهد خانواده‌های دارای شرایط سکونت در واحدهای مسکونی حمایتی را در محله‌ها پراکنده کند که کار درستی است. وی از دیگر اشتباهات این طرح را احداث خانه‌های زیر ۵۰ متر عنوان و اظهار کرد: باید شأن خانواده‌ها رعایت شود و این واحدها به خانه‌های مجردی تبدیل نشود؛ متراژ واحد هم بر اساس هر شهر می‌تواند متفاوت باشد.

باشند تا مالیات بر کسب و کارهای ثبت نشده ساماندهی نشود، سرمایه‌ها به سمت مسکن استیجاری نمی‌آید.

■ پیش‌نهادهایی برای تعیین اجاره بهای مسکن استیجاری

وی درباره نرخ‌گذاری اجاره بهای مسکن استیجاری نیز اظهار کرد: نمی‌توان یک نرخ ثابت برای اجاره بهای این واحدهای مسکونی در نظر گرفت یا مثلاً گفت ۲۰ درصد کمتر از اجاره بهای شهر تهران؛ چون در حال حاضر اجاره بها در نقاط مختلف پایتخت، تفاوت‌های فاحشی دارد و باید سازوکاری در خصوص تعیین اجاره بهای این پروژه طراحی کرد و مثلاً قیمت عرف منطقه را تعیین کرده و سپس یا با تخفیف دادن نسبت به نرخ منطقه یا پرداخت مابه‌التفاوت اجاره بهای رایج با اجاره بهای مسکن استیجاری به صورت نقدی به خانوارهای ساکن این خانه‌ها، به مشمولان سکونت در واحدهای استیجاری کمک کرد. تعیین سقف تعداد مسکن استیجاری هر شهر، جداگانه بررسی شود زاوه در خصوص سهمیه بندی ساخت مسکن استیجاری بر اساس جمعیت گفت: این کار باید دقیق‌تر انجام شود چون برخی شهرها با جمعیت کمتر، فقر مسکن بیشتری نسبت به برخی شهرهای پرجمعیت‌تری دارند؛ بنابراین می‌بایست در این طرح، تعیین سقف مسکن استیجاری مورد نیاز در هر شهر، بر اساس کمبود یا مازاد واحد مسکونی در همان شهر صورت گیرد؛ نه بر اساس جمعیت؛ البته فاکتور جمعیت مهم است اما مهاجر پذیر یا مهاجر فرست بودن شهرها هم باید در تعیین تعداد مسکن‌های حمایتی در نظر گرفته شود.

■ تأمین امنیت روانی مستأجران خانه‌های حمایتی مهمتر از اجاره بها

وی از دیگر فاکتورهای مهم در مسکن استیجاری را تعیین مدت زمان سکونت در واحد مسکونی استیجاری دانست و گفت: امنیت روانی خانوارهای دارای شرایط سکونت در این خانه‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بنابراین قراردادهای اجاره بیش از یک سال

کمک کنند. به گفته زاوه، دنیا به این نتیجه رسیده که بخش خصوصی در ساخت، نگه‌داری و بهره‌برداری مسکن استیجاری ورود کند و شهرداری‌ها هم آن را مدیریت کنند؛ اما شهرداری‌هایی که در دیگر کشورها وارد حوزه ساخت می‌شوند، منابع مالی را در اختیار دارند؛ چون برخی مالیات‌ها در دیگر کشورها به شهرداری‌ها داده می‌شود؛ اما در حال حاضر شهرداری‌ها در تأمین منابع پایدار خود از محل عوارض شهری ناموفق هستند و تکلیف کردن آنها به هزینه کرد همین درآمدهای محدودشان به بخش مسکن استیجاری، بدون آنکه منابع جدیدی برای درآمدزایی آنها دیده شود، ممکن است به ورشکستگی شهرداری‌ها منجر شود. عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی یادآور شد: در طرح تهیه شده از سوی نمایندگان مجلس، شفافیت به اندازه کافی دیده نشده است. سازوکار مسکن استیجاری با توجه به منابع محدود فعلی، باید از سوی بخش خصوصی انجام شود؛ اما مشوق‌های مالیاتی یا عوارض صدور پروانه و... برای سرمایه‌گذار در این زمینه در نظر گرفته شود.

اول با مالیات بر عایدی جلوی سفته‌بازی مسکن گرفته شود سپس برای مسکن استیجاری سرمایه‌گذار جذب شود. وی با تأکید بر اینکه باید پیش از آغاز به ساخت مسکن استیجاری، از وقوع حباب‌های بزرگ در قیمت مسکن جلوگیری کرد، گفت: سوداگری در این بازار باید از رونق بیفتد تا سرمایه‌گذار به ساخت مسکن استیجاری رغبت داشته باشد؛ در غیر این صورت، سازنده تمایل به ورود سفته‌بازانه به بخش مسکن خواهد داشت نه مصرفی. به گفته این کارشناس اقتصادی، سیاست‌های مالیاتی مانند مالیات بر عایدی سرمایه می‌تواند به عنوان سیاست بازدارنده از ورود سرمایه‌های مورد استفاده قرار گیرد تا ابتدا تورم کلی مسکن کنترل شود سپس سرمایه‌گذاران راغب به فعالیت در بخش مسکن استیجاری

شیوه عجیب خرید اقساطی خودرو در اروپا و آمریکا خرید شاسی بلند با ماهی ۳۳۰ دلار!

محمد مهدی حاتمی

«لِیزینگ» نوعی قرارداد است که در آن، خریدار می‌تواند کالایی را به صورت قسطی از فروشنده بخرد. این نوع قرارداد، عموماً برای خرید کالاهای بادوام (مثل خانه، خودرو یا لوازم خانگی) مورد استفاده قرار می‌گیرد. همین حالا، شرکت‌های لِیزینگ خودرو در ایران هم وجود دارند و حتی سهام آنها در بورس تهران معامله می‌شود. با این همه، خرید خودرو در قالب قرارداد لِیزینگ، عملاً سال‌هاست متوقف شده و حتی در سال ۱۳۹۹ از سوی پلیس غیرقانونی اعلام شد. با این همه، این شکل از خرید خودرو، نه فقط در سراسر دنیا بسیار محبوب است، که در برخی کشورها و برخی برندهای خودرو، بر خرید نقدی ارجحیت دارد.

برخی از خودروسازان بزرگ جهان ۶۰ تا ۷۰ درصد خودروهای خود را به شیوه لِیزینگ می‌فروشند. شیوه‌ای که سبب می‌شود مصرف‌کننده با پرداخت پول کمتری، ماشین به‌روزتری سوار شود. در ایران اما از اظهار نظرهای مقامات اینگونه بر می‌آید که لِیزینگ خودرو اساساً غیرقانونی است و اگر شرایط لِیزینگ هم در میان باشد، مصرف‌کننده باید پول بیشتری بدهد. در این گزارش شیوه لِیزینگ خودرو در شرکت‌های معروف خودروسازی جهان مانند بنز و بی‌ام‌و را بررسی کرده‌ام و به این سوال جواب می‌دهم که چه میزان از فروش خودروهای جهان از طریق لِیزینگ است و این شیوه چه مزیتی دارد؟

خودرو را به روش لِیزینگ تهیه می‌کنید، در تمام مدت از شرایط گارانتی بهره‌مند هستید. در این شرایط، شما تنها بابت استفاده از خودرو در مدت زمان مشخص قرارداد هزینه پرداخته‌اید. بنابراین، اگر تمایل دارید خودرویی به روز داشته باشید و هر چند سال یک بار خودروی تان را با جدیدترین مدل موجود در بازار تعویض کنید، لِیزینگ انتخاب مناسبی است. اما برای کسانی که قصد دارند سال‌ها از یک خودرو استفاده کنند، خرید نقدی بهترین گزینه است. اما یک مثال واقعی: در آمریکا، متوسط قیمت خرید نقدی مدل‌های Compact SUV در برند «هیوندای» در سال ۲۰۲۱ میلادی، حدود ۲۸ هزار و ۶۰۰ دلار است. اگر همین خودرو را در قالب یک قرارداد لِیزینگ ۶ ساله خریداری کنید، حدود ۲ هزار و ۶۰۰ دلار کمتر پرداخت می‌کنید. در واقع، برخلاف ایران، در طول ۶ سال مدت قرارداد، نه فقط پول بیشتری نمی‌دهید، که پول کمتری هم می‌دهید! با ۲۴ هزار تومانی، لِیزینگ این خودرو حدود ۶۰۰ میلیون تومان هزینه

لِیزینگ هم دارند. «هیوندای»، یکی از این خودروسازان است. در واقع، خریدار می‌تواند خودرو را به صورت قسطی، مستقیماً از خودروساز بخرد.

■ چرا لِیزینگ خودرو این قدر محبوب است؟

اما دلیل محبوبیت قراردادهای لِیزینگ خودرو در جهان چیست؟ نخست اینکه با لِیزینگ کردن یک خودرو (در کشورهاییکه این شیوه از قراردادهای آنها مرسوم است)، می‌توانید بدون پرداخت تمام مبلغ یک خودرو، یا هر کالای بادوام دیگر، صرفاً آن را امتحان کنید و در صورتی که از آن خوش‌تان نیامد، پس از مدت مشخصی به شرکت برگردانید.

مهم‌ترین مزیت خرید خودرو به روش لِیزینگ این است که این روش، عملاً اقتصادی‌تر از روش خرید نقدی یا با استفاده از اقساط بانکی است. بر این اساس، شما می‌توانید در صورت تمایل، بعد از مدت قرارداد (که در عمده موارد ۳ ساله است)، خودرو را به شرکت پس بدهید. علاوه بر این، وقتی یک

■ کدام خودروسازان دستی بر آتش لِیزینگ دارند؟

آمارهای سال ۲۰۱۷ میلادی نشان می‌دهند که حدود ۷۷ درصد از تمام خودروهای شرکت «ب.ام.و.» به شیوه لِیزینگ به فروش رسیده‌اند و این شرکت از این منظر، در آن سال در دنیا در جایگاه نخست قرار داشته است.

رتبه چهارم در اختیار شرکت «مرسدس بنز» است. در سال ۲۰۱۷ میلادی، حدود ۶۷ درصد از تمام خودروهای تولیدی توسط «مرسدس بنز» به صورت لِیزینگ به فروش رسیده‌اند. «ولوو» دیگر خودروساز اروپایی حاضر در این فهرست است.

در زمان مورد بررسی، حدود ۵۹ درصد از خودروهای تولیدی این شرکت به صورت لِیزینگ به فروش رسیده‌اند.

بنز یکی از شرکت‌هایی است که بیشترین میزان فروش خودرو در قالب قرارداد لِیزینگ را دارند.

این در حالی است که بسیاری از شرکت‌های بزرگ خودروسازی، خودشان شرکت‌های

دارد.

اما نکته جالب توجه این است که افراد در شیوه لیزینگ بخش اندکی از این مبلغ را می‌پردازند و بقیه پول آن را ماهانه پرداخت می‌کنند و گاهی این رقم ماهی ۳۳۰ دلار است!

■ **لیزینگ خودرو در بسیاری از موارد، به «تملك» خودرو ختم نمی‌شود.**

اما در اینجا یک تفاوت مهم وجود دارد: در قالب قرارداد لیزینگ، بعد از ۶ سال شما باید خودرو را به کارخانه یا شرکت لیزینگ کننده پس بدهید، در حالی که در قالب قرارداد خرید، شما از همان ابتدا صاحب خودرو بوده‌اید. (افت مدل و افت قیمت خودرو پس از هر دو حالت یکسان است.)

در واقع، در قالب قرارداد لیزینگ، شما صرفاً هزینه اجاره خودرو را در مدت زمان ۶ سال پرداخت کرده‌اید. پس از پایان زمان قرارداد، می‌توانید قرارداد را تمدید کنید و باز هم قسط بدهید و یا اینکه خودرو را پس بدهید تا قرارداد فسخ شود.

■ **لیزینگ خودرو در ایران و جهان**

نکته جالب توجه در مورد بازار لیزینگ خودرو اما این است که برخلاف ایران، بخش بزرگی از خودروها در بازارهای جهانی، با استفاده از فرآیند لیزینگ به فروش می‌رسند. در واقع، شرکت‌های لیزینگ که سرمایه‌های کلانی در اختیار دارند، با شرکت‌های خودروساز قرارداد می‌بندند و خودرو را مستقیماً از خودروساز خریداری می‌کنند و مشتری نهایی، خرید خودرو را با واسطه و از طریق این شرکت‌ها انجام می‌دهد.

برخی داده‌های آماری حکایت از آن دارند که در فاصله سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ میلادی، حدود ۲۵ تا ۳۴ درصد (بیشترین آمار مربوط به سال ۲۰۱۷ و کمترین آمار مربوط به سال ۲۰۲۰ بوده است) از تمامی خودروهای فروخته شده در ایالات متحده آمریکا، در قالب قراردادهای لیزینگ به فروش رسیده‌اند.

این در حالی است که برخی اظهار نظرهای

مقامات مربوطه نشان می‌دهد که لیزینگ خودرو در ایران، در حال حاضر اساساً غیرقانونی است. بر این اساس، در آذرماه سال ۱۳۹۹، فرمانده انتظامی تهران بزرگ نسبت به فعالیت شرکت‌های لیزینگ خودرو هشدار داد.

در آن زمان، سردار حسین رحیمی، از دستگیری ۲۸۱ مجرم حرفه‌ای در تهران خبر داد و گفت: «مردم بدانند که الان فعالیت شرکت‌های لیزینگ صحت نداشته و دروغ است. مردم این فریب‌ها را باور نکنند. این شرکت‌ها برای لیزینگ کردن باید از یک جایی خودرو را بگیرند و در حال حاضر این اتفاق رخ نمی‌دهد. بنابراین، مردم فریب این شرکت‌ها را نخورند.»

همزمان اما شیوه‌های جدیدی از تملك خودرو هم در جهان به وجود آمده‌اند که در واقع، بر مدل‌های تجاری شرکت‌های بزرگ بنا شده‌اند. گزارشی در وبسایت «CNBC» نشان می‌دهد که تقاضا برای خرید «اشتراک خودرو» در جهان رو به افزایش است.

لیزینگ خودرو در جهان، اکنون تا حدودی به مدل تجاری شرکت‌هایی مانند «نتفلیکس» شبیه شده است.

در این مدل، که شبیه به مدل تجاری «نتفلیکس» (Netflix) هم هست، شخص متقاضی خودرو را برای مدت زمان مشخصی «اجاره می‌کند» و این، اندکی با مدل «لیزینگ» تفاوت دارد. در واقع، در حالی که در یک قرارداد لیزینگ، فرد لیزینگ‌کننده در نهایت می‌تواند مالک خودرو شود، در قرارداد پرداخت «حق اشتراک» یا پرداخت «اجاره‌بها»، مالکیت خودرو همچنان در اختیار شرکت اجاره‌دهنده خواهد بود.

■ **لیزینگ چیست؟**

و اما تعریف: قرارداد «لیزینگ» (Lease Contract) نوعی از قرارداد است که در قالب آن، یک شرکت، مالکیت یک کالای بادوام را پس از تکمیل فرآیند پرداخت اجاره (یا اقساط) به مستاجر (یا پرداخت‌کننده

قسط) واگذار می‌کند.

به عبارت ساده‌تر، سرمایه‌گذار، با استفاده از سرمایه خود کالایی با دوام (معمولاً ملک، خودرو یا لوازم خانگی) را خریداری می‌کند و آن را به صورت اجاره در اختیار دیگری قرار می‌دهد و با پرداخت آخرین قسط اجاره، مالکیت به مستاجر انتقال پیدا می‌کند.

■ **انواع روش‌های لیزینگ خودرو**

به طور کلی اما روش‌های متفاوتی برای خرید لیزینگ خودرو وجود دارد. یکی از این روش‌ها، پرداخت «یک قسطی» است که در آن، متقاضی در تاریخ معینی که در قرارداد به آن اشاره شده، کل مبلغ مورد اشاره در قرارداد را پرداخت می‌کند.

لیزینگ و خرید اقساطی خودرو در ایران، با محدودیت و ممنوعیت مواجه شده است. روش دوم، روش پرداخت با «اقساط ادواری» است که مشابه پرداخت اقساط بانکی است. روش سوم هم وجود دارد که در واقع ترکیبی از دو روش بالا است. این در حالی است که معمولاً فروشندگانی که محصولات خود را به صورت فروش اقساطی به فروش می‌رسانند، قیمت کالا را با توجه به نرخ بهره و ارزش زمانی پول افزایش می‌دهند.

جدای از این روش‌ها، روش دیگری هم وجود دارد که به «اجاره به شرط تملیک» موسوم است. در این روش، مالک خودرو (اجاره‌دهنده یا موجر) طی قراردادی حق استفاده از خودرو را در یک دوره زمانی معین در مقابل وصول مال الاجاره به شخص حقیقی یا حقوقی (اجاره‌کننده یا مستاجر) واگذار می‌کند.

در این روش، اجاره‌دهنده مالک قانونی دارایی استیجاری است و در واقع، تا زمان عدم تسویه حساب، شما نمی‌توانید مالک خودرویی باشید که آن را به صورت لیزینگ خریداری کرده‌اید. بر این اساس، اجاره‌کننده به اصطلاح «مالک منافع آتی» دارایی مورد اجاره است و پس از تسویه اقساط یا مبلغ قرارداد، می‌تواند صاحب خودرو شود.

سایه سنگین فامیل بازی و مافیای قدرت و ثروت بر سر صنعت سیمان و فولاد

دلالتان میدان دار بازار مصالح ساختمانی

۱۲ درصد افزایش یافت. این مجوز در راستای توافق انجمن سیمان با سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولیدکنندگان صادر شد. طبق این بخشنامه به شرکتهای تولیدکننده سیمان اجازه داده شد در صورت فروش سیمان فله به مصرف کننده نهایی می توانند قیمت محصول را حداکثر ۱۲ درصد قیمت مصوب بابت هزینه های فروش مستقیم افزایش دهند.

رشد قیمت نهاده های ساختمانی و قیمت زمین به عنوان مولفه های درونی بخش مسکن در کنار متغیرهای بیرونی مثل جهش نرخ ارز، منجر به کاهش شدید قدرت خرید متقاضیان مسکن شده است. نمایندگان مجلس از فامیل ها و مافیای قدرت و ثروت در صنعت سیمان و فولاد سخن می گویند. اواخر اردیبهشت امسال نیز علیرضا رزم حسینی - وزیر صمت - در جمع نمایندگان مجلس، وجود مافیای سیمان و فولاد را تأیید کرد.

گروه اقتصادی: در شرایطی که بازار سیمان به ثبات رسیده و قیمت هر کیسه از حدود ۵۰ به ۳۶ هزار تومان کاهش یافته، اواسط ماه گذشته افزایش ۱۲ درصدی قیمت سیمان فله به شکل قانونی با هدف حذف واسطه ها و رسیدن محصول به دست مصرف کننده نهایی به تصویب رسید؛ با این حال کارشناسان معتقدند این تصمیم تأثیری در حذف مافیای سیمان ندارد و فقط منجر به افزایش قیمتها می شود.

بعد از کس و قوسهایی که از اواخر سال گذشته بر سر کمبود عرضه سیمان نسبت به تقاضا ایجاد شده و تا اردیبهشت امسال ادامه پیدا کرد، حالا این بازار تقریباً به ثبات قیمتی رسیده و هر پاکت که تا اردیبهشت امسال ۵۰ هزار تومان بالا رفته بود به حدود ۳۶ هزار تومان کاهش یافته است. با این حال روز ۱۸ خردادماه با یک مجوز قانونی از طرف انجمن سیمان خطاب به مدیران عامل شرکتهای تولیدکننده نرخ سیمان فله

رفتارها شایسته نظام اقتصادی ما نیست. وی خاطر نشان کرد: ایران یکی از بزرگترین کشورهای تولیدکننده سیمان جهان است اما عرضه سیمان را به قدری کاهش دادند تا قیمتها را پاکتی ۵۰ هزار تومان بالا بردند. بعد که خیالشان از رشد قیمت راحت شد تولید را افزایش دادند تا نرخ سیمان به پاکتی ۳۶ هزار تومان رسید اما با این رقمها راضی نیستند. پورحاجت مدعی است که کارخانجات بزرگ سیمان در کنار خود آدمهای بزرگ اقتصادی را گذاشته اند و آنها تصمیم می گیرند که ظرفیت بالا برود یا پایین بیاید تا بتوانند برای افزایش نرخها توجیه داشته باشند.

■ واسطه ها با تولید کنندگان یکی هستند؟ یکی از نمایندگان مجلس هم بیان کرده است: برخی تولید کنندگان و مدیران حوزه تولید با ایجاد واسطه، به دنبال کسب سود و منفعت هستند.

علی جدی - عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس - می گوید: با افزایش ۱۲ درصد قیمت سیمان با هدف حذف واسطه نه تنها دلالتان از

قطع گاز، یک بار با هدف حذف واسطه ها، یک روز با توجیه کمک به تولید کننده، تنها چیزی که در این فرآیند دیده نمی شود ضربه خوردن حوزه ساخت و ساز است. اگر تولید مسکن ضربه بخورد که خورده، باید در آینده منتظر افزایش قیمت مسکن در بازار باشیم. همین حالا هم حدود ۵۰ درصد سازندگان، این حوزه را ترک کرده و به فکر شغل دیگری هستند. فرساید پورحاجت با بیان این ادعا که مافیای مصالح ساختمانی، صنعت ساختمان را به ورطه نابودی کشانده اند گفت: مجوزهای رنگارنگ بارانت و امضاهای طلایی به شرکتهای تولیدکننده داده اند فارغ از اینکه در پایین دست چه اتفاقی می افتد. ظرفیت تولید کارخانجات سیمان نشان می دهد مشکل از کمبود تولید نیست. مشکل اساسی در ساز و کار ایجاد واسطه و دلالت در بازار مصالح ساختمانی است. در دو سال گذشته کارخانجات، دولت، مردم را بازیچه گرفته اند. یک شبه بر قشان قطع شد، یک شبه توزیع نشد، یک شبه قیمت را افزایش دادند. این

افزایش ۱۲ درصدی قیمت سیمان در حالی اتفاق افتاد که ۳۰ فروردین ماه امسال نیز انجمن سیمان قیمت سیمان پاکتی را ۲۵ تا ۲۶ درصد افزایش داد. بدین ترتیب قیمت هر پاکت سیمان ۵۰ کیلویی تیپ ۵ با احتساب ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده باید ۲۳ هزار و ۷۰۷ تومان می بود اما تا به دست سازندگان می رسید ۵۰ هزار تومان می شد. یعنی بیش از ۱۰۰ درصد افزایش قیمت که عمدتاً به جیب واسطه ها و دلالتان می رفت. در این شرایط به نظر نمی رسد افزایش ۱۲ درصدی نرخ سیمان فله درب کارخانه منجر به حذف واسطه ها شود.

کارشناسان و برخی نمایندگان مجلس معتقدند که تولیدکنندگان سیمان برای کسب منفعت خود به ایجاد واسطه می پردازند. انبوه سازان: نیمی از سازندگان، صنعت ساختمان را ترک کرده اند

دبیر کانون انبوه سازان می گوید: نرخ سیمان هر روز به یک بهانه بالا می رود؛ یک روز به دلیل قطع برق کارخانجات، یک بار به بهانه



ذیل اقدام نمایند:

(ارزش افزوده) * ۱۰۹] (حداکثر ۱۲ درصد قیمت مصوب بابت هزینه‌های فروش مستقیم) + (قیمت مصوب هر تن سیمان فله) [قیمت هر پاکت سیمان در تیرماه سال گذشته حدوداً ۱۸ هزار تومان بود که هم اکنون به ۳۶ هزار تومان رسیده و دو برابر شده است. البته وزیر صنعت، معدن و تجارت می‌گوید که افزایش نرخ دلار از ۱۴ هزار و ۵۰۰ تومان در اوایل سال گذشته به ۲۲ هزار تومان تا پایان همان سال در رشد قیمت سیمان تردید ناپذیر است.

از سال گذشته تا کنون برای کنترل بازارهای سیمان و فولاد، بارها جلسات کارشناسی بین مسئولان دولتی و نمایندگان مجلس برگزار شده است. کمیسیون عمران و کمیسیون صنایع مجلس نیز بعضاً تصمیماتی در خصوص نرخ‌گذاری اتخاذ کرده‌اند که ظاهراً تأثیرگذار نبوده است. در این شرایط دلالتان کماکان میدان دار بازار مصالح ساختمانی هستند.

به رغم منازعات ژئوپلیتیکی خلیج فارس، منافع زیست محیطی کشورهای منطقه در چارچوب بازی غیرمجموع صفر تأمین می‌شود. یعنی نه امکان حل کردن یک جانبه مشکلات وجود دارد و نه منافع حل این مشکلات منحصراً فقط به یک کشور می‌رسد.

نهایی (پروژه‌های عمرانی - صنایع سیمان بر - انبوه سازان) ضمن راه اندازی مکانیزم توزیع سیمان مستقیم، نسبت به فروش و تحویل سیمان فله با قیمت مصوب مصرف کننده با رعایت دستورالعمل ضمیمه نامه مورخ ۳۰ فروردین ۱۴۰۰ انجمن و بر اساس فرمول

میان برداشته نمی‌شوند بلکه قیمت تمام شده این کالا افزایش می‌یابد. اگر تولید کننده به دنبال حمایت از مصرف کننده است باید زمینه حذف واسطه‌ها و رساندن کالا به دست مصرف کننده را فراهم کند تا قیمت‌ها کاهش یابد. به هر ترتیب در بخشنامه روز ۱۸ خردادماه انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان خطاب به مدیران عامل شرکت‌های سیمان آمده است: «به منظور رعایت منافع مصرف کنندگان نهایی سیمان فله و کاهش التهاب در بازار مصرف سیمان فله و با عنایت به موافقت هیات مدیره انجمن مبنی بر فروش سیمان فله به مصرف کننده نهایی و با در نظر گرفتن هزینه‌های مرتبط با فروش مستقیم، بدین وسیله اعلام می‌گردد که کارخانجات سیمان با توجه به نامه مورخ ۲۱ فروردین ۱۴۰۰ سازمان حمایت مصرف کنندگان و تولید کنندگان و بر اساس قوانین مرتبط، مجوز می‌باشند در صورت درخواست برای خرید مستقیم سیمان فله توسط مصرف کنندگان

خیال بازار تا حدودی نسبت به آینده شاخص راحت شد

مکانیزم‌های بازگشت اعتماد به بازار سرمایه

محبوبه فکوری

نوع نگاه، حتماً کنش‌ها و واکنش‌های متفاوتی را از سوی بازار به دنبال خواهد داشت.

کردی معتقد است که اگر قرار است بانک مرکزی استقلال داشته باشد، بورس هم باید استقلال داشته باشد و همانطور که رئیس کل بانک مرکزی در دولت حضور داشته و از ایده‌های این بانک در خصوص نرخ ارز یا نرخ سود بانکی دفاع می‌کند، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار نیز باید در جلسات دولت حضور داشته و اظهار نظر کند.

به گفته وی، انتظار از دولت سیزدهم این است که جایگاه سازمان بورس را باز تعریف کند؛ چرا که اکنون هر تصمیمی فقط برای ۵ میلیون سهامدار نیست بلکه ۵۰ میلیون سهامدار را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وی افزود: یک بار برای همیشه باید تکلیف تصمیمات در بورس مشخص شود؛ به این معنا که برنامه فعالان بازار سرمایه برای دو سال آینده در بورس قابل اجرا بوده و شرایط قابل پیش بینی باشد؛ به هر حال نباید یادمان برود که اقتصاد حالت در بسته ندارد که فقط به سمت اقتصاد کلان برویم و اقتصاد خرد را فراموش کنیم یا برعکس حرکت نمائیم؛ برای همراهی بورس با سیاستهای کلان اقتصادی نیاز به عزم جدی وجود دارد و باید یکبار برای همیشه، تکلیف رشد اقتصادی، تورم و شاخص‌های کلان اقتصادی را در دوره کوتاه مدت و میان مدت مشخص کرد.

گذشته نسبت به وزارت اقتصاد و بانک مرکزی همواره، جایگاه نازل تری بوده؛ اگر چه تصمیمات این دو دستگاه به طور مستقیم بر روی بازار سرمایه اثر گذار است.

وی گفت: دیدگاه دولت جدید نسبت به بازار سرمایه به جز برخی اظهار نظرهایی که از سوی رئیس جمهور منتخب مطرح شده، به صورت شفاف مشخص نیست با این وجود فعالان بازار با فراغ بال بیشتری نسبت به گذشته اقدام به سرمایه‌گذاری جدید در بازار کرده‌اند. کردی با بیان اینکه یکی از مسائلی که ذهن فعالان بازار را مشغول کرده است، موضوع قیمت گذاری دستوری است، گفت: هنوز تکلیف بازار سرمایه در دولت جدید به لحاظ نوع نگاه به قیمت گذاری دستوری مشخص نیست؛ اگر چه ایشان مطرح کرده است که شفافیت را بر بورس حاکم کرده و بازار سرمایه قرار نیست فلک دولت باشد؛ اما به هر حال فعالان بازار همچنان منتظر هستند تا بدانند دولت جدید چه تصمیماتی را برای این بازار در دستور کار خود قرار خواهد داد.

وی اظهار داشت: ممکن است هدف دولت این باشد که بازار سرمایه را همچون سال گذشته، رونق داده و توسعه دهد، به عنوان مثال ممکن است که بر روی بحث افزایش سهامداران یا سهام عدالت متمرکز شود یا اینکه تأمین مالی از بازار ثانویه را برای بازار اولیه در دستور کار قرار دهد که بالطبع، هر

یک تحلیلگر بازار سرمایه با تاکید بر اینکه رئیس سازمان بورس باید همچون رئیس کل بانک مرکزی در جلسات هیات دولت حضور یابد، گفت: اکنون تصمیمات برای ۵۰ میلیون سهامدار اتخاذ می‌شود.

پیام الیاس کردی در خصوص مکانیزم‌های بازگشت اعتماد به بازار سرمایه در دولت سیزدهم گفت: با توجه به اینکه رئیس جمهور منتخب در ۴ سال آینده در مسند قدرت خواهد بود و مشخص گردید که مسائل اقتصادی دولت به کدام سمت قرار است هدایت شود، بازار سرمایه از ابهام گذشته تا حدودی خارج شده اما برخی ابهامات همچنان در بازار وجود دارد و فعالان بازار سرمایه به صورت دقیق نمی‌دانند که چه اتفاقاتی قرار است برای بازار سرمایه رخ داده و دولت جدید چه نگاهی را قرار است به بازار سرمایه تزریق کند. تحلیلگر بازار سرمایه افزود: البته در روزهای گذشته گمانه‌زنی‌هایی نیز در خصوص افرادی که بر مسند وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی خواهند نشست، صورت گرفته که اتفاقاً نام هر یک از این افراد که مطرح شده، با تکذیب مواجه گردیده است؛ اما نوع نگاه و پیگیری فعالان بازار سرمایه از این دو پست مهم و کلیدی دولت حکایت از آن دارد که انتخاب این دو نفر و نوع نگاه آنها، به اندازه بسیار زیادی برای فعالان بورس حائز اهمیت است.

وی تصریح کرد: جایگاه بورس در

بدهکاری دولت همیشه بد است؟

محمد رضا حسن پور

بر خلاف تصور رایج، بدهکار شدن دولت‌ها به خودی خود امری مذموم نیست. در واقع در بسیاری از موارد بدهکار شدن ناشی از پاسخ بهینه به شرایط موجود است. در یادداشت پیشین گفتیم که دولت‌ها به دلایل مختلف بدهکار می‌شوند و برای تأمین این بدهی‌های روش‌های گوناگونی را انتخاب می‌کنند. انتشار اوراق بدهی یکی از شناخته‌شده‌ترین و کم‌ضررترین روش‌های تأمین کسری بودجه دولت است. با این وجود این روش نیز آثار و هزینه‌هایی دارد که توجه به آن‌ها ضروری است. آشکارترین این هزینه‌ها، سودی است که باید در سررسید اوراق پرداخت شود. به جز این، انتشار اوراق هزینه‌های دیگری نیز برای اقتصاد دارد که ممکن است در نگاه اول چندان به چشم نیاید. چشم‌پوشی از این هزینه‌ها ممکن است تصویری را ایجاد کند که دولت‌ها بدون هیچ نگرانی می‌توانند کسری داشته باشند و آن را با اوراق تأمین مالی کنند. حال آن که دولت‌ها باید با در نظر گرفتن هزینه‌ها و فایده‌ها، کسری بودجه خود را طوری مدیریت کنند که بیشترین منفعت عاید جامعه شود.

بر خلاف تصور رایج، بدهکار شدن دولت‌ها به خودی خود امری مذموم نیست. در واقع در بسیاری از موارد بدهکار شدن ناشی از پاسخ بهینه به شرایط موجود است. به عنوان مثال فرض کنید به دلیل رخداد حادثه‌ای غیرمنتظره نظیر زلزله، هزینه‌های دولت به صورت موقت افزایش یابد. افزایش مالیات در این شرایط نمی‌تواند پاسخی مناسب جهت پوشش این هزینه جدید باشد. چرا که بالا بردن مالیات علاوه بر ایجاد نارضایتی، فرآیندی زمان‌بر بوده و درآمدهای مالیاتی جدید با تأخیر محقق می‌شود. به همین دلیل بهتر است هزینه‌های جدید و غیرمنتظره از طریق ایجاد بدهی تأمین مالی شود. اما فواید ایجاد بدهی تنها محدود به هنگام وقوع حوادث غیرمنتظره نمی‌شود. استفاده از این ابزار می‌تواند راهکاری قابل قبول در زمان رکود اقتصادی نیز باشد. در هنگام رکود تقاضا، دولت با افزایش مخارج خود و تأمین آن از طریق ایجاد بدهی، می‌تواند به خروج اقتصاد از شرایط رکود کمک کند. حتی

در بحران اخیر مالی نیز دولت آمریکا از ایجاد بدهی جهت تأمین مخارج مورد نیاز برای نجات مؤسسات بحران زده استفاده کرد. به طوری که بر اساس آمارها نسبت بدهی دولت آمریکا به تولید ناخالص داخلی این کشور از ۶۴ درصد در سال ۲۰۰۷ به ۹۰ درصد در سال ۲۰۱۰ افزایش یافت، علاوه بر حوادث و بحران‌ها، ایجاد بدهی در هنگام اصلاحات اقتصادی نیز می‌تواند راهگشا باشد. اصلاحات اقتصادی برندگان و بازندگان دارد، که پیاده‌سازی آن را در یک نظام مردم‌سالار دشوار می‌کند. این دشواری از آن جا نتیجه می‌شود که پیش‌بینی برندگان و بازندگان اصلاحات برای مردم به راحتی امکان‌پذیر نیست. هر چند که هدف اصلی اصلاحات اقتصادی این است که وضعیت عموم مردم بهبود یابد. در این شرایط دولت می‌تواند با در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای مردم و تأمین هزینه‌های آن از طریق ایجاد بدهی، جامعه را با خود همراه کند. بنابراین موارد متعددی را می‌توان برشمرد که بدهکار شدن دولت می‌تواند باعث بهتر شدن وضعیت جامعه شود. البته تمامی مواردی که در این جا اشاره کردیم، مربوط به تأمین هزینه‌های جدید موقتی بود. برای تأمین هزینه‌های جدیدی که ماندگار هستند، راهی جز افزایش درآمدهای دولت وجود ندارد. تصور این که دولت می‌تواند با ایجاد بدهی کسری بلندمدت خود را جبران کند، مانند این است فکر کنیم فردی می‌تواند تا پایان عمر با قرض گرفتن از دیگران زندگی خود را بگذراند. متأسفانه آن چه در روند بدهی دولت‌ها مشاهده می‌کنیم، با دلایلی که ایجاد آن را موجه می‌کند، هم‌خوانی ندارد. برای روشن شدن پیامدهای این مسئله، لازم است ببینیم ایجاد بدهی چه هزینه‌هایی برای جامعه دارد. در این راستا، پیش از هر چیز باید به این نکته به ظاهر بدیهی توجه کنیم که ایجاد بدهی (به جز حالتی که از دولت‌های خارجی قرض گرفته می‌شود) چیزی بر منابع در دسترس درون یک اقتصاد اضافه نمی‌کند. بنابراین با افزایش بدهی دولت، یا مصرف و یا سرمایه‌گذاری خصوصی کاهش می‌یابد. با کاهش سرمایه‌گذاری، انبار سرمایه درون اقتصاد به مرور زمان کم می‌شود و تضعیف تولید و کاهش بهره‌وری نیروی کار را به دنبال دارد. بنابراین یک اثر منفی ایجاد بدهی که مستقیماً از محدودیت منابع اقتصاد ناشی می‌شود، کاهش سرمایه‌گذاری خصوصی است. البته انتظار می‌رود در مواقعی که ایجاد بدهی بنا بر منطق درست اقتصادی انجام می‌گیرد این اثر ناچیز باشد و فواید به دست آمده، آن را جبران کند. اثر مخرب

دیگری که برای افزایش بی حساب کتاب بدهی و انتشار آن در قالب اوراق می‌توان برشمرد، بالا رفتن نرخ بهره است. افزایش عرضه اوراق بدهی دولتی نرخ سود این اوراق را بالا می‌برد. در نتیجه بانک‌ها نیز مجبور می‌شوند نرخ‌های سود بیشتری را برای تسهیلات دهی به خانوارها و کسب و کارها پیشنهاد دهند و ناگزیر تأمین مالی برای آن‌ها سخت‌تر می‌شود. افزایش بدهی به دلایل غیر اقتصادی می‌تواند استفاده از این ابزار را در مواقع ضروری دشوار کند. حتی یک بدهی کوچک که از طریق انتشار اوراق ایجاد می‌شود، به مرور زمان می‌تواند مانند یک گلوله برفی بزرگ شود. چرا که اگر دولت بدون توجه به اقتصاد، اوراق جدید منتشر کرده باشد و درآمدهای بازپرداخت آن در نظر نگرفته باشد، در زمان سررسید چاره‌ای جز انتشار اوراق جدید به اندازه اصل و سود بدهی پیشین ندارد. در این صورت مقدار بدهی متناسب با نرخ سود زیاد می‌شود. زیاد شدن بدهی سود اوراق را بالا برده و قرض گرفتن دولت را سخت‌تر می‌کند. بنابراین انتشار بی‌محابای بدهی دولت در نهایت به قیمت کاهش انعطاف‌پذیری دولت در مواجهه با حوادث و بحران‌های آینده تمام خواهد شد. مانند بسیاری از پدیده‌های دنیای واقعی، بدهکار شدن دولت نیز پدیده‌ای سیاه یا سفید نیست. این پدیده در بسیاری از مواقع می‌تواند به بهبود رفاه جامعه بینجامد. اما ایجاد بدهی و تأمین آن از بهترین روش ممکن، یعنی انتشار اوراق، هزینه‌هایی آشکار و پنهان دارد که بی‌توجهی به آن می‌تواند آثار مخربی داشته باشد. بسیاری نگران هستند که فراهم بودن امکان انتشار اوراق توسط دولت‌ها منجر به بی‌انضباطی مالی آن‌ها شود. زیرا دولت‌ها ممکن است به این امکان به چشم یک منبع درآمد نامحدود و بدون هزینه نگاه کنند و در نتیجه انگیزه آن‌ها برای کنترل هزینه‌ها و با افزایش درآمدهای پایدار نظیر مالیات کاهش یابد. به خصوص این که بسیاری از هزینه‌های انتشار بی‌رویه اوراق زمانی پدیدار می‌شود که دولت کنونی در مسند قدرت نیست. همین عامل می‌تواند انگیزه‌ای مضاعف برای دولت کنونی جهت افزایش بدون منطق بدهی باشد. در این یادداشت تنها به زبان‌های تأمین مالی بدهی از طریق انتشار اوراق پرداختیم؛ که گمان می‌رود کم‌هزینه‌ترین روش تأمین مالی بدهی دولت باشد. در یادداشت بعدی به پیامدهای روش‌های دیگر تأمین بدهی دولت می‌پردازیم که از قبیل بیشترین کاربرد را در اقتصاد ایران داشته‌اند.

سرکوب قیمت‌ها به بهانه حمایت از مصرف‌کننده قیمت‌گذاری دستوری آفت اقتصاد کشور

زهرا مهدوی

نجومی قیمت‌ها شدید و در نهایت نیز دولت مجبور شد از محل واردات مرغ مورد نیاز کشور را تأمین کند و حتی با وجود تشکیل قرارگاه ساماندهی مرغ، بازار این ماده پروتئینی هنوز به آرامش کامل نرسیده است. البته پس از چند ماه دولت از سر ناچاری اقدام به اصلاح (افزایش) قیمت مصوب مرغ کرد اما اقدامی دیر هنگام بود و نتوانست تبعات تصمیم قبلی دولت را آنگونه که باید رفع و رجوع کند.

در حالی که گرانی و کمبود نهاده‌های دامی و علوفه و افزایش سایر هزینه‌های تولید، دامداران را دچار چالش جدی کرده، دولت حاضر نیست از قیمت‌گذاری دستوری محصول نهایی دست بردارد. این در حالی است که سال گذشته نیز دولت به بهانه حمایت از مصرف‌کنندگان حاضر به تعدیل (افزایش) نرخ مصوب مرغ متناسب با افزایش هزینه‌های تولید نشد و در نتیجه این سرکوب قیمت، شاهد کاهش تولید، بروز کمبود شدید و در نهایت افزایش

تولید داخل هستند، افزود: هم اکنون قیمت کاه و کلش که ارزش غذایی زیادی هم ندارد به کیلویی ۲، ۵۰۰ تومان رسیده در حالی که دو سال قبل کیلویی ۵۰۰ تومان بوده است.

رهنمایی اضافه کرد: کمبود نهاده‌های دامی و افزایش مصرف علوفه‌های خشبی در کنار خشکسالی پیش آمده از جمله دلایل این امر است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به افزایش چشمگیر هزینه‌های تمام شده تولید، گفت: هم اکنون قیمت تمام شده تولید هر کیلوگرم شیر خام بین ۶ هزار و ۵۰۰ تا ۷ هزار تومان است اما همچنان شیر را از دامدار کیلویی ۴ هزار و ۵۰۰ تومان خریداری می‌کنند.

پاییز سال گذشته، هزینه واکسیناسیون تب برفکی یک گاوداری با حدود ۷۰۰ رأس دام، حدود ۵ میلیون تومان بوده اما امسال این رقم به ۳۵ میلیون تومان رسیده و ۷ برابر شده است. اردیبهشت ماه امسال نیز رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی گاوداران در این زمینه در گفتگو با خبرنگار مهر با اشاره به افزایش نرخ مصوب نهاده‌های دامی، افزایش ۴۰ درصدی دستمزدها و افزایش قیمت علوفه‌های خشبی گفت: سال گذشته قیمت هر کیلوگرم بونجه ۲۵۰۰ تومان بوده اما هم اکنون قیمت آن ۵۷۰۰

دشواری به سر می‌برند، افزود: متأسفانه یک سال و نیم است که تولیدکنندگان فریاد می‌زنند شرایط مطلوب نیست اما کسی صدای آنان را نمی‌شنود.

این فعال بخش خصوصی نحوه واردات غلات و نهاده‌های دامی به کشور را افتضاح خواند و گفت: شیوه توزیع نهاده‌ها در سامانه بازارگاه مطلوب است و دامداران از آن رضایت دارند اما این سامانه مانند بنزی است که بنزین ندارد بنابراین نمی‌تواند حرکت کند.

رهنمایی با تأکید بر اینکه شرایط فعلی تولید بسیار بسیار بسیار بحرانی است، اضافه کرد: اتفاقی که سال گذشته برای مرغ افتاد با ادامه این روند برای دام نیز رخ می‌دهد و دامداری به گونه‌ای نیست که مانند مرغ بتوان کاهش تولید آن را در مدت زمان کوتاهی جبران کرد. این فعال بخش خصوصی تأکید کرد که متأسفانه به دلیل عدم تأمین نهاده‌های دامی، گله‌های مولد در حال حذف شدن هستند که این خسارت را هیچ چیزی نمی‌تواند جبران کند و معتقدم کسانی که باعث اختلال در سیستم تأمین و توزیع نهاده‌های شده‌اند، خیانت بزرگی به کشور کرده‌اند.

■ **گرانی سرسام آور علوفه‌های خشبی!**
وی با اشاره به گرانی علوفه‌های خشبی که

در صنعت دامداری نیز تجربه قیمت‌گذاری دستوری دولت در حال تکرار است؛ از سال گذشته هشدارها درباره وضعیت نامطلوب تأمین نهاده‌های دامی و خطر حذف دام‌های مولد افزایش یافت و امسال نیز خشکسالی موجب فقر شدید مراتع کشور و در نتیجه کمبود علوفه شده و به وضعیت بحرانی تولید دامن زده است ضمن اینکه در خردادماه نیز نرخ سبوس آزاد شد که در نتیجه این اقدام، به گفته سید احمد مقدسی، رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی گاوداران کشور، قیمت سبوس از ۱، ۴۰۰ تومان در هر کیلوگرم به ۴، ۷۰۰ تومان در هر کیلوگرم رسید.

■ **کشتار دام‌های مولد، بحرانی که نادیده گرفته می‌شود**

اسفندماه سال گذشته، موسی رهنمایی، قائم مقام نظام صنفی کشاورزی و منابع طبیعی کشور در گفتگو با خبرنگار مهر عنوان کرده بود: ما از دولتمردان می‌خواهیم که تدابیری بیندیشند تا روزهای پایانی سال جاری و روزهای ابتدای سال آینده، تنش کمتری را در حوزه تأمین نهاده‌های دامی شاهد باشیم. وی همچنین در اردیبهشت ماه ۱۴۰۰ در گفتگویی دیگر با خبرنگار مهر با بیان اینکه مرغداران و دامداران کشور در شرایط بسیار

تومان در هر کیلوگرم است همچنین قیمت ذرت علوفه‌ای که پارسال ۹۰۰ تومان نبوده هم اکنون به ۱۵۰۰ تومان افزایش یافته است. با چنین قیمت‌هایی در بازار نهاده‌های دامی، طبیعی بود که قیمت شیر خام تولیدی توسط دامداری‌ها با افزایش مواجه شود و انتظار این بود که سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان به نمایندگی از دولت، پس از بررسی مستندات، با افزایش معقول و منطقی شیر خام تولیدی توسط دامداری‌ها موافقت کند. مقدسی اوایل خردادماه از بررسی قیمت شیر خام در سازمان حمایت با حضور دستگاه‌های مسئول و ذی‌نفعان خبر داده بود و در شرایطی که دامداران کشور برای اصلاح قیمت شیر خام لحظه‌شماری می‌کردند، ۲۲ خرداد ۱۴۰۰، مقدسی به خبرنگار مهر گفت که تعیین قیمت شیر خام به بعد از انتخابات موکول شده است (جزئیات بیشتر را اینجا بخوانید). قائم مقام نظام صنفی کشاورزی در گفتگو با خبرنگار مهر درباره نرخ منطقی شیر خام گفته بود: قیمت تمام شده تولید شیر خام هم اکنون حدود شش هزار تومان و قیمتی که تشکل‌ها روی آن به توافق رسیده‌اند با ۱۰ درصد سود ۶۶۶ تومان است، قیمت مورد نظر وزارت جهاد کشاورزی نیز همین حدود است. وی با اشاره به چند برابر شدن نرخ نهاده‌ها و علوفه دامی معتقد بود: علاوه بر اینکه نرخ مصوب نهاده‌ها افزایش داشته، تمام نهاده مورد نیاز دامداران نیز با نرخ مصوب به دست آنان نمی‌رسد و بخشی از آن را باید از بازار آزاد تأمین کنند. قیمت یونجه امسال به ۵۰۰ تومان رسیده در حالی که در مدت مشابه سال قبل بین ۲۰۰ تا ۲۰۰ تومان بوده همچنین قیمت کاه که ارزش غذایی زیادی هم ندارد، سال گذشته ۱۰۰۰ تومان بوده امسال به حدود ۳۰۰، ۵۰۰ تومان رسیده و کرایه حمل و نقل و سایر هزینه‌های تولید نیز افزایش سرسام‌آوری داشته است.

هزینه واکسیناسیون تب برفکی در کمتر از یکسال ۷ برابر شد!

به گفته رهنمایی، نه فقط قیمت نهاده‌ها بلکه قیمت سایر مؤلفه‌های تولید نیز با افزایش

شدیدی مواجه شده است، به طوری که در پاییز سال گذشته، هزینه واکسیناسیون تب برفکی یک گاوداری با حدود ۷۰۰ رأس دام، حدود ۵ میلیون تومان بوده اما امسال این رقم به ۳۵ میلیون تومان رسیده و ۷ برابر شده است. رهنمایی معتقد بود گره زدن قیمت شیر خام به انتخابات اقدام درستی نیست و به نوعی سرکوب قیمت به حساب می‌آید و ضررهای جبران‌ناپذیری به صنعت وارد می‌کند؛ و بر همین اساس از دولت خواسته بوداز سرکوب قیمت محصولات کشاورزی دست بردارد. تنه‌راه برون رفت از این شرایط حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی و آزادسازی بازار براساس بحث عرضه تقاضاست ضمن اینکه باید اجازه صادرات شیر و گوشت و فرآورده‌های لبنی داده شود تا تولید در یک چرخه درست قرار بگیرد وی با بیان اینکه قیمت عمده کالاهای اساسی از روغن، شکر، برنج گرفته تا فرآورده‌های لبنی از نوزاد تاکنون افزایش چشمگیری داشته است، گفت: نقش این کالاهای در زندگی مردم بسیار پررنگ‌تر است و بنابراین ما معتقدیم که دولت بهانه خوبی می‌کند تا قیمت شیر را افزایش ندهد. در حالی که صنعت دامداری کشور در انتظار تعیین نرخ جدید شیر خام بود، روز دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۰، سید احمد مقدسی، رئیس هیأت مدیره انجمن صنفی گاوداران در گفتگو با خبرنگار مهر از تعیین قیمت ۴۰۰ تومان برای هر کیلوگرم شیر خام با چربی ۳.۲ درصد

اسفندماه سال گذشته، موسی رهنمایی، قائم مقام نظام صنفی کشاورزی و منابع طبیعی کشور در گفتگو با خبرنگار مهر عنوان کرده بود: ما از دولت‌مردان می‌خواهیم که تدابیری بیندیشند تا روزهای پایانی سال جاری روزهای ابتدای سال آینده، تنش کمتری در حوزه تأمین نهاده‌های دامی شاهد باشیم.

درب گاوداری خبر داده و گفته بود: این نرخ فردا (اول تیرماه) ابلاغ می‌شود. صنایع لبنی در واکنش به این خبر اعلام کردند اگر نرخ شیر خام اینگونه افزایش یابد، نرخ محصولات لبنی تا ۷۰ درصد افزایش قیمت را تجربه خواهد کرد؛ به همین دلیل و در کمال ناباوری، رئیس دفتر رئیس جمهور با تکذیب افزایش قیمت شیر خام، اعلام کرد که دولت قصدی برای افزایش قیمت شیر خام ندارد.

اصلاح نرخ شیر خام، قیمت لبنیات را چقدر افزایش خواهد داد؟

فعالان صنعت دامداری معتقدند بعد از اینکه در آذرماه ۱۳۹۹ قیمت شیر خام ۴، ۵۰۰ تومان تعیین شد، قیمت فرآورده‌های لبنی چندین مرتبه افزایش یافت بنابراین هم اکنون که نرخ شیر خام به دلیل افزایش سرسام‌آور نرخ مؤلفه‌های تولید، باید حدود ۴۵ درصد رشد کند، دلیلی ندارد که قیمت لبنیات ۷۰ درصد گران شود.

نهاده‌های دولتی ۳۰ تا ۳۵ درصد جیره غذایی گاو را تشکیل می‌دهد

با عقب‌نشینی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان از اصلاح (افزایش) قیمت شیر خام به دلیل گرای دولت، دامداران می‌گویند اگر دولت نرخ شیر خام را اصلاح نمی‌کند، باید نهاده‌های تولید را با نرخ معقول در اختیار ما قرار دهد. در همین زمینه یک دامدار در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: دولت تنها سه قلم نهاده جو، ذرت و کنجاله سویا را با نرخ دولتی تأمین می‌کند که آن هم به صورت ۱۰۰ درصد نیست ضمن اینکه این سه قلم تمام جیره غذایی گاو را تشکیل نمی‌دهد و علاوه بر آن یونجه، کاه و سیلوی ذرت نیز باید در جیره غذایی این دام باشد که این علوفه‌های خشکی افزایش قیمت سرسام‌آوری را تجربه کرده‌اند. همچنین یک دامدار دیگر در گفتگو با خبرنگار مهر گفت: جو، ذرت و کنجاله سویا و سبوس نهایتاً ۳۰ تا ۳۵ درصد خوراک روزانه گاو را تشکیل می‌دهند، ۵۰ تا ۵۵ درصد آن را علوفه و حدود ۱۰ درصد رانیز مکمل‌ها و... تشکیل می‌دهد.

تحلیل گزارش اخیر بانک مرکزی درباره افزایش ۳۰ درصدی معاملات مسکن بازار مسکن «زنده» شد؟

مریم فکری

که نسبت به ماه قبل ۲۹.۶ درصد افزایش یافته؛ اگر چه این تعداد معاملات نسبت به خردادماه پارسال ۵۲.۷ درصد کاهش داشته است. البته کاهش معاملات در طول یک سال گذشته به نظر می‌رسد به دلیل رشد ۵۶.۶ درصدی قیمت در طول یک سال بوده است؛ به طوری که متوسط قیمت هر متر مربع مسکن از ۱۸.۹ میلیون تومان در خردادماه ۹۹ به ۲۹.۶ میلیون تومان در خردادماه افزایش یافته است. طبق آمارهای بانک مرکزی، قیمت مسکن در ماه خرداد نسبت به اردیبهشت نیز رشد ۳ درصدی را تجربه کرده است؛ این در شرایطی است که رییس اتحادیه مشاوران املاک این عدد را رد می‌کند و می‌گوید: فضای بازاری که ما شاهد هستیم، نشان می‌دهد که قیمت‌ها افزایشی نبوده و بلکه کاهش یافته است.

کارشناسان اقتصاد مسکن معتقدند در ماه‌های آینده بازار مسکن از یک ثبات و آرامش نسبی به لحاظ قیمتی برخوردار شود و افزایش قیمت‌ها کمتر از تورم باشد.

بازار مسکن تکان خورد؛ این را می‌شود در ارقام تازه بانک مرکزی مشاهده کرد. بر همین اساس، قیمت مسکن بعد از ۲ ماه مجدداً صعودی و در خردادماه میزان معاملات آن یک ماهه ۳۰ درصد بیشتر شده است. این در حالی است که بنا به تحلیل کارشناسان، در این ماه بازدهی بورس و طلا تنها یک درصد بوده، ولی قیمت مسکن ۳ درصد گران شده است.

بنا به گزارش بانک مرکزی، در خردادماه امسال تعداد معاملات آپارتمان‌های مسکونی شهر تهران به ۵۰۱ هزار واحد مسکونی رسید

ممکن است نوبزهایی در قیمت‌ها ظاهر شود؛ به خصوص وقتی درباره ماه‌های اول سال صحبت می‌کنیم. وی توضیح می‌دهد: ماه‌های فروردین و اردیبهشت امسال تقریباً بازار در حالت نیمه تعطیل قرار داشت؛ چه به لحاظ فصلی و بهار حجم معاملات پایین بود و چه به لحاظ ابهام سیاسی و اقتصادی که به دلیل برجام و انتخابات ریاست جمهوری وجود داشت و چه به دلیل کرونا که تعاملات بازار مسکن کاهش یافت؛ چرا که بسیاری از بنگاه‌ها تعطیل بودند. این کارشناس اقتصاد مسکن متذکر می‌شود: بر این اساس، نه آمار فروردین و اردیبهشت که حکایت از کاهش قیمت مسکن می‌کرد، قابل اتکا بودند و نه آمار خرداد که حکایت از افزایش معاملات و قیمت‌ها دارد. بنابراین آنچه که مادر آمارهای خردادماه شاهد هستیم، شاید جبران خطاهای آمارهای فروردین و اردیبهشت باشد.

کارشناس اقتصاد مسکن در این خصوص می‌گوید: گزارش‌های ماهانه بخش مسکن چندان قابل اتکا نیستند. به طور معمول برای این که تصویر بهتری از بازار مسکن داشته باشیم، باید بازار را در بازه ۳ ماهه بررسی کنیم، زیرا در مقاطع ماهانه بنا به دلایلی

اهای فروردین و اردیبهشت امسال تقریباً بازار در حالت نیمه تعطیل قرار داشت؛ چه به لحاظ فصلی و بهار حجم معاملات پایین بود و چه به لحاظ ابهام سیاسی و اقتصادی که به دلیل برجام و انتخابات ریاست جمهوری وجود داشت و چه به دلیل کرونا که تعاملات بازار مسکن کاهش یافت؛ چرا که بسیاری از بنگاه‌ها تعطیل بودند.

مصطفی قلی خسروی تاکید می‌کند: بازار مسکن در حال حاضر وضعیت ریزشی را دنبال می‌کند و امیدوارم فضا به سمتی برود که قیمت‌ها کاهش یابد.

■ بازار مسکن احیا شد؟

گزارش‌ها نشان می‌دهد که در دو ماه اول سال و در اکثر ماه‌های سال گذشته حجم معاملات مسکن زیر ۵ هزار واحد در ماه بود. به این ترتیب، با افزایش ۳۰ درصدی حجم معاملات مسکن در خردادماه، تعداد معاملات ثبت شده در این ماه به ۵ هزار و ۱۰۰ فقره رسیده که این تعداد، معادل کف رکودی همیشگی بازار مسکن است و تحلیل‌ها حاکی از آن است که بازار مسکن از وضعیت زیر صفر خارج شده و به نزدیکی وضعیت صفر رسیده است. بر همین اساس، این سوال مطرح است که آیا افزایش ۳۰ درصدی معاملات مسکن، می‌تواند نشان‌دهنده احیای بازار مسکن و خروج از رکود باشد؟ مهدی سلطان محمدی،



■ ثبات نسبی در بازار

سلطان محمدی عنوان می‌کند: اگر بخواهیم مجموع سه ماه گذشته بازار مسکن را بررسی کنیم، بازار فعلا در یک ثبات نسبی به سر می‌برد و حجم معاملات نیز در مقایسه با سال‌های قبل بسیار پایین است.

وی درباره رکود بازار مسکن می‌گوید: فعلا ما هیچ قضاوتی در این خصوص براساس داده‌های بانک مرکزی نمی‌توانیم کنیم؛ مگر حدس‌های دیگری بزنیم. ولی نه حجم معاملات و قیمت‌ها و نه حجم ساخت‌وساز تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته است، بنابراین از هر نظری بخواهیم نگاه کنیم، فعلا قضاوتی درباره رکود یا رونق براساس این داده‌ها نمی‌توانیم داشته باشیم.

■ پیش‌بینی بازار مسکن

این کارشناس اقتصاد مسکن درباره فضای بازار مسکن در ماه‌های آینده تصریح می‌کند: پیش‌بینی در مسایل اجتماعی و انسانی با پیش‌بینی در مسایل طبیعی تقریباً متفاوت است، زیرا متغیری تحت عنوان انسان و سیاست‌گذاری‌های آن وارد داستان می‌شود. سلطان محمدی توضیح می‌دهد: این که چه اتفاقی می‌افتد، به این بستگی دارد که

فعلا ما هیچ قضاوتی در این خصوص براساس داده‌های بانک مرکزی نمی‌توانیم کنیم؛ مگر حدس‌های دیگری بزنیم. ولی نه حجم معاملات و قیمت‌ها و نه حجم ساخت‌وساز تغییر قابل ملاحظه‌ای داشته است، بنابراین از هر نظری بخواهیم نگاه کنیم، فعلا قضاوتی درباره رکود یا رونق براساس این داده‌ها نمی‌توانیم داشته باشیم.

چه تصمیماتی در مورد اقتصاد در ماه‌های آتی خواهیم گرفت. متأسفانه سیاست‌های اقتصادی کاملاً مبهم است، یعنی هنوز نمی‌دانیم دولت جدید چه سیاست‌هایی را به طور مشخص اتخاذ خواهد کرد؛ البته اهدافی اعلام شده، ولی برنامه‌ها و سیاست‌هایی که پیش‌بینی‌ها از چشم‌انداز افزایش ۵۰ برابری درآمدهای نفتی در دولت رئیسی حکایت می‌کند اقتصاد را به سمت رونق ببرد، به طور روشن اعلام نشده است. وی با بیان این که باید صبر

کنیم و ببینیم سیاست‌ها به چه سمتی خواهد رفت، می‌گوید: اگر همین روند فعلی بخواهد تداوم داشته باشد که تورم بالای ۴۰ تا ۵۰ درصدی باشد، استقراض از بانک مرکزی تداوم داشته باشد و گشایشی در برجام حاصل نشود، به طور طبیعی با تورم نسبتاً بالایی روبه‌رو خواهیم بود و خواه‌ناخواه بخش مسکن از این تورم متأثر خواهد شد. این کارشناس اقتصاد مسکن می‌افزاید: اگر تصمیم بگیریم با یک سیاست‌گذاری جدیدی وارد شویم و کسری بودجه را کاهش دهیم و سیاست انقباضی در مصارف در پیش بگیریم و منابع درآمدی بیشتری از طریق برجام به دست آید، می‌توانیم امیدوار باشیم که فشارهای تورمی کاهش یابد و بخش مسکن نیز آرامش بیشتری خواهد داشت. سلطان محمدی متذکر می‌شود: در کل امداد فضای بازار مسکن نه‌انتظار افزایش قیمت شدید مسکن مانند آنچه که در دو سه سال گذشته شاهد بودیم، اتفاق خواهد افتاد و نه ریزش قیمت‌ها و سقوط که واقع‌بینانه نیست. ما پیش‌بینی می‌کنیم که بازار از یک ثبات و آرامش نسبی به لحاظ قیمتی برخوردار شود و افزایشی را بازار تجربه کند؛ اما به احتمال زیاد کمتر از تورم خواهد بود.

پیش بینی ها از چشم انداز افزایش ۵۰ برابری درآمدهای نفتی در دولت رئیس حکایت می کند دولت سیزدهم و نفت ۱۰۰ دلاری!

محمد مهدی حاتمی

صادر کند؛ قیمت هر بشکه نفت حدود ۸۵ دلار (میانگین ۷۰ دلار کنونی و ۱۰۰ دلار پیش بینی شده) باشد و البته تمام درآمد نفتی صادراتی ایران قابل انتقال به حساب‌های ارزی کشور باشد، دولت ابراهیم رئیسی چقدر ثروتمندتر از دولت کنونی است؟ محاسبه ساده‌ای است: دولت آینده، با فرض سناریوی بالا، تنها در ۶ ماهه دوم سال ۱۴۰۰، حدود ۳۱ میلیارد دلار درآمد نفتی خواهد داشت. با همین قیمت و همین عددها، درآمد نفتی ایران در سال ۱۴۰۱ می‌تواند به سالانه حدود ۶۰ میلیارد دلار برسد، یعنی ۵۰ برابر بیش از درآمد نفتی دولت روحانی در سال ۱۳۹۹!

چون بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درآمد نفتی دولت در شش ماهه اول سال ۹۹ حدود ۷۰۰ میلیون دلار بود و محمدباقر نوبخت هم گفته بود درآمد نفتی ایران در سال ۹۹ حدود ۱.۲ میلیارد دلار بوده. شرکت سرمایه‌گذاری «مگلان کپیتال»، پیش‌بینی کرده که تقاضای بالا و البته تورم و فشار سهامداران بر بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، می‌تواند منجر به بحران عرضه نفت و قیمت بالای ۱۰۰ دلار تا ۳ سال آینده شود.

فروش نفت و گشایش گره اقتصاد؟
امانفت ۱۰۰ دلاری و درآمد ۶۰ میلیارد دلاری چه اثری بر اقتصاد و معیشت مردم می‌گذارد؟ از سال ۹۰ به این سو، درآمد نفتی ایران افت کرده و حداقل با درآمد رؤیایی دولت محمود احمدی‌نژاد اختلاف زیادی داشته.

در سراسر دهه ۱۳۹۰، رشد اقتصادی ایران در مجموع نزدیک به صفر بوده است؛ دولت دست کم ۸۰ هزار میلیارد تومان بدهی مستقیم دارد؛ به دلیل منفی بودن نرخ تشکیل سرمایه در

شرکت‌های «رویال داچ شل» و «توتال»، به آن دسته از شرکت‌های بازرگانی کالا و بانک‌های سرمایه‌گذاری پیوستند که پیش‌بینی می‌کنند قیمت هر بشکه نفت ممکن است تا مرز ۱۰۰ دلار صعود کند. اما آیا دولت جدید می‌تواند از این رشد قیمتی استفاده کند؟ برخی سناریوها حاکی از آن است که نفت ایران نمی‌تواند به سرعت به بازار برگردد و از فواید قیمت‌های بالای کنونی بهره‌بردار. پس احتمالاً افزایش قیمت نفت، تأثیر چندانی بر اقتصاد ایران ندارد. سناریوی دوم اما بازگشت قدرتمندانه نفت ایران به بازار جهانی نفت و از سرگیری روابط با مشتریان قدیمی است. برخی تحلیلگران پیش‌بینی می‌کنند که در صورت موفقیت مذاکرات هسته‌ای، ایران می‌تواند طی چند ماه صادرات نفت خود را به ۲ میلیون بشکه در روز برساند.

درآمد ایران از محل صادرات نفت در دولت سیزدهم ممکن است ۵۰ برابر بیش از درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۹۹ باشد.

از طرفی، برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد که شرکت ملی نفت ایران، میدیسن نفتی را آماده کرده و روابط با مشتریان قدیمی را از سر گرفته است. تخمین زده می‌شود که همین حالا، ایران بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون بشکه نفت آماده عرضه در خشکی و دریاداشته باشد که می‌تواند به سرعت وارد بازار شوند.

این در حالی است که هند (یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین مشتریان نفتی ایران) اخیراً اعلام کرده که در صورت لغو تحریم‌ها، آماده واردات نفت از ایران است و علاوه بر این، پالایشگاه‌های چین با آغاز سال ۲۰۲۱ میلادی، خرید نفت از ایران را افزایش داده‌اند.

اما اگر ایران بتواند روزانه ۲ میلیون بشکه نفت

احتمالاً یکی از بدبختی‌های دولت حسن روحانی افت بی‌سابقه قیمت نفت بود. اما در مقابل ابراهیم رئیسی هنوز بر سر کار نیامده، نفت افزایش قیمت را آغاز کرده و برخی می‌گویند قیمت نفت ممکن است در دولت او از مرز ۱۰۰ دلار هم بگذرد. رویدادی که می‌تواند درآمد دولت جدید را ۵۰ برابر کند. اگر تحریم‌ها برداشته شود.

دولت سیزدهم به زودی کار خود را شروع می‌کند. رئیس‌جمهور بعدی ایران سکان کشور را در شرایطی به دست می‌گیرد که ایران، در یکی از بدترین برهه‌های اقتصادی خود ایستاده است. اما چشم‌انداز درآمد نفتی برای این دولت روشن است. این درآمد به دولت رئیسی کمک می‌کند تا هم بتواند نرخ ارز را کنترل کند و هم تورم را و هم بخشی از وعده‌های انتخاباتی خود را محقق کند. اما نفت و درآمد نفتی در دولت رئیسی چقدر می‌شود؟

یکی از مهم‌ترین موضوعات اقتصاد ایران در سال‌های آینده این خواهد بود: «دولت رئیسی با نفت چه خواهد کرد؟»

دولت رئیسی و نفت ۱۰۰ دلاری؟
قیمت نفت در ماه‌های آتی، احتمالاً صعودی است. همین چند روز پیش بود که شرکت سرمایه‌گذاری «مگلان کپیتال»، پیش‌بینی کرد که تقاضای بالا و البته تورم و فشار سهامداران بر بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، می‌تواند منجر به بحران عرضه نفت و قیمت بالای ۱۰۰ دلار تا ۳ سال آینده شود. در همین ارتباط، روسای برخی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهان هم به تازگی از تداوم روند صعودی قیمت نفت، به دلیل عدم سرمایه‌گذاری و محدود شدن عرضه طلای سیاه در آینده خبر داده‌اند. بر این اساس، مدیران عامل

عمده سال‌های دهه ۱۳۹۰، ایران با فرسودگی زیرساخت‌ها مواجه است و مهم‌تر از همه اینکه منابع مالی برای طرح‌های توسعه‌ای در کشور وجود نداشته است. در این میان، دهه ۱۳۹۰، در بطن خود رخدادی بی‌نظیر در بیش از یک قرن اخیر از تاریخ ایران را هم شاهد بوده است: نفت، برای نخستین بار در یک سده اخیر، جایگاه خود به عنوان اصلی‌ترین منبع درآمد دولت را از دست داده است. اما حالا اگر نفت ۱۰۰ دلار شود و دولت جدید بتواند تحریم‌ها را بردارد و نفت صادر کند، می‌تواند درآمد قابل توجهی کسب کند. درآمدی که می‌تواند منجر به پول‌پاشی دولت احمدی‌نژاد شود و یا می‌تواند تأثیر مثبتی بگذارد و حداقل نرخ رشد اقتصادی را افزایش دهد و اشتغال ایجاد کند.

■ آیا دولت رئیسی «خام‌فروشی» را کنار می‌گذارد؟

اما آیا ممکن است ایران اساساً سیاست «خام‌فروشی» نفت را کنار بگذارد؟ تجربه تحریم‌ها به ایران و جهان نشان داد که تحریم کلیت صنعت نفت ایران، به یک «شاره» ممکن و شدنی است و این یعنی بزرگ‌ترین منبع درآمد ارزی ایران، در آسیب‌پذیرترین وضعیت خود قرار دارد. علیرضا ضیغمی، دبیر شورای هماهنگی انرژی ستاد انتخاباتی رئیسی و یکی از مدیران با سابقه نفتی در ایران، پیش از انتخابات، در مصاحبه با بخش خبری یک شرکت نفتی بین‌المللی، به نکاتی اشاره کرد که شاید سیاست

دولت رئیسی در مورد نفت را هم در بر بگیرد. برخی از چهره‌های کلیدی در ستاد انتخاباتی رئیسی، از اولویت صادرات محصولات پتروشیمی به جای صادرات نفت خام خبر داده بودند. گمانه‌زنی‌ها در مورد کابینه رئیسی هنوز در حد اشاره‌هایی به شایعات هستند، اما احتمال طرح نام ضیغمی به عنوان وزیر نفت دولت آینده، بسیار بالا است. از همین رو، مصاحبه دبیر شورای هماهنگی انرژی ستاد انتخاباتی رئیسی با «اس‌اندپی گلوبال پلتس»، بسیار اهمیت دارد. ضیغمی در این مصاحبه گفته بود: «دولت جدید بران باید روی بخش پایین دستی و اجتناب از خام‌فروشی نفت تمرکز کند، چرا که

این بخش ارزش افزوده بالاتری دارد. ما باید با پالایش بیشتر، خام‌فروشی نفت را متوقف کنیم. البته ما نمی‌توانیم یک‌باره این کار را انجام دهیم. این یک حرکت تدریجی خواهد بود. مجلس ما طرح‌هایی برای ساخت پالایشگاه‌ها مصوب کرده است. از طرفی، ظرفیت تولید نفت ما هر چه باشد، مثلاً اگر ۴ میلیون بشکه در روز تولید کنیم، مصرف داخلی پالایشی ما بین ۱۰۷ تا ۱۰۸ میلیون بشکه خواهد بود.»

■ پتروشیمی به جای نفت

از دیگر سو، چندی پیش، موسسه مشاوره اقتصادی «مکنزی» (McKinsey & Company)، با بررسی وضعیت صنعت پتروشیمی در سال ۲۰۲۰ میلادی، از رشد این

بر اساس این گزارش، به دلیل همه‌گیری کرونا، بازار محصولات بسته‌بندی، به عنوان بزرگ‌ترین منبع تقاضا برای محصولات پتروشیمی، دست‌کم تا پایان سال جاری میلادی رو به رشد خواهد بود. این در حالی است که مصرف خانگی یا تجارت الکترونیکی، به همراه افزایش شدید تقاضا برای محصولات بهداشتی یا محصولات نظافتی، مجموع تقاضا برای بسته‌بندی را افزایش داده است.

صنعت در سال ۲۰۲۱ خبر داده بود و در این میان، به نقش همه‌گیری کرونا در افزایش تقاضا برای مصرف محصولات پتروشیمی در جهان هم اشاره کرده بود.

بر اساس این گزارش، به دلیل همه‌گیری کرونا، بازار محصولات بسته‌بندی، به عنوان بزرگ‌ترین منبع تقاضا برای محصولات پتروشیمی، دست‌کم تا پایان سال جاری میلادی رو به رشد خواهد بود. این در حالی است که مصرف خانگی یا تجارت الکترونیکی، به همراه افزایش شدید تقاضا برای محصولات بهداشتی یا محصولات نظافتی، مجموع تقاضا برای بسته‌بندی را افزایش داده است. از آن سو،

کنترل کرونا توسط چین و چندین کشور آسیایی دیگر در نیمه اول سال ۲۰۲۰ و بازگشت سریع رشد اقتصادی، اختلاف بالایی در تقاضای مناطق مختلف ایجاد کرده است. به این ترتیب، حتی با وجود تأخیر در بازیابی اقتصادی در سایر مناطق جهان، بازار محصولات پتروشیمی در نیمه دوم سال ۲۰۲۱ روندی افزایشی خواهد داشت که در نهایت به بهبود کلی در تقاضای محصولات پتروشیمی منجر خواهد شد. اما آیا ایران هم پیام کاهش تقاضا برای نفت خام و همزمان، افزایش دست‌کم مقطعی برای محصولات پتروشیمی را دریافت کرده است؟ خوشبختانه، شواهدی هست که نشان می‌دهد زنگ هشدار پایان «عصر طلایی نفت» واقعاً به گوش مدیران ارشد اقتصادی در ایران هم رسیده است. بهزاد محمدی، معاون وزیر نفت در امور پتروشیمی، چند روز پیش گفته بود که ایران تا سال ۱۴۰۴، طبق برنامه ششم توسعه، به ظرفیت تولید اسمی ۱۳۵ میلیون تن محصول پتروشیمی در سال خواهد رسید که رتبه ایران را از این منظر، از دوم به نخست در منطقه تغییر خواهد داد.

این در حالی است که به گفته این مقام مسئول، صادرات محصولات پتروشیمی در سال ۱۳۹۹، معادل ۲۵ میلیون تن بوده و ایران از صادرات این حجم از محصولات، حدود ۱۰ میلیارد دلار درآمد داشته است. به گفته محمدی، این صنعت نزدیک به ۳۵ درصد از ارز سامانه نیما را به صورت مستقیم تأمین و در سال گذشته ۱۵۰ درصد تعهد خود برای عرضه ارز به سامانه نیما را عملی کرده است. درآمد ایران از محل صادرات محصولات پتروشیمی، هنوز بسیار پایین است. با این همه، ظاهراً محصولات پتروشیمی صادراتی ایران، هنوز به اندازه کافی درآمدزایی برای ایران به ارمغان نیاورده‌اند. برآوردهای آماری نشان می‌دهند که میانگین ارزش محصولات پتروشیمی صادراتی ایران، حدود ۴۷۰ دلار به ازای هر تن است. به عبارت دیگر، هر کیلوگرم از محصولات پتروشیمی ایران، اکنون حدود ۴۷ سنت، یا معادل حدود ۱۱ هزار تومان در بازارهای جهانی به فروش می‌رسد.

تکرار سیاست‌های کنترلی مصداق آب در هاون کوبیدن بی سامانی در سامانه‌های توزیع کالا

فاطمه اکبرخانی

تولید کنندگان در تأمین به موقع و با قیمت مناسب نهاده‌ها هدف گذاری شده بود، اما به دلیل مشکل در فرآیند تأمین و توزیع و همچنین دو قیمتی بودن نهاده‌ها ناشی از سیاست مخرب ارز ۴۲۰۰ تومانی، نه تنها نهاده‌ها در زمان و با قیمت مناسب به دست تولید کننده نرسید بلکه این سامانه هم به بستری برای توزیع رانت و فساد تبدیل شد و نهایتاً با سرایت معضل بازار نهاده‌های دامی به بازار گوشت و مرغ شاهد جهش قیمت این کالاها طی چند ماه گذشته بودیم.

■ بازار سباهی که بهین یاب به بار آورد

بهین یاب هم یکی از سامانه‌های زیر مجموعه سایت وزارت صمت است که اواخر سال ۹۳ به عنوان دروازه ورود فعالان بخش صنعتی و معدنی به این ارگان دولتی برای انجام اموری همچون تولید، سرمایه گذاری، صدور مجوز، بهره‌برداری، مونتاژ و بسته‌بندی، استخراج معادن، استفاده و بهره‌وری از منابع زیر زمینی، صنایع معدنی و فلزی طراحی شد. همچنین این سامانه ملاک تخصیص میزان سهمیه و مقدار خرید متقاضیان مواد اولیه پتروشیمی از بورس کالا است و در واقع مشخص می‌کند یک تولید کننده یا واحد تولیدی چه سهمی از مواد پلیمری و شیمیایی دارد و برای چه مدت زمانی می‌تواند آن را از بورس کالای ایران خریداری نماید. اما بهین یاب هم با ایجاد موانع جدید برای کاربران خود و انتقاداتی که به همراه داشته از دیگر سامانه‌های مشکل ساز دولت مستثنا نبوده است؛ صدور مجوزهای بی حساب و کتاب و توزیع ناعادلانه سهمیه‌های دریافت مواد اولیه صنایع پایین دستی، عدم هوشمندی لازم برای بررسی میزان تولید درج شده در پروانه و میزان تولید فعلی و همچنین ایجاد مشکل در تأمین مواد اولیه تولید کنندگان به دلیل به روز نشدن سامانه از دستاوردهای شش ساله بهین یاب است.

بسیاری از مواقع به دلیل تداخل با دیگر سیاست‌های دولت و ایجاد چالش‌های جدید بر ابعاد مشکلات افزوده است.

بازار گاه؛ محل توزیع نهاده‌های دامی یا رانت؟ یکی از سامانه‌های شناخته شده در امر تسهیل توزیع کالا سامانه بازار گاه است؛ در حقیقت بازار گاه در گاه اصلی توزیع خوراک دام و طیور کشور بوده که در شهر یور ۹۸ با هدف حل مشکلات توزیع و قیمت نهاده‌های دامی از سوی وزارت جهاد کشاورزی ایجاد شد.

اما وضعیت نامناسب عرضه و تأمین نهاده‌ها نشان می‌دهد این سامانه با گذشت حدود دو سال در تحقق اهداف تعیین شده موفق عمل نکرده که البته یکی از دلایل ناکارآمدی آن وجود سیاست مخربی به نام ارز ۴۲۰۰ تومانی بوده است؛ نهاده‌های دامی جزو کالاهاست که طبق سیاست ارزی دولت در سال ۹۷ مشمول دریافت ارز ترجیحی شد اما بعد از مدتی همزمان با جهش نرخ ارز و امکان فروش این کالا به بازار آزاد به دلیل اختلاف بسیار زیاد قیمت ارز دولتی و آزاد و گسترش رانت از این محل، به یکی از مشکلات دولت تبدیل شد.

در این راستا وزارت جهاد با ایجاد سامانه‌ای به نام بازار گاه در نظر داشت با ساماندهی این بازار از واردات تا مصرف توزیع و قیمت نهاده‌های دامی را کنترل کند؛ اما این سامانه به رغم اهداف روشنی که داشت، با مشکلاتی که برای وارد کنندگان و مصرف کنندگان ایجاد کرد نتوانست در عمل مؤثر واقع شود.

طولانی شدن فرآیند تأمین و تخصیص ارز برای وارد کنندگان، بروز اختلالاتی در روند عرضه و در نتیجه کمبود این کالا به دلیل فروش آن در بازار آزاد و نهایتاً ناکام ماندن تولید کنندگان از خرید نهاده با قیمت مناسب، از جمله مشکلات این سامانه بود. بنابراین اگر چه بازار گاه به منظور حل مشکل

در شرایطی که مداخلات دولت در همه ابعاد اقتصادی و بکارگیری سیاست‌های یکسان و اشتباه در مواجهه با مشکلات متعدد باعث مختل شدن کارکردهای عادی اقتصاد، تشدید ناآرامی، رانت و فساد شده است، استفاده از روش‌های کنترل الکترونیکی از جمله ایجاد سامانه‌های توزیع کالا نیز همچون دیگر تدابیر نه تنها به بهبود اوضاع کمک نمی‌کند بلکه منجر به خلق معضلات بیشتر خواهد شد.

مداخله مستقیم دولت در همه بخش‌های اقتصادی کشور از مبدأ تا مقصد به امر طبیعی بدل شده، اگر چه نظارت و کنترل بسیاری از امور در حیطه وظایف دولت نیست اما عموماً دولت با ورود به بسیاری از بخش‌های اقتصادی به واسطه برخی ابزار کنترلی از جمله سامانه‌های توزیع کالا سعی در برقراری آرامش دارد هر چند که تاکنون به دلیل عدم توجه به انگیزه‌ها و سازوکارهای اقتصادی عملکرد موفقیتی هم نداشته است.

به طور مثال دستگاه ایکس‌ری یک فناوری پیشرفته برای تشخیص وردیابی کالا است که کاربردهای موثری دارد اما قرار دادن آن در گمرکات کشور به منظور کنترل و مقابله با قاچاق آن هم در شرایطی که زمینه برای ورود و خروج کالا از مبادی غیر قانونی به دلیل سیاست‌های کنترلی دولت فراهم است، انگیزه قاچاق را از بین نخواهد برد.

در همین راستا یکی از ابزارهای کنترلی که دولت طی چند سال گذشته ایجاد کرده، طراحی سامانه‌های متعدد الکترونیکی به منظور تسهیل امور بوده که البته کارنامه قابل قبولی در این زمینه هم نداشته است؛ ایجاد انواع سامانه‌های توزیع کالا مثل بازار گاه،

بهین یاب، سامانه جامع تجارت و تیتک با هدف ساماندهی و تسهیل مسیر عرضه محصول از تولید تا مصرف نمونه‌ای از همین ابزار کنترلی بوده که در

علاوه بر این موارد، عرضه فولاد در خارج از بورس ناشی از سوء عملکرد بهین یاب معضل دیگری بود که مسئولان نسبت به آن هشدار دادند؛ سال گذشته اخباری منتشر شد مبنی بر اینکه برخی شرکت‌ها به رغم خرید ورق‌های گرم از بورس با قیمت پایین، ورق‌های سرد تولیدی خود را به جای عرضه در بورس با قیمتی بالاتر در خارج از این بازار عرضه کرده‌اند.

حال این تخلف که به دلیل فضای رانتی ناشی از فاصله بالای قیمت دو بازار به وجود آمده، باعث شد بسیاری از صنایع از جمله خودروسازی و لوازم خانگی در تأمین ورق سرد مورد نیاز خود به قیمت مناسب با مشکل مواجه شوند؛ حالا اگر چه برخی از مسئولان و کارشناسان برای تنظیم عرضه و تقاضا در بازار فولاد، نظارت بیشتر بر سامانه بهین یاب و ملزم کردن همه شرکت‌ها به عرضه تمام تولیدات خود در بورس کالا را پیشنهاد داده‌اند اما به نظر نمی‌رسد ادامه حضور دولت در این بخش کارساز باشد. البته مشکل عرضه فولاد در بورس هم آخرین ایراد سامانه بهین یاب نیست، بلکه به گفته فعالان این صنف افزایش تقاضا یا به عبارتی به وجود آمدن تقاضای سفته‌بازی هم باید به لیست مشکلات این درگاه اضافه کرد چرا که نگاهی به نمودارهای عرضه و تقاضای محصولات فولادی به خصوص ورق، همواره بیانگر اختلاف حدود ۲۰ تا ۳۰ درصدی عرضه و تقاضا بوده در حالی که پیش از ثبت سامانه بهین یاب چنین مشکلی وجود نداشته است. از طرف دیگر حتی به فرض تولیدکننده بودن همه افرادی که در بهین یاب ثبت اطلاعات کرده‌اند، در مواردی دیده شده که سهمیه ورق برای تولیدکنندگان بیش از میزان مورد نیاز آنها بوده و یا به دلیل اینکه تولیدکننده نتوانسته اطلاعات دقیقی در سامانه وارد کند، ورق کمتری نسبت به میزان تولیدش دریافت کرده که این مشکل هم از جمله نواقص سامانه بهین یاب است.

■ سنگ بزرگی به نام سامانه جامع تجارت در مسیر تجار

از دیگر سامانه‌هایی که طی چند سال اخیر به منظور تسهیل امور و بهبود شرایط ایجاد شده، سامانه جامع تجارت است؛ در واقع این سامانه مکانیسمی برای تسهیل امور بازرگانی است که از سال ۹۵ با هدف

ایجاد ارتباط بین تجار و بازرگانان با دستگاه‌های ذریبط شروع به کار کرد. با این حال سامانه‌ای که قرار بود از طریق ایجاد شفافیت در آمار تجارت با مشکلاتی نظیر قاچاق کالا، احتکار، رانت، فساد اداری، امضاهای طلایی و تبعیض اقتصادی مبارزه کند در عمل به یکی از معضلات تجارت و موضوع مناقشه بانک مرکزی و گمرک تبدیل شد؛ البته ناگفته نماند که راه‌اندازی این سامانه خالی از لطف نبوده و کمک‌شایانی به حذف کاغذبازی‌های اداری و کاهش اتلاف وقت بازرگانان در ادارات کرده است. اما تأخیر در تبادل اطلاعات و آمار، ناهماهنگی و تداخل برخی وظایف بین ارگان‌های ذریبط یعنی بانک مرکزی، مرکز توسعه تجارت الکترونیکی و گمرک، اختلال در ثبت کویز صادراتی برای واردات در مقابل صادرات از جمله مشکلاتی بود که سامانه مذکور طی این سال‌ها در فرآیند تجارت ایجاد کرده؛ ضمن اینکه همچنان معضلاتی چون صدور کارت‌های بازرگانی بدون توجه به فعالیت گیرنده، قاچاق گسترده کالا به بیرون و داخل کشور و همچنین رانت و فساد در دل سیاست‌های دولت پابرجاست.

■ تداوم قاچاق دارو با وجود سامانه تیتک

دارو یکی از کالاهای اساسی است که بروز هر گونه اختلالی در روند تولید یا توزیع آن جان انسان را نشانه می‌گیرد بنابراین جای هیچ‌گونه خطایی در این بخش وجود ندارد، اما متأسفانه این بازار هم به دلیل برخی سیاست‌های غلط دولت خالی از مشکل نیست؛ ورود غیر قانونی دارو به کشور،

افزایش قاچاق به خارج به دلیل تخصیص ارز دولتی و ارزان بودن دارو در ایران، کمیابی برخی داروها در داروخانه‌ها و فروش آنها در بازار سیاه با قیمتی بالاتر و عمدتاً تقلبی، سوءاستفاده از نسخه‌ها با هدف کلاهبرداری از بیمه‌ها و احتکار از جمله معضلات بازار داروست.

در این راستا سامانه‌ای تحت عنوان تیتک به منظور ردیابی، رهگیری و کنترل اصالت دارو از سال ۹۲ طراحی شد تا روند تولید یا واردات هر گونه دارو و تجهیزات پزشکی که ارز دولتی گرفته تا توزیع و حتی مصرف آن را رصد کند؛ اما از آنجا که دولت به منظور کنترل قیمت دارو هزاران میلیارد تومان یارانه در قالب ارز دولتی پرداخت می‌کند همواره قیمت این کالا نسبت به دیگر کشورهای پایین‌تر بوده و این موضوع جذابیت و سودزبادی برای قاچاقچیان به ارمغان آورده است. از طرف دیگر دولت بدون توجه به هزینه‌های تولید دارو صرفاً به دلیل اختصاص ارز دولتی به بخشی از زنجیره تولید اقدام به قیمت‌گذاری دستوری کرده که این کار هم به جز کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری و تولید دارو فایده دیگری نداشته است؛ ضمن اینکه سرکوب قیمت دارو باعث شده برخی از تولیدکنندگان نیز برای تأمین منابع مالی و ادامه بقا خود به وام‌های کلان بانکی یا بهره بالا روی بیاورند که البته به دلیل کاهش حاشیه سود اغلب قادر به بازپرداخت تسهیلات نیستند و نهایتاً این امر هم به تشدید رشد پایه پولی و تورم دامن می‌زند. حالاً بر اساس آنچه در این گزارش گفته شد می‌توان گفت که حضور دولت در امر توزیع کالا هم مثل مداخله در بخش تولید و قیمت‌گذاری اگر چه برای عده‌ای خاص زمینه رانت قابل توجهی فراهم کرده اما برای دیگر افراد زبانه‌ها بوده است؛ از طرفی انحصار به عنوان بزرگترین آفت اقتصادی گریبانگیر بزرگ‌ترین سامانه‌های کشور نیز شده که دود آن تنها به چشم تولیدکنندگان، بازرگانان و مصرف‌کنندگان می‌رود. بنابراین تازمانی که هر بازرار و کالایی در کشور درگیر سیاست‌های دستوری و مخرب دولتی باشد بکارگیری هر گونه ابزار و روش کنترلی همچون سامانه‌های گفته شده به‌رغم دارا بودن اهداف مثبت کاری از پیش نخواهند برد.

منبع: اقتصادآنلاین

اما وضعیت نامناسب عرضه و تأمین نهاده‌ها نشان می‌دهد این سامانه با گذشت حدود دو سال در تحقق اهداف تعیین شده موفق عمل نکرده که البته یکی از دلایل ناکارآمدی آن وجود سیاست مخربی به نام ارز ۴۲۰۰ تومانی بوده است؛ نهاده‌های دامی جزو کالاهایی است که طبق سیاست ارزی دولت در سال ۹۷ مشمول دریافت ارز ترجیحی شد.

عدم استقبال خانوارها از ثبت اطلاعات ملکی در سامانه اسکان سیستم مالیات ستانی ناکارآمد

برهان محمودی

بانک‌ها یا نهادها در میان جامعه هدف اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی دانست و گفت: برج سازان، بانک‌ها و حتی برخی نزدیکان افراد صاحب منصب و ذی نفوذ در دستگاه‌های اجرایی، با توجه به قدرت و نفوذی که در جامعه دارند، مانع از اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی می‌شوند.

وی با ابراز امیدواری نسبت به جدی بودن در اجرای این قانون از سوی دولت جدید تصریح کرد: دولت‌های یازدهم و دوازدهم نه در تولید مسکن قدم معنی داری برداشتند و نه در تصویب و اجرای مالیات‌های تنظیمی مانند مالیات بر خانه‌های خالی با مالیات بر عایدی سرمایه کاری انجام دادند؛ در حالی که حداقل فایده اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی، کمک به مستأجران بود.

سرحدی با تاکید بر اینکه از ابتدا هم مشخص بود که مردم حاضر به شفاف سازی در خصوص املاک و دارایی‌های خود نیستند، بیان داشت: تا زمانی که اقدامات تشویقی و تنبیهی بازدارنده برای ثبت یا عدم ثبت اطلاعات ملکی خانواده‌ها در نظر گرفته نشود، مردم نسبت به ورود به این سامانه بی میل خواهند بود، اینکه بگویند یارانه را قطع می‌کنیم که باز دارند در برابر ارزش میلیاردری واحدهای خالی نیست. کارشناس بازار مسکن گفت: اصل قانون مالیات بر خانه‌های خالی، قانون بسیار پیشرو و مهمی است اما در اجرای آن دو نکته مهم باید در نظر داشت: اول آنکه دولت به چشم منبع درآمد به آن نگاه نکند تا از این محل حقوق کارکنان را پرداخت یا صرف امور جاری خود کند؛ درآمد حاصل از مالیات بر خانه‌های خالی باید به تولید مسکن نیازمندان منجر شود.

سرحدی یادآور شد: نکته دوم در این قانون این است که باید از همه مشمولان اخذ شود نه اینکه چشم خود را به روی دانه درشت‌ها و صاحبان چند صد واحد خالی ببندد ولی از مالکان دو یا سه خانه خالی مالیات بگیرد؛ باید همه مردم ببینند که عدالت برای همه به یک اندازه اجرا می‌شود.

با این حال برخی کارشناسان اقتصاد مسکن معتقدند دولت دوازدهم تمایل چندانی به اخذ مالیات از خانه‌های خالی ندارد؛ ضمن اینکه برای از سر باز کردن خود، فاز خود اظهاری را طراحی کرده است. محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی و محمود محمودزاده معاون مسکن و ساختمان این وزارتخانه، در اواخر سال گذشته در هنگام رونمایی از سامانه اسکان، از شناسایی برخی افراد حقیقی و حقوقی دارای چند صد تا چند هزار واحد مسکونی خالی از سکنه که عمدتاً بانک‌ها شرکت‌های تابعه آنها و همچنین برخی نهادهای شبه دولتی هستند، خبر داده بودند.

احمد رضا سرحدی کارشناس بازار مسکن درباره علت عدم استقبال مردم از ثبت اطلاعات ملکی خود در سامانه جامع املاک و اسکان کشور گفت: من احساس می‌کنم دولت در اجرای قانون مالیات بر خانه‌های خالی جدی نیست.

وی افزود: به نظر می‌رسد نیازی به فاز خود اظهاری نبود و با اطلاعاتی که شهرداری‌ها، ثبت اسناد و املاک، نظام مهندسی، سامانه املاک و مستغلات اتحادیه مشاوران املاک، دستگاه‌های خدمات رسانی مانند آب، برق و گاز و دیگر دستگاه‌ها دارند، می‌توان به راحتی آمار واحدهای خالی از سکنه را پیدا کرد. سرحدی افزود: اینکه دولت می‌خواهد با خود اظهاری از سوی مردم، آمار خانه‌های خالی را در بیاورد، به معنی از سر خود باز کردن اجرای این قانون از سوی دولت است تا بگوید ما می‌خواستیم آن را اجرا کنیم ولی مردم نیامدند!

وی ادامه داد: تجربه نشان داده که آن دسته از افرادی که ثبت نام نکنند، مشکلی برایشان پیش نمی‌آید و از آنهایی هم که اطلاعات خود را در سامانه درج کرده‌اند، نه چیزی کسر می‌شود و نه مالیات ستانده خواهد شد.

کارشناس اقتصادی علت جدی نبودن دولت فعلی در اجرای این قانون راه و وجود افرادی نفوذمانند

فاز خود اظهاری ثبت نام در سامانه اسکان پیشرفتی نداشته و یک کارشناس اقتصاد مسکن معتقد است دولت می‌توانست سیاست تشویقی یا تنبیهی بازدارنده تری برای اجرای این قانون اتخاذ کند. اخیراً محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی از ثبت ۳ میلیون واحد مسکونی در فاز خود اظهاری ثبت اطلاعات ملکی در سامانه جامع املاک و اسکان کشور خبر داده است.

این در حالی است که بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن بین ۲۲ تا ۲۵ میلیون واحد مسکونی در کشور داریم و با احتساب ساخت سالانه ۳۰۰ هزار واحد مسکونی در ۵ سال اخیر، بین یک تا یک و نیم میلیون واحد دیگر نیز به مجموعه مساکن کشور اضافه شده است.

فاز خود اظهاری ثبت املاک مسکونی در سامانه اسکان بر اساس اصلاحیه ماده ۶۴ مکرر قانون مالیات‌های مستقیم موسوم به قانون مالیات بر خانه‌های خالی، اصلاح شده در دی ماه ۱۳۹۹ در حال اجراست.

این فرآیند از ۱۹ فروردین امسال آغاز شد و طبق قانون می‌بایست ظرف ۲ ماه اجرایی می‌شد که این ضرب‌الاجل در ۱۹ خرداد امسال به اتمام رسید؛ اما با توجه به عدم استقبال خانوارها از ثبت اطلاعات ملکی خود از ترس مشمول مالیات شدن، با مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا، تا پایان شهریور امسال تمدید شد.

همچنین برخی از مدیران ارشد معاونت مسکن و ساختمان وزارت راه و شهرسازی نیز پیش از این از استقبال نکردن مردم نسبت به شفاف سازی دارایی‌های خود ابراز گلایه کرده و از در نظر گرفتن برخی تنبیهات از قبیل قطع یارانه نقدی خانوارها و همچنین سخت‌گیری نسبت به ثبت نام فرزندان خانواده‌هایی که در سامانه اسکان اطلاعات ملکی و تعداد واحدهای مسکونی خود در ارج نکتند، هشدارهایی داده بودند.

دولت جدید و هرم ذاتی سیاست‌های عمومی

محسن مؤمنی *

در روز ۲۹ خرداد و با اعلام نتایج رسمی، تکلیف سیزدهمین انتخابات ریاست جمهوری ایران اسلامی روشن شد و کارزار این رویداد ملی با همه فراز و نشیب‌های آن به پایان رسید. طبیعی است که در دوران گذار، رئیس‌جمهور منتخب در حال انتخاب تیم مدیریتی کشور و تعیین برنامه‌ها و اولویت‌های سیاستی خود با مشورت کارشناسان، اندیشکده‌ها و گروه‌های مختلف کشور است. با توجه به برخی ایده‌های خام که با ظاهر و عنوانی جذاب به عنوان برنامه‌های علمی و عملی مطرح می‌شوند، ضروری است که در خصوص ماهیت و چیستی برنامه سیاستی، گفت‌وگو شود تا دولت جدید از بدو تشکیل گرفتار گرداب عوام‌گرایی و تخصص زدگی نگردد.

نخستین و مهم‌ترین نکته در این باب این است که برنامه یا به عبارت دیگر ایده‌های سیاستی آقای رئیس‌جمهور در خلأ شکل نمی‌گیرد و بنا بر ادبیات سیاست‌گذاری عمومی متشکل از پنج لایه اصلی است که هرم درونی آن را شکل می‌دهند: گفتمان، هدف، نهاد، ابزار و تنظیمات. ارتباط و بهم‌پیوستگی این لایه‌ها، و انسجام ساخت درونی و بیرونی این هرم است که تأثیر و برندگی سیاست‌ها در عرصه عمومی را افزایش می‌دهد.

منظور از انسجام درونی آن است که انتخاب اهداف، ابزارها و نهادها باید متناسب با لایه‌های بالادستی آنها صورت گیرد یعنی مثلاً با هدف افزایش رقابت در یک صنعت نمی‌توان رانت و انحصار توزیع کرد. انسجام بیرونی یعنی هرم‌های سیاستی در هر بخش و حوزه، نباید متعارض یکدیگر باشند، یعنی مثلاً با هدف دستیابی به توسعه اقتصادی، سیاست‌های صنعتی نباید متناقض یا متناظر با سیاست‌های کشاورزی و اجتماعی باشد. معنی دیگر انسجام بیرونی آن است که سیاست‌های بخش‌های گوناگون نباید التقاطی و چهل تکه توسعه یابند یعنی این سیاست‌ها باید از یک گفتمان و یا از گفتمان‌های متجانس نشئت گرفته باشند. نمی‌توان در امر اجتماعی کمونیستی، در عرصه اقتصادی کاپیتالیستی و در حوزه سیاسی لیبرالیستی عمل نمود و در نهایت شکل‌گیری تمدن نوین ایرانی - اسلامی

را انتظار داشت.

نظری‌ترین و انتزاعی‌ترین لایه از این هرم، گفتمان است که نمایانگر رویکردهای ارزشی و زاویه دید به حقایق و وقایع است. اهداف سیاستی مقاصدی متأثر از گفتمان‌ها هستند که سیاست‌ها برای نیل به آنها توسعه یافته‌اند. قواعد و ساختارهای رسمی و غیررسمی که سیاست‌ها در بستر آنها پیش می‌رود را نهاد نامیده‌اند و شیوه‌های تحدید و ریل‌گذاری در پیاده‌سازی و اجرای سیاست‌ها را ابزار. در نهایت تنظیمات سیاست لایه پایینی از هرم است که کیفیت و کمیت‌ها در آن مقرر می‌شود. تغییرات در لایه‌های زیرین هرم به نسبت لایه‌های فوقانی سریع‌تر، آسان‌تر، ملموس‌تر و معمولاً کم‌مناقشه‌تر است.

برای مثال اینکه جمعیت را عامل یا مانع توسعه بدانیم دو گفتمان یا پارادایم متفاوت سیاستی است که هر یک اهداف متفاوتی را به دنبال خواهد داشت. در اولی به دنبال افزایش جمعیت و در دومی به دنبال کاهش آن هستیم. برای دستیابی به هر یک از این اهداف مسیرهای ساختاری و قانونی متفاوتی را می‌توان طی نمود. وضع یا تغییر قانون، ایجاد ساختار متولی و فرهنگ‌سازی نمونه‌هایی از نهادهای سیاستی برای رسیدن به قله هدف سیاستی هستند که هر یک از آنها یا ترکیبی از آنها ابزارهایی را در اختیار قرار می‌دهند که طی مسیر را تسهیل می‌کند. این ابزارها نیز با کمیت‌ها و کیفیت‌هایی که در اختیار می‌گذارند، سرعت و کیفیت طی مسیر را متفاوت می‌نمایند. باید به این واقعیت توجه نمود که هر یک از ایده‌های سیاستی و البته مجموع اولویت‌های سیاستی آقای رئیس‌جمهور به هر میزان که در لایه‌های مختلف این هرم با یکدیگر یکپارچه و هم‌راستا باشند در اجرا تعارض و اصطکاک کمتری خواهند داشت و مؤثرتر عمل خواهند کرد. نکته دوم این است که ساخت این هرم تدریجی است و نه دفعتی. آقای رئیس‌جمهور بنا بر عقاید، باورها، دانش، تخصص، تجربه و سبک زندگی خود مجموعه‌ای از ارزش‌ها و اولویت‌ها را در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای خود شکل داده و این سیاست‌ها در ذهن و عمل وی نهادینه شده است و هر یک از این هرم‌ها قطعی از منظومه حکمرانی مطلوب وی محسوب می‌شوند. فلسفه‌بافی سیاسی، عمل‌گرایی افراطی و کوتاه‌نگری از جمله مهم‌ترین موانع شکل‌گیری صحیح این هرم است که موجب اعوجاج در ساختار ایده‌های سیاستی

و در نهایت نظام حکمرانی می‌شود. نکته سوم آن است که توانمندی آقای رئیس‌جمهور در مفاهمه و گفت‌وگو با عموم جامعه و نخبگان برای تبیین و توضیح این اولویت‌های سیاستی و برنامه‌های اقدام، جزئی از برنامه پیاده‌سازی و اجرای این سیاست‌ها است و به هر میزانی که اقبال عمومی و نخبگانی نسبت به آنها بیشتر باشد، چالش کمتری در اجرا پیش روی دولت خواهد بود. نکته بعدی آن است که آقای رئیس‌جمهور در نزدیک‌ترین حلقه افراد خود که بعداً در مرکزیت دولت [۶] وی مؤثر خواهند بود، باید افرادی را داشته باشد که اولاً هرم‌های سیاستی او را فهم کنند، ثانیاً بر اثر بخشی آنها در عرصه عمومی باور داشته باشند و نهایتاً در اجرای آن توانمند و ذی‌صلاح باشند تا بتوانند در اجرای مؤثر سیاست‌ها و اولویت‌ها اقدام کنند. نکته دیگر اینکه محدودیت‌های طبیعی مانع از آن است که آقای رئیس‌جمهور بتواند در همه عرصه‌ها هرم‌های سیاستی خود را به طور کامل شکل دهد و یا بتواند آنها را در عرصه عمومی پیاده‌سازی نماید؛ لذا باید با توجه به ظرفیت‌های حکمرانی کشور چندین هرم اصلی را محور و پیش‌ران تحول در دولت خود قرار داده، از هم‌راستایی و حمایت دیگر هرم‌های سیاستی با این اولویت‌ها اطمینان حاصل نماید.

سخن پایانی اینکه در تشکیل و اداره دولت، یکپارچگی و هم‌راستایی هرم‌های سیاستی در بخش‌های مختلف، همان که تحت عنوان انسجام ساخت درونی و بیرونی هرم سیاست‌ها پیش‌تر مطرح شد، مقدم بر محتوای برنامه‌های اصلاحی است. فارغ از اینکه روش ۱ ما را به مقصود بهتری می‌رساند یا روش ۲، هماهنگی و هم‌راستایی مسیرهای انتخاب شده در بخش‌های مختلف است که برآیند عملکرد دولت را تعیین می‌نماید. این دقیقاً همان چیزی است که معمولاً و به دلایلی چون تخصص زدگی و بخشی‌نگری و تلاش برای انتخاب بهترین‌ها در هر حوزه‌ای، از آن غفلت می‌شود و نتیجه آنکه نه بهترین در آن حوزه اجرایی می‌شود و نه حداقل ممکن در کل دولت! لذا عدم توجه به همبستگی عناصر مختلف عرصه عمومی، معمولاً منجر به شکست در سیاست‌ها و برنامه‌های پیشنهادی می‌شود. توجه به این همبستگی و همخوانی اولاً و وظیفه آقای رئیس‌جمهور و ثانیاً وظیفه مرکزیت دولت است که چه در چینش کابینه و چه بعدتر در اداره دولت باید به آن اهتمام داشته باشند.

* پژوهشگر ارشد اندیشکده حکمرانی شریف

تغییرات اقلیمی چه بر سر اقتصاد جهان می‌آورد؟

سایه سنگین تغییرات اقلیمی بر سر اقتصاد جهان

سپتامبر بانی



اقتصاد جهان اثر می‌گذارند:

■ افزایش سطح آب دریا

افزایش دمای اقیانوس و ذوب یخچال‌های طبیعی عامل اصلی افزایش سطح دریا است. افزایش سطح دریا باعث کاهش ذخایر زمین از طریق فرسایش، طغیان یا نفوذ نمک در امتداد خط ساحلی می‌شود. همچنین با بالا رفتن سطح دریا، زمین‌هایی که خانواده‌ها از اجاره دادن آن‌ها یا کار کردن در آن مکان کسب درآمد می‌کردند، تخریب می‌شود. بنابراین درآمد این خانواده‌ها کاهش می‌یابد. گردشگری آب و هوا یکی از عوامل اصلی گردشگری بین‌المللی است و درآمد گردشگری یک رکن اساسی در اقتصاد در بسیاری از کشورها به شمار می‌رود. تغییرات آب و هوایی باعث افزایش فصل گردشگری در برخی مناطق و کاهش آن در

درجه، ۱.۵ درجه سانتیگراد افزایش یابد. سال ۲۰۱۸، IPCC گزارشی درباره تأثیرات تغییرات آب و هوایی بر اقتصاد جهان منتشر کرد. طبق این گزارش آسیب به اکوسیستم‌ها، انسان‌ها و اقتصاد در دمای دو درجه سانتیگراد به طور قابل توجهی بیشتر از ۱.۵ درجه سانتیگراد است. این گزارش بیان می‌کند که خسارت اقتصادی جهان در سناریوی گرمایش ۱.۵ درجه سانتیگراد، ۵۴ تریلیون دلار در سال ۲۱۰۰ و در صورت سناریوی دو درجه سانتیگراد ۶۹ تریلیون دلار تخمین زده می‌شود. میزان ضرر و زیان این اتفاق به قدری زیاد است که مطالعه، تحقیق و پیش‌گیری از آن به یکی از چالش‌های مهم جوامع امروز تبدیل شده است.

تغییرات اقلیمی از پنج کانال اساسی بر

در صورت عدم کنترل آلودگی جهانی، کربن دی‌اکسید حاصل از فعالیت‌های بشری، زمین را گرم خواهد کرد. افزایش دما و تغییر الگوهای بارشی به تولیدات کشاورزی، سلامت کارگران در بیشتر مناطق دنیا و بهره‌وری اقتصادی آسیب می‌رساند.

هیات بین‌دولتی تغییر اقلیم (IPCC) در سال ۱۹۸۸ توسط سازمان ملل متحد تأسیس شد تا دیدگاه علمی و عینی تغییر آب و هوا را به جهانیان ارائه دهد و تأثیرات اقتصادی آن را به اطلاع عموم برساند. پس از آن نهاد‌های جهانی و دولت‌ها برای کاهش آسیب‌های احتمالی ناشی از تغییرات اقلیمی، اقداماتی انجام دادند که مهم‌ترین آن‌ها توافقنامه پاریس در سال ۲۰۱۵ بود. هدف بلندمدت توافق پاریس این است که دمای کره زمین تا پایان قرن به جای دو

هوای سردتر طولانی شده و در مناطق گرمتر کوتاه می شوند.

■ راهکارهای کاهش آلاینده‌ها

استراتژی مجوزهای قابل معامله: بر اساس این راهکار دولت حدی در مقدار دی اکسید کربن تولیدی برای کارخانه‌های مختلف مشخص می کند. بعضی از کارخانه‌ها به طور رایگان مجوز این میزان حد را دریافت می کنند و اما دیگر کمپانی‌ها باید این مجوز را در حراجی‌های دولت خریداری کنند.

اگر کارخانه‌ای از میزان مجاز تولید دی اکسید کربن خود، میزان کمتری آلاینده تولید کند، می تواند باقی مانده مقدار مجاز خود را به سایر کمپانی‌ها بفروشد. اگر هم بیشتر از حد مجاز تولید کند باید بابت آن مالیات پرداخت کند. لازم به ذکر است میزان مجاز اعلام شده از جانب دولت‌ها هر سال کاهش می یابد.

این راهکار موافقان و منتقدانی دارد. طرفداران این استراتژی، آن را سبب ایجاد یک انگیزه برای کمپانی‌ها می دانند تا در تکنولوژی‌های پاک سرمایه گذاری کنند و در نهایت بتوانند هزینه خود را بابت خریدن مجوز که هر سال گران تر هم می شود کاهش دهند. اما منتقدان ادعا می کنند از آنجایی که حد را دولت تعیین می کند ممکن است رقمی بیش از حد باشد و آلودگی افزایش پیدا کند و یا خیلی کم باشد و بر مصرف کننده هزینه تحمیل کند. همچنین در هر منطقه کمپانی‌های بزرگ توانایی لابی کردن به نفع خود را نیز دارند. در نتیجه سرعت آن‌ها برای حرکت به سمت تکنولوژی پاک کاهش می یابد. افزایش قیمت کربن و وضع مالیات بر کربن: از سال ۲۰۱۹، ۲۵ کشور مالیات بر کربن و ۴۶ کشور قیمت گذاری متفاوت برای کربن وضع کردند. این امر بر همگان تاثیر گذار است، از طرفی میزان آلودگی را کاهش می دهد و از طرف دیگر به دلیل تحمیل هزینه به مصرف کنندگان، این اقدام می تواند به خانواده‌های کم درآمد آسیب وارد کند.

می دهد. افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های واگیردار و سایر بیماری‌های مربوط به گرما بر روی بهره‌وری تأثیر می گذارد. زیرا کارگران روزهای بیشتری بیمار هستند و با کارایی کمتری کار می کنند. بیماری‌های مکرر و طولانی مدت همچنین می تواند مهارت کارگران را کاهش دهد. مرگ و میر ناشی از گرما باعث کاهش بهره‌وری نیروی کار و احتمالاً افزایش هزینه‌های دولتی و خصوصی در خدمات بهداشتی می شود. نیروی کار در کشورهای کمتر توسعه یافته، بیشتر در معرض گرمای شدید قرار دارد تا نیروی کار در کشورهای پیشرفته‌تر. در نتیجه، اثرات دما بر روی بهره‌وری نیروی کار بین کشورها بسیار متفاوت است. با توجه به سهم زیاد نیروی کار انسانی در صنعت هند، این کشور از کانال سلامت و بهره‌وری نیروی کار بسیار رنج خواهد برد. اگر تغییری در روند صنایع هند بوجود نیاید، این کانال که اکنون بیشترین اثر گذاری را بر رشد اقتصاد هند دارد، در آینده می تواند باعث ضربه به اقتصاد این کشور شود.

■ کشاورزی

دمای بالاتر، غلظت بیشتر CO₂ در جو و تغییر در الگوی بارش مستقیماً بر میزان محصولات جهان تأثیر خواهد گذاشت. با این وجود تغییرات در مناطق و محصولات یکسان نخواهد بود. فصول رشد در آب و

بعضی دیگر از مناطق می شود. این امر به احتمال زیاد گردشگری را به سمت ارتفاعات و عرض‌های جغرافیایی بالاتر سوق می دهد، توریست‌های کشورهای سردسیرتر را افزایش و مسافران کشورهای گرمسیرتر را کاهش می دهد. کشورهای توریستی در مناطق گرم مثل مالزی، فیلیپین و تایلند بیشترین زیان را از این کانال متحمل خواهند شد. از طرف دیگر کشورهای سردسیر مثل روسیه با افزایش توریست و در نتیجه افزایش درآمد از این طریق مواجه خواهند شد.

■ تقاضای انرژی

تغییرات در دما نیازهای انرژی را تغییر می دهد. دمای بیشتر تقاضای انرژی را برای خنک سازی در تابستان افزایش می دهد در حالی که تقاضای گرمایش زمستان را کاهش می دهد. از آنجا که برای گرم کردن فضاها از انرژی بیشتری در سراسر کره زمین استفاده می شود تا خنک کردن آن‌ها، افزایش دما باعث تقاضای انرژی کمتری می شود. تقاضای نفت با افزایش دما به میزان کاملاً چشمگیری کاهش می یابد و قیمت با در نظر گرفتن شرایط کنونی تقریباً ۶ درصد افت می کند. کشورهای تولید کننده و صادر کننده نفت مثل عربستان سعودی و ایران از کاهش قیمت نفت آسیب فراوانی می بینند. با این وجود کشورهای وارد کننده نفت مثل آمریکا، چین و ژاپن از کاهش قیمت نفت سود می برند.

■ سلامت و بهره‌وری نیروی کار

افزایش دمای کره زمین باعث افزایش مرگ و میر ناشی از گرما و کاهش مرگ و میر ناشی از سرما در برخی مناطق می شود. افزایش دمای کره زمین می تواند فصل را طولانی کرده و دامنه جغرافیایی حشرات ناقل بیماری مانند پشه‌ها، کنه‌ها و کک‌ها را افزایش دهد و به آنها امکان حرکت در ارتفاعات و مناطق جدید را بدهد. علاوه بر این، هنگامی که تغییرات آب و هوایی مردم را مجبور به مهاجرت می کند، خطر گسترش عوامل بیماری‌زا به مناطق جدید را افزایش

به رغم منازعات ژئوپلیتیکی خلیج فارس، منافع زیست محیطی کشورهای منطقه در چارچوب بازی غیرمجموع صفر تأمین می شود. یعنی نه امکان حل کردن یک جانبه مشکلات وجود دارد و نه منافع حل این مشکلات منحصرراً فقط به یک کشور می رسد.

جزئیات واردات کفش در ۸ سال گذشته

صنعت کفش؛ قربانی مافیای واردات

علی لشکری *

بررسی حدود ۲۵ برابر آنچه در گمرک بصورت رسمی کفش اظهار شده است، از کشورهای مختلف و به طرق و مبادی گوناگون کفش وارد کشور شده است. سؤال این است این دو میلیارد و ۱۱۹ میلیون دلار هشت ساله و یا ۲۶۵ میلیون دلار متوسط سالانه، چه تعداد کفش و به چه قیمت‌هایی وارد کشور شده است؟ جهت گیری کفش‌های وارداتی در چه طیف قیمتی بوده است؟ و کدام بخش از بازار، به لحاظ درآمدی و سنی هدف وارد کنندگان قرار گرفته است؟ آیا کفش‌های فاخر بالای ۱۰۰ دلار به کشور وارد شده؟ یا کفش‌هایی با پایین‌تر از قیمت‌های متوسط نرخ جهانی در حد کشورهای آفریقایی (متوسط قیمت کفش‌های وارداتی ۲۶۷ دلار) به بازار داخل وارد شده است؟ آیا کفش‌های وارداتی برای دهک‌های درآمدی بالا بوده است و یا سهم بازار تولید کنندگان داخلی (کفش‌های با قیمت ارزان و متوسط) را به کفش‌های خارجی تقدیم کرده‌اند؟

جهت گیری کفش‌های وارداتی با قیمت‌های بسیار پایین‌تر از متوسط نرخ جهانی به کشور، نه تنها کمک موثری به رشد تولید و نوآوری در داخل کشور نکرد، بلکه به عنوان یک مانع اصلی در مسیر توسعه اشتغال و تولید داخلی باعث توقف خطوط تولید و تعطیلی واحدها خواهد شد.

در ۸ ساله بین سال‌های ۹۲ تا ۹۸ ارزش صادرات کفش جهان به ایران بر اساس منابع بین‌المللی در مجموع به حدود ۲۱۱۹ میلیون دلار رسیده است که متوسط آن در ۸ سال مورد بررسی حدود ۲۶۵ میلیون دلار در هر سال بوده است. البته روند این شاخص در سال‌های مختلف بانوسان نیز روبرو بوده که اوج آن در سال ۹۳ با ۵۷۹ میلیون دلار و افت آن در سال ۹۹ حدود ۴۳ میلیون دلار بوده است. در همین دوره آمار رسمی گمرک جمهوری اسلامی ایران نشان از واردات رسمی و اظهار شده به میزان ۸۴ میلیون دلار دارد. این بدان معناست که بطور متوسط در ۸ ساله مورد

اروپایی و آمریکایی ۱۰ تا ۲۰ دلار و متوسط

قیمت در آسیا و آفریقا زیر ۱۰ دلار است. بر همین اساس از متوسط قیمت کفش‌های صادراتی ۵ کشور صادر کننده به ایران در سال ۲۰۱۸ به ترتیب: چین ۴۶۸، ایتالیا ۵۷،۱۱، ترکیه ۳،۲۹، هند ۸،۸۲ و تایلند ۱۰،۹۹ دلار باید نام برد.

بالاترین قیمت صادراتی کفش چین در همین دوره مربوط به گروه کفش چرمی با قیمت حدود ۱۴ دلار بوده است که این عدد برای ایتالیا ۷۳،۶۱ دلار و ترکیه ۱۴،۱۰ دلار بوده است. از آنجا که بیشترین سهم

کفش‌های صادراتی چین به دنیا (حدود ۴۲ درصد) با قیمت ۳،۷۲ دلار متعلق به ردیف تعرفه‌ای ۶۴۰۲ (کفش با رویه و زیره پلاستیکی) و سهم این کشور در واردات به ایران حدود ۸۸ درصد است، می‌توان نتیجه گرفت که وزن اصلی کفش‌های وارداتی به

ایران در ردیف متوسط قیمت‌های ۳،۷ دلاری و کمتر از ۴ دلار بوده

خواهد کرد:

متوسط قیمت صادراتی هر زوج کفش جهان در بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ از ۶،۷۷ دلار به ۹،۶۳ دلار افزایش یافته است. گروه کفش‌های چرمی با قیمت متوسط صادراتی ۲۵،۸۱ دلار گران‌ترین و کفش لاستیکی و پلاستیکی با قیمت متوسط صادراتی ۵،۳۴ دلار ارزان‌ترین گروه کفشی است. ایتالیا با ۵۷،۷۲ دلار بالاترین قیمت متوسط صادراتی را دارا می‌باشد. متوسط قیمت صادراتی چین ۴،۶۸ دلار، ترکیه ۳،۳۸ دلار و هندوستان ۹،۵ دلار است.

همچنین متوسط قیمت هر جفت کفش وارداتی در جهان طی ۹ سال مورد بحث از ۹،۰۷ دلار به ۱۱،۰۲ دلار افزایش یافته است. اروپا بالاترین قیمت متوسط وارداتی (۱۴،۹۴) و آفریقا پایین‌ترین قیمت وارداتی (۲،۶۷) دلار را دارا می‌باشند، چین با ۲۴ دلار در هر زوج بالاترین قیمت وارداتی را دارد. متوسط قیمت وارداتی اکثر کشورهای

آنالیز آمار کفش‌های وارداتی کمک می‌کند تا ضمن پاسخ سؤالات فوق، در جریان جهت گیری کفش‌های وارداتی در ۸ ساله گذشته قرار گیریم.

بررسی‌های به عمل آمده از ورود کفش به ایران نشان می‌دهد حدود ۹۷ درصد کفش‌های وارداتی در طول این سال‌ها از کشورهای چین، امارات، ترکیه، ایتالیا، هند و تایلند بوده است. و سهم چین بطور متوسط ۵۵ درصد، امارات ۳۳ درصد، ترکیه ۷

درصد، ایتالیا ۳ درصد و هند حدود یک درصد بوده است. با توجه به نقش امارات در صادرات محصولات چین به ایران، می‌توان برآورد نمود که حدود ۸۸ درصد کفش‌های وارداتی متعلق به چین و الباقی مربوط به ترکیه و ایتالیا و تایلند و هند بوده است البته بررسی آمارهایی از سقف و کف قیمت‌های صادرات و واردات کفش جهان در سال ۲۰۱۸ به درک بیشتر مباحث این یادداشت کمک

تکنولوژی و ارزش افزوده بالاتر قرار ندادند و بیشترین وزن واردات کفش هادر بخش هایی متمرکز بوده که امکان تولید آن در داخل کشور وجود داشته است.

جهت گیری کفش های وارداتی با قیمت های بسیار پایین تر از متوسط نرخ جهانی به کشور، نه تنها کمک موثری به رشد تولید و نوآوری در داخل کشور نکرد، بلکه به عنوان یک مانع اصلی در مسیر توسعه اشتغال و تولید داخلی باعث توقف خطوط تولید و تعطیلی خیلی از بنگاه های کوچک و متوسط کفش کشور شده است. در این بررسی دامنه تغییرات قیمت صادراتی گروه های کفشی از پایین ترین قیمت تا بیشترین آن و وزن هر کدام از آنها در سبد صادراتی با توجه به ضریب اهمیت کشور چین در صادرات به ایران حدود ۸۸ درصد در نظر گرفته شده است. البته شاید برخی اعلام کنند که کفش های وارداتی از ایتالیا و یا ترکیه با این قیمت نباید محاسبه شود. در پاسخ باید گفت ایتالیا با سهم حدود ۲ درصد و متوسط قیمت حدود ۵۷ دلار و ترکیه نیز با سهم ۷ درصد و متوسط قیمت کفش چرمی معادل حدود ۱۴ دلار، اثر تعیین کننده ای در بالا رفتن متوسط قیمت کفش های وارداتی و کاهش تعداد کفش ها ندارند. بررسی های بیشتر در ارتباط با صادرات کفش های ترکیه و ایتالیا به ایران نشان می دهد الگوی صادرات ترکیه به کشورهای مختلف جهان با الگوی صادرات به ایران فرق اساسی دارد. حدود ۴۳ درصد صادرات کفش ترکیه در گروه کفش های با رویه چرمی است. ولی آمار صادرات ترکیه به ایران بیشتر در گروه قطعات کفش مانند زیره و پستایی آماده و کفش های با رویه پارچه ای بوده. همین بررسی در خصوص صادرات کفش ایتالیا نشان می دهد که در سال ۲۰۲۰ در مجموع رقم ناچیز حدود ۱۴ هزار زوج کفش با رویه چرم طبیعی به ایران صادر کرده است.

* عضو هیات مدیره و دبیر کل جامعه صنعت کفش ایران

هم امکان تولید آن وجود دارد، در اولویت اول وارد کنندگان کفش به کشور باشد؟ اینکه این کفش ها با چه قیمت هایی در شبکه توزیع به دست مصرف کنندگان می رسد، و حق و حقوق دولت چگونه محاسبه خواهد شد، موضوع بحث این یادداشت نیست.

شاید وارد کنندگان بفرمایند که واردات کفش های ارزان به نفع مردم کم درآمد کشورمان است و ما به این وسیله به آنها خدمت می کنیم. ایافکر کردند که هزینه اجتماعی توقف خطوط تولید و بیکار شدن نیروهای شاغل در این صنعت بر عهده کیست؟ مسئولیت

اجتماعی وارد کنندگان در قبال تعطیلی واحدهای تولیدی و ریزش اشتغال و واگذاری بازار داخلی به تولید کنندگان مشابه خارجی کجاست؟ آیا نمی دانید بخشی از قدرت زنی مسئولین سیاسی کشور تابعی از قدرت تولیدات داخلی است؟ آیا شما مانند تاجر چینی و ترک در دستور کار خودتان، تأمین کفش مورد نیاز اقشار پر درآمد که از قدرت خرید بالا برخوردار هستند و حاضرند پنج تا سه برابر اقشار درآمدی پایین برای کفش خود هزینه کنند را قرار داده اید؟ آیا می دانید متوسط قیمت کفش وارداتی چین و ترکیه به ترتیب ۲۴ و ۱۵ دلار است؟. چرا وارد کنندگان کفش ایرانی همانند تاجران چینی و ترک، تمرکز خود را بر واردات کفش های با

است. به عبارت دیگر با توجه به ۲۶۵ میلیون دلار متوسط کفش وارداتی به ایران و متوسط آخرین قیمت در سال ۲۰۱۸ که بالاترین رشد قیمت را در هشت سال گذشته داشته، برآورد متوسط تعداد کفش های وارداتی به ایران حدود ۷۱ میلیون زوج می شود!

در این بررسی دامنه تغییرات قیمت صادراتی گروه های کفشی از پایین ترین قیمت تا بیشترین آن و وزن هر کدام از آنها در سبد صادراتی با توجه به ضریب اهمیت کشور چین در صادرات به ایران حدود ۸۸ درصد در نظر گرفته شده است.

البته شاید برخی اعلام کنند که کفش های وارداتی از ایتالیا و یا ترکیه با این قیمت نباید محاسبه شود. در پاسخ باید گفت ایتالیا با سهم حدود ۲ درصد و متوسط قیمت حدود ۵۷ دلار و ترکیه نیز با سهم ۷ درصد و متوسط قیمت کفش چرمی معادل حدود ۱۴ دلار، اثر تعیین کننده ای در بالا رفتن متوسط قیمت کفش های وارداتی و کاهش تعداد کفش ها ندارند. بررسی های بیشتر در ارتباط با صادرات کفش های ترکیه و ایتالیا به ایران نشان می دهد الگوی صادرات ترکیه به کشورهای مختلف جهان با الگوی صادرات به ایران فرق اساسی دارد. حدود ۴۳ درصد صادرات کفش ترکیه در گروه کفش های با رویه چرمی است. ولی آمار صادرات ترکیه به ایران بیشتر در گروه قطعات کفش مانند زیره و پستایی آماده و کفش های با رویه پارچه ای بوده. همین بررسی در خصوص صادرات کفش ایتالیا نشان می دهد که در سال ۲۰۲۰ در مجموع رقم ناچیز حدود ۱۴ هزار زوج کفش با رویه چرم طبیعی به ایران صادر کرده است. حال پس از روشن شدن تعداد و حدود قیمت کفش های وارداتی در مقایسه با آمارهای جهانی، شاید برخی از سؤالات مقدمه این یادداشت برای مخاطبان روشن شده باشد.

چرا باید واردات این گروه از کفش هایی که از نظر رده بندی قیمت در دنیا معادل کفش هایی است که در قاره آفریقا وارد می شود و در ایران

چرا باید واردات این گروه از کفش هایی که از نظر رده بندی قیمت در دنیا معادل کفش هایی است که در قاره آفریقا وارد می شود و در ایران هم امکان تولید آن وجود دارد، در اولویت اول وارد کنندگان کفش به کشور باشد؟ اینکه این کفش ها با چه قیمت هایی در شبکه توزیع به دست مصرف کنندگان می رسد، و حق و حقوق دولت چگونه محاسبه خواهد شد

دیپلماسی اقتصادی کار آمد؛ اولویت اقتصادی دولت سیزدهم

محمد باقر طغیانی



اروپا برای از دست دادن بازار ایران و تصاحب آن توسط چین و به طور کلی پیوند سیاسی و اقتصادی ایران با شرق شده است. بنابراین در فرصت ایجاد شده، باید تمام تلاش ایران برای برطرف کردن تحریم‌ها انجام شود.

بهبود روابط با همسایگان و منطقه کشورها در راستای کاهش هزینه مرادوات تجاری تمایل به برقراری روابط بازرگانی با کشورهای همسایه خود هستند. از این رو در چنین شرایطی در اولویت قرار دادن توسعه روابط اقتصادی بین ایران با کشورهای همسایه خود از مهم‌ترین اقدامات جهت حل مشکلات اقتصادی به شمار می‌آید که نقش رایزنان بازرگانی در این موضوع حائز اهمیت است. این طبیعی است که کشورها در منطقه پیرامونی خود دارای منافع متفاوت و بعضاً متعارضی باشند، اما مدیریت سیاست خارجی باید بگونه‌ای باشد که تا حد امکان از تبدیل شدن این اختلاف‌ها به تهدید بکاهد و با تاکید بر منافع مشترک، بیشترین فرصت و سود را نصیب سیاست خارجی کشور کند. بهبود روابط با این کشورها از جنبه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی حائز اهمیت است. تعامل متوازن با همه قدرت‌های جهانی و ورود به پیمان‌های تجاری

اولویت‌های اقتصادی کشور و گسترش دیپلماسی اقتصادی خود، زمینه ارتباط با اقتصاد جهانی را در جهت توسعه همه جانبه کشور به کار بگیرد. در ادامه به برخی از اولویت‌هایی که از نظر کارشناسان، مهم‌ترین اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی کشور در چهار سال پیش رو هستند، اشاره شده است.

■ رفع تحریم‌ها

نقض آشکار حقوق بین‌الملل توسط آمریکا طی سه سال اخیر با اعمال سنگین‌ترین تحریم‌ها علیه کشور، در عمل دریافت پول حاصل از فروش نفت یا به طور کلی هر گونه انتقال وجه برای انجام مبادلات خارجی را با مشکل مواجه نموده و مسیر توسعه کشور را دچار آسیب جدی کرده است. لذا رفع این تحریم‌ها باید به عنوان یکی از اصلی‌ترین اولویت‌ها در دستور کار سیاست خارجی دولت سیزدهم قرار گیرد. بی نتیجه ماندن فشار حداکثری علیه ایران و شکست سیاسی آمریکا در خروج از برجام از یک طرف و بازگشت سطح غنی‌سازی اورانیوم ایران به سطوح حتی فراتر از میزانی که در قبل از برجام بود، انگیزه‌ای برای بازگشت طرف‌های اروپایی و آمریکایی به برجام ایجاد کرده است. امضای تفاهمنامه بین ایران و چین نیز، سبب ایجاد نگرانی

با تأسیس سازمان‌ها و نهادهای مالی، گسترش جهانی شدن اقتصاد و افزایش وابستگی متقابل میان کشورهای جهان، به تدریج اقتصاد به عنصری تاثیرگذار بر روابط بین‌المللی تبدیل شد. تا جایی که دیپلماسی اقتصادی در عصر حاضر به عنوان یکی از پایه‌های اصلی و جدایی ناپذیر قدرت هر کشور به حساب می‌آید و سیاست خارجی دولت‌ها معطوف به مسائل اقتصادی شده است. به این ترتیب، دیپلماسی اقتصادی به عنوان فصل مشترکی میان دیپلماسی و منافع اقتصادی شده و قدرت واقعی هر کشور بر پایه توانایی‌ها و ظرفیت‌ها آن در ادغام با اقتصاد جهانی و نه صرفاً حفظ قلمرو شخصی تعریف شد. بنابراین یکی از ابزارهای نوین، کارآمد و قدرتمند دولت‌ها برای کنش در فضای بین‌المللی و دستیابی به موقعیت بهتر در اقتصاد جهانی، دیپلماسی اقتصادی است. این نوع دیپلماسی شامل اقدامات رسمی دیپلماتیکی است که از یک طرف دسترسی به بازارهای خارجی را برای کسب و کارهای ملی تسهیل می‌کنند، و از طرف دیگر در تلاش برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و اثرگذاری بر روی قوانین بین‌المللی در راستای پیشبرد منافع ملی است. از همین رو دولت جدید باید با تشخیص

برقراری ارتباط تجاری متوازن با شرق و غرب و ورود به پیمان‌های دو جانبه و چند جانبه بزرگ تجاری مانند اتحادیه اوراسیا، سازمان تجارت جهانی و... اولویت دیگری است که باید در دستور کار دولت سیزدهم باشد. با لغو تحریم‌ها که از نظر کارشناسان به زودی اتفاق خواهد افتاد، فرصتی برای برقراری تعامل فعال با جهان در جهت افزایش صادرات غیر نفتی به کشورهای منطقه و جهان و گره خوردن اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی به وجود خواهد آمد. محل شدن در اقتصاد جهانی و ارتباط تنگاتنگ اقتصادی با کشورهای منطقه و جهان، علاوه بر ایجاد رشد اقتصادی و اشتغال در کشور می‌تواند سبب تحریم ناپذیری مجدد ایران و از بین بردن این ابزار فشار بر کشور برای همیشه شود. ایران می‌تواند با ایجاد یک ارتباط متوازن با قدرت‌های آسیایی مانند چین و روسیه از یکطرف و ارتباط با قدرت‌های اروپایی از طرف دیگر، از هر دو بلوک قدرت اقتصادی، امتیازاتی را کسب کند و کشور را توسعه دهد. مجریان سیاستگذاری ایران باید سیاست بین‌المللی ایران را در جهتی قرار بدهند که ایران هم در مسیر جاده ابریشم شرق و هم در سایر مسیرها قرار داشته باشد و از هر دو جاده ابریشم برای واردات کالا و صادرات کالاهای خود به شرق و غرب استفاده کند.

توانمندسازی دیپلماسی وزارت خارجه و

افزایش رایزنان اقتصادی

اگرچه توسعه فناوری اطلاعات و به ویژه پایگاه‌های اطلاع‌رسانی در جهان امروز دسترسی به بسیاری از اطلاعات تجاری موردنیاز را برای بازرگانان تسهیل کرده، اما هنوز هم یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه تجارت خارجی در کشورها وجود اطلاعات بازارهای هدف و شناسایی چگونگی ورود به آنها و همچنین تسهیل توافقات دو جانبه است که موفقیت در این حوزه‌ها همگی به نقش تسهیل‌گری سفارتخانه‌ها، رایزن‌های بازرگانی و مسئولان اقتصادی هر کشور بستگی دارد. نقش رایزن بازرگانی به عنوان نماینده دولت و دیدبان تجاری کشور در بازار محل مأموریت، به منظور معرفی شفاف و عادلانه فرصت‌ها و اطلاع‌رسانی و ظرفیت‌های تجاری، فراهم کردن بستر صادرات محصولات ایرانی و تسهیل جذب سرمایه‌گذاری با کشور هدف به همه تجار و فعالان اقتصادی

کشور، نقش بی‌بدیلی است که جایگزینی ندارد. بنابراین انتخاب رایزنان اقتصادی برای کشورهای مختلف جهان و تقویت مهارت‌های این رایزنان، از مهم‌ترین ضروریات در این حوزه است. براساس اطلاعات اعلام شده از سوی سازمان توسعه تجارت تا پایان سال ۹۹؛ ایران فقط ۶ رایزن اقتصادی در کشورهای مختلف (دو رایزن در شهرهای بغداد و بصره عراق، یک رایزن در هر یک از کشورهای ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و پاکستان) دارد این در حالی است که تعداد رایزن‌های کشور سوئد ۳۳۵ نفر (۳۹ برابر ایران)، چین ۲۲۱ نفر (۳۷ برابر ایران)، آلمان ۲۱۳ نفر (۳۶ برابر ایران)، هند ۱۹۸ نفر (۳۳ برابر ایران)، فرانسه ۱۵۶ نفر (۲۶ برابر ایران)، آمریکا ۱۵۰ نفر (۲۵ برابر ایران) و دیگر کشورهای ذکر شده در نمودار نیز بین ۱۴۰ تا ۱۴۶ رایزن دارند که این تعداد، ۲۴ برابر تعداد رایزن‌های بازرگانی ایران است.

اقتصاد دولت ریسی

در ماه‌های اخیر سازمان توسعه تجارت ایران از اعزام ۱۰ رایزن بازرگانی به بازار مهم صادراتی از جمله بازار روسیه، ترکیه، کردستان عراق، عمان، چین، هند، افغانستان و ارمنستان تا پایان سال ۱۳۹۹ خبر داده بود، با این حال هنوز از اجرایی شدن آن خبری منتشر نشده است. قابل ذکر است در یک دوره‌ای ایران ۲۰ رایزن بازرگانی در کشورهای مختلف و از جمله در کشورهای همسایه مستقر کرده بود.

چنانچه در ابتدا گفته شد، سیاست خارجی دولت‌ها معطوف به مسائل اقتصادی آن کشور شده است. بنابراین دیپلماسی اقتصادی از اهم وظایف وزارت امور خارجه، به عنوان حافظ منافع کشور در سایر کشورهای جهان به شمار می‌رود. در برخی مقاطع زمانی،

وزارت امور خارجه دارای معاونت اقتصادی بوده است، اما به علت نوع ساختار این وزارتخانه این معاونت چندان موفق عمل نکرده است.

در آخرین مورد نیز محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه در سال ۹۶ با تغییر ساختاری در وزارت امور خارجه، اقدام به ایجاد دوباره معاونت دیپلماسی اقتصادی در ساختار این وزارت کرد. اما بازم تغییر شگرفی در دیپلماسی اقتصادی کشور

ایجاد نشد. مشکلی که وجود داشت این بود که نیروهایی که در وزارت خارجه، جذب شده و آموزش دیده بودند، همگی نیروهای سیاسی بودند و آمادگی و تخصص لازم برای انجام کار اقتصادی را نداشتند. به عقیده برخی از کارشناسان، کار بازرگانی خارجی باید به وزارت خارجه داده شود چرا که این وزارتخانه می‌تواند از امکانات سفارتخانه‌ها در این جهت استفاده کند. استفاده از فرصت‌های ژئوپولیتیک و تبدیل ایران به هاب ترانزیتی منطقه و جهان بهترین عامل بازدارنده از اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، ایجاد دیپلماسی راه و به معنی شاه راه شدن ایران برای منطقه و جهان در مسیرهای ریلی هوایی جاده‌ای و آبی است. این کار به معنای تبدیل ابزار و مزیت استراتژیک جغرافیایی به ابزار و اهرم بازدارندگی است. با پیاده‌سازی این سیاست و کسب درآمد از آن، وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی از بین خواهد رفت و اقتصاد کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای جهان با اقتصاد ایران گره خواهد خورد. در نتیجه هزینه تحریم کردن ایران، برای تحریم‌کنندگان چنان بالا خواهد رفت که تحریم ایران برای آنها به صرفه نخواهد بود. طرح راه ابریشم نوین، طرح مائوسام، طرح کریدور شمال به جنوب، طرح راه خلیج فارس به مدیترانه از جمله طرح‌هایی هستند که می‌توانند ایجادکننده دیپلماسی راه برای ایران باشند. حجم کل ترانزیت جهان سالانه در حدود چهار میلیارد و ۶۰۰ میلیون تن است که درآمدی بالغ بر ۴۷۰ میلیارد دلار ایجاد می‌کند. سهم ایران از این حجم تنها حدود ۰.۳ درصد کل ترانزیت جهان و برابر با ۱۳ میلیون تن است. براساس ظرفیت راه‌های جاده‌ای، ریلی و هوایی که ایران دارد، می‌تواند سهم خود را به ۵ تا ۸ درصد، با درآمدی بالغ بر ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار برساند. ایجاد این راه‌ها، می‌تواند تسهیل‌کننده ارسال کالاهای ایرانی به مناطق مختلف جهان نیز باشد. بهره‌گیری از موقعیت ژئوپولیتیک بی‌نظیر ایران در استفاده از دیپلماسی راه می‌تواند با افزایش درآمد‌های ایران، کیک اقتصاد را بزرگتر کرده و بهترین مسیر پیش روی دولت جدید برای گره خوردن اقتصاد ایران با اقتصاد جهانی باشد و امکان تحریم‌پذیری ایران را برای همیشه از بین ببرد.

کارشناسان بازار سرمایه خواستار کاهش دخالت سیاستیون در بورس هستند

چشم انداز بازار سرمایه

مریم فکری



هم نگاه جدی به این دو رخداد دارد و منتظر است ببیند چه اتفاق هایی رخ خواهد داد. در این میان، بررسی وضعیت بازار سهام بیانگر آن است که از سوم خردادماه که شاخص کل بورس در رقم یک میلیون و ۹۵ هزار و ۶۹۷ واحد ایستاده بود، تاکنون با افزایشی بیش از ۱۴ درصد روبه‌رو بوده است. **تصویر شفاف از آینده بورس چگونه ایجاد می‌شود؟**

در چنین شرایطی، اکنون فعالان بازار سرمایه بر این باورند که اگر برنامه‌های عملیاتی و منسجمی در زمینه مرتفع کردن ایرادهای گذشته در وضعیت اقتصاد کشور

بیش از ۱۸۵ هزار میلیارد تومانی آغاز کرده و در اردیبهشت‌ماه نیز این رقم به حدود ۱۳۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. هر چند که از نگاه تحلیلگران، به این آسانی نمی‌توان صعود بازار را محتمل تلقی کرد و سناریوهای نزول شاخص و متعادل بودن بازار همچنان در میان فعالان بورسی و حرفه‌ای‌های بورسی پررنگ‌تر و پر دامنه‌تر هستند. البته همسو با گمانه‌زنی‌ها از ترکیب دولت آینده و موضوع مذاکرات احیای برجام که برخی رسیدن به توافق را با توجه به اختلافات ایران و آمریکا سخت‌تر می‌پندارند، بورس

روند بازار بورس در طول یک‌ماه و نیم گذشته، از مثبت شدن بازدهی بورس نسبت به گذشته خبر می‌دهد؛ این در شرایطی است که از مردادماه سال گذشته بازار سهام تقریباً حال خوشی نداشته و سهامداران با زیان سنگینی روبه‌رو شده‌اند.

اگرچه میان بازدهی بازار سرمایه در این مدت آن‌چنان نبوده، اما آن‌گونه که آمارهای معاملاتی کارگزاران بورسی نشان می‌دهد، روند روبه‌رشد معاملات امیدوارکننده است. آمارها حکایت از آن دارد که در نخستین ماه سال ۱۴۰۰، کارگزاری‌ها کار خود را با خرید و فروش

مصطفی صفاری، کارشناس بازار سرمایه در این خصوص در پاسخ به این پرسش که آیا بازار سرمایه به دوره سوددهی ۱۰۰ تا ۳۰۰ درصدی باز خواهد گشت یا خیر؛ می‌گوید: متوسط بازدهی بورس در ۲۰ سال اخیر بین ۴۰ تا ۶۰ درصد بوده است و نرم انتظارات سهامداران نیز باید روی ۴۰ تا ۵۰ درصد باشد. وی تأکید می‌کند: آن زمانی که سوددهی بورس به ۳۰۰ درصد رسیده بود، دیگر تکرار نمی‌شود؛ چراکه در آن زمان بورس در وضعیت نرمالی به سر نمی‌برده است. در همین حال مجید عبدالحمیدی، کارشناس بازار سرمایه با اشاره به وضعیت بازار در ماه‌های آینده، می‌گوید: ماه‌های آتی در بازار سرمایه، یادآور مجادله کلاسیک سیاسیون و اقتصاددان‌ها است که کدام علم پیشرو و کدام یک پیرو است. با این مقدمه می‌توان گفت وضعیت بازار سرمایه در ماه‌های آتی بیش از آن که متأثر از عوامل اقتصادی باشد، آستان حوادث و وقایع سیاسی در دو بعد داخلی و بین‌المللی خواهد بود. وی می‌افزاید: تشکیل کابینه و استقرار دولت جدید و ترکیب تیم اقتصادی آن در داخل و سرانجام برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در بعد بین‌المللی، عواملی خواهند بود که بیشترین تأثیر را در ادامه حیات بازار سرمایه خواهند داشت. عبدالحمیدی عنوان می‌کند: هر چند از منظر اقتصادی می‌توان گفت که با توجه به ارزش ذاتی علی‌الغالب سهام بازار و همچنین P/P nav هلدینگ‌های سرمایه‌گذاری که آنها را در شرایط فعلی بسیار ارزنده کرده و از سوی دیگر با توجه به وضعیت عرضه و تقاضای شکل گرفته در بازار طی هفته‌های اخیر، می‌تواند این نوید را بدهد که فشار و هیجان فروش تا حدودی از بازار تخلیه شده، اما برای ورود خریداران جدی به بازار نیازمند محرک‌های اساسی و احیای اعتماد از دست رفته است.

بهادار با محوریت تصدی مسوولیت بخش خصوصی در شورای عالی بورس نیز از جمله اقداماتی است که نباید از آن غافل شد؛ ضمن این‌که محدودیت در امکان جابه‌جایی رییس و اعضای هیات‌مدیره سازمان بورس و اصلاح یا تغییر ترکیب شورای عالی بورس نیز باید مدنظر قرار گیرد.

آقایزگی با تأکید بر ضرورت اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و کاهش تصدی‌گری و مدیریت دولت بر نگاه‌های اقتصادی، تصریح می‌کند: الزام به افزایش سهام شناور آزاد تمامی شرکت‌ها در راستای ایجاد تعادل در نظام عرضه و تقاضا از یک سو و حذف تدریجی دامنه نوسان قیمت در بازار سهام از سوی دیگر، از جمله راهکارهای کلیدی است که باید در این بازار مدنظر قرار گیرد.

وی عنوان می‌کند: کاهش دخالت دستوری در امور شرکت‌های بورسی و تحمیل قیمت بدون توجه به مکانیزم عرضه و تقاضای بازار نیز باید مدنظر سیاست‌گذار قرار گیرد؛ ضمن این‌که وضع قانون و مقررات در خصوص عدم امکان تغییر ضوابط معاملاتی در محدوده زمانی ثابت نیز از جمله راهکارهای طلایی خواهد بود.

■ دوران طلایی بورس نزدیک است؟



کاهش دخالت دستوری در امور شرکت‌های بورسی و تحمیل قیمت بدون توجه به مکانیزم عرضه و تقاضای بازار نیز باید مدنظر سیاست‌گذار قرار گیرد؛ ضمن این‌که وضع قانون و مقررات در خصوص عدم امکان تغییر ضوابط معاملاتی در محدوده زمانی ثابت نیز از جمله راهکارهای طلایی خواهد بود.

به‌اجرا در آید، می‌توان تصویری شفاف برای بازار سرمایه و بورس متصور شد. ابوالفضل شهرآبادی، کارشناس بازار سرمایه در این خصوص می‌گوید: باید منتظر ماند و دید که تیم اقتصادی دولت سیزدهم چگونه تیمی خواهند بود و چه برنامه‌های اقتصادی را در کشور به خصوص در حوزه بازار سرمایه در دستور کار خود قرار می‌دهد.

وی با تأکید بر این‌که بازار سرمایه نیازمند یک سری از برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت است، می‌افزاید: در این میان باید برای بازار برخی از سیاست‌های حمایتی و نیز توسعه‌ای مدنظر قرار گیرد و برنامه‌های جدید و متنوعی را برای بورس در زمینه ابزارها، بازیگران و ورود پول جدید به بورس در نظر داشته باشند.

شهرآبادی متذکر می‌شود: لازم است تا تصمیماتی که برای بهبود وضعیت بازار سرمایه اتخاذ می‌شود، زمینه دخالت افراد سیاسی در بورس را به حداقل برساند. هر چه بورس سیاسی‌تر شود، از اهداف اصلی خود که تأمین مالی و تشکیل سرمایه است، دور خواهد شد که این موضوع به هیچ‌عنوان به نفع بورس و اقتصاد کشور نیست.

وی، به علت بازگشت رشد به معاملات بورس اشاره و عنوان می‌کند: با رفع ابهام‌های ایجاد شده در کشور و کاهش بخشی از ریسک‌های سیستماتیک، زمینه ایجاد اطمینان بخشی بیشتر در بازار برای سرمایه‌گذاری فراهم شد.

■ استقلال سازمان بورس رعایت شود

فردین آقایزگی، تحلیلگر بازار سرمایه هم اعتقاد دارد: اهتمام در ایجاد استقلال سازمان بورس و حمایت از آن سازمان با استراتژی حفظ منافع بلندمدت سهامداران، باید یکی از نکات کلیدی در برنامه‌های تدوینی برای بورس در ماه‌های پیش رو باشد.

وی می‌افزاید: اصلاح قانون بازار اوراق

نتیجه اعتراض فقط اخراج است! هیس! کارگرها فریاد نمی‌زنند

زهرا معرفت



«من چهار ماه در یکی از کارخانه‌های تولید کاشی کار کردم اما به خاطر اعتراض‌هایم به وضعیت بهداشت و ایمنی محیط کارخانه اخراج شدم. ما در اتاق برش کاشی، عینک مناسب نداشتیم تا امروز چندین بار برای خود من پیش آمده که کاشی شکسته و بخش‌هایی از آن به سر و صورت‌م خورده، حالا اگر این کاشی به چشم‌م می‌خورد تا الآن کور شده بودم. آیا من نباید به این وضعیت اعتراض کنم؟ مورد دیگر این است که آلودگی محیط کار ما بسیار زیاد است ما نه تنها تجهیزات لازم و تهویه مناسب در محیط نداریم بلکه حتی جای مناسبی هم

کارفرما به راحتی می‌تواند کارگر را اخراج کند؛ تنها کافی ست صدایی از او درآید تا فردای آن روز دیگر اجازه ورود به کارگاه را نداشته باشند. امروز ارتش ذخیره کار در کنار همین قرارداد موقت‌ها سبب افزایش بی‌ثبات کاری شده‌اند و کارفرما به راحتی می‌تواند کارگران را بعد از چند ماه کار کردن؛ اخراج و کارگری دیگر را در زمانی بسیار کوتاه جایگزین کند؛ کارگری که احتمالاً صدا ندارد یا مطمئن است که نمی‌تواند اعتراض کند. احمد از کارگران اخراجی یک کارخانه کاشی و سرامیک است؛ او می‌گوید:

از سال ۱۳۷۵ که دیوان عدالت اداری با صدور دادنامه ۱۷۹ به قانونی بودن قراردادهای موقت در کارهای مستمر رأی داد، قانون کار و مفاد حمایتی این قانون هم بی‌اثر شد. امنیت شغلی درست از همان زمان بر باد رفت و مهر سکوت از همان زمان بر لبان کارگران زده شد.

نزدیک به ۲۵ سال است که به لطف حکم دیوان عدالت اداری و صدور دادنامه ۱۷۹، قراردادهای موقت رونق گرفته‌اند و دیگری خبری از اشتغال‌های رسمی نیست. به گفته مسئولان بیش از ۹۵ درصد از کارگران امروز قرارداد موقت هستند. در چنین شرایطی

باید بپذیرند که با کار و حقوق ناچیز ماهانه در خدمت تمام و کمال کارفرما باشند. حال اگر کارفرما انصاف به خرج دهد حقوق وزارت کاری را پرداخت می کند و به اندازه ای که در قانون آمده از آن ها کار می کشد در غیر اینصورت راهی برای کارگران وجود ندارد یا باید اعتراض کنند و اخراج شوند و یا کار کنند و کار کنند و کار کنند. «می گویند ما تن پرور هستیم» این ها را احمد می گوید و ادامه می دهد: «اخراجمان که می کنند هیچ، تحقیرمان هم می کنند و می گویند شما تنبل هستید. اصلاً همین که به ما این را می گویند بر ایمان از هزار فحش بدتر است.

سؤال من این است که اعتراض به محیط کار نایمن و کار کردن بدون تجهیزات لازم یعنی تن پروری؟! ما که در روز تعطیل و غیر تعطیل هم کار می کنیم چطور انگ تنبلی به ما می زنند؟ آن ها انتظار دارند ۲۴ ساعت در اختیارشان باشیم و هیچ حرفی نزنیم؟» از سال ۱۳۷۵ که دیوان عدالت اداری با صدور دادنامه ۱۷۹ به قانونی بودن قراردادهای موقت در کارهای مستمر رأی داد، قانون کار و مفاد حمایتی این قانون هم بی اثر شد. امنیت شغلی درست از همان زمان بر باد رفت و مهر سکوت از همان زمان بر لبان کارگران زده شد. در شرایطی که هم نیروی آماده به کار زیاد است و هم کارفرما قدرت مطلق دارد، اعتراض جایی برای ظهور و بروز پیدا نمی کند. وقتی اعتراض نباشد شرایط روز به روز بدتر و زیر پا گذاشتن قانون کار، رویه ای معمول می شود. در چنین شرایطی است که کارگری که به ایمنی در شرایط کار اعتراض می کند و یا حق خود را بعد از ساعات کار اجباری مطالبه می کند، تن پرور و ضعیف خوانده می شود که مستوجب اخراج است. او باید یاد بگیرد که سکوت کند و کار کند در غیر اینصورت جایش در محیط کار نیست. دادنامه ۱۷۹ در واقع کارگران را در موقعیتی قرار داده است که آن ها این اصل اساسی دوران رواج قراردادهای موقت را بفهمند که «هیس! کارگرها فریاد نمی زنند».

اعتراض هم کاملاً بجاست اما نتیجه ای که از این اعتراض حاصل شد، چیزی جز اخراج از کار نبود. این کارگر کارخانه کاشی و سرامیک در بخش دیگری از صحبتهاش در خصوص اجبار به اضافه کاری می گوید: «کارفرما ما را مجبور می کرد اضافه کاری بایستیم اما فقط صد ساعت از پول اضافه کاری ما را می داد و بیشتر از آن را پرداخت نمی کرد. ما حتی در تعطیلات عید هم از ساعت ۵ صبح پای سرویس بودیم. با این وضعیت آیا درست است پول کار کردن در شرایط سخت را هم نصفه و نیمه به ما بدهند و از ما بخواهند شرایط را بپذیریم و کوچکترین اعتراضی هم نکنیم؟ بعضی از همکاران وقتی این شرایط را دیدند رفتند، ما هم که ماندیم و اعتراض کردیم، اخراج شدیم. حالا هم جای ما کارگر افغانستانی آورده اند تا هر چه می خواهند از این کارگر به بهانه موقعیتش کار بکشند و او هم نتواند چیزی بگوید. همه کارفرماها دنبال کارگری هستند که هر چه به او بگویند گوش کند و هیچ حرفی هم نزند».

واقعیت این است که کارگر ایرانی و کارگر افغانستانی هر دو به یک اندازه قربانی شرایط هستند. هر دو برای سپری کردن روزگار سخت خود و خانواده شان مجبور به کارند و ظاهراً باید هر شرایطی را بپذیرند. آن ها

برای غذا خوردن نداریم و مجبوریم در همان محیط کار و در کنار خاک و خل غذایمان را بخوریم. حالا شما به من بگویید برای این وضعیت اعتراض کردن گناه است؟! مجازات اعتراض به حفاظت از جانمان اخراج شدن و بریدن همین اندک نانمان است؟! تعبیر آنچه این کارگر از آن سخن می گوید شاید این است: چشم ها و ریه هایم را با سهل انگاری از من نگیرید! نیک که بنگریم او در واقع بابت همین خواسته اخراج شده است. یکی از بیماری هایی که ممکن است کارگران این نوع مشاغل به آن مبتلا شوند بیماری قابل پیشگیری اما علاج ناپذیر «سیلیکوزیس» است که به گفته پزشکان «تماس با مقادیر زیاد گردوغبار که حاوی ذرات میکروسکوپی سیلیس باشد، بافت ریه را از بین می برد و توانایی ریه را برای خارج کردن اکسیژن کاهش می دهد». تنها راه پیشگیری از این بیماری مناسب کردن محیط کار و استفاده از تجهیزات مناسب همچون ماسک تنفسی است. حال آنکه «احمد» به ما می گوید حتی کارگران غذایشان را هم در همان گردوغبار کارخانه می خورند! براساس ماده ۹۵ قانون کار «مسئولیت اجرای مقررات و ضوابط فنی و بهداشتی کار برعهده کارفرما یا مسئولین واحدهای موضوع ذکر شده در ماده ۸۵ قانون کار است. هر گاه بر اثر عدم رعایت مقررات مذکور از سوی کارفرما یا مسئولین واحد، حادثه ای رخ دهد، شخص کارفرما یا مسئول مذکور از نظر کیفری و حقوقی و نیز مجازات های مندرج در این قانون مسئول است».

اما سؤال این است که آیا در صورت ابتلا به چنین بیماری های سخت ریوی ای که زندگی کارگران را تا آخر عمر تحت تأثیر قرار می دهد، کارفرما پاسخگو خواهد بود؟! یا اگر در نبود عینک مناسب کارگری چشمهایش را از دست دهد، آیا برای جبران این خسارت می توان قیمتی تعیین کرد؟ پرواضح است که این کارگر با عقلانیت تمام اعتراض کرده و

واقعیت این است که کارگر ایرانی و کارگر افغانستانی هر دو به یک اندازه قربانی شرایط هستند. هر دو برای سپری کردن روزگار سخت خود و خانواده شان مجبور به کارند و ظاهراً باید هر شرایطی را بپذیرند. آن ها باید بپذیرند که با کار و حقوق ناچیز ماهانه در خدمت تمام و کمال کارفرما باشند.

تاکید قانون بر ارائه خدمات درمانی رایگان و باکیفیت به بازنشستگان

پادشاهان رفاه جای خود را به رعیتان فقیر داده‌اند

نسرین هزاره مقدم

دارو بگیرد، آزمایش پزشکی به عمل بیاورد یا تحت درمان بالینی قرار بگیرد. به همین دلیل است که «درمان بازنشستگان و مستمری بگیران» مقوله‌ای به مراتب مهم‌تر از «درمان شاغلان» است و دقیقاً به همین خاطر است که همه بازنشستگان تقریباً بدون استثنا و فارغ از نوع صندوقی که بیمه شده‌اند هستند، از خدمات «بیمه تکمیلی» استفاده می‌کنند اما آیا برخورداری از بیمه تکمیلی و صرف هزینه اضافی برای آن، با معیارهای عدالت همخوانی دارد؟!

سی سال حق بیمه ما را کجا صرف کرده‌اند که حالا من بازنشسته اگر بیمه تکمیلی نداشته باشم باید برای یک رادیولوژی ساده، چند صد هزار تومان بپردازم؟! البته گاهی با بیمه تکمیلی نیز باید همان چند صد هزار تومان را بپردازم! وقتی سن بالا می‌رود، ضعف از راه می‌رسد و بیماری‌های مختلف از در و دیوار فرو می‌ریزد؛ اگر یک فرد در طول دوران جوانی، سالی یکبار به پزشک مراجعه می‌کند، در دوران کهولت و بازنشستگی مجبور است ماهی یکبار به مراکز درمانی مراجعه کند؛

منت‌نیزی داشتیم و نه نگران هزینه درمان بودیم!

■ مطالبه "نظام پیشگیری، سلامت و درمان بازنشستگان"

بدون تردید، یکی از اصلی‌ترین مطالبات بازنشستگان ایران، افزایش کیفیت و کمیت خدمات درمانی ارائه شده توسط بیمه پایه و حذف کامل بیمه‌های تکمیلی است؛ خواهسته‌ای که در دولت فعلی علیرغم کشنگری متعدد و پیگیری بازنشستگان برآورده نشد و با روال فعلی مدیریت صندوق‌ها، به نظر نمی‌رسد به این زودی‌ها هم برآورده شود. به همین دلیل است که به گفته محمدسعید بهوندی (عضو کارگروه ۳۱ نفره پیگیری مطالبات بازنشستگان و فعال صنفی بازنشستگان کشوری) یکی از اصلی‌ترین مطالبات بازنشستگان از دولت «طراحی و عملی نمودن بیمه درمانی و تکمیلی کارآمد، در یک مجموعه کامل به نام "نظام پیشگیری، سلامت و درمان بازنشستگان"» است. ظاهراً همچنین نظامی قرار است از تلفیق بیمه پایه و بیمه تکمیلی به وجود بیاید و مسئول ارائه کلیه خدمات درمانی به بازنشستگان کشوری باشد؛ استقرار

کهولت مانند دیابت یا حمله قلبی یا گرفتگی عروق و شراین شود، باید مستمری چندماه خود را یکجا پای درمان بپردازد؛ بنابراین بازنشسته برای جلوگیری از یکچنین اتفاقاتی مجبور است که سراغ بیمه تکمیلی برود. اما آیا اگر صندوق‌های بازنشستگی از جمله تأمین اجتماعی، حق بیمه شاغلان را در زمان اشتغال درست سرمایه‌گذاری می‌کرد و اگر سوءاستفاده‌های ادواری از منابع انباشته بیمه‌شدگان به صفر می‌رسید، بازهم توان ارائه تمام خدمات درمانی از طریق همان بیمه پایه فراهم نبود؟! اِسعدتی (بازنشسته کارگری مشهد) در این رابطه با تاکید بر لزوم حسابرسی مستقل و دقیق بر نحوه عملکرد صندوق‌ها در بیش از سی سال گذشته می‌گوید: اگر منابع ریالی شاغلان درست و عادلانه سرمایه‌گذاری می‌شد، امروز نیاز به بیمه تکمیلی نداشتیم؛ ساده‌تر بگویم صندوق‌ها عموماً در حیف و میل دارایی‌های بیمه‌شدگان را به بیمه تکمیلی تبدیل کرده‌اند؛ اگر هر کدام از ما بازنشستگان در زمان اشتغال، حق بیمه را خودمان پس‌انداز می‌کردیم یا خیلی ساده در بانک می‌گذاشتیم، امروز بهره‌ر پولمان آنقدر زیاد بود که نه به این متناسب‌سازی و همسان‌سازی با هزار

صرف هزینه‌های هنگفت برای «بیمه تکمیلی» کلیدی‌ترین و اصلی‌ترین جامعه هدف دولت‌های رفاه، بازنشستگان هستند؛ در کشورهای متری و در دولت‌های رفاه پیشرفته که برای بازنشستگان بدون توجه به استطاعت و آورده نقدی خودشان، خدمات رفاهی مکفی فراهم می‌کنند، هیچ بازنشسته‌ای نیاز به پرداخت هزینه اضافی برای برخورداری از خدمات درمانی باکیفیت ندارد؛ نه تنها درمان رایگان بازنشستگان، سال‌هاست در نظام‌های متری رفاهی نهادینه شده، بلکه ارائه خدمات رفاهی باکیفیت از جمله تأمین مسکن شایسته، تفریحات سالم و تورهای گردشگری و وام‌های قرض‌الحسنه کمکی، از شاخص‌های حمایت‌های رفاهی بازنشستگان به شمار می‌آید تا آنجا که گاهی به طنز، بازنشستگان را در این کشورها، «پادشاهان رفاه» می‌نامند! اما در ایران، همه بازنشستگان مجبور به ثبت نام در بیمه تکمیلی و صرف هزینه ماهانه برای آن هستند و دلیل آن هم ساده است: خدمات درمانی بیمه پایه در هیچ کدام از صندوق‌های بازنشستگی کافی نیست و یک بازنشسته اگر بیمه تکمیلی نداشته باشد و خدای ناکرده گرفتار بیماری‌های



تعرفه‌های رسمی شده است.

■ نتیجه‌گیری

بازنشستگان کشور - حداقل بازنشستگان تأمین اجتماعی - نباید نیازی به عضویت در بیمه تکمیلی و صرف هزینه اضافه برای بهره‌گیری از خدمات درمانی داشته باشند اما در واقعیت، اینگونه نیست؛ قانون الزام را به کناری نهاده‌اند و نه شاغلان و نه بازنشستگانی که علاوه بر نه/بیست و هفتم زمان اشتغال، در زمان بازنشستگی دو درصد سهم درمان می‌پردازند، هیچ کدام هیچ بهره‌ای از خدمات درمانی رایگان و با کیفیت ندارند؛ بیمه تکمیلی به یک واقعیت مسلم در عرصه روابط کار ایران بدل شده و پرداخت فرانشیزهای کلان در مراکز غیرملکی امروز کاملاً متداول است؛ به اینجا که می‌رسیم، سعادت همان بازنشسته مشهودی می‌گوید: «سی سال حق بیمه ما را کجا صرف کرده‌اند که حالا من بازنشسته اگر بیمه تکمیلی نداشته باشم باید برای یک رادیولوژی ساده، چند صد هزار تومان بپردازم؟! البته گاهی با بیمه تکمیلی نیز باید همان چند صد هزار تومان را بپردازم!»

مبالغی تحت عنوان فرانشیز در مراکز غیرملکی، کاملاً غیرقانونی است. قانون الزام در آبان ماه سال ۱۳۶۸ در قالب یک ماده واحد و دو تبصره به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. در این قانون سازمان تأمین اجتماعی موظف به اجرای کلیه تعهدات درمانی خود از طریق بخش‌های دولتی و در صورت نیاز از بخش خصوصی با رعایت

یک نظام هماهنگ برای ارائه خدمات درمانی به بازنشستگان، می‌تواند دغدغه این قشر در ارتباط با بیماری‌های ایام کهولت و پیری را برطرف سازد البته به این شرط که یک بازنشسته دیگر نیازی به پرداخت پول اضافه یا هزینه‌های مازاد نداشته باشد. اما در ارتباط با بازنشستگان کاری یا همان مستمری‌بگیران صندوق تأمین اجتماعی، به هیچ وجه نیازی به تدوین یا طراحی چنین نظام تفضیحی‌ای نیست چرا که ما اسناد بالادستی داریم که حکم می‌کنند صفر تا صد درمان یک کارگر شاغل یا بازنشسته باید رایگان باشد.

■ قانون الزام و لزوم ارائه درمان رایگان

«قانون الزام» تأکید دارد که صفر تا صد درمان بیمه‌شدگان تأمین اجتماعی - چه درمان مستقیم در مراکز ملکی سازمان و چه درمان غیرمستقیم از طریق مراکز درمانی دولتی و خصوصی - باید رایگان و از همان محل سهم درمان حق بیمه‌ها (نه/بیست و هفتم حق بیمه) تأمین شود؛ با این حساب، باید پوشش بیمه پایه صد درصدی باشد و همه خدمات درمانی را - بستری، کلینیکی یا پاراکلینیکی - دربرگیرد و از سوی دیگر، پرداخت

بدون تردید، یکی از اصلی‌ترین مطالبات بازنشستگان ایران، افزایش کیفیت و کمیت خدمات درمانی ارائه‌شده توسط بیمه‌پایه و حذف کامل بیمه‌های تکمیلی است؛ خواسته‌ای که در دولت فعلی علیرغم کنشگری متعدد و پیگیر بازنشستگان برآورده نشد.

کارفرمایان و پیمانکاران سودها را میان خود تقسیم می‌کنند

پیمانکاران را از میان بردارید!

نسرین هزاره مقدم

استشمام مواد سمی و شیمیایی در کنار غیر استاندارد بودن وضع بهداشت و در مانگاه‌ها، دارد هر روز از ما قربانی می‌گیرد و سبب صدمات جانی و روحی بسیاری به کارگران شده است.

■ چطور از پیمانکاران دفاع می‌کنند؟!

حال در شرایطی که یک کارگر پیمانکاری، حجمی یا روزمزد پیمانکاری، باید هر روز و هر لحظه شاهد تبعیض آشکار در محیط کار خود باشد، کارگری که حق مطالبه ندارد چون در پایین‌ترین سطح از معادلات معیوب روابط کار قرار گرفته و ترس از اخراج، ترسی واقعی است، گروهی از حضور بی‌امان پیمانکاران در صنایع زیرساختی مانند نفت و گاز دفاع می‌کنند؛ واقعاً این پارادایم غیر انسانی و ضد کارگری، چطور جای دفاع دارد؟

استدلال برخی این است که به پیمان سپاری، یک نوع خصوصی سازی و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی است که موجب می‌شود بدنه دولت کوچک شده و هزینه‌های آن کم شود! آیا چنین استدلالی را می‌توان پذیرفت؛ آیا با آمدن پیمانکاران به صنعت نفت، هزینه‌های دولت کم شده؛ آیا پیمانکاران و واسطه‌هایی که علاوه بر حقوق مزدی کارگران، سودهای کلان به جیب می‌زنند، موجب کاهش هزینه‌های دولت می‌شوند؛ آیا اگر این کارگران مستقیم با خود کارفرمای مادر طرف قرارداد بودند و فقط حقوق خود را می‌گرفتند (یعنی حذف سود هنگفت پیمانکار یا واسطه) هزینه‌ها کمتر نمی‌شد؟! در برخی راهکارهای اقتصادی، خوشه بندی اقتصاد و قراردادن خوشه‌های مرتبط در یک ناحیه جغرافیایی، یکی از رموز موفقیت و بالا رفتن نرخ رشد مطرح شده اما بدون تردید، پیمانکارانی که به عنوان دلال نیروی انسانی هیچ آورده‌ای برای اقتصاد به خصوص در صنایع مادر ندارند و حتی از امکانات و زیرساخت‌های تکنولوژیک کارفرمای

پیمانکاری یا حجمی، فاجعه‌ای غیر قابل وصف است؛ تحرک اجتماعی یا طبقاتی کارگر پیمانکاری واقعاً در حد صفر است؛ هر چه تخصص و مهارت کسب کنی، نمی‌توانی خود را از نردبان ترقی شغلی (نردبانی که اساساً وجود ندارد) بالا بکشی؛ کارگر پیمانکاری حق برخورداری از تشکل حتی همان تشکل‌های رسمی قانون کار را ندارد (هر چه گشتیم، هیچ تشکلی به عنوان تشکل نماینده پیمانکاران در هیچ کدام از پالایشگاه‌ها و پتروشیمی‌ها نیافتیم)؛ کارگر پیمانکاری کمتر از نصف رسمی‌ها و عموماً با تأخیر بسیار حقوق می‌گیرد (این وسط استدلال می‌کنند تقصیر پیمانکار است و به دولت ربطی ندارد!)؛ و در نهایت اینکه کارگر پیمانکاری، علیرغم ماهیت مستمر کارش، هیچ آمیدی به آینده ندارد، امنیت شغلی در حد صفر... در این شرایط است که گرچه کارگران پیمانکاری نفت، خواسته‌هایی مانند بهبود دستمزد، بهبود ایمنی شغلی و حق برخورداری از دستمزد شایسته ۱۲ میلیون تومانی و برابر با خط فقر را به درستی طرح می‌کنند، اما تا پیمانکاران آنهم پیمانکاران لایه لایه و سلسله مراتبی در همه صنایع پرسود و نهادهای ولتی حضور دارند، نمی‌توان به تأمین آینده کارگران امیدوار بود. با این اوصاف، کارگران پیمانکاری نفت در بیانیه‌ای به مناسبت اعتراضات اخیر، خواسته‌های برحق خود را علنی کرده و در بخشی از آن نوشته‌اند: «قوانین برده‌وار مناطق ویژه اقتصادی که حصری بین ما و بخش‌های دیگر کارگری در سطح جامعه است و بر اساس آن کارفرمایان دست‌شان برای هرگونه تعرضی به زندگی و معیشت ما باز گذاشته شده است، باید فوراً لغو شوند. ما خواستار ایمن شدن محیط کارمان هستیم. محیط‌های کار ما مثل یک بمب انفجاری است و حریق‌های مهیب، سقوط از ارتفاع، آلودگی‌های صوتی در اثر انفجار مواد نفتی،

پیمانکاران با هدف کم کردن هزینه‌های نیروی انسانی، حقوق نیروی کار را نمی‌دهند یا با تأخیر بسیار می‌دهند و بعضاً هم وارد مذاکره نابرابر و ناعادلانه با نیروی کار می‌شوند که اگر کارگر کار را می‌خواهد مجبور است شرایط را بپذیرد و با هزینه کمتر از آنالیز اولیه قیمت کار کند. کارگری که دستش به هیچ کجا بند نیست و سر میز مذاکره در سطح پایین تر نشسته، چاره‌ای جز پذیرش ندارد! اعتراضی که مدت‌ها زیر پوسته سخت شرکت‌های پیمانکاری نفت جریان داشت، اول تیر ماه به سطح رسید؛ فضای مجازی به کمک کارگران آمد؛ کارگرانی که زیر سلطه پیمانکاران و «دلالتان نیروی انسانی» مجال نفس کشیدن و عرض اندام و یا چانه‌زنی متحدانه ندارند، توانستند صدای اعتراض همصدای خود را به گوش مخاطبان و فرادستان برسانند.

کارگران پیمانکاری چه می‌خواهند:

■ مهم‌ترین خواسته، حذف پیمانکاران است

اگر خواسته‌های کارگران پیمانکاری نفت را در سطوح مختلف ارزیابی کنیم، زیرساختی‌ترین و اساسی‌ترین مطالبه، «حذف کامل پیمانکاران یا واسطه‌ها از صنعت سودآور نفت و گاز» است؛ خواسته‌ای که یک کارگر روزمزد پتروشیمی چوار، کارگری که در بدترین ترکیب شغلی ممکن مجبور به کار کردن است (هم پیمانکاری است و هم روزمزد یعنی از دو طرف در محاصره بی‌حقوقی است) در یک جمله ساده، بسیار ساده، خلاصه می‌کند: «چرا من کارگر که بیش از هشت سال سابقه کار دارم باید همچنان پیمانکاری و روزمزد باشم در حالی که در همین صنعت نفت، آشنایان و بستگان خواص می‌آیند و بدون سابقه صندلی‌ها را تصاحب می‌کنند و رسمی می‌شوند!»

پنج، ده یا بیست سال کار کردن به عنوان کارگر



اصلی استفاده می کنند (یعنی آورده واقعی چیزی در حد صفر است)، نمی توانند مدعی کاهش هزینه‌ها یا رشد اقتصادی باشند!

■ برنده واقعی پیمانکار است یا پیمانکار به علاوه کارفرما!

علیرضا حیدری (فعال کارگری و کارشناس روابط کار) در ارتباط با این استدلال‌های نامربوط در دفاع از وجود پیمانکاران می گوید: اگر کار را پدیده‌ای واقعی ببینیم و هزینه‌های مترتب بر آن را از طریق آنالیز قیمت به دست بیاوریم، به همان روندی می‌رسیم که پیمانکاران انجام می‌دهند؛ آن‌ها ارزش کار را درمی‌آورند و بین عوامل از جمله نیروی کار تقسیم می‌کنند. در واقع کارشان آنالیز قیمت است؛ در چارچوب تکالیفی که در قبال نیروی کار وجود دارد، هزینه‌های نیروی کار را تخمین می‌زنند و این تخمین هزینه را به اضافه هزینه‌های اجرا یا بالاسری که به آن افزوده می‌شود، تخمین نهایی قیمت می‌دانند که به عنوان قیمت اعلامی به کارفرمای مادر اعلام می‌شود یا از آن در مناقصه‌ها رونمایی می‌گردد.

اما اتفاقی که می‌افتد به همین سراسستی و روشنی نیست؛ حیدری اضافه می‌کند: اتفاقی که می‌افتد این است که در خصوص آنالیز هزینه‌های نیروی کار، همه هزینه‌های قانون کار، در بهترین شرایط ممکن، در نظر گرفته می‌شود و به کارفرما اعلام می‌شود؛ اما وقتی هزینه کرد واقعی پیمانکار آغاز می‌شود، سود واقعی هم شروع می‌شود؛ هنگام

انجام کار و هزینه کرد، پیمانکاران به سود متعارف هزینه‌های بالاسری قناعت نمی‌کنند و شروع می‌کنند با کارگر در خصوص هزینه‌های واقعی مجادله کردن؛ در عمل، با کاهش هزینه‌های نیروی کار، سود خود را افزایش می‌دهد و مساله اصلی همین سود است. حالا عده‌ای که استدلال می‌کنند پیمانکاران هزینه‌ها را کاهش می‌دهند به این دلیل است که عملاً پیمانکاران توانایی تعدیل نیروی انسانی را دارند؛ وقتی حجم کار کم و زیاد می‌شود، از آنجا که قراردادهای پیمانکاران معمولاً «حجمی» است و دستشان باز است، شروع به کم و زیاد کردن تعداد کارگران می‌کنند؛ در واقع انعطاف‌پذیری کار موجب انعطاف‌پذیری نیروی انسانی می‌شود و برخی با استناد به چسبندگی نیروی کار در دولت - چون معتقدند چسبندگی ایجاد هزینه می‌کند - از پیمانکاران به خاطر همین انعطاف در تعدیل، دفاع می‌کنند و می‌گویند پیمانکاران هزینه‌ها را کمتر می‌کنند در حالیکه در واقعیت اینگونه نیست؛ بحث همان سود هنگفتی است که می‌برند، به نام کارگر، از جیب دولت و به کام پیمانکار! این فعال کارگری ادامه می‌دهد: پیمانکاران با هدف کم کردن هزینه‌های نیروی انسانی، حقوق نیروی کار را رانمی‌دهند یا با تأخیر بسیار می‌دهند و بعضاً هم وارد مذاکره نابرابر و ناعادلانه با نیروی کار می‌شوند که اگر کارگر کار را می‌خواهد مجبور است شرایط را بپذیرد و با هزینه کمتر از آنالیز اولیه قیمت کار کند. کارگری که

■ حرف آخر:

پیمانکاران را از میان بردارید! بازنده واقعی این مناسبات معیوب و البته پرهزینه، به راستی «کارگر» است؛ گروهی به قیمت بازنده بودن و بازنده ماندن کارگرانی که در یک بمب انفجاری زندگی می‌کنند، جیب‌ها را پر می‌کنند و صفرهای حساب‌های بانکی‌شان روز به روز بیشتر می‌شود. در این بین، تنها راهکار همان حذف کامل تمام پیمانکاران است و اگر دولت یا مجلس، به قدر سر سوزنی به فکر رفاه حال کارگران هستند باید بدون معطلی و فارغ از همه بهانه‌ها و استدلال‌های دست راستی غیر قابل قبول، پیمانکاران را از نهادهای دولتی و صنایع مادر به تمامی حذف کنند؛ که اگر این کار را نکنند، لابد همان همدستی و هم‌کاسگی دولتی‌ها به عنوان کارفرمای مادر با پیمانکاران و دلالتان در میان است؛ همان همدستی‌ای که موجب می‌شود سودها را قسمت کنند و مشترکاً به جیب بزنند!

۱۳ سال غفلت برای ابطال دستور العمل غیر قانونی اداره کل روابط کار

چگونه «حق مرخصی» کارگران سوخت می شود؟

پیام عابدی

محاسبه ذخیره مرخصی تعریف مزد یا همان وجوه نقدی یا غیر نقدی است. با این حال دستور العمل شماره (۳) اداره کل مذکور، مزایایی را که به سبب عدم حضور کارگر در کارگاه (در روزهای مرخصی استحقاقی و...) برای وی محاسبه نمی شود را از شمول تعریف مزد، خارج کرده است.

■ اقدام خلاف قانون یک اداره کل

بر همین اساس، هیات عمومی دیوان عدالت اداری با شکایت "سعید کنعانی" دستور دستور العمل شماره (۳) اداره کل تنظیم و نظارت بر روابط کار را ابطال کرد. قضات هیات عمومی، به درستی تشخیص داده اند، که این اداره کل برخلاف دادنامه ۱۶۹۲ عمل کرده است. در نتیجه دولت، به حوزه مسئولیت های مجلس شورای اسلامی پا گذاشته است؛ چرا که بر مبنای اصل ۷۳ قانون اساسی، شرح و تفسیر قوانین عادی در صلاحیت مجلس شورای اسلامی است. روی همین حساب، در دادخواستی که در دیوان عدالت اداری بر علیه دستور العمل این اداره کل، تنظیم شده، کنعانی یادآوری کرده "چنانچه برای محاسبه مطالبات مرخصی، نیاز به ایجاد استثناء و محرومیت از برخی اجزاء و عناوین مزدی باشد یا بخواهند با تفسیر مزد و ملاک پرداخت مطالبات مانده مرخصی، دامنه شمول قانون را محدود و مضیق نمایند، صرفاً قالب قانون و توسط مجلس امکان پذیر بوده و از حیطه اختیارات مقام اداری خارج است."

در همین حال باید توجه داشت؛ از آنجا که کارفرما نمی تواند به بهانه مرخصی، مبلغی را از مزد کارگر برداشت و کسر کند، مواد ۴۳ و ۶۴ قانون کار، باید عیناً برای محاسبه ذخیره مرخصی جاری شوند. در نتیجه کارگران "کارمزد" هم مشمول بهره مندی از ذخیره مرخصی های قانونی می شوند و حتی بر

۷۱ رادر قانون کار پیش بینی است. بر مبنای آن، در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کار یا بازنشستگی و از کارافتادگی کلی کارگر و یا تعطیلی کارگاه، مطالبات مربوط به «مدت مرخصی استحقاقی» کارگر به وی و در صورت فوت به ورثه او پرداخت می شود.

این در حالی است که بسیاری از کارگران به دلیل بی اطلاعی، پس از پایان قرارداد کار یا پس از اتمام اشتغال خود، تسویه ذخیره مرخصی های قانونی را از کارفرما مطالبه نمی کنند؛ چه برسد به اینکه ورثه آنها برای دریافت طلبشان اقدام کنند؛ بگذریم از اینکه کارفرمایان کارگاه های کوچک، سایر حقوق قانونی کارگران مانند عیدی، مزایای مزدی (حق مسکن، بن، پایه سنوات، حق اولاد و...)، سنوات پایان کار، حق شیفت، جمعه کاری، شب کاری، حق بیمه را محاسبه و پرداخت نمی کنند و در موارد زیادی تنها همان حداقل مزد را با هزار و یک منت به حساب کارگر بایه صورت دستی و پس از دریافت امضا بر روی برگه تسویه حساب، پرداخت می کنند.

■ خارج کردن مزایای غیر ثابت از شمول

مزد

باتوجه به اینکه قانونگذار در ماده ۶۴ قانون کار، مقرر داشته که مرخصی استحقاقی سالانه کارگران با استفاده از مزد و احتساب چهار روز جمعه، جمعاً یک ماه است و سایر روزهای تعطیل جزء ایام مرخصی محسوب نخواهد شد، باید نتیجه گرفت که منظور قانونگذار از "با استفاده از مزد" مبنای قرار گرفتن مزد در محاسبه ذخیره مرخصی است. از آنجا که بر اساس ماده ۳۵ قانون کار، مزد عبارت است از وجوه نقدی یا غیر نقدی و با مجموع آنها که در مقابل انجام کار به کارگر پرداخت می شود، پس مبنای

مراجعی که باید قانون را اجرا کنند و کارفرمایان را از بابت امتیاز جازدن حقوق قانونی، مواخذه کنند، بارائنه تفسیری واژگون از تصریحات قانون، همین نیمچه حقوق را هم بی اعتبار می کنند و تیشه به ریشه قانون می زنند. دستور العمل شماره (۳) اداره کل تنظیم و نظارت بر روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از همین جنس است. در قانون کار، موادی یافت می شوند که صراحت آنها برای مجریان واضح است. به هر صورت نمی توان آنها را به طریقی تفسیر کرد که صراحت الفاظ به کار گرفته شده توسط قانونگذار یا ارجاعات مندرج در متن قانون، نقض شوند. برای نمونه قانونگذار در ماده ۳۴ مقرر می دارد که کلیه دریافتی های قانونی که به اعتبار قرارداد کار به کارگر پرداخت می شوند، "حق السعی" نام دارند؛ حال اگر وزارت کار و ادارات کار، مزایای غیر نقدی که برابر ماده ۳۵ همین قانون بخشی از مزد هستند، را از شمول تعریف حق السعی خارج کنند و بر مبنای آن آیین نامه و بخشنامه بنویسند یا رأی صادر کنند، مرتکب تخلف شده اند. در نتیجه کارگر می تواند از رأی یا دستور العمل صادر شده به مراجع بالادستی شکایت کند و ابطال آن را خواستار شود. در مورد مرخصی های قانونی هم، قانونگذار در ماده ۶۴ برای کارگر و کارفرما تکلیف می کند که مرخصی استحقاقی ۳۰ روز در سال است. مرخصی استحقاقی به این معناست که کارگر می تواند ۳۰ روز را با دریافت حقوق و استفاده از دیگر مزایای این قانون، بدون داشتن دغدغه "کسر از حقوق" در محل کارگاه حاضر نشود؛ البته در مواردی کارفرمایان با مرخصی کارگر برای ۳۰ روز در سال مخالفت می کنند و لذا ماده ۶۴ اسلیقه ای اجرا می کنند. در این موارد، قانونگذار برای جلوگیری از تضییع حق کارگر، ماده

کارگاه مطالبات مربوط به مدت مرخصی استحقاقی کارگر به وی و در صورت فوت او به ورثه او پرداخت می‌شود. ماده ۶۴ هم مرخصی‌های قانون سالانه را به محاسبه بر اساس مزد، گره می‌زند. با این رأی هیات عمومی دیوان، همه دریافتی‌های کارگر ملاک محاسبه مرخصی‌های قانونی قرار می‌گیرد؛ لذا از این پس، هیچ مرجعی حق کاهش حقوق مکسب کارگر را نخواهد داشت.»

■ اقدام چالش آفرین وزارت کار

اقدام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برای تفسیر متن قانون در یک دستورالعمل من درآوردی، از این جهت برای آینده حقوق کار چالش آفرین است که رویه‌های غلط و تفسیرهای مداخله‌گر ایانه کارمندان از متن قانون را غالب می‌گرداند. در همین حال باید توجه داشت؛ از آنجا که دستورالعمل شماره (۳) اداره کل تنظیم و نظارت بر روابط کار، ۱۳ سال پس از ابلاغ آن، در سال جاری، به تازگی ابطال شده است، آثار تفسیرهای غیرقانونی سال‌ها به جامی ماند و قشر وسیعی از کارگران را متضرر می‌کند. باید از وزارت کار پرسید؛ چرا در این ۱۳ سال اقدامی برای ابطال این آیین‌نامه انجام نشد و اداره کل روابط کار منتظر ورود شاکه و مرجع بالادستی برای ابطال آن شد؟

قرار می‌دهند. به همین دلیل علی‌رغم تصریحات قانون، مرخصی‌های آنها به سنوات بعد منتقل نمی‌شود؛ به بیان عامیانه "در جاسوخت می‌شود".

■ قدمی در جهت احقاق حقوق کارگران

با این همه تنظیم‌گیری قانونگذار و رأی هیات عمومی دیوان عدالت اداری وضعیتی را پیش آورده‌اند که کارگر بتواند بر مبنای مزد خود، به ازای ۳۰ روز در سال، از ذخیره مرخصی بهره‌مند شود. دبیر کل خانه کارگر با اشاره به رأی شماره‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴ هیات عمومی دیوان عدالت اداری که بر ابطال دستورالعمل شماره (۳) وزارت کار، صحنه می‌گذارد، به این‌گونه گفت: «خوشبختانه دیوان عدالت اداری به خواسته آقای سعید کنعانی، وکیل محترم خانه کارگر، در حوزه دفاع از حقوق کارگران ستم‌دیده، این رأی را صادر کرده است. قضات دیوان با هوشمندی به مواد ۷۱ و ۶۴ قانون کار استناد کرده‌اند، تا دستورالعمل شماره (۳) را ابطال کنند.» علیرضا محجوب افزود: «متأسفانه در این دستورالعمل مزایا و سایر دریافتی‌های کارگر به هنگام پرداخت دیون مرخصی کارگر متوفی، نادیده گرفته شده‌اند؛ درحالی‌که ماده ۷۱ قانون کار مقرر داشته که در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کار یا بازنشستگی و از کارافتادگی کلی کارگر و یا تعطیلی

اساس ماده ۴۳ اسحقاق دریافت مزد برای روزهای جمعه و تعطیلات رسمی و مرخصی را دارند و مزد آنها هم نباید کمتر از "حداقل مزد" مصوب شورای عالی کار باشد. در مورد کارگرانی که مشمول ماده ۳۵ قانون کار می‌شوند هم وجوه نقدی و غیرنقدی که به ازای کار پرداخت می‌شوند، مبنای محاسبه ذخیره مرخصی قرار می‌گیرند. با این حال نباید فراموش کرد که بر اساس ماده ۶۶ قانون کار، کارگر نمی‌تواند بیش از ۹ روز از مرخصی سالانه خود را برای سنوات بعد ذخیره کند.

■ سوخت شدن ذخیره مرخصی با غفلت کارگر

در این میان، بسیاری از کارگران، بدون توجه به طلب ایجاد شده از ناحیه ذخایر قانونی خود، در پایان سال، بر گره تسویه حسابی را که کارفرما مقابل آنها می‌گذارد و به اجبار از آنها امضای خواهد را امضا می‌کنند و اینگونه دست کارفرما را برای پرداخت نکردن حق خودباز می‌گذارند؛ بدین ترتیب کارفرما پس از ۳۰ سال کار، به کارگری که خواهان تسویه ذخایر مرخصی است، اعلام می‌کند که شما تسویه کرده‌اید و حقی برای مطالبه ندارید؛ هیات‌های رسیدگی ادارات کار هم غالباً بر گره تسویه حسابی را که با امضای کارگر سندیت یافته، ملاک صدور رأی



در سوگ مرگ‌های جانگاہ، مرگ‌های الکی

امید کریمی

جمعیت نالان است، گریان است، مویه می‌کند، فریاد می‌زند، سوزناک صدا می‌زند: «ریحانه... مهشاد...» صدای بازمانده‌های دو تازه در گذشته از این غم جانگاہ، در هم می‌پیچد و گم می‌شود. مداح توصیه برای نماز شب اول قبر دارد...
پیکر «مهشاد کریمی» راز و دتر می‌آورند، «الله اکبر» نماز میت را حجت الاسلام والمسلمین دعایی می‌خواند و بعد: «رحم الله من یقرا الفاتحه من الصلوات» فغان خانواده مهشاد به آسمان می‌رود، صدای مداح در فریادها گم می‌شود؛ دوستان و همکاران ناله می‌کنند، خانواده فریاد می‌زند... قطعه ۲۵۵ بهشت زهرا مملو از چهره‌های رسانه‌ای است که آمده‌اند رفقاییشان را بدرقه کنند.

خانواده‌ها این‌ها را نمی‌شناسند، همکاران کمی دورتر از مزارها ایستاده‌اند، خانواده مهشاد کریمی، سوزناک، آخرین خداحافظی رامی کند که از آن طرف صدای مداح دوباره بلند می‌شود؛ پیکر «ریحانه یاسین» ی را آورده‌اند، دورتر، در حوالی آمبولانس بهشت زهرا همسرش همچنان می‌بهد؛ بهراد مهرجو، بهراد عزیز... «با فاصله پشت تابوت صف بیندید...» «الله اکبر» و دوباره صف پشت سر حاج آقا دعایی شکل می‌گیرد و پس از پنج تکبیر، جمعیت به سمت تابوت هجوم می‌برد «خواهش می‌کنم دور بایستید، خانواده آخرین وداع را با عزیزشان بکنند... فریادها به آسمان می‌رود، زنی فریاد می‌زند: «پس دیگه کی از نزدیک ببینمش؟!» دوست ریحانه است. دوستان ریحانه، همکارانش، همه هستند. ایستاده‌ایم کنار قبر دوستان مان، همه آنهایی که در همین قطعه به خاک آرمیده‌اند «تاریخ فرهنگ معاصر ایران اینجاست...»

تابوت ریحانه هم مانند مهشاد روی دوش محیط بانان به به سمت مزار می‌رود... «قبر ریزش کرد؟! و فغان و ناله‌ها به فریاد بدل می‌شود، «قبر ریزش کرد؟!»... می‌گویند ریزش قبر در فرهنگ ما نماد واپس زدن است، نماد نپذیرفتن خاک، نماد ناحق بودن مرگ تازه در گذشته، نماد باور ناپذیر بودن مرگ انسانی که چند متر آن طرف‌تر در آستانه رفتن به آرامگاه ابدی است. «سکوت کنید، تلقین را بخوانم...» و فریادها به زور به مویه‌های آرامی بدل می‌شوند که در انتظار یک تلنگر است «سنگ لحد را بیاورید...» فریادها، فریادها، فریادها... همین تصاویر را باید تکرار کنید، برای ۵ سرباز معلم زاهدانی که ۱۲ ساعت پس از حادثه اتوبوس خبرنگاران در نطقه، در یزد به مرگ سلام کردند، در حادثه‌ای مشابه، در اتفاقی همین قدر دردناک و اسف‌بار.

۲۷ ماه قبل

شهر یور ۹۷، هنوز تحریم‌های ترامپ به اوج خود نرسیده بود، هنوز دولت پول داشت برای احیای دریاچه ارومیه خرج کند و البته مسئولان ستاد احیای دریاچه از سازمان برنامه و بودجه ناراضی بودند که چرا پس از انتخابات ۹۶ هیچ بودجه‌ای برای انتقال آب اختصاص ن داده است. اما ستاد احیای دریاچه ارومیه پس از ۴ سال و نیم تلاش، می‌خواست

به خبرنگاران بگوید اوضاع احیای دریاچه چگونه است و در دولت دوم تدبیر و امید باید در انتظار چه روندی باشیم. پس از پیاده شدن از هواپیما، سوار مینی‌بوسی شدیم که فقط یک شوخی تلخ را در پی داشت؛ «با این زنده بر می‌گردیم؟» ساعتی بعد، حسن ظهروی به تیم اضافه شد و او هم همین جمله را فهماند: «به مقصد نمی‌رسیم.» آن روز همین تونلی که خبرنگاران محیط زیست سه روز پیش دیدند و گفته‌اند فقط ۸۰۰ متر تا پایان فاصله دارد، در نیمه اولیه مسیر بود. آن سفر، مثل خیلی از سفرهای دیگر، به خیر گذشت، اما آخرین سفر ۲۱ خبرنگار محیط زیست، در چهارشنبه ۲ تیر ۱۴۰۰، کابوس‌وارترین و مرگبارترین سفرشان بود؛ همگی با یک پرواز رفتند، دونفر جان باختند، چهار نفر در بیمارستانی در ارومیه ماندگار شدند و بقیه با تابوت رفقاییشان به تهران برگشتند؛ مصیبت بالاتر از این؟

چرا خودشان سوار شدند؟! ■

می‌گویند «تقصیر خودشان است، چرا سوار شدند؟!» مثل این است که بپرسید «چرا خودشان در کلاس سوختند؟!» مگر ما ایرانی‌ها در همه این سالها که ادعای توسعه داریم و همه دولت‌ها مان مدعی هستند همه امکانات رفاهی را بر ایمان فراهم کرده‌اند، ندیده‌ایم این همه مرگ غیر مترقبه؟ مرگ الکی، مرگ‌های الکی؟ در آذرودی ۹۸، اتوبوس اتوبوس تصادف می‌کردند و می‌سوختند و واژگون می‌شدند، اما فریادهای بازماندگان در هیاهوی حادثه دلخراش هواپیمای اوکراینی گم شد. نمونه برای مرگ‌های دلخراش الکی بسیار است؛ هیچ وزیر آموزش‌شی و پرورشی نیست که در دوران کاری‌اش حداقل یک آتش‌سوزی در مدارس را تجربه نکرده باشد، آیا همه مدارس ما ایمن شدند؟ کدام وزیر راه و شهرسازی، حادثه مرگبار قطار و سقوط هواپیما در عمر کاری‌اش تجربه نکرده است؟ ایمنی هوایی وریلی مان ارتقا یافته است؟ سقوط پلاسکو و آن فاجعه مبهوت‌کننده، بزرگ‌ترین و کاملترین تیم بررسی و حقیقت‌یاب را داشت، همه سوانح دلخراش ملی، دستور بالاترین مقامات را برای بررسی علت و علل و برخورد با مقصران را در پی دارند، آیا اتفاقی افتاد؟ آیا همه آسمان‌خراش‌ها ایمن شدند؟ آیا همه دستورهای بررسی و تیم‌های حقیقت‌یاب به کاهش حوادث مرگبار قابل پیش‌گیری منجر شده است؟

همه چیز درباره سویه دلتای کرونا

نادیا زکالوند

بسیاری از ایالت‌های متحده آمریکا از محدودیت‌های کرونا خلاص شده بودند و به مردم اجازه بازگشت به نوع زندگی پیش از عالم‌گیری کوید ۱۹ داده شده بود. اما کرونای دلتا که جهش جدیدی از کوید ۱۹ است در حال به هم زدن شرایط جدید است.

روند کند واکسیناسیون با گسترش سویه جدید کوید ۱۹ متخصصان بهداشت و درمان را نگران کرده است تا جایی که آن‌ها تصور می‌کنند، کوید ۱۹ به این سادگی قرار نیست دست از سر مردم جهان بردارد. این جهش تازه کروناویروس با نام B.1.1.7، اولین بار در هند پیدا شد و اکنون بنابه گفته سازمان جهانی بهداشت به بیش از ۷۰ کشور دیگر هم سرایت کرده است. متأسفانه این جهش جدید کرونا، نه تنها قدرت بیماری‌زایی و انتشار بالایی دارد، بلکه افراد مبتلا را شدیدتر بیمار می‌کند. این موضوع برای افرادی که هنوز واکسینه نشده‌اند یا واکنش ایمنی ضعیف‌تری در برابر ویروس کرونا دارند بسیار نگران‌کننده است.

■ علایم ویروس کرونای دلتا

پزشکان چینی دریافتند که کرونای دلتا سراسر کشورشان گسترش یافته است و علایم آن در افراد مبتلا بسیار شدیدتر از کرونای ویروس جدید است. تب در این بیماری معمول است و مقدار تکثیر کرونای دلتا در بدن فرد مبتلا بسیار بالاتر از چیزی است که در شروع این عالم‌گیری مشاهده شده است و فرد مبتلا پس از ۳ یا ۴ روز به شدت مریض می‌شود. در بریتانیا در حال حاضر ۹۱ درصد موارد دلتا از نوع کرونای دلتا است و این بیماران علایمی چون سردرد، گلودرد و آبریزش

بینی دارند. جوان‌ترها هنگام ابتلا به کرونای دلتا ممکن است احساس سرماخوردگی داشته باشند اما این ویروس را به افرادی که در خطر ابتلای شدید هستند منتقل کند. همچنین افراد مبتلای بدون علامت هم می‌توانند این ویروس را به دیگران سرایت دهند. افراد باید مراقب علایمی مانند سرفه، تنگی نفس، سردرد، خستگی، از دست دادن حس بویایی یا چشایی باشند.

■ سرایت پذیری کرونای دلتا

ایالات متحده آمریکا و بریتانیا ۴۳ درصد از جمعیت خود را کاملاً واکسینه کرده‌اند. اما کرونای دلتا در این چند هفته اخیر موارد ابتلا در بریتانیا را افزایش داده تا جایی که مسئولان بهداشت بریتانیا را نگران کرده است. افزایش مبتلایان به کوید ۱۹ در هند هم مشاهده شده است و کرونای دلتا در این کشور قربانی بسیاری داشته است. به همین دلیل کارشناسان به این نتیجه رسیده‌اند که سرایت‌پذیری این نوع از کوید ۱۹ بسیار بالاست. در واقع کرونای دلتا ۴۰ درصد بیشتر از کرونای آلفا سرایت‌پذیر است.

■ شدت بیماری‌زایی کرونای دلتا

شواهد اولیه نشان داده است که کرونای دلتا خطر بستری شدن در بیمارستان را بیشتر از کرونای آلفا بالا می‌برد.

همچنین بررسی‌های سازمان بهداشت عمومی بریتانیا روی بیش از ۳۸ هزار نفر مبتلا به کوید ۱۹ نشان داد که کرونای دلتا، ۶۱ درصد بیشتر از کرونای آلفا خطر بستری شدن افراد در بیمارستان را بالا می‌برد. این وضعیت نشان می‌دهد کرونای دلتا می‌تواند شدت بیماری را در مقایسه با کرونای آلفا بسیار افزایش دهد.

بررسی‌های نشان داده است کرونای دلتا بیشتر افرادی را گرفتار و راهی بیمارستان کرده است که هنوز واکسن کرونا دریافت نکرده‌اند. این نتیجه نشان می‌دهد که وقتی افراد در برابر کوید ۱۹ کاملاً واکسینه شوند، حتی کرونای دلتا نمی‌تواند آن‌ها را چنان بیمار کند که در بیمارستان بستری شوند.

■ واکسن‌های کوید ۱۹ و کرونای دلتا

شواهد دیگری نشان می‌دهد که واکسن‌های کوید ۱۹ می‌توانند از پس کرونای دلتا برآیند.

در تحقیقی روی ۲۰ فرد که دوز کامل واکسن فایزر-بیون‌تک دریافت کرده بودند، بدن آنها به اندازه کافی پادتن برای مقابله و خنثی‌سازی عملکرد انواع جهش‌های کرونا، از جمله دلتا را داشت. این موضوع نشان می‌دهد که واکسن‌های فعلی می‌توانند فرد را

در برابر کرونای دلتا مقاوم کنند. بررسی‌های دیگر روی اهمیت واکسیناسیون تاکید دارد، به‌ویژه اکنون که کرونای دلتا به سرعت در حال گسترش است. محققان موسسه فرانسیس کریک در لندن گزارش داده‌اند که واکنش ایمنی بدن افراد پس از دریافت دوز اول فایزر-بیون‌تک نمی‌تواند به اندازه سویه اولیه کرونای جدید در برابر کرونای دلتا قوی باشد. بنابراین لازم است که واکسیناسیون افراد تکمیل شود و آنها هر دو دوز واکسن را دریافت کنند تا در برابر کرونای دلتا مقاوم شوند. وقتی افراد کاملاً واکسینه شوند، در برابر کرونای دلتا ۸۸ درصد ایمن باقی می‌مانند که البته این ایمنی در برابر کرونای آلفا بیش از ۹۳ درصد است. اما اگر افراد یک دوز واکسن دریافت کرده باشند، فقط ۳۳ درصد در برابر کرونای دلتا ۵۰ درصد برابر کرونای آلفا ایمن خواهند بود. افرادی که واکسیناسیونشان تکمیل نشده است و آن دسته از افرادی که نقص ایمنی دارند یا مسن هستند در معرض خطر ابتلا به کرونای دلتا قرار دارند. همچنین افراد بالای ۸۰ سال یا کسانی که دچار سرکوب سیستم ایمنی بدن هستند، باید کاملاً مراقب این نوع کرونا باشند، چراکه در صورت ابتلا، بیماری آنها بسیار شدید خواهد بود یا حتی ممکن است جان خود را از دست بدهند.

■ کرونای دلتا و ادامه محدودیت‌های

کرونایی

کارشناسان بهداشت ایالات متحده آمریکا، وضعیت بریتانیا را همچون هشدار تلقی کردند و در تلاش‌اند که این اتفاق (گسترش کرونای دلتا)، اوضاع فعلی کشورشان را به هم نریزد. بریتانیا به دنبال افزایش موارد ابتلا به کرونای دلتا، قصد دارد پایان

محدودیت‌های کرونا را چند هفته به تعویق اندازد.

طرح جوانی جمعیت به دلیل ایرادات فراوان همچنان سرانجام نامعلومی دارد

طرح جنجالی که جمعیت را به حاشیه برد

ساناز باقری راد

این گزارش آمده است: «اینکه آیا طرح حاضر [جوانی جمعیت و حمایت از خانواده] علی رغم هدف مطلوب خود توانسته ساز و کارهای لازم را در این خصوص پیش بینی نماید یا خیر باید گفت به نظر می رسد که طرح پیش رو حاوی برخی مسائل و چالش هایی است که بدون در نظر گرفتن این موارد و حل آنها، تحقق هدف مورد نظر را مشکل می نماید و از طرف دیگر می تواند منجر به فضای بی اعتمادی در جامعه نسبت به وعده های مقرر در قوانین شود. از این رو در این رابطه چند نکته کلی و تخصصی حائز اهمیت است که تحقق اهداف این مصوبه را با چالش مواجه می نماید». در ادامه این گزارش ضمن اشاره به اهمیت مسئله جمعیت، در ۴ بخش ایرادات کلی طرح تشریح شده است. در قسمت اول ذیل عنوان «مسئله جمعیت و ضرورت پرداختن به آن» به موانع پیش رو خانواده ها در موضوع فرزندآوری اشاره شده است.

■ ایراد شورای نگهبان به ابهام در منبع مالی

طرح جوانی جمعیت

همچنین در این بخش با تاکید بر ضرورت رفع دغدغه های اقتصادی و فرهنگی خانواده ها، آمده است: «طرح حاضر تلاش نموده ارائه برخی خدمات اقتصادی و کمک های مالی مناسبی را پیش بینی نماید، اما با بررسی منابع پیش بینی شده، امکان اجرایی شدن این موارد محل تردید جدی است. لذا با عنایت به عدم ورود دولت جهت رفع مشکل در قالب پذیرش بار مالی طرح و یا ارائه لایحه بهتر بود با کاهش حجم مواد طرح و ارائه نوعی اولویت بندی، ساز و کارهای مناسبی جهت تحقق بار مالی آن مدنظر قرار می گرفت». در بخش دوم این گزارش ضمن اشاره به جزئیات بار مالی طرح، این نکته به عنوان

در مجلس نهم و دهم باشکست رو به رو شده است؛ چرا که طرح «افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت کشور» در مجلس نهم پس از چندین مرتبه رفت و برگشت بین مجلس و شورای نگهبان، به دلیل عدم تطابق با سیاست های کلی جمعیت کنار گذاشته شد. طرح «تعالی جمعیت و خانواده» نیز با وجود تصویب در کمیسیون فرهنگی مجلس دهم به دلیل نبود وحدت رویه و فهم نادرست از موضوع جمعیت، به سرانجام نرسید. اما حالا این طرح جوانی جمعیت و خانواده نیز با وجود دغدغه نمایندگان در مجلس یازدهم، به زعم اکثر کارشناسان به سرانجام طرح مجلس نهم دچار شده است. یعنی همان اختلاف نظر بین شورای نگهبان و مجلس. در همین زمینه اردیبهشت امسال شورای نگهبان پس از بررسی طرح مزبور با بیان ایرادات و ابهامات فراوان، طرح را به مجلس اعاده کرد. در همین راستا، برخی از کارشناسان و فعالان حوزه جمعیت بر این باورند، این طرح به دلیل جنجال آفرینی و گنجاندن برخی مواد غیر کارشناسی نقض غرض است و شورای نگهبان به استناد نظرات کارشناسان دلسوز، اجازه تصویب چنین طرحی را نمی دهد. بنابراین با وجود اینکه فرسایشی شدن سیاستگذاری در این حوزه به صلاح مسئله جمعیت نیست، اکثر فعالان این حوزه منتظرند دولت سیزدهم پس از روی کار آمدن، برای تدوین لایحه ای مبتنی بر نظرات کارشناسان اقدام کند.

■ ایرادات عمده شورای نگهبان به طرح

جوانی جمعیت

چندی پیش مجمع مشورتی و حقوقی پژوهشکده شورای نگهبان در گزارشی ۱۳۳ صفحه ای، نسبت به ایرادات و نواقص طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده اعلام نظر کرد. در ابتدای

طرح جوانی جمعیت که اسفندماه سال ۹۹ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید، به دلیل اشکالات و ایرادات فراوان از سوی شورای نگهبان رد شد و همچنان سرانجام نامعلومی دارد. یک دهه از هشدار کارشناسان جمعیت در خصوص تغییر ناگهانی ساختار سنی سپری شده است. ماحصل کنش سیاست گذاران این حوزه نیز، تدوین طرحی موسوم به «جوانی جمعیت و حمایت از خانواده» در مجلس یازدهم است. البته این طرح بر اساس فوریت زمانی بارای نمایندگان جهت استفاده از ظرفیت کمیسیون های خاص برای تسریع در فرآیند قانون گذاری با استناد به اصل ۸۵ قانون اساسی به کمیسیون مشترک واگذار شد. بر اساس اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در موارد ضروری مجلس می تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون های داخلی خود واگذار کند، در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می کند، به صورت آزمایشی اجرامی شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. در همین راستا، اسفندماه سال ۹۹، بارای نمایندگان مجلس مدت زمان اجرای آزمایشی این طرح ۷ سال تعیین شد. اما حال به نظر می رسد شورای نگهبان نسبت به برخی رویکردهای طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، نظر مساعدی ندارد. بسیاری از فعالان حوزه جمعیت نیز چشم انتظار روی کار آمدن دولت سیزدهم هستند تا دولت جدید، تدوین لایحه ای با پشتوانه نظرات کارشناسان را از ابتدا مدنظر قرار دهد.

■ سرگذشت پر پیچ و خم طرحی برای جوانی

جمعیت

فرآیند قانون گذاری در مسئله جمعیت پیش از این



مزبور باشد، لکن به طور قطع چنین امری نمی تواند توجیه گر ایجاد ساز و کارها و دخیل نمودن مراجع نامرتب باشد. از سوی دیگر همانگونه که در بررسی جزئیات این طرح به وضوح مشخص گردید، مفاد طرح حاضر از حیث ادبیات تقنینی و عبارت پردازی های صورت گرفته واجد ابهامات و موجد کج فهمی های متعددی است که باعث شده کمتر ماده و یا حکمی با ابهام روبرو نشود و این حجم از اشکال باعث شده تا به صراحت بتوان گفت طرح حاضر نسبت به اصول قانونگذاری و قانون نویسی صحیح که مورد تأکید سیاست های کلی قانون گذاری قرار گرفته است کاملاً بیگانه است.»

به نظر می رسد شورای نگهبان نسبت به برخی رویکردهای طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده، نظر مساعدی ندارد. از سوی دیگر با توجه به اذعان اکثر جمعیت شناسان، فرصت سیاستگذاری برای جلوگیری از بحران پیری جمعیت محدود است. بنابراین انتظار برای تصویب این طرح غیر کارشناسی به مصلحت مسئله جمعیت نیست. در همین راستا بسیاری از فعالان حوزه جمعیت، چشم انتظار روی کار آمدن دولت سیزدهم هستند تا دولت جدید تدوین لایحه ای با پشتوانه نظرات کارشناسان و اجتناب از رویکرد پلیسی را از ابتدا مدنظر قرار دهد.

و اشکالات اساسی فرآیند موجود، طرح حاضر نتوانسته نسبت به رفع این ایرادات و عدم ایجاد ایرادات جدید گام جدی بردارد. اما در مقابل باعث شده تا اندازه زیادی اهداف اصلی طرح حاضر با پرداختن ناقص به این امور به حاشیه رانده شود. موضوعاتی که اساساً پرداختن به آن در قوانین آزمایشی که علی الاصول به دلیل عدم طرح در صحن علنی و در حقیقت خالی دیدن میدان از مخالفین و صاحب نظران منجر به نتیجه مطلوبی نخواهد شد و مناسب بود این موضوعات در طرح هایی مجزا مورد توجه قرار می گرفت.» پژوهشگرده شورای نگهبان در انتهای این قسمت از گزارش معایرت طرح جوانی جمعیت با سیاست های کلی سلامت و قانون گذاری سخن گفته و در این بخش آورده است: «از جمله نکات کلی دیگری که ناظر به طرح حاضر وجود دارد نادیده انگاشتن نقش وزارت بهداشت به عنوان متولی سلامت در بسیاری از حوزه های مربوط به بهداشت می باشد. این در حالی است که مطابق بند «۱-۷» سیاست های کلی سلامت بر «تولیت نظام سلامت شامل سیاستگذاری های اجرایی، برنامه ریزی های راهبردی، ارزشیابی و نظارت توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» تأکید شده است. اگر چه این نادیده گرفتن می تواند ناشی از وضعیت فعلی یا متداول حاکم بر وزارتخانه

یکی از چالش های اساسی این سند عنوان شده است. در ابتدای این قسمت آمده است: «نکته مهمی که ناظر به مصوبه حاضر وجود داشته و تحقق اهداف این قانون را با چالش جدی مواجه می نماید، بار مالی ایجاد شده توسط مصوبه از یکسو و از طرف دیگر عدم پیش بینی منابع لازم جهت تحقق اعتبارات مورد نیاز می باشد. در این رابطه لازم است به بار مالی ایجاد شده توسط طرح پرداخته شود. گفتنی است ارائه تخمین قابل قبول از هزینه های این طرح مستلزم در اختیار داشتن برآوردی از ابعاد گروه های مختلف مخاطب طرح بر اساس مطالعات جمعیتی می باشد که متأسفانه در این زمینه برآورد دقیقی صورت نگرفته است.»

■ **ماجرای جنجالی غربالگری و دو قطبی کردن مسئله جمعیت**

در ادامه این بخش ضمن اشاره به مواد جنجالی طرح جوانی جمعیت، تحت عنوان «پرداختن به مسائل پرچالش و در عین حال کم اثر در افزایش جمعیت» آمده است: «از جمله مسائلی که طرح آن در مصوبه حاضر باعث ایجاد نوعی فضای دو قطبی شده است، موضوعات مربوط به سقط جنین، غربالگری و پیش گیری از بارداری می باشد که ادله موافقین و مخالفین در خصوص این موضوعات در گزارشات قبلی ارائه گردیده است. این در حالی است که علی رغم ایرادات

نحوه بازگشایی مدارس چالش جدی دولت بعد سال تحصیلی آینده در هاله ای ابهام!

آزاده سهرابی

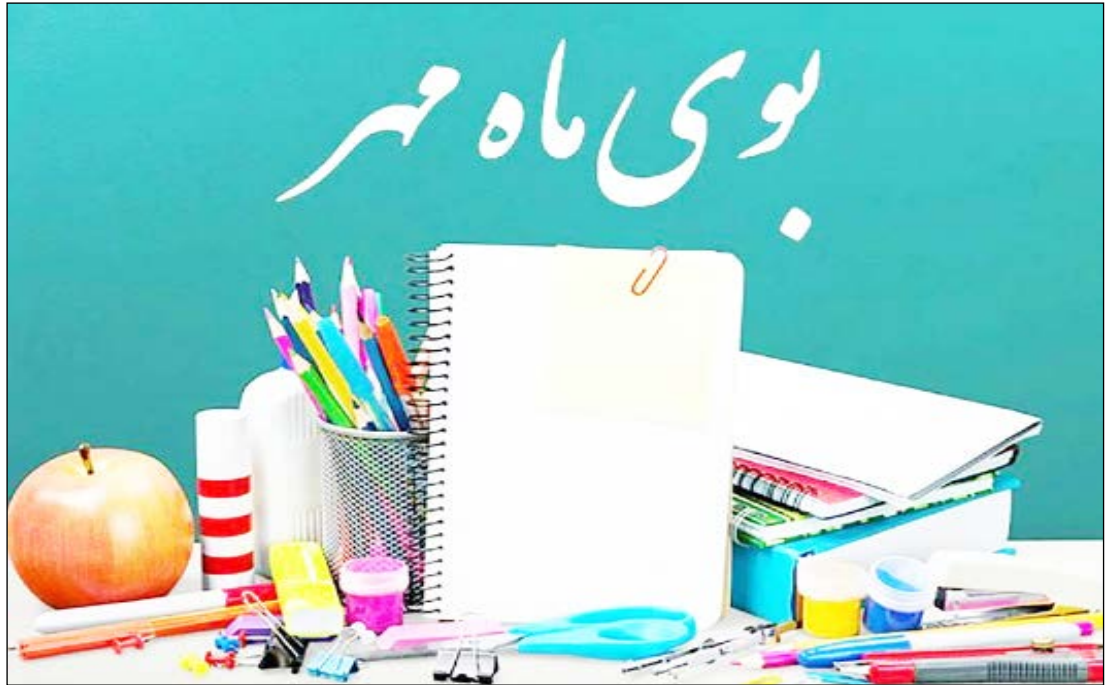
مهرماه باید آغاز شود. این در حالی است که سال گذشته، ۱۵ شهریور سال تحصیلی آغاز شد. این بازگشایی با اصرارهای وزیر آموزش و پرورش به وقوع پیوست و با شکست خوردن این طرح (عملاً کل سال تحصیلی گذشته مدارس در تعطیلی بودند و کلاس‌ها مجازی) دلیل شروع سال تحصیلی ۱۵ روز زودتر هم مشخص نشد و سودی که عاید آموزش و پرورش شد و احتمالاً خسارانی که متوجه مردم شد! حالا هم مدتی است محسن حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش در هر کجا سخنی می‌گوید از اصرار این وزارتخانه بر حضوری بودن آموزش‌ها در سال تحصیلی آینده.

وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم در شهریورماه در وزارتخانه مستقر می‌شود تا شیوه برگزاری سال تحصیلی بعد را اجرایی کند و شاید بهتر است اعلام شود سال تحصیلی بعد از آبان آغاز می‌شود. حدود یک ماه دیگر دولت دوازدهم جای خود را به دولت سیزدهم می‌دهد. باید حداقل یک ماهی را برای معرفی، گرفتن رأی اعتماد و استقرار وزرای دولت سیزدهم در نظر گرفت. در خوشبینانه‌ترین حالت اواخر شهریور ماه وزیر آموزش و پرورش دولت سیزدهم در ساختمان شهید رجایی مستقر می‌شود و این خود بزرگترین چالش پیش روی آموزش و پرورش در این روزهاست. سال تحصیلی جدید از

بازنشسته و... نیز در این لیست هستند؟ می‌دانیم که بار مهمی از آموزش در مدارس بر دوش معلمان رسمی به تنهایی نیست! از سوی دیگر گرچه واکسیناسیون معلمان تأثیر مهمی در حضوری شدن آموزش‌ها دارد اما برای آن بخش دیگر نگرانی‌ها از جمله حضور تعداد زیادی دانش‌آموز در کنار هم و در ساعات زیاد چه تدابیری اندیشیده شده که خانواده‌ها از کرونا مصون بمانند؟ این‌ها پرسش‌های مهمی است که در کف جامعه وجود دارد به طوری که این روزها اکثر والدین برای ثبت نام که مراجعه می‌کنند مدارس می‌گویند احتمال زیاد حداقل در سه ماه اول سال تحصیلی آموزش‌ها مجازی خواهد بود! این تناقض‌ها در سخنان مسئولان آموزش و پرورش مبنی بر حضوری شدن آموزش‌ها در سال تحصیلی آینده و آنچه مردم در کف میدان عمل حس می‌کنند، بزرگ‌ترین آسیب‌رابه اعتماد مردم می‌زند. در این میان مشخص است که ریل

رعایت پروتکل‌های بهداشتی در مدارس و عدم شفاف بودن میزان ناقل بودن بچه‌ها حکایت دارد و از سوی دیگر نگرانی‌ها بابت ابتلای خانوادگی و عدم دسترسی به مراکز درمانی و بهداشتی و یا حتی این سوگیری اشتباه در مردم که مدرسه از محیط‌های خانوادگی و... پرخطرتر است. باز از سوی دیگر واکسیناسیون در کشور ما با کندی پیش می‌رود و علیرغم تأکید مسئولان بهداشتی برای واکسیناسیون معلمان تا پیش از شروع سال تحصیلی اما هنوز این مهم عمیاتی نشده است و حتی وزارتخانه آموزش و پرورش هیچ اعلامی نکرده که آیا وزارت بهداشت لیستی از معلمان از این وزارتخانه گرفته است؟ اولویت بندی واکسیناسیون معلمان و ساز و کار آن مشخص شده است؟ آیا این وزارتخانه فقط در مقابل معلمان رسمی مسئولیت قبول می‌کند یا معلمان حق‌التدریس، معلمان نهضتی، سرباز معلم‌ها، معلمان خرید خدمات، معلمان

همان حرف‌هایی که طی دو سال تحصیلی گذشته که از کرونا متأثر است، مدام مطرح بود. همه ذی‌نفعان آموزش و پرورش، متولیان و کارشناسان آموزشی نیز از همان روزهای شیوع کرونا اعلام کردند که عدم حضور بچه‌ها سر کلاس‌های درس، دوری آنها از مدرسه، این میزان حضور بچه‌ها در خانه، حضور مداوم و بی‌وقفه آنها در فضای مجازی و... نه تنها اولویت نیست بلکه آسیب‌های بیشماری دارد اما در عمل هم تجربه شد که با وجود همه اینها اولیا و دانش‌آموزان و حتی معلمان شرط سلامت را در این روزها نسبت به آموزش و تربیت در اولویت قرار داده‌اند که نشانه واضح آن را در عدم گلاویه یا حتی مطالبه والدین برای بازگشایی مدارس می‌توان دید. این در حالی است که در اکثر کشورهای دنیا تقریباً از آخرین مکان‌هایی که با بیک‌های کرونا به تعطیلی می‌روند مدارس است. این تفاوت نگاه در عدم اعتماد والدین و حتی معلمان از



به مدارس بفرستیم یا در ساعت‌های شیفته! هنوز نمی‌دانیم در چه صورت مدارس باید تعطیل و در چه شرایطی باید بازگشایی شوند. هنوز نمی‌دانیم آیا اقلیم در مدل بازگشایی تأثیرگذار است یا نه. هنوز نمی‌دانیم آیا سرویس مدارس باید فعال باشند یا به کل باید آنها را تعطیل کنیم تا اولیا بچه‌ها را به مدرسه ببرند. هنوز نمی‌دانیم حمل و نقل عمومی در شرایط بازگشایی مدارس باید چگونه در خدمت دانش‌آموزان باشد. هنوز ساز و کاری نداریم که دقیق بگویید اگر کرونا تداوم داشت از لحظه خروج دانش‌آموز از منزل تا رسیدنش به مدرسه کدام مسئول، چه مسئول یتی دارد. هنوز بچه‌ها به خوبی آموزش ندیده‌اند تا در قبال رعایت پروتکل‌های بهداشتی مسئولیت پذیر باشند. هنوز هم نگاه به دانش‌آموزان در تمام سطوح تحصیلی یکسان است و به طور کلی هنوز نگاه آموزش و پرورش‌های والدین صفر و صدی است! این در حالی است که به واقعیت می‌توان دریافت ما هیچ‌گاه به دوران آموزش پیش از تجربه گسترده آموزش مجازی باز نخواهیم گشت و مدل تأثیرگذاری این آموزش‌ها بر مدل آموزش و پرورش پسا کرونا مشخص نیست.

گرچه آموزش و پرورش تلاش کرد آموزش تعطیل نشود اما اخبار خوبی از ترک تحصیل کرده‌ها، عدم قوت آموزش‌های مجازی و رخ دادن یادگیری واقعی در میان دانش‌آموزان و تجهیز زیرساخت‌ها برای رعایت حداکثری پروتکل‌ها برای آموزش حضوری به گوش نمی‌رسد. هنوز هم مدارس همان تجهیزات و روندی را دارند که تا پیش از این داشتند و گویی خبر کرونا به گوش مدارس هم نرسیده و این را می‌شود از سر زدن به مدارس در روزهای ثبت نام فهمید! شاید حتی فرصت مهر و آبان زمان خوبی برای مرور یادگیری‌ها در دوران کرونا باشد و زمانی برای بازگشت جدی بچه‌ها به چرخه آموزش پر قدرت‌تر! واقعیت این است مدارس و معلمان برای بازگشایی مدارس آماده نیستند. هنوز نمی‌دانیم تهیه ماسک به عهده والدین است یا مدارس. نمی‌دانیم برای زنگ‌های تفریح چه تمهیدی می‌توان به کار بست که بچه‌ها حداکثر فاصله اجتماعی را داشته باشند و مسئول این مراقبت‌ها دقیقاً کدام فرد در مدرسه است. هنوز نمی‌دانیم کاهش ساعت حضور بچه‌ها در مدرسه معنی اش رعایت پروتکل‌ها نیست. هنوز نمی‌دانیم باید بچه‌ها را زوج و فرد

گذاری برای هر آنچه در سال تحصیلی آینده در پیش است به عهده وزیر فعلی آموزش و پرورش اما اجرای آن بر دوش وزیر دولت سیزدهم است که همانطور که اشاره شد در خوش‌بینانه‌ترین حالت در شهریورماه مستقر می‌شود که فرصت‌ها برای برنامه‌ریزی‌ها و اعلام تصمیم‌ها از دست رفته است. لزوم شفاف‌سازی در خصوص بازگشایی مدارس توسط دولت سیزدهم شاید اینجاست که باید از رئیس‌جمهور دولت سیزدهم خواست به طور شفاف درباره برخی حوزه‌ها از جمله در بحث بازگشایی مدارس که اهمیت فراوانی دارد، سخن بگوید تا وزیر دولت دوازدهم بدانند در همان مسیر باید ریل گذاری صورت بگیرد یا حداقل اعلام شود در این باره سخنی گفته نشود که با سیاست‌های دولت بعد در تناقض قرار بگیرد. این موضوع از سردرگمی مردم پیشگیری می‌کند و همچنین دادن اطلاعات ضد و نقیض به مردم. چه بسا بهتر باشد امسال اعلام شود که سال تحصیلی از آبان‌ماه آغاز می‌شود تا دولت سیزدهم بتواند یک برنامه‌ریزی منسجمی برای سال تحصیلی داشته باشد. متأسفانه در این دورانی که در کرونا به سر می‌بریم

انحراف چند هزار میلیاردی در تسهیلات «حمایت از تولید» «فروشگاه‌های زنجیره‌ای» به نام کارگران به کام واردکنندگان

پیام عابدی

دستور کار قرار گیرد. «زنده باد کارگر» از دهانشان نمی‌افتد در کل بدون عارضه‌یابی از دلایل فرار سرمایه از تولید، عدم درک تبعات پافشاری بر تولید مجموعه‌ای از کالاها که امکان رقابت‌پذیری با نمونه‌های خارجی را ندارد و با حمایت نکردن بازارهای عرضه محصولات از تولیدکنندگان، نمی‌توان از بیکاری کارگران و پایین آمدن سرانه درآمد آن‌ها عارضه‌یابی کرد؛ اما چه می‌شود که به یک باره بسیاری از دستگاه‌های اداری، توزیع‌کنندگان زنجیره‌ای و شهرداری‌ها، پس از اعلام شعار سال جدید، عکس کارگران را بر دیوارهای اماکن و تابلوهای اعلانات شهری نصب می‌کنند و شعار «زنده باد کارگر» از دهانشان نمی‌افتد؟ در این سال‌ها، حمایت از اشتغال کارگر و نه رفاه وی که مولفه‌ای کلیدی در اقتصادهایی با «تولید ناخالص داخلی» بالا، رشد مستمر و تورم پایین است، به شعار دستگاه‌ها و نهادهایی تبدیل شده که سیستم مالی کشور را با تأسیس بانک و مؤسسات مالی و اعتباری به دست گرفته‌اند و هزاران میلیارد تومان پول را در قالب تسهیلات ارزی و ریالی برای تشویق «حامی‌پروری» میان ذی‌نفعان توزیع می‌کنند. دلیل شکل گرفتن چنین ساز و کاری را می‌توان در میانگین رشد اقتصادی نزدیک به صفر و منفی شدن نرخ تشکیل سرمایه جستجو کرد. در نتیجه جابجایی سرمایه جای تولید سرمایه را گرفته است. اینکه می‌شنویم ایران ۲۵۰ هزار میلیارد دارد و میانگین رشد تعداد میلیاردرها بیش از ۳ برابر میانگین جهانی است و از این

به دامان ستادهای استانی «کارگروه تسهیل، و رفع موانع تولید» شده‌اند، با چنین وضعیتی مواجه هستند. به نظر می‌رسد که حمایت کاغذی، همایشی و نمایشی از تولید، خود به مانع یا به قول تبلیغات‌چی‌ها، «زنجیر به پای تولید» تبدیل شده است. بدین ترتیب به جای اینکه با کم کردن بوروکراسی اداری، که هدف نهایی شعار تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها است، زمینه تأمین مالی و متصل شدن کسب و کارها به بازارهای مطمئن و پایدار را فراهم کنند، به اعتبار فن‌نخ نما شده ابلاغیه‌سازی، تورم ابلاغیه ایجاد کرده‌اند؛ البته نباید برخی همکاری‌های کارگروه تسهیل، و رفع موانع تولید را با کارگاه‌ها از قلم انداخت؛ همکاری‌هایی که توانستند از طریق صدور دستور پرداخت تسهیلات (تسهیلات تکلیفی)، موقتاً موتور برخی از خطوط تولید را روشن کنند اما راه انداختن کلینیک‌های صحرایی، صدور دستورهای اداری و برگزاری نمایش‌های سازمانی، از، از میان رفتن ثبات شغلی کارگران و تخته شدن درهای کارخانه‌جات جلوگیری نمی‌کنند. در نتیجه با تورم ساختن قوانین و سنگین کردن بار گفتمانی، نمی‌توان از سقوط کارگاه‌های جوان و حتی قدیمی که توان بازار یابی، خرید مواد اولیه، رقابت و نیازسنجی مشتریان را از دست داده‌اند، جلوگیری کرد. نباید فراموش کرد که «رفتارهای نمایشی» مشوق بی‌انضباطی و قطع ارتباط تولید با فضای واقعی اقتصاد هستند؛ به همین دلیل کمک مبتنی بر نیازسنجی به جای تزریق هدرمندان منابع که عاری از هرگونه فنون مسئله‌یابی است، باید در

در اینکه قوانین حمایت از تولید بتوانند در مقابل ساز و کار چند لایه جابجایی ثروت، از کارگران و تولیدکنندگان حمایت کند، تردیدهای جدی وجود دارد. به نظر می‌رسد که چنگ انداختن به نام کارگر و واژه‌سازی با دغدغه‌های او، بهترین ساز و کار برای مشروعیت بخشیدن به فن‌دخل و تصرف و انحصاری ساختن ثروت، در دست ۲۵۰ هزار میلیارد نورچشمی است. «حمایت از تولید؛ شعار تا عمل» به نظر می‌رسد این عنوان، در میان عناوین همایش‌های دهان پرکن گرامیداشت «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» از قلم افتاده است. این روزها خیلی کم می‌بینیم که حمایت از تولید و اشتغال کارگران از شعار فراتر رود؛ نشانه‌ای از اینکه «تولید» به دلیل بازدهی پایین اقتصادی، دغدغه‌مندان شعارزده را به سوی خود جذب نمی‌کند؛ البته هیچ اداره دولتی یا بانکی را پیدا نمی‌کنید که در ارتباط با نوع فعالیت‌هایشان، حمایت از تولید و «آزاد کردن زنجیرها از دست و پای تولید» را با نصب بنرهای رنگارنگ و در چشم‌زن، به رخ عابرن نکشند. به احتمال فراوان روسای این ادارت در سربرگ «تولید؛ پشتیبانی‌ها، مانع‌زدایی‌ها» ده‌ها ابلاغیه در این مورد به بخش‌های تابعه خود ارسال کرده‌اند تا بتوانند در انتهای سال ۱۴۰۰، فهرستی بلندبالا را از عملکرد خود، در مقابل دوربین‌ها رونمایی کنند. اگر از تبلیغات فراتر برویم، با انبوه کارگاه‌های کوچک و متوسط و کارگران و کارفرمایان در مانده‌ای مواجه می‌شویم که از این ابلاغیه‌ها جزء نام چندتایشان چیزی نشنیده‌اند. هزاران کارگاه که تعداد زیادی از آن‌ها دست

همراه

تصمیم به اخراج کارگران خود بگیریم. با توجه به کاهش ۷۰ درصدی فروش خود نسبت به مدت مشابه در سال قبل، امکان پرداخت دستمزدهای کارگران خود را نداریم؛ در حالی که بیشترین این کارگران از اقشار محروم جامعه هستند و به نان شب خود محتاجند. این در شرایطی است که شرکت ما به نیت افزایش فروش، تعداد کارگزاران را افزایش داد اما حالا این فروشگاه فروش تلفن همراه را ترجیح می‌دهد. «وی با بیان اینکه چندین تولیدکننده بزرگ و کوچک با این فروشگاه طرف قرارداد هستند، افزود: «این رفتار تمامی این تولیدکنندگان را متضرر ساخته است؛ در حالی که چشم امید ما به قراردادمان و استفاده غیرمستقیم از تسهیلات حمایتی بود. ظاهراً این فروشگاه قصد تغییر رویه خود را ندارد و به سود عرضه تلفن همراه به قیمت پایین‌تر از بازار چشم دوخته است؛ در حالی که روزی که طرف قرارداد شدیم وانمود می‌کرد که تنها دغدغه حمایت از تولید و معیشت کارگران را دارد! اگر قرار بود که به نحوی عمل کنند که تولیدکننده زیان ببیند، باید از همان ابتدا تکلیف ما را روشن می‌کرد؛ نه اینکه پای موبایل‌های وارداتی را به فروشگاه خود باز کند و تسهیلات بانکی را منحرف سازد.»

قوانین حمایت از تولید اجرا می‌شوند؟

در سال‌های اخیر، مصوبات متنوعی با نگاه به کارگران در حمایت از تولیدات داخل وضع شدند؛ البته تنها معدودی از آن‌ها جنبه بازدارنده دارند. برای نمونه می‌توان به دستورالعمل اجرایی «قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و حمایت از کالای ایرانی» اشاره کرد. در این دستورالعمل جرایمی چون انفصال از خدمت و جریمه نقدی در نظر گرفته شده است که با توجه به میزان جرم، تعیین می‌شوند اما در اینکه قانون واقعاً بتواند در مقابل این ساز و کار چند لایه جایجایی ثروت، از کارگران و تولیدکنندگان حمایت کند، تردیدهای جدی وجود دارد. در این میان به نظر می‌رسد که چنگ انداختن به نام کارگر و واژه‌سازی با دغدغه‌های او، بهترین ساز و کار برای مشروعیت بخشیدن به فن دخل و تصرف و انحصاری ساختن ثروت، در دست ۲۵۰ هزار میلیاردی نورچشمی است.

مدیران برخی از این فروشگاه‌ها که وابسته به نهادهای مختلف هم هستند؛ نهادهایی که بعضاً بانکدار هم هستند و در دیگر امور اقتصادی هم دستی دارند، با استفاده از این منابع کارت‌های مشتریان خود را از محل تسهیلات حمایت از تولید تا سقف مشخصی شارژ می‌کنند؛ در ازای اینکه صرفاً تولیدات داخلی را عرضه کنند و تنها برای تحقق شعار سال، گام بردارند اما آرام آرام با قراردادهایی که با نمایندگی شرکت‌های خارجی و بطور مشخص، تولیدکنندگان مطرح تلفن‌های همراه در جهان، می‌بندند، مشتریان خود را به جای خرید کالاهای تولید داخل به سمت خرید تلفن همراه سوق می‌دهند. یکی از تولیدکنندگان طرف قرارداد به یکی از این فروشگاه‌های زنجیره‌ای مطرح در این مورد، می‌گوید: «شرکت ما از سال‌ها پیش با یکی از این فروشگاه‌ها که وابسته به یکی از نهادهای ثروتمند کشور است، وارد همکاری شد. به همین دلیل تعداد کارگران خود را افزایش دادیم و به ده‌ها تن رساندیم. محصول ما چند سال در شعب این فروشگاه عرضه شد اما در سال‌های اخیر شاهد تغییر سیاست‌های این فروشگاه هستیم. مدیران ارشد این فروشگاه، تسهیلات چند ده میلیون که منابع آن را در قالب تسهیلات چند هزار میلیاردی از محل منابع «حمایت از تولید» در اختیار گرفته‌اند، در کارت خرید مشتریان خود شارژ می‌کنند. از آنجا که واردکنندگان تلفن همراه که با آن‌ها قرارداد دارند، محصولات خود را به زیر قیمت بازار عرضه می‌کنند، مشتریان عضو این نهاد هم از فروشگاه‌های آن، تلفن همراه می‌خرند.» این تولیدکننده افزود: «یکی از شعب بزرگ این فروشگاه، در یک روز حدود ۴۰۰ میلیون تومان موبایل فروخت؛ در حالی که تعداد زیادی از این مشتریان تسهیلات حمایت از تولید را خرج خرید چند موبایل خارجی می‌کنند و بعد به دلیل اختلاف قیمت با بازار، آن‌ها را می‌فروشند و چند میلیون تومان بر روی هر تلفن همراه سود می‌کنند. اینگونه به جای اینکه تسهیلات بانکی خرج حمایت از محصولات تولیدکنندگان داخلی شود به جیب شرکت‌های خارجی می‌رود. این سیاست موجب شده که ما به عنوان تولیدکننده

لحاظ در رتبه چهاردهم جهان قرار دارد، به دلیل توزیع تهاجمی رانت است که البته به نام حمایت از کارگر مفلوک ایرانی و تولیدکننده بی‌نوی کارگاه‌های کوچک تمام می‌شود. در چارچوب این ساز و کار مالی ویرانگر، علاوه بر اینکه تعداد زیادی بانک و موسسه مالی و اعتباری به عنوان موتور جایجایی سرمایه، به اعتبار تغییر کاربری رستوران‌ها، شیرینی‌فروشی‌ها، میوه‌فروشی‌ها و سبزی‌فروشی‌ها در هر کوی و برزن سبز شده‌اند، هزاران فروشگاه زنجیره‌ای در قالب «هایپرمارکت» به وجود آمده‌اند. در نتیجه بافت شهری شهرهای ایران، بدون این دو عنصر رانتی، قابلیت‌های نمایی خود را از دست می‌دهد.

رانتجویی فروشگاه‌ها به نام حمایت از کارگر در دهه ۷۰، ۸۰ و حتی تا اوایل دهه ۹۰ برای دسترسی به شعب فروشگاه‌های بزرگ باید مسافت زیادی را می‌پیمودید اما امروز در هر محله در کنار مؤسسات مالی و اعتباری یا کمی آنسوتر شعب فروشگاه‌های زنجیره‌ای را هم می‌بیند. ظاهر شکل‌گیری فروشگاه‌های زنجیره‌ای در هر محله، حمایت از کارگران و اشتغال است. مدیران ارشد شعب مرکزی این فروشگاه‌ها، همواره در نشست‌های خبری افتخار ایجاد اشتغال برای هزاران نفر را به صورت مستقیم و میلیون کارگر را به صورت غیرمستقیم به سینه می‌زنند. آن‌ها ادعا دارند که محصولات بیشتر کارخانه‌ها و تولیدکنندگان کشور را به اشکال مختلف و با تخفیف‌های متنوع به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کنند. از ظاهر امر برمی‌آید که بخش توزیع در دست نورچشمی‌هاست؛ نورچشمی‌هایی که در قالب هلدینگ‌ها، علاوه بر فروشگاه، کارخانه، مجتمع کشت و صنعت، موسسه خیریه حمایت از کودکان کار و زنان بی‌سرپرست، کسب و کارهای روستایی، موسسه گردشگری، موسسه آموزشی، شرکت انبوه‌سازی و شرکت سرمایه‌گذاری هم راه‌انداخته‌اند. همین‌ها در یک هم‌پیوندی با بخش مالی و در چارچوب محقق ساختن اقسام ابلاغیه‌ها و قوانین پشتیبانی از تولید، میلیاردها تومان منابع بانکی را در قالب تسهیلات کم بهره، برای حمایت از تولید دریافت می‌کنند.

■ **سوق دادن مشتریان به سمت خرید تلفن**

of characteristics that distinguish him from all his former ministers at the Ministry of Foreign Affairs. He has served for more than two decades in the most important position at the foreign ministry and he has gained deep knowledge and expertise in this field. Supporting Palestine is one of the most important priorities of the Islamic Establishment, which had been pursued seriously by the people and leaders of the Islamic movement even before the victory of the Islamic Revolution. It is natural to expect from the foreign ministry to pursue a more distinguished mission in this area than in others.

However, in some years, the foreign ministry took on more of a passive stance towards the Palestinian issue and the Axis of Resistance, which has caused some concerns. For instance, the recorded remarks by former FM Mohammad Javad Zarif that were published in the Saudi-owned "Iran International" news outlet, showed him as trying to generalize the two poles of the field and politics related to Palestine and the regional developments that were created by him himself and get his own expected results from it.

This is while the priority of any government in ensuring national interests and security should be to pay attention to the changes in its vital environment; that is, the geography in which it is situated. The vital environment of the Islamic Republic of Iran is West Asia, the developments of which Iran, given its historical and civilizational antiquity, as well as its culture, beliefs, and solidarity, cannot be passive about.

The presence of a belligerent regime



officially established as a military garrison of domination in the region, as well as the intervention of the colonial powers in the region and their efforts to restrict the vital environment of the Islamic Republic, require Iran to make the most expenditure in this area. The Ministry of Foreign Affairs, for its part, must take measures to achieve these vital goals. But as Zarif has admitted, the foreign ministry under his leadership has not been much help in this regard. However, everything that has been achieved so far in various political arenas has been due to the presence and the serious pursuit of Iran's goals in the region.

Amirabdollahian, while serving as an advisor to the Speaker of the Iranian Parliament and the head of the Secretariat of the International Conference of the Palestinian Intifada for five years -- apart from his trips, meetings, interviews, and statements on Palestine -- has the following strategic measures to his name:

1- Pursuing the passing of a single article on "Quds as the eternal capital of Palestine" in the Iranian Parliament

2- Pursuing and registering an official document on holding a referendum in the UN

3- Pursuing the passing into law a bill against the hostile threats of the Zionist regime

4- Establishing a virtual Palestinian embassy

5- Presenting a plan to inscribe World Al-Quds Day in UNESCO (in progress)

6- Submitting the Zionist regime's apartheid plan to the Foreign Policy Commission to solve the issue regarding Iranian athletes' matches

7- Serving as managing director and editor-in-chief for the multilingual quarterly journal of Palestinian Strategic Discourse

8- Holding three extraordinary meetings of the PUIC Palestine Committee

9- Holding a webinar on Palestine for Inter-Parliamentary speakers

10- Serving as secretary of the Political and International Affairs Committee at the Society for the Defence of Palestinian Nation, and a founding member of the International Union of Adolescents and Youth Against Occupation

Who is Amirabdollahian, president's pick for next FM?

By: Ahmadreza Rouhollah Zad

Iranian President Ebrahim Raeisi has picked veteran diplomat Hossein Amirabdollahian as the country's next foreign minister. Here's a brief guide about his previous achievements.

Iranian President Ebrahim Raeisi has picked Hossein Amirabdollahian as the new Minister of Foreign Affairs. If he manages to win the Parliament's vote of confidence and become the next foreign minister, young and determined as he is, one might hope to see more efforts taken in line with implementing the Establishment's policies.

Despite perhaps appearing young for the position, he is experienced enough for this position to lead the country's foreign policy where it is intended to, with minimum error.

Dr. Amirabdollahian is a graduate of political science at all university levels and received his doctorate in international relations. Accordingly, he is fully acquainted with the theories of political science and political knowledge, which is not only an advantage but also a necessity for a foreign minister. That is why he has an advantage over many Iranian foreign ministers before him.

Amirabdollahian's thesis and dissertation were both on Iraq, and given his responsibilities in the Iraqi department of the foreign ministry, he has a relatively comprehensive knowledge of the political, religious,

and ethnic developments of the neighboring country. This can prove very helpful for Iran's relations with one of the most important countries in the region, the Arab world, and a member of the Axis of Resistance.

Amirabdollahian was the Ambassador of the Islamic Republic of Iran to Bahrain from 2007 to 2010, where he had the opportunity to pursue his passion for understanding the inner mechanism of the Persian Gulf Cooperation Council. Finishing his mission as an ambassador, he took charge at the Persian Gulf Political Administration to further extend his knowledge and experience in this field.

Amirabdollahian became the Director-General of the Persian Gulf and the Middle East at the Ministry of Foreign Affairs in 2006, and then from 2011 to 2016, he was the Deputy Minister of Arab and African Affairs, increasing his expertise in the field at a position just below the minister. During his tenure, more political efforts were made to strengthen the Axis of Resistance and he also extended connections with the West Asian region.

Since 2016, he has been working as an advisor to the Minister of Foreign Affairs, as well as an advisor to the Speaker of the Iranian Parliament, and was the Director-General of International Affairs at the

Parliament. His time as an advisor to the Parliament Speaker, Mohammad Bagher Ghalibaf, and serving as Director-General of the International Affairs at the Parliament further increased his experience in a field beyond West Asia. Although he was not yet well-known in the country's as well as the region's political arena, he successfully carried out several missions related to fields beyond the West Asian region due to his special genius and abilities.

He was appointed by Dr. Ghalibaf as the head of the secretariat of the International Conference of the Palestinian Intifada, which, allowed him to, in addition to organize the conference, hold communications with various political, religious, and parliamentary figures as well as some officials from a number of countries. He also gained more knowledge about the Palestinian issue and formed deeper connections with Palestinian activists and the Resistance while serving as the Secretary-General of the Assembly of Non-Governmental Organizations and Activists in Support of the Freedom of al-Quds. As such, one might expect the country's public diplomacy regarding Palestine and the Resistance would be pursued more vigorously with him as the next foreign minister.

Hossein Amir Abdollahian has a set



parliamentary elections
Representative of the Iraqi Parliament's factions Ali al-Azirjavi
There is no doubt that the developments in Iraq are not only an internal issue but also affect the developments in the region and the world

Ali al-Azirjavi, for his part, pointed to the recent developments in Iraq and the country's parliamentary elections, saying, "There is no doubt that the developments in Iraq are not only an internal issue but also affect the developments in the region and the world. Naturally, what is happening in Iraq also affects the region and vice versa. In recent years, the intervention of Western

countries to dominate the economy, politics and security of this country has been obvious. Even the Westerners used terrorists to create crises in this country. Obviously, these governments plan to influence the Iraqi elections."

"Iraq is a new democratic system with a parliamentary structure. It is obviously fundamentally different from other monarchical structures. Each of these roles in the Iraqi political structure will influence the future election process. Therefore, it is natural that all the countries in the region are waiting for the results of the Iraqi elections," he added.

Elsewhere in his remarks, he pointed to the influence of the

US in the country, saying, "US influence in Iraq occurred in 2003. It is natural that the structures and institutions formed by the American-backed groups in Iraq are based on the American approach, and this is an example of American influence in this country. They also tried to expand their influence in Iraq by creating ISIL and political, security and economic influence. In general, some of the events we are witnessing in Iraq today are the result of American influence and political behavior in the country, which has occupied Iraq since 2003."

Reported by Zahra Mirzafarjouyan

US role in delaying Iraqi parliamentary elections

By: Mohammad Mohajerani

During the meeting held in Tehran on recent developments in Iraq, the participants discussed the country's upcoming parliamentary elections.

Parliamentary elections are scheduled to be held in Iraq on 10 October 2021. The elections decide the 328 members of the Council of Representatives who will, in turn, elect the Iraqi President and Prime Minister.

The elections were scheduled for June 2021 but were delayed as the Independent High Electoral Commission asked for more time to organize "free and fair elections", which the cabinet of Iraq approved on 19 January 2021.

In this regard, a meeting to discuss the recent developments in Iraq and the country's upcoming parliamentary elections was held on Monday morning at Mehr News Agency with the presence of domestic and foreign journalists.

Senior analyst of West Asia Mehdi Shakibaei and representative of one of the Iraqi Parliament's factions Ali al-Azirjavi addressed the meeting.

US role in delaying Iraqi parliamentary elections

Senior analyst of west Asia Mehdi Shakibaei

Americans now see al-Kadhimi's government as a desirable government. Because they are trying to improve their situation in this country

Commenting on the latest developments in Iraq, Mehdi Shakibaei said, "Mustafa al-Kadhimi replaced Adil Abdul-Mahdi a year ago due to living problems and inefficiencies in the country's economy. Al-Kadhimi's special mission is to hold elections to determine Iraq's new political arrangement in parliament, followed by the appointment of a new prime minister. Since he became the Prime Minister of Iraq until today, we have witnessed a number of developments in Iraq, most of which focused on the fight against corruption as well as livelihood problems in Iraq."

"It should be noted that the formation of the interim government of al-Kadhimi was overshadowed by the terrorist act committed by the Americans; the assassination of Lt. Gen. Soleimani and Abu Mahdi al-Muhandis. In addition to the livelihood issue, the Iraqi people also had a serious demand for the withdrawal of the occupying

forces," he added.

He went on to say that the Americans, faced with the parliamentary law to leave Iraq, tried to stay in Iraq by managing public opinion as well as the Iraqi political scene.

"What is happening in the country now in the run-up to the elections is more about the Americans trying to stay in Iraq. The preferred Iraqi government for the Americans is one that can be in line with its policies in Iraq," Shakibaei noted.

Referring to the visit of al-Kadhimi to Washington, he said, "Americans now see al-Kadhimi's government as a desirable one. Because they are trying to improve their situation in this country. al-Kadhimi is also scheduled to talk with Biden on all of these issues during his visit. Both are very hopeful about the outcome of this trip. Although he did not want to stay in power at the beginning of his term as prime minister, it seems that he is trying to present himself as an important candidate. For this candidacy, he needs the support of the United States, so part of his mission in his trip to the United States is to gain the support of this country."

US role in delaying Iraqi

both sides and how to achieve it.

5. The parties see the Tehran meeting as a new opportunity to strengthen the political solution to the Afghan problem.

6. Both sides strongly condemn attacks on homes, schools, mosques, and hospitals, as well as the destruction of public facilities, demanding perpetrators be punished.

According to Mousavi, the points mentioned in the joint statement could be considered "the achievement of Tehran's initiative in the intra-Afghan dialogue, which has the logic and firmness required to take the next steps for peace in Afghanistan."

Mousavi also stressed that the Tehran initiative was different from other initiatives in terms of the concept, its internal logic and how long the plan had been in the making. "The Tehran Initiative considers peace to belong to the Afghan people and believes that the only way to achieving that is through intra-Afghan dialogue and that the role of foreign countries should only facilitate this process." He also added that the points included in the joint statement were another difference between the Tehran initiative and the others.

Participants at Tehran meeting on Afghanistan

The composition of those present at the Tehran meeting was different from that of other Afghan peace talks, including those hosted by Doha and Moscow, which signals the fulfillment of the Islamic Republic's call for resolving the Afghan crisis politically and with

the sole presence of Afghan groups.

The participants at the Tehran meeting on intra-Afghan talks were as follows:

Representatives of the Taliban: Shir Mohammad Abbas Stanekzai, Khairullah Khairkhah and Qari Din Mohammad Hanif

Representative of the Government of Afghanistan: Younis Qanuni (former First Vice President of Afghanistan)

Representatives of the Republican Party of Afghanistan consisting of people from the government, the nation, and domestic political dissident groups: Salam Rahimi (adviser to the President), Karim Khuram and Ershad Ahmadi (close to former President Hamid Karzai), Zaher Wahdat (Hezb-e Wahdat political party) and Mohammad Allah Batash (National Movement)

Pir Mohammad Malazehi, an expert on Afghanistan affairs, told Mehr News Agency in an interview that the participants at the Tehran meeting were within the government of Afghanistan but did not side with the current President of Afghanistan, Ashraf Ghani. "These people are of the opinion that Mr. Ghani is exercising a kind of ethnic monopoly and has rendered the government weak and gripped with corruption, and as such lacks legitimacy."

Abdul Reza Farjirad, former director-general of the Strategic Council on Foreign Relations, also told Mehr that the participants at the meeting were "mostly from the Afghan people."

India, Russia, Tajikistan,

Turkmenistan, and several European countries voice readiness to hold intra-Afghan talks

Sa'adollah Zarei, an expert on Middle Eastern affairs, told Mehr that these people chose to come to Iran even as many countries, including India, Tajikistan, Turkmenistan, and Russia, had voiced readiness to host the talks. "Even the Americans were insisting on holding the talks in Doha, but the two sides came to Iran and the meeting was held in Tehran."

Zarei went on to point out an important aspect in the Tehran meeting, saying "The Taliban agreed in the Tehran meeting that the term 'emirate' not be used in the statement. This is while the Taliban were very sensitive about the use of the term 'emirate' and had used the word in their talks with the Americans in Doha, and the Americans had accepted the use of the term and the formation of an emirate in Afghanistan by the Taliban."

On the other hand, some informed sources told Mehr that "the Taliban representatives at the Tehran meeting said that some European countries had also voiced their readiness to host talks between them and the Afghan government."

It seems that Iran's initiative in the first round of Tehran talks has been to the satisfaction of Afghanistan's domestic parties as well as international actors. It is likely that we will soon see the continuation of these talks in Tehran in the presence of other influential countries such as Pakistan, Russia, India, and China.

27, 2020.

The hidden clause in the Doha agreement: Protecting foreign forces

Many experts believe that there was a hidden clause in the Doha agreement under which the Taliban had pledged to protect foreign forces in Afghanistan.

Six months later, on September 12, 2020, Qatar hosted another meeting on Afghanistan peace talks, but this time the Afghan government was also present in the meeting. The second round of talks was held in Doha on January 9, 2021.

Following that, it was Russia's turn to host the meetings. Known as "Extended Troika", the meeting was held on March 18, 2021, with the participation of representatives from the Taliban, the Afghan government, Russia, the United States, China and Pakistan. In this round of talks, which coincided with the inauguration of US President Joe Biden, preparations were made for the next meeting in Istanbul, Turkey.

The sides reached an agreement in Moscow on two proposed dates for the Istanbul meeting: April 16 and April 24. However, in the absence of the Taliban, the meeting came to a standstill.

Following the failure of the diplomatic process, Joe Biden announced on April 13, 2021, that the US military would leave Afghanistan by September 11.

The US failed to achieve any of its goals in Afghanistan

Many experts believe that the withdrawal of US troops from Afghanistan is irresponsible,

because they came to Afghanistan with the aim of establishing a modern government as well as peace and security in the country, but failed to achieve any of these objectives in the end.

Shoaib Bahman, an expert on international affairs, said in an interview with Mehr News Agency that the Americans have been occupying Afghanistan for two reasons; "The Americans' first objective in Afghanistan was to fight terrorism, but eventually they had to sit at the negotiating table with the group they used to call terrorists, that is the Taliban. Therefore, this shows that their first objective was an utter failure."

As diplomatic processes failed one after another, the Taliban's military forces continued to cover more ground in Afghanistan, and there seemed to be no hope of reconciliation as all parties to the conflict in Afghanistan were getting ready for a full-scale civil war.

Tehran talks; an initiative like no other

On July 7, Seyed Rasoul Mousavi, Director General of the Department of South Asian Affairs at the Iranian Foreign Ministry, announced on his Twitter the visit of four high-ranking political delegations from Afghanistan to Tehran.

According to Mousavi, these four delegations included, "a delegation from the cultural commission of the Afghan parliament, a high-ranking political delegation from the Taliban, a high-ranking political delegation from the Republican party and a high-ranking delegation overseeing the process of citizen

identification."

This notable meeting that raised hopes for a political solution to the Afghan crisis was held on July 7 in the presence of Iranian Foreign Minister Mohammad Javad Zarif.

Speaking at the meeting, Zarif referred to the unfavorable results of the ongoing conflict in Afghanistan and deemed the return to the inter-Afghan talks and commitment to political solutions the best choice that the leaders and political parties in Afghanistan would make.

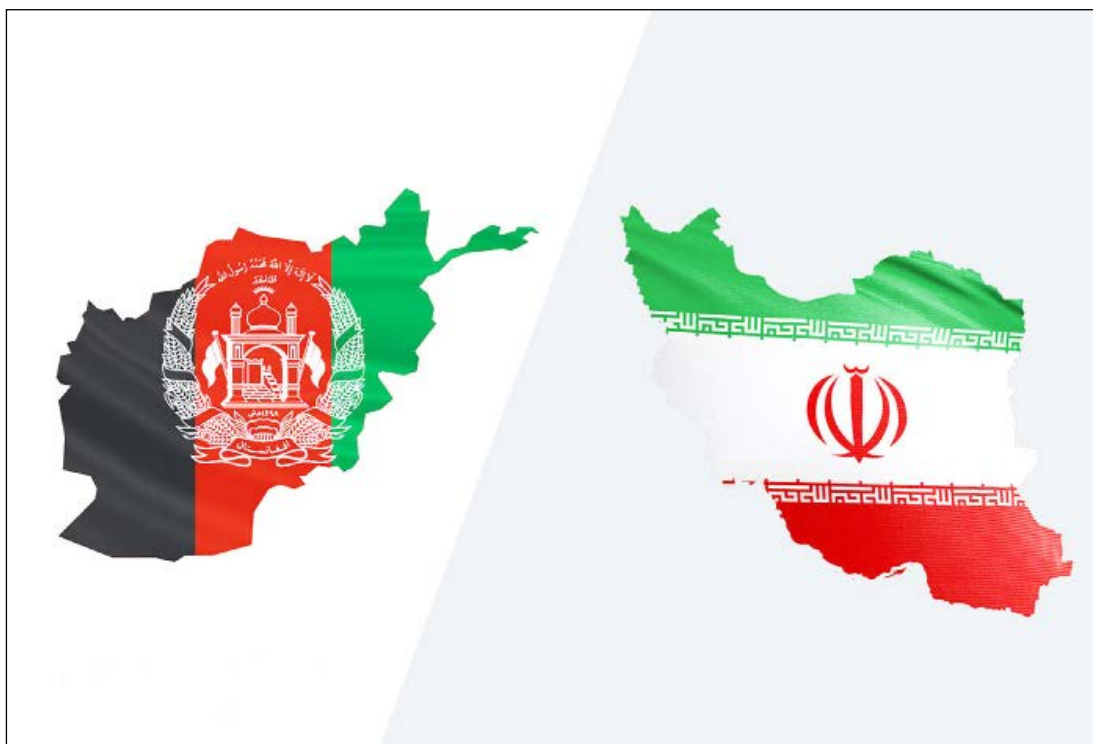
Zarif also voiced Iran's readiness to help facilitate the talks between the Afghan sides aimed at resolving the current conflicts plaguing the country.

The two-day meeting wrapped up with a six-point joint statement that included:

1. The delegations commend the hospitality and the efforts and goodwill of the Islamic Republic of Iran in securing peace in Afghanistan.
2. Both sides, in mutual understanding of the dangers and repercussions of continuing the war for the country, agreed that war was not the solution to the Afghan problem and that all efforts must be made to find a peaceful and political solution.
3. The talks took place in a cordial atmosphere and all issues were discussed explicitly and in full detail.
4. Both sides decided to discuss in the next meeting issues that needed further consultation and clarity, such as establishing a mechanism for the transition from war to permanent peace, an Islamic system agreed by

Hidden aspects of Tehran's peace initiative for Afghanistan

By: Mohammad Mohajerani



The composition of participants in the intra-Afghan talks in Tehran differed from that of any other talks in Doha or Moscow, heralding a political solution to the country's crisis with the participation of all Afghan groups.

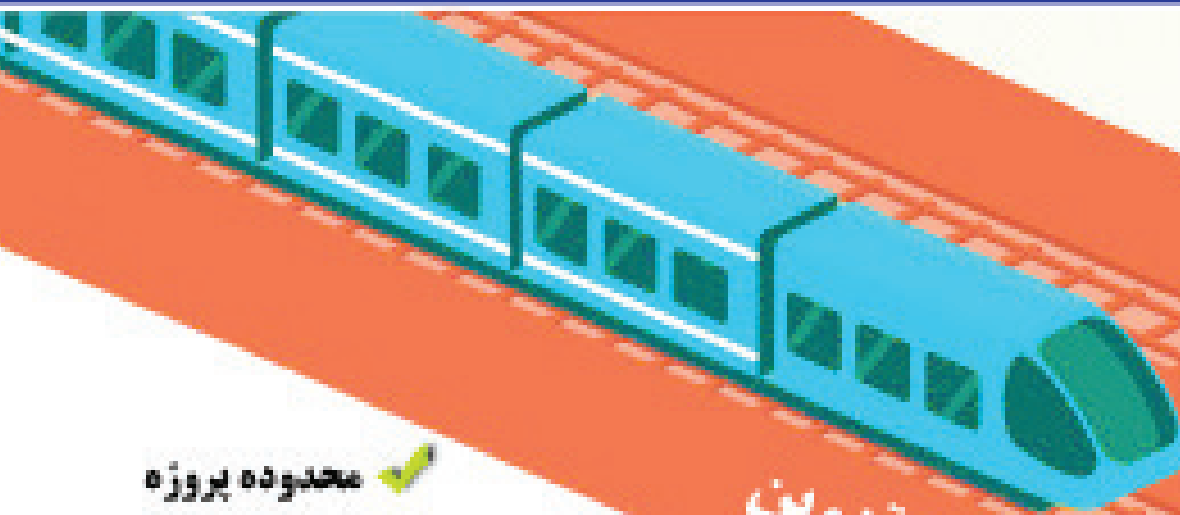
Twenty years after the US and its allies invaded Afghanistan, the international community has come to the conclusion that the only way to end the crisis in the country is diplomacy and political talks with the presence of all political parties and ethnic groups in Afghanistan.

The United States, whose presence

in Afghanistan has only ever led to insecurity, the spread of violence, and an increase in illicit drug cultivation and trafficking, has been making futile efforts over the years and under former President Obama to hold talks with various Afghan groups.

However, it was not until February 29, 2020, that the Americans reached an agreement with the Taliban to ensure their own security and interests while failing to take into account the legitimate government of Afghanistan and other influential parties in the country.

The agreement included the withdrawal of all US and NATO troops from Afghanistan, the Taliban's commitment to preventing al-Qaeda from operating in Taliban-held areas, and talks between the Taliban and the Afghan government. Under the agreement, the US would reduce the number of its troop from 12,000 to 8,600 and would then withdraw completely within 14 months if the Taliban lived up to its commitments. The US also pledged to close five of its bases within 135 days and consider lifting its sanctions on the Taliban by August



کرج - قزوین

افتتاح خط دوم راه آهن

✓ محدوده پروژه

استان البرز - قزوین

۱ افزایش ظرفیت جابجایی مسافر به میزان ۲۵۷ میلیون نفر کیلومتر در سال

۲ افزایش ظرفیت حمل بار به میزان ۱۹۶ میلیون تن کیلومتر در سال

۳ افزایش سرعت سیر قطار مسافری به میزان ۲۰ درصد (از ۱۱۵ km/h تا ۱۳۵ km/h)

۴ صرفه جویی سالانه ۱۲.۷۲ میلیون لیتر ناشی از کاهش مصرف سوخت

۵ صرفه جویی سالانه ۲۵۴ میلیارد تومان ناشی از کاهش مصرف سوخت

۶ افزایش ظرفیت حمل بار در کریدور شرق - غرب (اسرا و تازی به بندر شهید رجایی)

۷ افزایش ظرفیت حمل بار در کریدور شمال - جنوب (آستارا و تازی به بندر شهید رجایی)

۸ افزایش ایمنی سیر ناشی از عدم توقف و تلافی قطارها

۹ ایجاد ۱۶۵ نفر فرصت شغلی مستقیم و غیر مستقیم

آمارها

۱۰۳ طول مسیر (کیلومتر)

۹۳/۱۰/۱۷ تاریخ شروع

۷ تعداد ایستگاه

۳۵ تقاطعات مسیر (ایستگاه)

مبلغ کل پروژه (میلیارد ریال)

۵,۷۴۴,۰۳۲

مزایای پروژه

استفاده از **ماسک** توسط شهروندان و مسافران در ایستگاه های خطوط متروی تهران و حومه الزامی است .



شرکت مترو تهران و حومه